

بازشناسی ویژگی‌های امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین

مفهوم‌شناسی زیارت اربعین

بازخوانی ابعاد مختلف زندگی فخرالمادحین
مرحوم حاج حسین محلوچی

گذری بر حیات سیاسی و اجتماعی سردار شهید
حاج حسین همدانی

درس‌های مکتب حاج قاسم

اصول کار فرهنگی در هیأت

دلمه تنگ کربلاست
این روزا خیلی



يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هیأت

ماهنامه فرهنگی و مذهبی هیأت رزمندگان اسلام - ویژه نامه اربعین - مهر ۱۳۹۹



هیأت رزمندگان اسلام

ماهنامه فرهنگی-مذهبی

ویژه اربعین

سال پانزدهم- شماره ۱۲۳- مهر ۱۳۹۹- ۱۵۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

هیأت رزمندگان اسلام

رئیس شورای سیاستگذاری:

حجت الاسلام و المسلمین اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:

محمدصادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین عبدالرحمن سفیدی امین

سرمدبیر: حجت الاسلام محمدباقر نادم

دبیر تحریریه: سید مهدی ذهنی

همکاران تحریریه:

استاد محمد مهدی ماندگاری، استاد محمدرضا عابدینی، استاد سید محمد مهدی حسینی، فاطمه جمالی زاده، دکتر حسین محمدی فام، دکتر علی اکبر درخشنده، دکتر حسن رضوانی، حسین کایدی، محمد حسین دیانی، علی اکبر یزدیان، ابراهیم پورهمت، سید رضا حسینی، مرتضی نادم، زکیه نورپور، مهدی سیفی.

مدیر هنری: محمدصادق محمدیان

صفحه آرایی: مرتضی ابراهیم پور

حروف چینی: امیرحسین صفری

طراحی و تصویرسازی: کاظم سیفی

ویراستاری و نمونه خوانی: حسین کایدی و زکیه نورپور

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نیش خیابان فلسطین و زرتشت، پلاک ۵۵۴، واحد ۵

تلفن و نمابر: ۸۸۹۶۰۴۳۰-۸۹۷۸۰۳۱۳

نشانی اینترنتی: www.eheyat.com

بیانات رهبری و مباحث سیاسی

گزیده بیانات مهم امام خامنه‌ای در سخنرانی‌های مجازی اخیر

از توبه یک اشاره...

۸

تحلیل برخی از رویدادهای مهم جهان اسلام و میزان تأثیر آن بر منطقه

تحلیل اتفاقات اخیر جهان اسلام

۱۵

ویژه‌نامه اربعین و مناسبت‌های صفر

چه کسی عزاداری اهل بیت علیهم السلام را در ایران احیا کرد؟

۲۰

اقتباس و تلخیصی از کتاب «صلح امام حسن سلام‌الله‌علیه» شیخ راضی آل یاسین

صلح امام حسن سلام‌الله‌علیه آزمایشی پرمحنت و طاقت‌فرسا

۲۲

مفهوم شناسی فرازهای زیارت اربعین

۲۴

سلسله مباحث مقتل شناسی (۲)

۲۸

بررسی و معرفی آیین‌های عزاداری در مناطق سنی نشین ایران (۲)

۳۰

سبک زندگی دینی

احکام و آداب نذر شرعی

۳۴

پرونده‌ای در رابطه با آموزه‌های مکتب شهید قاسم سلیمانی

۳۶

مکتب حاج قاسم

ارزش و جایگاه خدمت، در مکتب تشیع

۳۸

یا اقتباس از کتاب ادب عاشقی

۴۰

آداب حضور در مجالس اهل بیت علیهم السلام

منبر و محتوا

- ۸۲ **بررسی خاستگاه تاریخی آیین تبلیغ و خطابه**
گفتگوی صمیمانه با حجت الاسلام و المسلمین حسین جوشقانپیان،
استاد مرکز تخصصی تبلیغ
- ۸۴ **رسانه‌ی منبر باید اربعین را در مقیاس جهانی ترسیم کند**
- ۸۷ **بازشناسی ویژگی‌های امام حسین سلام‌الله‌علیه در زیارت اربعین**
پاسخ به پرسش‌ها و شبهات قیام امام حسین سلام‌الله‌علیه
- ۸۸ **همراه با سفینه‌النجاة**

تجربه‌های هیأتی

- گفتگو با حاج نادر ادیبی مسئول هیأت رزمندگان اسلام استان البرز
- ۴۴ **در مدیریتم همیشه عاشق کار با جوانان هستم**
مصاحبه با حاج علی اکبر مداحی مدیرستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام
- ۴۸ **تجربه یک اربعین متفاوت**
- ۵۰ **اصول مدیریت فرهنگی در مجموعه‌های مذهبی**
تجربیات موفق هیأت داری در گفتگو با محمدرضا سلگی مسئول هیأت
جوانان عاشورایی شهرستان نهاوند
- ۵۲ **صمیمیت و تعامل، رمز موفقیت هیأت جوانان عاشورایی**

معرفی کتاب و محصولات فرهنگی

- ۹۲ **معرفی کتاب‌های محتوایی و کاربردی ویژه اربعین و مناسبت‌های ماه صفر**
پاتوق کتاب هیأت
- ۹۴ **معرفی محصولات فرهنگی و نرم‌افزارهای کاربردی**
- ۹۶ **معرفی برخی از مقتل‌های قابل استناد و غیرقابل استناد (۲)**

جهاد و شهادت

- نقش هیأت و عزاداری امام حسین علیه‌السلام در انقلاب و دفاع مقدس
- ۵۶ **روژه‌های جبهه‌هایادش بخیر...**
گذری بر حیات سیاسی و اجتماعی سردار شهید حاج حسین همدانی
- ۶۰ **وحشت تروریست‌های تکفیری از ابووهب**
گفتگو با روحانی آزاده و مدافع حرم حجت الاسلام عیسی نریموسی
- ۶۳ **مردانی که زیر ضربات کابل و باتوم سینه زدند**
گفتگوی اختصاصی با سردار علی فضلی فرمانده سابق دانشگاه افسری
امام حسین علیه‌السلام
- ۶۶ **روایت کسی که حاج قاسم به او لقب شهید زنده داده بود**

گزارش خبری

- ۱۰۰ **گزارش برگزاری مراسم‌های دعای ندبه هیأت رزمندگان اسلام**
ندبه‌ی انتظار
- ۱۰۲ **گزارش فعالیت‌های**
ستاد مرکزی و شعب استانی هیأت رزمندگان اسلام

شعر و مداحی

- برگزیده اشعار اربعین و مناسبت‌های ماه صفر
- ۷۰ **یک اربعین شعر**
بایسته‌های شعر آیینی در گفتگو با شاعر آیینی کشور سید محمد جواد
شرافت
- ۷۲ **جوانی که با نوحه امام جواد سلام‌الله‌علیه شاعر شد**
بازخوانی ابعاد مختلف زندگی فخر المادحین مرحوم حاج حسین محلوچی
- ۷۵ **یادی از یک پیشکشوت**
گفتگو با ابوذر بیوکافی، مداح جوان و نامدار این روزهای کشور
- ۷۸ **اشک و گریه باید جریان ساز باشد**

سرمقاله

حجت الاسلام محمد باقر نادم



تراژدی استکبار

«چهل» عددی آسمانی است که اسرار فراوانی در آن نهفته است و اربعین سنتی گرامی داشته شده نزد همه پیامبران و اولیای الهی بوده که با این اسم رمز معنوی آثار و میراث گرانبها و فراوانی به جا گذاشته‌اند. هرچند واژه «چهل» و «اربعین» به مفهوم عدد و کمیت در فرهنگ نامه‌های لغت آمده است اما چله نشینی و چله گرفتن در آداب اسلامی بیشتر ناظر به سیر و سلوک باطنی و تعالی روحی است. از این رو از دیدگاه عرفان اسلامی، اربعین و اربعینیات رمز ورود به وادی معرفت الله می‌باشد. گواهی این مدعا این است که انسان با عبور از چهل سالگی در زمره گُمَلین قرار گرفته و نسیان و معاصی خویش را نمی‌تواند به پای خامی و چهل جوانی توجیه نماید. در اهمیت مفهوم آسمانی اربعین و برکات عدد چهل امام باقر سلام الله علیه فرمودند: «کسی که جنازه‌ای را از چهار طرف حمل کند، خداوند متعال چهل گناه کبیره از او می‌بخشد» و امام رضا سلام الله علیه فرمودند: «هیچ بنده‌ای چهل روز اعمال خود را خالصانه به درگاه حضرت حق انجام نمی‌دهد، مگر اینکه خداوند متعال چشمه‌های حکمت را از قلب او برزانش جاری می‌سازد».

اما حال که سخن به اینجا رسید، بگذار صحبت عقل را واگذاریم و از زبان دل سخن بگوییم. چه گوارا بود آنگاه که ما هم فوج فوج به قافله زائران اربعین می‌پیوستیم و غرق در این مفاهیم عالی می‌شدیم و در موج این خروش عاشورایی جذب مغناطیس حسین سلام الله علیه می‌شدیم و صد دریغ که امسال در موعد قرار دلدادگی‌هایمان، زمینگیر قرنطینه‌ی عزلت شده‌ایم و در وانفسای خروشی جهانی، در دام ویروس منحوس کرونایی اسیر گشته‌ایم که ارمغان ایادی ابلیس برای دنیای مدرن قرن بیست و یکم است. کاش اکنون که جابر بن عبدالله نشدیم و پابوسی تربت یار نصیبمان نشد برای التیام دل‌های حسرت زده‌ی از فراق مان، فرزددق شاعر شویم و در وصف این جدایی، حدیث حسرت و غربت بسراییم: به تراز دور سلام... به سلیمان جهان؛ از طرف مور سلام...

سردبیر

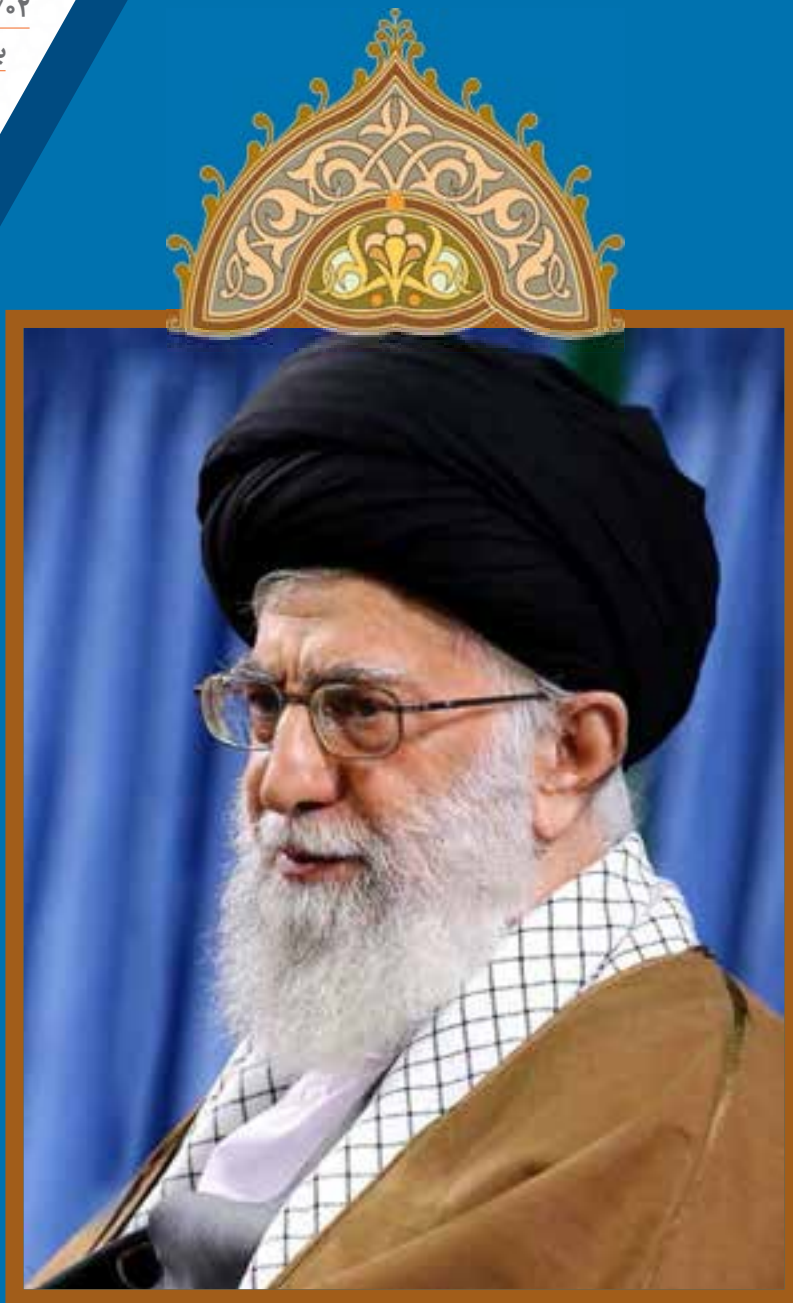


بیانات امام خامنه‌ای و مباحث سیاسی



از تو به یک اشاره..... ۸
تحلیل اتفاقات اخیر جهان اسلام ۱۵

یکی از اصول اساسی در تهیه و تدوین ماهنامه هیأت،
نصب‌العین قرار دادن فرامین امام خامنه‌ای می‌باشد.
براین اساس حسن مطلع ماهنامه را به بازخوانی
اهم بیانات معظم‌له در سخنرانی‌های اخیر
ایشان اختصاص دادیم. در ادامه گزیده این
بیانات به شرح ذیل ارائه می‌گردد: بیانات
در ارتباط تصویری با جلسه هیأت دولت،
۱۳۹۹/۰۶/۰۲؛ بیانات در ارتباط تصویری
با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش،
۱۳۹۹/۰۶/۱۱.



از توبه یک اشاره...

امتیازات انقلاب و نظام در قیاس با دولت آمریکا

۱. قدر دانستن خدمت در نظام جمهوری اسلامی

به همه دست‌اندرکاران و مسئولان کشور؛ چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه، چه در قوه مقننه، چه بخش‌های گوناگونی که در حاشیه این‌ها حضور دارند؛ خطاب می‌کنم که قدر خدمت در این نظام را بدانید. البته خدمت در همه‌جا با ارزش است؛ لکن خدمت کردن در جمهوری اسلامی علاوه بر این، یک نکته بسیار مهم دیگری دارد و آن، این است که خدمت، حرکت و کار شما به رونمایی از الگویی که اسلام برای جامعه‌سازی و برای مدیریت جامعه دارد نشان می‌دهد؛ کمک می‌کند. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۲. شکست الگوی سرمایه‌داری و محصولات تمدن غربی

تمدن غربی الگوهای مدیریت و جامعه‌سازی و نظام‌سازی و حکومت خود مانند کمونیسم، سرمایه‌داری - به اصطلاح لیبرالیسم و مانند این‌ها را به میدان آورد و نشان داد؛ اما امروز ثابت شده که این فراورده‌ها و محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده است. در آمریکا که قله باشکوه این الگوی غربی سرمایه‌داری است، ارزش‌های بشری دارد لگدمال می‌شود. علاوه بر این ارزش‌ها؛ حتی مسئله امنیت، سلامت، عدالت و مانند این‌ها هم در این الگوی مسلط غربی بیش از همه‌جا لگدمال می‌شود و طبق آمارهایی که خودشان می‌دهند در آمریکا جرم و جنایت از همه جای دنیا بیشتر است. فاصله طبقاتی وحشتناک است؛ تعداد و نسبت درماندگان و بی‌خانمان‌ها و فقرا در آمریکا بیشتر از همه‌جا است و از هر پنج کودک آمریکایی، یکی گرسنه است. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۳. درجه بالای انحطاط فکری در آرمان‌شهر غرب زده‌ها

ناامنی درونی شهرهای آمریکا در دنیا کم‌نظیر است؛ آمار جنایت‌های آمریکا عجیب و غریب است و انسان از شدت و افزایش این‌ها گیج می‌شود. علاوه بر این‌ها، قتل، غارت، جنگ‌افروزی، ایجاد ناامنی در دنیا جزو کارهای رایج آمریکا است. امروز در سوریه، فلسطین و یمن و دیروز در عراق و افغانستان و قبل‌تر از آن در ویتنام، هیروشیما و سراسر دنیا آثار جنایتکاری و جای پای آمریکا به وضوح مشاهده می‌شود. درجه بالای انحطاط فکری آن‌ها نیز از انتخاب‌هایشان پیداست. ببینید چه شخصیت‌هایی را به عنوان شخص اول آمریکا بر سر کار آورده‌اند که دنیا آن‌ها را رد و تحقیر می‌کند! این همان آرمان‌شهری است که غرب زده‌ها به عنوان یک نقطه برجسته و آرمان‌شهر به آن نگاه می‌کردند. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۴. ایمان، علم و عدل؛ سه عنصر اصلی الگوی اسلامی برای نظام‌سازی

اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از سه عنصر اصلی: ۱. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص. ۲. علم با گستره بی‌انتهای آن؛ یعنی هم علم الهی، هم علم طبیعی. ۳. عدل به معنای واقعی کلمه؛ یعنی هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی. این‌ها همان چیزی است که امام رحمه الله به ما یاد داده است. البته ما در هر سه بخش عقبیم و تحرک ما تحرک مناسب و شایسته‌ای نبوده است ولی می‌توان نشانه‌هایی از این الگوی صحیح اسلامی را در شعارها، اظهارها، جهت‌گیری‌ها، در حرکت‌هایی که در طول ۴۱ سال در جمهوری اسلامی صورت گرفته و در شخصیت‌سازی‌هایی که صورت گرفته مانند تربیت هزاران شهید نظیر بهشتی، رجائی، باهنر، مطهری و قاسم سلیمانی مشاهده کرد. مسئولان و کارگزاران با عملکرد خودشان می‌توانند این الگوی اسلامی را در چشم مردم جهان تبلیغ و برجسته کنند و یا به عکس، آن را از چشم‌ها بپندازند. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

امروز ثابت شده است که فراورده‌ها و محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده و ناکارآمد است. در آمریکا که قله باشکوه الگوی غربی سرمایه‌داری است، ارزش‌های بشری در حال لگدمال شدن است.

امروز باید توصیه مولای متقیان سلام‌الله‌علیه در خطبه ۳۴ را نصب العین جامعه اسلامی قرار دهیم: «غُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَذُونَ»؛ حضرت سوگند یاد می‌کند که اگر مؤمنان دست از یاری هم بردارند، شکست می‌خورند. گرچه خطاب به مردم آن زمان است، اما در واقع خطاب به کل بشریت است؛ بنابراین مؤمنین باید به هم کمک کنند، پشتیبان هم باشند، از یکدیگر دفاع کنند و همدیگر را یاری کنند. در همین خطبه حضرت خطاب به مردم می‌فرماید که «تُكَادُونَ وَ لَا تَكِيدُونَ»؛ آن‌ها علیه شما دارند طراخی می‌کنند، شما علیه آن‌ها طراخی نمی‌کنید. این سفارش باید در جامعه اسلامی اجرا شود؛ اگر چنانچه آن‌ها کید می‌کنند و علیه شما طراخی و نقشه‌ریزی می‌کنند، شما هم باید علیه آن‌ها نقشه بریزید، طراخی کنید و کید کنید. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۵. دشمنی آمریکا و وظیفه ما در مقابل این مشکلات و دشمنی‌ها

مشکلات بزرگی که امروز حول وحوش دشمن اصلی ما یعنی رژیم آمریکا را گرفته است، قابل‌مقایسه با مشکلات ما نیست، ده‌ها برابر بزرگ‌تر از مشکلات ما است؛ یعنی آمریکایی‌ها الان محصور به مشکلات گوناگونی هستند؛ از طرفی افزایش فاصله طبقاتی به شکل عجیب، از طرفی مشکل تبعیض نژادی که همه را در مقابل این نظام آمریکا به صف کرده؛ از طرفی مشکلات لاینحل اقتصادی، مشکلات مدیریتی مانند رفتار پلیس سنگدل آمریکا، مسئله بسیار مهم و عجیب وجود ۴۵ میلیون بیکار در کشور آمریکا، مشکلات مدیریتی که در باب کرونا خودش را نشان داد، همه این‌ها مشکلات آمریکا است که موجب شده آمریکا امروز در سطح دنیا منفور و منزوی است، بنابراین آمریکایی‌ها دنبال پیدا کردن دشمن‌اند؛ و می‌خواهند با بردن نام ایران، چین، روسیه و دیگران کسی را به عنوان دشمن معرفی کنند. به نظر من آمریکا، دشمنی بزرگ‌تر از ملت خودش ندارد و دنبال دشمن دیگر نگردد؛ همین دشمن هم هست که این رژیم را به زانو در خواهد آورد و مشکل آمریکا با ما هم این است که نه می‌تواند ما را حذف کند، نه می‌تواند ما را تسلیم کند؛ لذا است که ناراحت است؛ بنابراین وظیفه ما صبر، ثبات، ایستادگی و کار جهادی است. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

به نظر من برای تأمین آینده احتیاج به صبر و ثبات داریم؛ بایستی گام‌هایمان را محکم‌تر کنیم: «رَكِبْنَا غَفَرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِى أَمْرِنَا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا»؛ یکی از چیزهایی که در دعا خواسته شده، همین است که قدم‌هایمان ثابت باشد؛ که البته مردم هم خوشبختانه مردم صبوری هستند؛ ما این را تجربه کرده‌ایم، می‌دانیم که به‌خاطر مذهب و ایمانی که دارند، به‌خاطر اعتمادی که به نظام و کشور و جمهوری اسلامی دارند، ثبات مردم انصافاً ثبات خوبی است؛ مسئولان هم باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند؛ یعنی کار جهادی بسیار لازم است؛ تردید، نگرانی، آیا می‌شود، آیا نمی‌شود، نکنیم، نکنیم، این‌ها خیلی مضر است؛ مسئولان به این‌ها باید توجه کنند. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

همه ارکان کشور باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند؛ یعنی کار جهادی بسیار لازم است؛ تردید، نگرانی، آیا می‌شود، آیا نمی‌شود، نکنیم، نکنیم، این‌ها خیلی مضر است

۱. ضرورت جهش تولید و لزوم شناسایی و رفع موانع جهش تولید

امام خامنه‌ای تولید را کلید اصلی اشتغال، کاهش تورم و ایجاد ارزش پول ملی دانستند و شش مورد را به عنوان موانع جهش در تولید معرفی و نسبت به رفع این موانع تأکید کردند. این موارد عبارت‌اند از: ۱. واردات بی‌رویه؛ که مسئله بسیار مهم و خطرناکی برای اقتصاد کشور است و دولت باید جلوی آن را بگیرد؛ ۲. مسئله قاچاق که در گزارش تحقیقی مجلس حجم آن را ۵/۲۵ میلیارد دلار در سال اعلام شده و این خیلی رقم بالایی است؛ ۳. مشکلات

قطعه‌سازی؛ که ما در نیروهای مسلح، قطعات بسیار ظریف و پیچیده‌ای که تصوّر نمی‌شد که قابل ساخت باشد را خوشبختانه توانسته‌ایم بسازیم؛ از این نهضت قطعه‌سازی باید استفاده بشود؛ ۴. ناهماهنگی در بخش‌های پایین‌دستی؛ که گاهی با یک نشست یک‌ساعته، دوساعته و مانند این‌ها می‌توان برخی از مشکلات و موانع تولید را برطرف کرد ولی این کار در بخش‌های پایین‌دستی اتفاق نیفتاده است؛ ۵. پیچ‌وخم‌های اداری در اعطای مجوزها و یا در مسئله تسهیلات بانکی باید برداشته شود و زمان آن کم بشود؛ ۶. صادرات مواد خام یا صادرات فلّه‌ای که ما مواد خام مانند نفت یا سنگ‌های قیمتی را بدون فراوری و بدون اینکه ارزش افزوده‌اش را برای کشور خودمان و برای سرمایه‌دار و کارگر خودمان فراهم بکنیم، می‌فرستیم خارج.

۱۳۹۹/۰۶/۰۲

ایشان نیز برای رفع این موانع، تشکیل کارگروهی تحت عنوان «کارگروه شناسایی موانع تولید» را لازم و ضروری برشمردند و فرمودند: «موانعی در سر راه جهش تولید وجود دارد که باید برطرف شود. به من پیشنهاد شده که یک کارگروه ویژه‌ای از طرف سران سه قوه تعیین شود و این کارگروه که نماینده جلسه اقتصادی سران سه قوه است، بروند جدّاً این موانع را شناسایی و رفع کنند. شاید یکی از موانع، همین مسئله واردات بی‌رویه باشد».

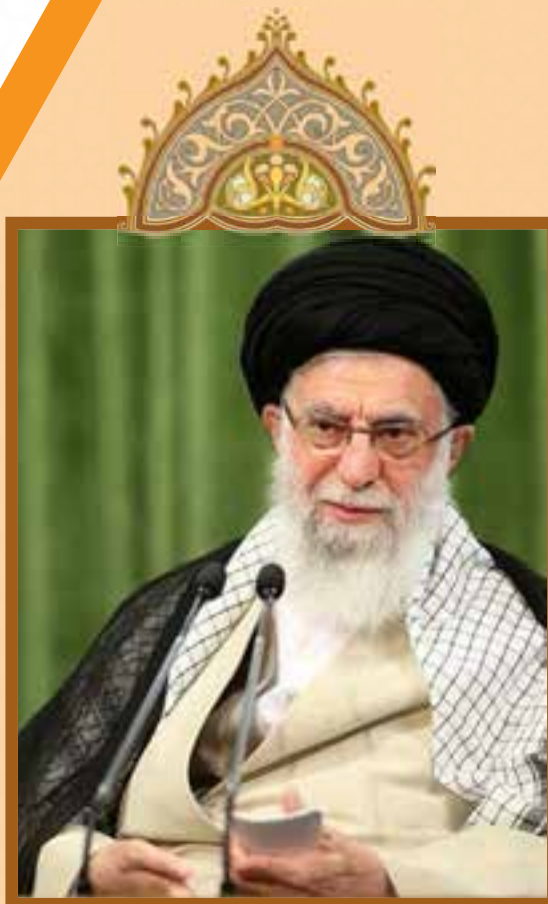
۱۳۹۹/۰۶/۱۱

۲. لزوم تقویت ارزش پول ملی

افسار پاره کردن ارز و بالا رفتن روزبه‌روز قیمت آن بسیار بد است، این هم از جاهای مطمئن به بنده گزارش شده که این موضوع بیش از آنچه دلایل اقتصادی داشته باشد، عمده دلایل امنیتی و سیاسی است که اگر این‌طور باشد باید جدّاً مقابله بشود؛ کسانی هستند که به این آتش افروزی دامن می‌زنند. حل مشکل ارز جزو کارهای کوتاه‌مدت است که بایستی مسئولان انجام بدهند. البته بنده خبر دارم که بانک مرکزی تلاش‌های زیادی دارد می‌کند و ان شاء الله موفق هم خواهد شد.

۱۳۹۹/۰۶/۱۱

ارزش پول ملی چیزی است که به رشد تولید و توسعه کشور و رشد و تقویت بنیه اقتصادی ارتباط دارد؛ اگر ما بتوانیم تولید را تقویت و بنیه اقتصاد را قوی کنیم، پول ملی به‌طور طبیعی تقویت خواهد شد و تقویت پول ملی تأثیر مستقیم در امر معیشت مردم دارد.



توصیه‌هایی در باب جهش تولید

ظرفیت‌های اقتصادی کشور برای علاج مشکلات معیشت مردم

البته در کنار این کارهای بلندمدت بعضی از کارهای کوتاه‌مدت هم لازم است؛ مانند: ۱. جلوگیری از دخالت‌های بدخواهانه یا سودجویانه‌ای که در کار ارزش می‌شود و در کاهش ارزش و قیمت پول ملی تأثیر می‌گذارد. ۲. جلوگیری از واردات کالاهای غیر لازم، یا کالاهای لوکس و به‌کلی غیر مورد انتفاع. ۳. جلوگیری از تصمیم‌های نسنجیده بعضی از دستگاه‌ها و کمک همگانی دستگاه‌های دولتی به بانک مرکزی چون کاهش ارزش پول یا افزایش ارزش پول به سیاست‌های بانک مرکزی ارتباط پیدا می‌کند. ۴. راه‌اندازی سامانه‌های اطلاعاتی و متصل کردن آن‌ها به یکدیگر، به دولت کمک می‌کند تا بتواند اطلاعات لازم را در این زمینه به دست بیاورد. از سوی دیگر این سامانه‌ها برای هر ساختاری که بخواهد اصلاح بشود، ضروری است. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۳. لزوم استفاده از ظرفیت‌های گسترده طبیعی و انسانی در کشور

عمده‌ترین مشکلات اقتصادی کشور که از آن تعبیر کردیم به بیماری عبارت‌اند از: تورم، کاهش ارزش پول ملی، گرانی‌های بی‌منطق، مشکلات بنگاه‌های تولیدی، وجود تحریم‌های خارجی و نتیجه این‌ها هم سختی معیشت طبقات پایین و متوسط است. این بیماری‌ها هست، لکن به‌خاطر ظرفیت‌های گسترده‌ای که در کشور وجود دارد، بنیه کشور قوی است؛ لذا می‌بینید در دوران سخت‌ترین تحریم‌ها و فشارهای همه‌جانبه‌ای که علیه کشور درزمینه اقتصاد به وجود آوردند، کشور توانسته چند هزار شرکت دانش‌بنیان ایجاد کند، صدها طرح زیربنایی ایجاد کند، در همین دوران تحریم و با وجود کاهش درآمد نفت، کار بزرگی مثل ایجاد پالایشگاه ستاره خلیج فارس را انجام بدهد؛ و با کارهای فراوانی درزمینه مسائل نیرو، آب و برق، افتتاح‌های فراوانی که در حال انجام است، کارهای حیرت‌انگیزی که درزمینه صنایع نظامی و مسائل فضائی انجام شده است. این بخشی از ظرفیت‌های ماست و کشور دارای ظرفیت‌های مادی دیگری مثل معادن، جنگل‌ها، موقعیت جغرافیایی، تنوع اقلیمی تا برسیم به مسئله تاریخ و هویت ملی؛ این‌ها همه ظرفیت‌های بسیار مهم و اساسی است که بعضی از این ظرفیت‌ها اختصاصی کشور ما است و هیچ کشور دیگری از آن‌ها برخوردار نیست. در کنار این‌ها ظرفیت‌های معنوی هم هست. دشمنان و مخالفین ما، همان کسانی که این تحریم‌ها را تحمیل کرده‌اند و امیدوار بودند که ایران را به زانو درمی‌آورند، خودشان اقرار و اعتراف می‌کنند که نتوانسته‌اند موفق شوند و کشور ایران سرپای خودش ایستاده است؛ این نشان‌دهنده بنیه خیلی قوی کشور است. ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

۴. خوداتکائی و اعتماد به نفس ملی، شرط حل مشکلات

مطلقاً نباید اقتصاد کشور را به تحولات خارجی پیوند زد؛ یعنی برنامه‌ریزی اقتصادی را به اینکه تحریم‌ها برطرف بشود، یا کاهش پیدا کند موکول و منوط نکنید بلکه اقتصاد کشور را درون‌زا و به ظرفیت‌های داخلی تکیه کرده و با توجه به امکانات خودمان برنامه‌ریزی کنیم؛ واقعاً اینکه ما مسائل اقتصادی را به تحولات خارجی منوط کنیم یک خطای راهبردی است. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

مشکلات ما هم حقیقتاً ناشی از این است که خودمان کم‌توجهی کردیم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» مثلاً فرض کنید به تولید و سرمایه‌گذاری اهمیتی ندادیم،

ارزش پول ملی
چیزی است که
به رشد تولید و
توسعه کشور و
رشد و تقویت
بنیه اقتصادی
ارتباط دارد؛ اگر
ما بتوانیم تولید
را تقویت و بنیه
اقتصاد را قوی
کنیم، پول ملی
به‌طور طبیعی
تقویت خواهد
شد و تقویت پول
ملی تأثیر مستقیم
در امر معیشت
مردم دارد

ناگهان با شکست کارخانه‌جات و مشکلات تولید در کشور مواجه شدیم. خب وقتی انسان کار نکند، خود ما مسئولان بی‌توجهی و کم‌توجهی کردیم نتایجش این خواهد بود. اگر چنانچه این تفکر و روحیه خوداتکائی و اعتماد به نفس ملی - که امروز خوشبختانه عمومیت پیدا کرده و بخصوص در بین قشر جوان تحصیل‌کرده با عزم و اراده رشد پیدا کرده - و اعتماد به نیروی داخلی در اقتصاد به همین شکل پیش برود و اگر امیدهای واهی‌ای که گاهی انسان مشاهده می‌کند به بیرون از مرزها وجود دارد و اقتصاد کشور را شرطی می‌کند نسبت به تصمیم‌گیری بیگانگان، وجود نداشته باشد یا ضعیف بشود و اعتماد ملی افزایش پیدا کند، آنگاه همه این مشکلاتی که امروز در اقتصاد وجود دارد قابل رفع و برطرف کردن است. بایستی از این بنیه قوی کشور استفاده کرد. ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

۵. ضرورت علاج گرانی و مهار قیمت‌ها

یک جمله در باب مسئله اقتصادی کشور عرض می‌کنم. خب، کشور از لحاظ معیشت عمومی دچار مشکل است؛ یعنی واقعاً معیشت خانوارها دچار مشکل جدی است و مردم مشکل دارند؛ گرانی‌ها و مانند این‌ها هست، این‌ها بایست علاج بشود. البته کارهایی که باید انجام بگیرد، ما در جلسات خصوصی به مسئولان گفته‌ایم یا پیغام داده‌ایم؛ بنده با آقای رئیس‌جمهور هم صحبت کرده‌ام و با بعضی از مسئولان دیگر هم دورادور صحبت کرده‌ایم و پیغام داده‌ایم که کارهایی را انجام بدهند؛ حالا این را باز هم می‌گویم، تأکید می‌کنم بر اینکه دستگاه‌های مسئول به آن توجه کنند که در همین زمینه مربوط به مشکل اقتصادی، یک بخش مسائل فوری ما است، یک بخش هم مسائل بلندمدت ما یا میان‌مدت ما است. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

مسائل فوری عمدتاً مسئله مهار قیمت‌ها است؛ یعنی تلاش‌هایی [برای آن] باید کرد. متخصصین مسائل اقتصادی معتقدند که این کار ممکن است؛ یعنی کسانی که اهل مدیریت‌های اجرایی درزمینه اقتصادی هستند معتقدند که می‌شود قیمت‌ها را مهار کرد. البته گاهی اوقات که قیمت‌ها بالا می‌رود به‌خاطر کمبود کالا است؛ لکن در مواردی هیچ کمبودی وجود ندارد، جنس وجود دارد، زیاد هم هست [اما] در انبار آن را نگه می‌دارند، عرضه نمی‌کنند که خب با این‌ها بایستی برخورد کرد؛ یعنی واقعاً این‌ها را حتماً بایستی دستگاه‌های ذی‌ربط که عمدتاً دستگاه‌های دولتی هستند - قوه مجریه و قوه قضائیه هم اگر کمکی از او لازم است - وارد بشوند. این یک مسئله است که بازار یک ثباتی پیدا نکند. این حالت که هرروز اجناس یک قیمتی پیدا کند، برای کشور مضر است. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

گاهی اوقات که
قیمت‌ها بالا
می‌رود به‌خاطر
کمبود کالا است؛
لکن در مواردی
هیچ کمبودی
وجود ندارد،
جنس وجود
دارد، زیاد هم
هست [اما] در
انبار آن را نگه
می‌دارند، عرضه
نمی‌کنند که خب
با این‌ها بایستی
برخورد کرد

۱. ضرورت کارهای جهادی و تمرکز همه نیروها برای مقابله با حمله دشمنان

دشمنی، امروز با ملت ایران زیاد است. همچنان که بنی اسرائیل حضرت موسی را اذیت می کردند، این دشمنان ما هم که بعضی شان جزو بنی اسرائیل اند، می خواهند ملت ما که تابع پیغمبر و حضرت موسی و حضرت عیسی و بقیه پیغمبران است را اذیت کنند. وقتی دشمنی حمله می کند و می خواهد اذیت کند، ما باید مثل دوران دفاع مقدس همه نیروهایمان را جمع کنیم، متمرکز کنیم، تلاش کنیم و کار کنیم. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

کارهای بزرگی که امروز مجاهدان سلامت و خدمت در حال انجام آن هستند

در بین همه کسانی که در حال کمک رسانی به مبتلایان هستند، گمان نمی کنم و گزارشی هم نشنیده ام که در جایی از کشورهای دنیا این همه تحرک مردمی و پشتیبانی های مردمی مثل کشور ما وجود داشته باشد؛ و تعداد کسانی که داوطلبانه برای چنین کمک هایی اقبال می کنند، این همه زیاد باشد.

باید ادامه پیدا کند. امروز همه دنیا و تقریباً همه کره زمین مبتلا به این حادثه اند و مخصوص جای خاصی نیست. در بین همه کسانی که در حال کمک رسانی به مبتلایان هستند، گمان نمی کنم و گزارشی هم نشنیده ام که در جایی از کشورهای دنیا این همه تحرک مردمی و پشتیبانی های مردمی مثل کشور ما وجود داشته باشد؛ و تعداد کسانی که داوطلبانه برای چنین کمک هایی اقبال می کنند، این همه زیاد باشد.

این ایثارگری از خصوصیات منحصر به فرد ملت ما است؛ هم در بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و امثال این ها، هم در بلایای غیرطبیعی مثل تحمیل جنگ. در هشت سال دفاع مقدس حرکت عظیم و ایثارگرانه مردمی بود که این حماسه بزرگ را به وجود آورد و جبهه ها را به شکلی آراست که تا آخر در تاریخ ما یک دوران برجسته ای باقی بماند. امروز هم همین طور است؛ مجموعه های درمانی صفوف مقدّم بودند؛ پزشکان و پرستاران و بقیه عوامل درمانی واقعاً فداکاری کردند. ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

۲. لزوم رعایت معیارها و ضوابط ستاد ملی کرونا در مجالس عزاداری

در برپایی عزاداری ها تأکید می کنم معیار آن چیزی است که کارشناسان بهداشت به ما می گویند. خود بنده شخصاً هر چه آن ها لازم بدانند مراعات خواهم کرد. توصیه من و تأکید من به همه کسانی که می خواهند عزاداری کنند این است که هر کاری می کنید، اول ببینید ستاد ملی کرونا چه ضابطه ای را برای عزاداری معین کرده است، همه ما موظفیم آن را عمل کنیم. مسئله، مسئله کوچکی نیست، مسئله بسیار مهمی است. الان یک مقداری مراقبت هست و کنترل هست؛ خدای نکرده اگر همین مقدار هم شل گرفته بشود و از بین برود، آن وقت فاجعه ای به وجود خواهد آمد که آن سرش ناپیدا است. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

من وقتی می بینم در تلویزیون نشان می دهد که بعضی ها عبور می کنند و همین چیز ساده، همین ماسک را نمی زنند، من واقعاً از آن پرستار و پزشکی که دارند فداکاری می کنند خجالت می کشم، آن وقت این آدم، حاضر نیست یک ماسک بزند. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۳. لزوم تداوم کمک مؤمنانه و نهضت احسان و تعاون برای جبران آسیب ها

در این قضایای کرونا به طبقات ضعیف، بلکه طبقات متوسط از لحاظ زندگی و معیشت واقعاً ضربه خورد و عده ای واقعاً دچار آسیب های جدی شدند و مشکلات فراوانی برایشان پیش آمد. آن خدمت مؤمنانه ای که در آستانه ماه رمضان شروع شد و همه در آن شرکت کردند، خیلی کار بارزشی بود، توانست غم های خانواده هایی را کم کند. مردم عزیز این نهضت تعاون و احسان را مجدداً شروع کنند. لازم است دوباره رشد و توسعه پیدا کند تا بار دیگر فضای کشور را طراوت بدهید، کودکانی را شاد کنید، خانواده هایی را برخوردار کنید، پدرمادهایی را از دغدغه معاش فرزندانشان نجات



توصیه های امام خامنه ای در رابطه با بیماری کرونا

توصیه های لازم برای کیفیت بخشی به آموزش و پرورش کشور

**بنده اعتقاد
راسخ دارم که
همه دولت‌ها
موظف‌اند تا
آخرین روز
مسئولیتشان
تلاش و کار
کنند و وظایف
خودشان را
انجام بدهند،
بعد امانت را به
دولت بعدی
تسلیم کنند، البته
با تحویل دادن
صورت‌وضعیت
روشن و مشخص.**

بدهید؛ کشور بزرگ، جمعیت مردم زیاد و نیاز گسترده است؛ هرکسی هر مقدار و هر جوری که می‌تواند، به این کار کمک کند و مراقبت بشود که کسی از قلم نیفتد و همه مردم بتوانند برخوردار بشوند. این کارها موجب برکت می‌شود و لطف و فضل الهی را متوجه شما می‌کند. ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

مسئولان دولتی و شبه‌دولتی برای جبران این آسیب‌ها وظایفی دارند که باید انجام بدهند و دارند کار می‌کنند لکن این‌ها کافی نیست و نباید همه بار را بر دوش دولت گذاشت؛ و بایستی عموم مردم همچنان که در جریان اول کمک مؤمنانه در آستانه ماه رمضان وارد شدند و به معنای واقعی کلمه کمک کردند، باز هم همین کار انجام بگیرد. این «تسابق الی الخیرات» است. ما در قرآن چند جا داریم که «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ یا «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ». یک جا دارد: «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ»؛ چند جا دارد: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» یعنی مسابقه گذاشتن که قرآن به معنای واقعی کلمه به ما می‌گوید در کار خیر و کمک‌های مؤمنانه مسابقه بگذارید و جلوتر از دیگران حرکت کنید. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

انقلابی‌گری به معنای واقعی کلمه با زبان نیست، با عمل است؛ عمل جلوتر از زبان بایستی انسان را راه ببرد؛ و واقعاً کسانی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند، کار انقلابی انجام می‌دهند. به‌عنوان نمونه در جریان سیل خوزستان، شهید سلیمانی و شهید ابومهدی مهندس، هر دو در کف میدان حاضر شدند و خود این حضور این دو عزیز، دو ستاره برجسته میدان مجاهدت، موجب شد که کسان زیادی، هم در این ایران، هم در عراق به این‌ها نگاه کنند و وارد میدان بشوند. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

۴. تشکر امام خامنه‌ای از ملت ایران به خاطر حسن رفتار در دهه محرم

من هم از برگزارکنندگان، هم از منبری‌ها و مداحان محترم که جهات سلامت و توصیه‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا را تا امروز مراعات کردند تشکر می‌کنم و هم از ملت عزیز ایران به‌خاطر حسن رفتارشان در دهه عاشورا صمیمانه تشکر می‌کنم. شاید بعضی‌ها گوشه‌کنار مراعات نکرده باشند که به آن‌ها هم توصیه می‌کنیم مراعات کنند. امیدوارم این عزاداری‌ها و شوق و شوری که مردم نشان می‌دهند، ان‌شاءالله مقبول درگاه پروردگار و ائمه هدی علیهم السلام قرار بگیرد. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

این اتفاقی که افتاد، واقعاً امسال را به‌عنوان یک پدیده در تاریخ کشور ماندگار کرد؛ وجود محدودیت‌های شدید ناشی از بیماری و انتشار بیماری و مراقبت از اینکه این انتشار انجام نگیرد، درعین حال حفظ شور حسینی و حفظ مجالس و حرکت عظیم معنوی‌ای که مردم از خودشان نشان دادند. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

۵. آمار بالای تلفات کرونا، مایه غم و غصه

گسترش مجدد کرونا یک غم عمیقی را در انسان به وجود می‌آورد. وقتی که تعداد جان‌باختگان کم شده بود و در یک شبانه‌روز حدود ۳۰ نفر بود آن هم زیاد بود؛ چون این ۳۰ نفر هر کدامشان به‌تنهایی عزیزی دارند، عزیز کسانی هستند؛ پدر دارند، مادر دارند، همسر دارند، فرزند دارند، برادر دارند،

دوستانی دارند که همه این‌ها عزادار می‌شوند. حالا اگر این رقم مثلاً به ۲۰۰ و ۱۸۰ و ۱۵۰ نفر برسد حقیقتاً غم‌انگیز است. من خواهش می‌کنم همه کسانی که می‌توانند نقشی در این زمینه ایفا کنند، به بهترین وجه نقش خودشان را ایفا کنند. ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

۶. تلاش برای ریشه‌کنی بیماری کرونا

یکی از کارهای مهمی که در این دوران می‌شود انجام داد کار علمی است؛ که در بخش‌های مختلفی برای شناسایی، پیدا کردن وسیله پیشگیری از فعالیت و درمان این ویروس با جدیت مشغول‌اند. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

من خواهش می‌کنم همه کسانی که در این زمینه مؤثرند، چه مسئولان اجرایی کشور، چه آحادی که می‌توانند خدمتگزاری کنند، چه آحاد مردم، همه در این زمینه فعالیت کنند تا بتوانیم در ظرف مدت کوتاهی این زنجیره سرایت را قطع کنیم و کشور را به ساحل نجات برسانیم. ما اول کار جزو بهترین و موفق‌ترین کشورها بودیم ولی امروز آن جور نیست؛ گرچه از خیلی از کشورها جلوتر و بهتریم، لکن آن مقداری که اول بود امروز نیست و انسان غصه‌دار می‌شود. ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

البته در این قضیه، دعا و توشل عمومی خیلی چیز مهمی است و مخصوص دعای هفتم صحیفه سجاده هم نیست بلکه دعا‌های مختلفی هست. باید دعا و تضرع کرد و از خدای متعال طلب کرد. به‌ویژه جوان‌ها و آن دل‌های پاک و صاف که مثل آب زلال، بعضی از دل‌ها روشن‌اند؛ دعای این‌ها می‌تواند کاملاً مستجاب شود؛ «دعای نیمه‌شب» رفع صد بلا بکند». ۱۳۹۹/۰۴/۲۲



توصیه‌های لازم برای کیفیت بخشی به آموزش و پرورش

ابتدا لازم می‌دانم خداقوتی بدهم به شما مجموعه بزرگ آموزش و پرورش به‌خاطر برنامه‌های چندماهه‌ای که با تلاش اجرا کردید. نباید زحمات این چند ماه دشواری که گذشت، نادیده بماند؛ اعم از مدیریت مدارس، مشارکت در انتخابات، برگزاری امتحانات و کلاس‌های درس، اداره فضای مجازی و بقیه برنامه‌هایی که انجام گرفت و نیز برنامه‌ریزی برای سال بعد که از نیمه شهریور شروع خواهد شد. باینکه در این زمینه‌ها

**رعایت عدالت
آموزشی یک
اصل است؛ یعنی
باید دانش‌آموز
ما در فلان نقطه
دور دست با
دانش‌آموز ما در
فلان محله تهران
از لحاظ نصیب
آموزشی تفاوتی
نداشته باشد.
بایستی ما کاری
کنیم که همه
توانند از سهم
مناسب خودشان
در آموزش و
پرورش کشور
استفاده کنند.**

تجربه‌ای وجود نداشت ولی کارهای بزرگی انجام گرفت که در آموزش و پرورش کارهای بی‌سابقه‌ای بود. گرچه در آموزش و پرورش تلاش شده اما در بسیاری از موارد کار به سرانجام و پایانی که باید برسد نرسیده است و باید ادامه پیدا کند تا به آن مقاصدی که مورد نظرمان است برسد. در همین راستا چند نکته را عرض می‌کنم:

۱. منطقی ایجاد دستگاه عظیم آموزش و پرورش باید انسان‌سازی باشد؛ آن هم انسان شایسته.
۲. خصوصیات انسان تراز اسلامی‌ای که توقع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند، انسانی است که اولاً مؤمن باشد. ثانیاً خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد: «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر و اندیشه کند. رابعاً مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرف‌افش کردن کافی نیست. باید اهل عمل مجاهدانه و پیگیر باشد همان عملی که در عرف شرع مقدس اسلام «جهاد» گفته می‌شود آن هم جهاد فی سبیل الله مورد ترغیب شرع. اگر این ویژگی‌ها رعایت شود آنگاه انسانی بانصاف، بانظم و متخلق به اخلاق اسلامی از کار در می‌آید.

۴. نیاز به زیربنای مستحکم فکری و تحوّل بنیادی در آموزش و پرورش به اقتضای نیازهای متناسب با شرایط، فضا و زیست‌بوم کشور.

۵. مشخص کردن اهداف کلان، راهبردهای کلی، سیاست‌های عملی، برنامه‌های اجرایی و بررسی مسئله تحوّل در آموزش و پرورش بیانگر این است که باید محصول و برون‌داد این دوازده سال تعلیم و آموزش چه باشد و چگونه این برون‌داد به دست بیاید؟ چه آگاهی‌هایی، چه مهارت‌هایی، چه خصوصیات اخلاقی‌ای، چه خصوصیات رفتاری‌ای باید در محصول و خروجی آن وجود داشته باشد؟

۶. لزوم ترمیم و به‌روزرسانی سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش و ضرورت تنظیم برنامه جامع اجرایی که معلوم باشد آموزش و پرورش چه کار می‌خواهد بکند.

۷. ضرورت زمان‌بندی و وجود شاخص پیشرفت در برنامه جامع اجرایی آموزش و پرورش به‌عنوان دواصل مهم برای یک برنامه عملیاتی و متقن.

۸. تبیین سند تحوّل برای مدیران، کارکنان و معلمان به‌صورت جذاب، انگیزه‌ساز و قابل فهم برای همه.

۹. جایگاه مهم و تعیین‌کننده معلمان به‌عنوان افسران سپاه پیشرفت کشور؛ چون آموزش و پرورش وسیله پیشرفت کشور است؛ در نظام آموزش و پرورش، هیچ عنصری به‌قدر معلم تأثیر ندارد. پس باید از شأن و نقش معلم صیانت کرد. سه عامل مهم این صیانت عبارت‌اند از: خود معلم؛ حمایت آموزش و پرورش و فرهنگ‌سازی توسط دستگاه‌های تبلیغی.

رعایت عدالت آموزشی یک اصل است؛ یعنی باید دانش‌آموز ما در فلان نقطه دوردست با دانش‌آموز ما در فلان محلّه تهران از لحاظ نصیب آموزشی تفاوتی نداشته باشد. بایستی ما کاری کنیم که همه بتوانند از سهم مناسب خودشان در آموزش و پرورش کشور استفاده کنند.

۱۰. سعی کنید دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی، تنها مسیر ورود معلّم به آموزش و پرورش باشد. برای جذب و تربیت معلّم هم از مسیر همین دانشگاه‌ها اقدام کنید. در جذب نیز توجه کنید که صلاحیت‌ها را رعایت کنید و براساس صلاحیت دینی، اخلاقی و سیاسی یک گزینش درست و حسابی کاملاً خردمندانه و صحیح انجام شود تا نیروهای بی‌کیفیت وارد آموزش و پرورش نشوند؛ چون موجب ضرر خواهد بود و نتیجه عکس خواهد داد.

۱۱. رعایت عدالت آموزشی یک اصل است؛ یعنی باید دانش‌آموز ما در فلان نقطه دوردست با دانش‌آموز ما در فلان محلّه تهران از لحاظ نصیب آموزشی تفاوتی نداشته باشد. بایستی ما کاری کنیم که همه بتوانند از سهم مناسب خودشان در آموزش و پرورش کشور استفاده کنند. همچنین در رعایت عدالت آموزشی باید به مدارس دولتی به معنای واقعی کلمه رسیدگی بشود؛ یعنی بایستی ما سطح مدارس دولتی را، هم از لحاظ آموزش و هم از لحاظ پرورش، جوری بالا بیاوریم که هم دانش‌آموز و هم خانواده او احساس اعتماد کنند، نه اینکه احساس کنند فرزندشان را دارند به یک جای بی‌پناه می‌فرستند و رها می‌کنند.

۱۲. باید مراقب آفات و زیان‌های احتمالی در آموزش مجازی بود. گرچه شبکه شاد که به وجود آمده، بسیار چیز خوبی است ولی باید مراقبت کرد تا این موجب نشود که جوان‌ها وارد فضای بی‌بندوبار و رهای اینترنت بشوند و سرشان به یک چیزهای دیگری گرم بشود که هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ اعتقادی خطرهای بزرگی برایشان دارد؛ این را باید کاملاً مراقبت و پیش‌بینی کنید.

۱۳. بی‌شک امروز در آموزش و پرورش، «پرورش» عقب است و باید به فعالیت‌های پرورشی اهتمام ویژه کرد و روش‌ها و قالب‌های جدیدی برای این کار پیدا کرد.

۱۴. مدارس سمپاد باید موردتوجه قرار بگیرند و جایگاه کشور در المپیادها بایستی پیشرفت کند تا بتوان استعدادهای درخشان را شناسایی کرده و پرورش داد. گاهی ممکن است یک استعداد برجسته و برتر یک کشور را از یک گذرگاه مهم و خطرناکی عبور دهد و کارهای بزرگی انجام دهد.

۱۵. مهدکودک‌ها متأسفانه رها است. مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها باید توسط آموزش و پرورش اداره شوند. مهدکودک و پیش‌دبستانی صرفاً یک مرکز خدماتی نیست که بچه را حفظ کند و خدمات بدهد، بلکه یک مرکز آموزشی و پرورشی است و باید برنامه و فکر داشته باشد.

۱۶. علّت اصرار نفوذ طواغیت عالم در آموزش و پرورش کشورها به‌خاطر تأثیر آموزش و پرورش است؛ به‌خاطر این است که آن‌ها کارهایی را که از راه نظامی به‌آسانی نمی‌توانند انجام بدهند، به این وسیله انجام بدهند؛ آن هم با یک وسیله عمومی مثل سند ۲۰۳۰ که متأسفانه در کشور ما هم توسط برخی افراد به آن توجه شد.

باید مراقب آفات و زیان‌های احتمالی در آموزش مجازی بود. گرچه شبکه شاد که به وجود آمده، بسیار چیز خوبی است ولی باید مراقبت کرد تا این موجب نشود که جوان‌ها وارد فضای بی‌بندوبار و رهای اینترنت بشوند.



تحلیل اتفاقات اخیر جهان اسلام

بخش پیش رو، تحلیل برخی از رویدادهای مهم جهان است که به بازشناسی این اتفاقات و رویدادها و میزان تأثیر آن بر منطقه و کشورهای اسلامی می‌پردازد.

| ابراهیم یورهمت |

آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ، هنوز هم که هنوز است ادامه دارد و هر از چند سالی دوباره شعله می‌کشد. این درگیری‌ها هر بار با وساطت همسایه‌های مرزی دو کشور به آتش‌بس تبدیل شده اما هیچ‌گاه توافقی دائمی و صلحی که حاکی از پایان مناقشه باشد حاصل نشده است.

در سال ۱۹۹۴ با حمایت ارمنستان، در بخشی از جمهوری آذربایجان موسوم به «قره‌باغ»، جمهوری خود خوانده‌ای به نام آرتساخ تشکیل شد که داعیه استقلال‌طلبی و جدایی از آذربایجان را داشت و این مسئله همواره موجب ایجاد تنش در روابط میان دو کشور همسایه شمالی ما شده است. منطقه قره‌باغ به دو ناحیه «ناگورنو» و «نواحی اشغالی» تقسیم می‌شود. نواحی اشغالی، مرز میان آذربایجان و ارمنستان است که بیشتر جمعیت آن را مسلمانان آذری تشکیل می‌دهند؛ اما در ناحیه ناگورنو که در قلب آذربایجان قرار دارد برعکس ناحیه اشغالی، غلبه جمعیتی با ارامنه است. در دوران حاکمیت شوروی هرچند این ناحیه توسط یک مجلس محلی و زیر نظر باکو اداره می‌شد؛ اما با این وجود از نظر اداری جزء اراضی مستقیم جمهوری سوسیالیستی آذربایجان به شمار نمی‌آمد. این مسئله موجب شد که پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، میان ارمنستان و آذربایجان رقابتی نظامی بر سر تصاحب این منطقه آغاز گردد. در این کشمکش در نهایت ارمنستان توانست علاوه بر تصاحب ناحیه ناگورنو، هفت ناحیه شهری دیگر را که موسوم به



چه در شب‌های محرم، به سوی رژیم صهیونیستی بوده است؛ چراکه اسرائیل است که بیش از همه از ایجاد جنگ داخلی و تعطیلی دولت و مجلس لبنان و همچنین تضعیف حزب‌الله سود می‌برد. از همین رو ابراز مخالفت نصرالله با تحقیق بین‌المللی درباره انفجار نیز ناشی از همین رویکرد است. از آنجاکه دبیر کل حزب‌الله حضور اسرائیل را در پشت پرده اقدامات خرابکارانه علیه لبنان بعید نمی‌داند، با هرگونه ورود کمیته‌های تحقیقاتی بین‌المللی مخالف است چراکه این امکان وجود دارد که کمیته‌های مذکور در جهت تبرئه رژیم صهیونیستی و منحرف کردن نتیجه تحقیقات حرکت نمایند و پرونده انفجار بندر بیروت نیز به فرجام تحقیقات مربوط به پرونده ترور رفیق حریری نائل گردد.

مناقشات دوباره آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ
آتش مناقشه کهنه میان ارمنستان و

انفجار بیروت و تحلیل سخنان سید حسن نصرالله

از زمان انفجار مهیب بندر بیروت تاکنون اظهارنظرها، گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌های بسیاری از سوی نهادها و مقامات سیاسی و نظامی صورت گرفته است. برخی مستقیم و گروهی غیرمستقیم تلاش کردند تا مسئولیت این حادثه را به گردن حزب‌الله لبنان بیندازند تا شاید بدین‌وسیله بتوانند این نهاد مردمی و انقلابی را در جامعه بین‌الملل منزوی سازند. از سفر غیرمنتظره و ناگهانی رئیس‌جمهور فرانسه به لبنان که بلافاصله پس از انفجار صورت گرفت و اظهارنظرهای جنجالی و دخالت‌های مستقیم او در امور داخلی لبنان گرفته تا سکوت معنادار نتانیاها و توییت عجولانه ترامپ و ... همه و همه نشان از یک سناریوی از پیش تعریف‌شده در جهت خلع سلاح حزب‌الله دارد.

در میانه این هیاهو، سخنرانی سید حسن نصرالله به‌منزله ریختن آب سردی بر زبانه‌های آتش فتنه‌گران بود که همه رشته‌های آنان را پنبه کرد. او در سخنرانی اخیر خود در این باره ضمن رد اتهامات وارده به حزب‌الله، طی سخنانی اشاره کرد که اگر اسرائیل در این ماجرا دخیل باشد عواقب بدی در انتظارش خواهد بود. دبیر کل حزب‌الله همچنین با اشاره به اینکه از بندر حیفا بیش از بندر بیروت اطلاع داریم، تلویحاً اسرائیل را از عاقبت شوم درافتادن با حزب‌الله آگاه نمود.

نوک پیکان سخنرانی‌های سید حسن نصرالله پس از انفجار بیروت، چه در سالگرد جنگ ۳۳ روزه و



نواحی اشغالی ۱۹۹۳ گردید، اشغال نماید. علت مناقشه بر سر منطقه قره باغ آن است که هرکدام از دو کشور به دلیلی این منطقه را متعلق به مرز حاکمیتی خویش می‌دانند. آذربایجان با استناد به حاکمیت دوران شوروی و جمعیت آذری آواره شده از نواحی اشغالی، منطقه قره باغ اشغالی را از آن خود می‌داند و خواستار بازگرداندن این منطقه به قلمرو خویش می‌باشد. ارمنستان نیز با استناد به ترکیب جمعیت ارمنی ناگورنو و همچنین تصویب طرح الحاق به ارمنستان توسط مجلس محلی ناگورنو را دلیلی بر حمایت خویش از استقلال آرتساخ می‌داند.

این روزها پس از سال‌ها دوباره شاهد ازسریزی مناقشه و نقض آتش‌بس از سوی دو کشور هستیم. این در حالی است که با وجود میانجی‌گری کشورهای همسایه به نظر می‌رسد پای اسرائیل در شروع دوباره درگیری‌های قره باغ در میان باشد. چراکه چندی پیش در این منطقه، پهبادی اسرائیلی توسط ارامنه قره باغ شکار شده است. علاوه بر این، راهپیمایی جنگ طلبان آذربایجانی در خیابان‌های باکو و سردادن شعار بر ضد همسایگانی چون ایران، نشانی از به راه انداختن جنگی روانی و دمیدن بر آتش زیر خاکستر اختلاف میان همسایه‌های شمالی است. شاید با اندک تأملی بتوان ردپایی از صهیونیسم را در این فتنه‌ها پیدا کرد.

حملات موشکی اسرائیل به سوریه

در روزهای اخیر بارها حریم هوایی سوریه از سوی جنگنده‌های اسرائیلی

نقض شده و چند موشک نیز به مناطقی از این کشور شلیک شده است. ازجمله حملات موشکی می‌توان به هدف قرار گرفتن یکی از مواضع نظامی سوریه در جنوب غرب فرودگاه دمشق توسط چند موشک اسرائیلی اشاره کرد که خسارت‌هایی را نیز در پی داشت. همچنین حملات هوایی این رژیم متخاصم به جنوب شرق حلب که توسط پدافند هوایی سوریه دفع شد. هرچند سامانه‌های پدافند موشکی سوریه در دفع حملات هوایی اسرائیل بسیار موفق عمل کرده و در این یکی دو ماه اخیر چندین فروند موشک شلیک شده از جنگنده‌های اسرائیلی را رهگیری و سرنگون نموده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد این حملات و تهاجمات، در چارچوب تلاش برای بالا بردن روحیه گروه‌های تروریستی باشد. از آنجاکه محور مقاومت در ماه‌های اخیر موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده است، گروه‌های تروریستی مستقر در سوریه خود را باخته و روحیه خود را از دست داده‌اند؛ لذا اسرائیل با تکیه بر توان موشکی خویش در پی جان بخشیدن به تروریست‌های تکفیری و از توان انداختن نیروهای سوری است. این تحرکات و حملات نه تنها عزم و اراده نیروهای سوری و محور مقاومت را در مسیر مبارزه با تروریسم نکاسته است بلکه می‌تواند بهانه و گزکی باشد برای محور مقاومت و کلید آغازی بر پایان اسرائیل در صفحه کره خاکی. شاید اگر خوب گوش کنیم بتوانیم صدای خس خس نفس‌های آخر رژیم منحوس صهیونیستی را بشنویم.



تحولات عراق و تحرکات دوباره

داعش

از عراق خبر می‌رسد که طی روزهای گذشته در سه استان دیالی، کرکوک و صلاح‌الدین، تحرکاتی از سوی گروهک تروریستی داعش رخ داده است. بقایای این گروهک در حال موت با حمایت‌های خارجی دوباره قصد جان گرفتن دارد و با اشغال منطقه «المطبیجه» و یورش به روستاهای اطراف آن در پی اعلام موجودیت باشد.

با این وجود، علی‌الحسینی مسئول روابط عمومی محور شمالی حشد الشعبی عراق اعلام کرد که ۹۰ درصد تروریست‌های داعشی از سه استان عراق به‌طور کامل شناسایی و نابود شده‌اند. این خبر حاکی از آن است که نیروهای بسیج مردمی عراق در مقابله با داعش و شناسایی و کشف افراد آن‌ها در لباس مردم عادی بسیار خوب عمل کرده‌اند و نقشه‌های پلید آنان را ناکام نموده‌اند. به هر حال وجود تروریست‌های مخفی شده در عراق می‌تواند به منزله آتش زیر خاکستری باشد که هر آن امکان دارد دوباره با وزیدن نسیم‌هایی شعله‌ور گردد. مقاومت آمریکا مبنی بر عدم خروج از عراق می‌تواند ازجمله همان نسیم‌ها باشد؛ لذا می‌توان چنین انگار کرد که حضور آمریکا در عراق، برای تکفیری‌ها نوعی پشت‌گرمی به حساب آید و چراغ سبزی باشد برای انجام عملیات‌های انتحاری بیشتر در عراق.

تکفیری‌های امروز تا به دست آوردن فرصتی مناسب، در پوشش مردمی از ارتکاب عملیات‌های خرابکارانه دریغ نمی‌کنند. حشد الشعبی و سایر گروه‌های مقاومت می‌دانند تا آمریکا در عراق حضور دارد نمی‌توان به‌طور قطع از نابودی داعش خبر داد و هر آن این فتنه در منطقه‌ای از عراق سر بر خواهد آورد؛ لذا جنگ پیش رو علیه بقایای تکفیری‌ها، کم از مقابله رودررو با داعش ندارد اما در این جنگ بیش از آنکه عملیات‌های گسترده نظامی نیاز باشد، به عملیات‌های پیچیده اطلاعاتی نیاز است تا ریشه تفکر تکفیری شناسایی و از بیخ خشکانده شود.



لگه‌ی ننگ خیانت دولت امارات متحدہ عربی

پس از گذشت یک ماه و اندی از اعلام توافق صلح میان امارات متحده عربی و اسرائیل با میانجیگری آمریکا و شخص دونالد ترامپ، اکنون خبرهایی مبنی بر همکاری امارات و اسرائیل در ایجاد یک پایگاه نظامی اطلاعاتی در یمن به گوش می‌رسد.

امارات جایگاهی را در جزیره استراتژیک «سقطری» در یمن به اسرائیل اختصاص داده است تا از این طریق پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی در آنجا تأسیس کند. با توجه به ادعان مجمع یهودیان فرانسه، از جمله اهداف تأسیس پایگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل، کنترل تحرکات نیروی دریایی ایران در منطقه، نظارت بر تحرکات جنبش انصارالله و کنترل ناوبری دریایی در منطقه خواهد بود. گویا همکاری اسرائیل و امارات طی چندین سال به صورت مخفیانه و مستمر بوده است؛ چراکه به گزارش این پایگاه، اسرائیل و امارات همه تدارکات لجستیکی را برای ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی جهت جمع‌آوری اطلاعات در سراسر خلیج عدن از باب المندب تا جزیره سقطری که تحت کنترل امارات است، آماده کرده‌اند.

اعلام این همکاری در جهت رسمیت بخشیدن به موجودیت اسرائیل آن هم درست در زمانی که بوی سرنگونی این رژیم به مشام می‌رسد، حاکی از تلاش‌های همه‌جانبه محور سعودی - عربی برای ماندن بر اریکه قدرت است. با توجه به موفقیت‌های اخیر انصارالله در یمن و حزب‌الله در لبنان و محور مقاومت در سوریه و عراق، این اتفاقات به منزله تلاش کشورهای حامی اسرائیل برای جبران گل‌های خورده و فرار از باخت تحقیرانه است. این مسئله با

ورود نیروهای ذخیره‌ای همچون رژیم آل خلیفه به میدان و اعلام توافق با اسرائیل کاملاً مشهودتر شده است. امام خامنه‌ای این اقدام دولت امارات را چنین تعبیر کردند:

«در حقیقت دولت امارات متحده عربی هم به دنیای اسلام خیانت کرد، هم به دنیای عرب خیانت کرد، هم به کشورهای منطقه خیانت کرد، هم به مسئله‌ی مهم فلسطین خیانت کرد. این کاری که اماراتی‌ها کردند، یک لگه‌ی ننگی است؛ البته این از بین خواهد رفت، یعنی این حالت دیری نخواهد پایید ان شاء الله، لکن این لگه‌ی ننگ بر پیشانی کسانی که این اقدام را امروز انجام دادند خواهد ماند. اینها با خیانت خود پای صهیونیست‌ها را در منطقه باز کردند».

از سوی دیگر دولت امارات با این اقدام خود مسئله مهم و بزرگ غصب کشور فلسطین و آواره کردن آن ملت را به بوت‌هی فراموشی سپرد و عادی‌سازی کرد. امام خامنه‌ای در این باره فرمودند: «در حالی که ملت فلسطین، از همه جهت زیر فشارهای شدید صهیونیست‌ها هستند، آنگاه دولت امارات با اسرائیلی‌ها و با عناصر صهیونیست خبیث آمریکایی که با اسرائیلی‌ها همراهند توافق می‌کند. اینها دارند با قساوت تمام علیه مصالح دنیای اسلام و منطقه کار میکنند و ما نیاستی به آنها کمک کنیم ولی اماراتی‌ها به این مسئله کمک کردند».

سرنوشت محاصره شهرک الدریهمی یمن

در حالی که شهر محاصره شده «الدریهمی» در آستانه یک فاجعه انسانی است، در ادامه‌ی حملات نیروهای گارد ریاست جمهوری به

سرکردگی طارق صالح به شهرک الدریهمی، انصارالله عملیات سنگینی را برای شکست محاصره این شهر آغاز کرده است. در حال حاضر درگیری‌ها در محور جنوبی و شرقی این شهرک به طور سنگین ادامه دارد و احتمال شکست محاصره دو ساله الدریهمی در ساعات آتی بسیار بالاست.

جریان اشغال الدریهمی از آنجا آغاز شد که نیروهای تحت فرمان ائتلاف غربی - عربی آتش بس و توافق «استکهلم» را نقض کرده و مواضع رزمندگان یمنی را هدف قرار دادند که این حملات سنگین با پشتیبانی جنگنده‌های ائتلاف به محاصره و اشغال شهر الدریهمی منجر شد.

در این مدت نیروهای ائتلاف چندین مرتبه حملاتی را علیه نیروهای یمنی در حومه شرقی منطقه «الفازه» در غرب استان الحدیده انجام دادند اما با واکنش متقابل مواجه شدند. نیروهای یمنی در جریان درگیری‌ها توانستند گردان نیروهای مزدور موسوم به الازب را به محاصره دریاورند و ۶۰ تن از آنان را به هلاکت برسانند و ۹۳ تن دیگر را زخمی کنند. در این عملیات غافلگیرانه ۵۹ تن از نیروهای مزدور هم توسط نیروهای یمنی اسیر شدند و مقادیر زیادی از تجهیزات نظامیان به غنیمت گرفته شد. به گفته منابع میدانی با کمین‌ها و ضد حملات دقیق ارتش و رزمندگان انصارالله تلفات نیروهای مزدور در نوار ساحلی استان الحدیده به شکل محسوسی افزایش یافته و روزانه حداقل ۴۵ تن از نیروهای مجروح مزدور به بیمارستان شهر المخاء در غرب استان تعز انتقال داده می‌شوند. در ۵۰ روز گذشته حدود ۲۵۸۰ نفر از نیروهای مزدور زخمی به بیمارستان‌های شهرهای المخاء، الخوخه، عدن وحیس منتقل شدند.



ویژه‌نامه اربعین و مناسبت‌های صفر



- ۲۰..... چه کسی عزاداری اهل بیت علیهم السلام را در ایران احیا کرد؟
۲۲..... صلح امام حسن سلام الله علیه آزمایشی پرمحنت و طاقت فرسا.....
۲۴..... مفهوم شناسی فرازهای زیارت اربعین.....
۲۸..... سلسله مباحث مقتل شناسی (۲).....
۳۰..... بررسی و معرفی آیین‌های عزاداری در مناطق سنی نشین ایران (۲).....



چه کسی عزاداری اهل بیت علیهم السلام را در ایران احیا کرد؟

متن پیش رو به پاسخ چند سؤال مطرح و عمومی می‌پردازد از جمله اینکه در کشور ایران که تا قبل از دولت صفویان، حکومت‌های آن سنی مذهب بودند، وضعیت عزاداری برای اهل بیت و نحوه تعظیم شعائر محرم و عاشورا به چه شکلی بوده است؟ چه کسی برای اولین بار به احیای این سنت اسلامی همت گماشت؟

دکتر علی اکبر درخشنده



اشاره کرد که دینوری می‌نویسد حدود بیست هزار تن از سپاهیان او موالی ایرانی بودند.^۳ از دیگر اتفاقاتی که ایرانیان را با واقعه کربلا آشنا کرد، قیام علویان و در رأس آنان زید بن علی و فرزندش یحیی بود که با مردم ایران از جمله خراسان، گرگان و ری در ارتباط است.^۴ داعیان عباسی نیز در آگاهی ایرانیان نسبت به جنایات بنی امیه نقش بسزایی داشتند. آن‌ها برای تحریک عواطف و برانگیختن مردم، فهرستی از مظالم بنی امیه نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام آماده ساختند که حادثه کربلا در بالاترین مرتبه آن‌ها قرار داشت.^۵

در کنار همه عوامل پیش‌گفته، تشریف امام رضا سلام الله علیه به خراسان در سال ۲۰۰ قمری و کوشش امام در برگزاری عزاداری عاشورا یکی از اساسی‌ترین عوامل انتقال فرهنگ عزاداری به ایران بوده است.^۶ با آمدن امام رضا سلام الله علیه به خراسان، احساسات و عواطف مردم شیعه و سنی آن دیار که با استفاده از اندک فرصت‌های پیش آمده به سوگواری برای اهل بیت پیامبر علیهم السلام می‌پرداختند، جهت‌دهی و بامبانی دینی و اهداف صحیح اسلامی منطبق شد. همچنین با مدیریت و رهبری آن امام بزرگوار مراسم‌های عزاداری و سوگواری امام حسین سلام الله علیه هر ساله در دهه محرم برگزار می‌گردید.^۷ متعاقب این فعالیت‌ها، گروهی از سادات به سبب حضور امام در خراسان به این دیار هجرت کردند و پس از شهادت آن حضرت، در اقصی نقاط ایران به خصوص در مناطق شمالی کشور مانند

پس از برگزاری اولین عزاداری‌ها توسط اهل بیت علیهم السلام در کنار اجساد مطهر شهدای کربلا در روز عاشورا و سپس در کوفه، شام و مدینه، با مخالفت برخی از حکومت‌های سفاک مانند حجاج بن یوسف ثقفی نه تنها سوگواری بر خاندان پیامبر اکرم علیهم السلام ممنوع شد، بلکه دستور به تخریب مقبره امام حسین سلام الله علیه و یارانش را دادند. پس از آن نیز تاریخ نویسان از بازتاب حادثه کربلا در شهرهای ایران، اخبار قابل توجهی گزارش نکرده‌اند. تنها در کتاب «تاریخ سیستان» نوشته‌اند: «چون این خبر به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کرد و پاره‌ای شورش اندر گرفتند».^۱

همچنین احتمال می‌رود که یزید خبر پیروزی خود را طبق معمول برای اطلاع والیان خود به سرتاسر امپراتوری ارسال کرده باشد و ممکن است در مقابل، واکنش‌هایی هم اتفاق افتاده باشد که از هیچ‌کدام خبری در تاریخ ثبت نشده است و یا به ما نرسیده است. البته طبری خبری از قیام اهالی ری به سرکردگی فرخان رازی در سال ۶۴ قمری را گزارش کرده است.^۲ اما تصور نمی‌شود این شورش به خاطر واقعه کربلا بوده باشد. بعدها گزارش‌هایی درباره عکس‌العمل و قیام‌های گسترده مردم در ارتباط با واقعه کربلا و حادثه عاشورا به ثبت رسیده است که از آن جمله می‌توان به قیام مختار ثقفی



**با آمدن امام رضا
سلام الله عليه به
خراسان، احساسات
و عواطف مردم
شیعه و سنی آن
دیوار که با استفاده از
اندک فرصت‌های
پیش آمده به
سوگواری برای
اهل بیت پیامبر
علیهم السلام
می برداختند،
جهت دهی و با
مبانی دینی و اهداف
صحیح اسلامی
منطبق شد.**

طبرستان و مازندران پراکنده شده^۱ و مردم آن مناطق را که اکثراً سنی مذهب بودند با داستان کربلا، واقعه شهادت امام حسین سلام الله علیه و مراسم عزاداری آشنا کردند.

دعبل خراعی از شاعران مشهور شیعه نقل می کند روزی محضر امام رضا سلام الله علیه شرفیاب شدم، مشاهده کردم امام در جمع یاران خود به سوگ نشسته اند. آن حضرت با دیدن من فرمودند: ای دعبل ایام اندوه و ماتم ما اهل بیت و ایام شادمانی دشمنانمان و بنی امیه است، دوست دارم در این باره شعری بسرایم. سپس فرمودند هرکس بر مصیبت ما بگرید یا بگریاند اجر او با خداوند است؛ هرکس دیدگانش اشک آلود شود با ما محشور می گردد و هر آن کس که بر مصیبت های جدم سیدالشهدا سلام الله علیه گریان باشد بی شک گناهانش آمرزیده می گردد. آنگاه پرده ای بین ما و اهل حرم آویختند و دستور دادند ایشان نیز در پس آن پرده نشسته و بر مصیبت جد خود اشک بریزند. در این هنگام به من فرمودند: ای دعبل! مادامی که زنده ای از یاری ما کوتاهی نکن و یاور و مدح کننده ما باش و بر جدمان سیدالشهدا سلام الله علیه مرثیه بخوان. سپس من اشعاری را با حزن و گریه در آن محفل سوگواری خواندم به این مضمون:

«ای فاطمه سلام الله علیها اگر زنده بودی و می دیدی که فرزندت حسین سلام الله علیه چگونه جنگید و با لب تشنه در کنار نهر فرات کشته شد، در آن صورت کنار پیکرش بر سروصورت می زدی و اشکت بر صورت جاری می شد. ای فاطمه سلام الله علیه دختر بهترین انسان! برخیز و ماتم نما که اختران آسمان بر خاک بیابان افتاده اند. مقابری در کوفه و قبری در مدینه و دیگری در فخر؛ قبوری در کربلا بر کرانه فرات که حمله گاهشان است و با لب عطشان آنجا جان باختند. ای کاش پیش از حسین سلام الله علیه جان می دادم. نزد خدا شکایت می برم که چگونه مصیبتشان جام عزا و بی تابی به من نوشانده است. دختران زیاد در قصرها در امان بودند، اما دختران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هتک حرمت شدند. خاندان زیاد در امنیت قلعه بودند و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیابان ها به اسارت برده شدند و حرمتشان شکسته شد، ولی خاندان زیاد با امنیت در پس پرده مشغول زندگی بودند»^۹.

مراسم عزاداری عاشورا با شکل گیری حکومت علویان در طبرستان (۲۵۰ ق) به روز زمان به شکل یک فرهنگ بومی ایرانی درآمد. البته نباید در این میان نقش شهرهای شیعه نشین از جمله سبزوار، نیشابور، ری و قم^{۱۰} را در انتقال و توسعه این مراسم به مناطق سنی نشین ایران نادیده گرفت. گزارش های تاریخی حکایت از

اقامه عزا برای شهدای کربلا و سید شهیدان حسین بن علی سلام الله علیه در ایران بعد از واقعه عاشورا دارد، اما از کیفیت و نحوه برگزاری عزاداری ایرانیان تا قبل از سال (۳۵۲ ق) که به دستور معزالدوله در بغداد مراسم سوگواری امام حسین سلام الله علیه به صورت علنی و گسترده برگزار شد اخبار چندانی در دست نیست و به گفته ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) که می نویسد: «شیعیان از راه تأسف و سوگواری به قتل سیدالشهدا سلام الله علیه در مدینه السلام و بغداد و شهرهای دیگر

گریه و نوحه سرایی می کنند»؛ گمان می رود به دلیل محدودیت های موجود، در قالب اجتماعات کوچک انجام می شده و فراتر از بیان مصائب و گریه کردن نبوده است و گاه حتی به دلیل اختناق حکام عباسی و دیگر فرمانروایی که تحمل این هیجان های مقدس را نداشتند به آنان اجازه نمی دادند که به برگزاری مراسم های خود ولو در مکانی محدود بپردازند. علیرغم همه این محدودیت هایی که برای عزاداری ایجاد شده بود، اما یکی دو قرن بعد، این ایرانیان بودند که مجدداً با روی کار آمدن حکومت آل بویه سوگواری بر مصائب امام حسین سلام الله علیه را به طور رسمی برگزار کردند.

ایرانیان برای هرچه باشکوه تر برگزار کردن مراسم سوگواری که در سال (۳۵۲ ق) آغاز شد و زیربنای مراسم سوگواری آن ها گردید، آداب و رسوم بومی خود را با شعائر مذهبی ممزوج ساختند که این شیوه جوهره مراسم های عزاداری بعدی شد. باگذشت زمان عزاداری ایرانیان مطابق با سلاقی و آداب و رسوم حاکم بر جامعه گسترش یافت و به مرور ابعاد گسترده تری به خود گرفت و به مراسم و فرهنگ عمومی تبدیل گردید، به نحوی که در روز عاشورا مردم و حتی برخی از علمای حنفی همچون امام نجم الدین بلعمانی حنفی و خواجه علی غزنوی سفیانیان را لعن می کردند. دستار از سر بازکرده، نوحه می خواندند و خاک ماتم بر سر می ریختند.^{۱۱}

پی نوشت:

۱. ملک الشعراء بهار، تاریخ سیستان، ص ۱۰۰.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۴۰۹؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۲۱۹.

۳. ابوحنیفه دینوری، احمد بن داوود، اخبار الطوال، ص ۳۳۹ و ۳۳۸.

۴. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، صص ۱۳۵ و ۱۵۴ و ۱۶۱.

۵. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۶. مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش: محمدحسین تسبیحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۲۷.

۷. اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۴۸.

۸. مرعشی، پیشین، ص ۱۲۷.

۹. اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۱۰. قمی، تاریخ قم، ص ۹۳؛ قزوینی، انار البلاد، ص ۵۱۴؛ حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۷۵.

۱۱. ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی، النجوم الزاهرة، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۵۲ ق، ج ۴، ص ۲۱۸.



نوشتار حاضر اقتباس و تلخیص از کتاب «صلح امام حسن سلام الله علیه» تألیف شیخ راضی آل یاسین و ترجمه امام خامنه ای می باشد که به مناسبت شهادت این امام همام منتشر می گردد.

صلح امام حسن سلام الله علیه آزمایشی پرمحنت و طاقت فرسا

محمدحسین دانی

تحقیق و جستجو در سیره و زندگی ائمه اطهار علیهم السلام از آن جهت ضروری است که آنان اقیانوس ژرف معارف و فضایل و زیاترین سمبل و الگو برای مسلمانان و دیگرانسان های آزاده هستند. الگوبرداری و قهرمان گرایی در وجود انسان نهادینه شده و همه مردم همواره دنبال اسوه هستند؛ لذا صلح قهرمانانه امام حسن سلام الله علیه مورد توجه آنان و دیگر اندیشمندان قرار گرفته است. در این میان عده ای صلح امام را ستوده و او را قهرمان صلح و زندگی مسالمت آمیز بر شمرده اند و برخی دیگر زبان به نقد و مذمت اقدام صلح جوانه آن حضرت گشوده اند. در این نوشتار کوشش شده است تا صلح امام حسن سلام الله علیه را الگویی برای همه مصلحان و صلح جویان جهان معرفی کرده و اثبات نماید که ایشان با شناخت کامل از شرایط زمان و با بهره گیری از سیاست و استراتژی معقول و منطقی، پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ را رقم زدند.



سربلندی و پیروزی در آزمایش الهی

صلح امام حسن سلام الله علیه با معاویه، از دشوارترین حوادثی بود که اهل بیت پیامبر پس از رحلت آن بزرگوار بدان دچار شدند. امام حسن سلام الله علیه با این صلح، آن چنان محنت طاقت فرسایی از امت به ظاهر مسلمان کشید که هیچ کس جز به کمک خدا، قادر بر تحمل آن نیست لیکن او ضمن مراعات حکم خدا، قرآن، پیامبر و صلاح امر مسلمین، در برابر این آزمایش عظیم با پایداری و متانت ایستادگی کرد و موفق شد سربلند و پیروزمندانه از آن عبور کند. هم کسانی که امام حسن سلام الله علیه را به راحت طلبی و عافیت اندیشی متهم کرده اند و هم گروهی از شیعیانش که تحت تأثیر شور و احساس، حسرت خورده اند که ای کاش او نیز همانند برادرش حسین سلام الله علیه در میدان جهاد با معاویه پایداری می کرد و از راه شهادت، حیات جاودان می یافت، هر دو گروه بی بصیرت اند و در اندیشه و خردورزی آن ها باید شک کرد.^۱

بررسی شبهات تاریخی صلح امام حسن سلام الله علیه

علما و محققان در طول تاریخ شبهات متعددی را در مورد صلح امام حسن سلام الله علیه مطرح کرده اند که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱. آیا صلح امام با معاویه با روحیه شجاعت و شهامت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله همسویی دارد؟
 ۲. آیا اصولاً امام حسن سلام الله علیه روحیه سازش داشته و همین روحیه، سبب صلح او شده است؟
 ۳. برخی دیگر، صلح امام حسن سلام الله علیه را با قیام امام حسین سلام الله علیه مقایسه کرده و گفته اند: آیا بهتر نبود که امام حسن سلام الله علیه نیز مانند برادرش امام حسین سلام الله علیه قیام می کرد ولو اینکه در این راه به شهادت می رسید؟
 ۴. آیا واگذاری حکومت از سوی امام حسن سلام الله علیه، که بر مسند قدرت قرار داشت، به معاویه، سبب ذلت مسلمانان و انحراف رهبری از مسیر اصلی نشده است؟
- علمای بسیاری در رد شبهات فوق کوشیده و پاسخ های فراوانی نگاشته اند. شیخ راضی آل یاسین در پاسخ به اولین شبهه فوق می نویسد:
- «بسیاری از مردم معتقدند که روح مناعت هاشمی که همواره چون عقاب بلندپرواز، قله های مرتفع را به زیر پر دارد، با رفتار امام حسین سلام الله علیه متناسب تر است تا رفتار امام حسن سلام الله علیه و این، یک نگرش ابتدایی و سطحی و دور از عمق و دقت است؛ زیرا حسن سلام الله علیه نیز در دیگر موقعیت ها





ترسیدم که اگر در این لحظات حساس، اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، خرابی و شکافی در اسلام بینم که مصیبت آن بر من، از مصیبت از دست رفتن چند روز خلافت بیشتر است.^۹

صلح امام، نرمشی قهرمانانه

صلح امام حسن سلام الله علیه قهرمانانه ترین نرمش تاریخ است که از سوی ایشان، با توجه به شرایط زمان و مکان، به وجود آمد. صلح برای امام سلام الله علیه از زهر تلخ تر و خار در چشم او بود؛ چنانچه در برابر پیشنهاد صلح از سوی معاویه، خطاب به مردم فرمود:

«معاویه ما را به چیزی خوانده که نه در آن عزت و بزرگواری است و نه انصاف. اکنون اگر طالب زندگی هستید، از او بپذیریم و این خار را در دیده فروبرده و دیده را برهم نهم؛ و اگر خواستار مرگ با عزت هستید، ما جان خود را در راه رضای خدا بذل می کنیم و محاکمه معاویه را به خدای یکتا وامی گذاریم.»^{۱۰}

امام حسن سلام الله علیه صلح را به خاطر ترس از مرگ و روحیه سازش کاری نپذیرفت؛ زیرا او فرزند همان علی سلام الله علیه است که به مرگ، آن گونه علاقه دارد که کودک به پستان مادر؛^{۱۱} چنانکه امام حسن سلام الله علیه در مورد اعتراض عبیدالله بن زبیر به صلح ایشان فرمود:

«وای بر تو! چه می گویی؟ مگر ممکن است من که فرزند شجاع ترین مردان عرب هستم؛ فاطمه، سرور زنان جهان، مرا به دنیا آورده است بترسم وای بر تو! هرگز ترس و ناتوانی در من راه ندارد. علت صلح من، وجود یارانی همانند تو بود که ادعای دوستی با من داشتید؛ ولی در دل، نابودی مرا آرزو می کنید...»^{۱۲}

امام حسن سلام الله علیه همان انسان شجاعی است که در جنگ صفین حماسه شجاعت می آفریند و آن چنان می جنگد که امام علی سلام الله علیه می فرماید:

«این جوان را نگه دارید تا مرگ او را درهم نکوید. من در مرگ این دو (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) بخل می ورزم، مبادا که با مرگ آن ها نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله قطع گردد.»^{۱۳}

شرایط زمان و مکان و تحولات جامعه، نقش بنیادینی در شکل گیری و اتخاذ تصمیمات و فعالیت های سیاسی و اجتماعی معصومان علیهم السلام داشته و همین امر اقتضا می کرده که هیچ یک از ایشان سیاست ثابتی نداشته و بر اساس معیارهای دقیق الهی خط مشی ها و سیاست های خود را تعیین می کردند

پی نوشت:
۱. گفتاری از مرحوم آیت الله سید عبدالرحمن شرف الدین در مقدمه کتاب صلح امام حسن سلام الله علیه نوشته شیخ راضی آل یاسین.
۲. صلح امام حسن سلام الله علیه، شیخ آل یاسین، ترجمه سید علی خامنه ای، ص ۵۱۱ و ۵۱۲.
۳. سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۵۴.
۴. همان، ص ۷۰.
۵. همان، ص ۶۰.
۶. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶.
۷. تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، (سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله)، ج ۱، ص ۵۴۰ به بعد.
۸. سیری در نهج البلاغه، ص ۱۷۶.
۹. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۷ و ۱۸، ص ۱۰۷؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۶۲، ص ۴۵۶.
۱۰. زندگانی امام حسن سلام الله علیه، ص ۲۲۹.
۱۱. فروغ ولایت، جعفر سبحانی، ص ۷۳.
۱۲. حیات الامام الحسن سلام الله علیه، ج ۲، ص ۲۸۰.
۱۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، تلام ۲۰۷.

و صحنه های زندگی اش، همان هاشمی شکوهمند و بلندپرواز بود که در افتخارات همراه و هم تراز پدر و برادر خود محسوب می شد و این هر سه، نمونه کامل و مثال عالی مصلحان تاریخ بودند. هریک از ایشان جهاد و رسالتی مخصوص خود داشت که از اعماق شرایط موجود و اوضاع و احوال او سرچشمه می گرفت. نوشیدن جام شهادت، در موقعیت امام حسین سلام الله علیه و حفظ سرمایه زندگی به وسیله صلح، در موقعیت امام حسن سلام الله علیه به عنوان دو نقشه برای حفظ مکتب بوده است.^۲

نمونه های تاریخی صلح قبل از عصر امام حسن سلام الله علیه

شهید مطهری سکوت امام علی سلام الله علیه را نوعی صلح تحمیلی بر ایشان می داند و می نویسد:

«امیرالمؤمنین سلام الله علیه که روزگاری در رکاب پیامبر مردانه می جنگید، بعد از پیامبر اسلام که خلافت را دیگران گرفتند، در آنجا نمی جنگد. بیست و پنج سال می گذرد و در تمام این مدت او یک مرد به اصطلاح صلح جو و مسالمت طلب است.»^۳ همچنین ایشان می نویسد:

«اسلام نه صلح را به یک معنا و اصل ثابت می پذیرد و نه در همه شرایط جنگ را، بلکه می گوید: جنگ و صلح در همه جا تابع شرایط است.^۴ واقعاً اگر امام حسن سلام الله علیه به جای امام حسین سلام الله علیه بود، کار امام حسین سلام الله علیه را می کرد و اگر امام حسین سلام الله علیه هم به جای امام حسن سلام الله علیه بود، کار امام حسن سلام الله علیه را می کرد.»^۵

اتخاذ سیاست مختلف در سنت هریک از ائمه علیهم السلام

شرایط زمان و مکان و تحولات جامعه، نقش بنیادینی در شکل گیری و اتخاذ تصمیمات و فعالیت های سیاسی و اجتماعی معصومان علیهم السلام داشته و همین امر اقتضا می کرده که هیچ یک از ایشان سیاست ثابتی نداشته و بر اساس معیارهای دقیق الهی خط مشی ها و سیاست های خود را تعیین می کردند و در مقام رهبری جامعه بر اساس شناخت شرایط زمان و مصالح دینی مردم به رهبری آنان می پرداختند. طبیعی است که شرایط زمان و مکان هر معصومی با دیگر امامان متفاوت بوده و مستلزم اتخاذ و بهره گیری از اهرم صلح، قیام، سکوت و... بوده است. از سوی دیگر، هدف اصلی آنان حفظ و اجرای دستورات الهی و رعایت مصالح عمومی است که برای تحقق این اهداف گاه ممکن بود شرایط تفاوت پیدا کرده و همین تفاوت سبب تغییر استراتژی امام شود. چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گاه با مشرکان و یهودیان می جنگد و در شرایطی دیگر با آن ها «صلح حدیبیه» امضا می کند؛^۶ و یا امیر مؤمنان سلام الله علیه به خاطر رعایت مصالح جامعه مسلمین و حفظ دین خدا، خار در چشم و استخوان در گلو مجبور است بیست و پنج سال در برابر خلفا سکوت کند.^۸ آن حضرت در نهج البلاغه علت سکوت خود را این گونه تبیین می فرماید:

«دست نگه داشتیم تا اینکه دیدم گروهی از اسلام برگشتند و مردم را به محو دین پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنند،

مفهوم شناسی فرازهای زیارت اربعین

روز بیستم ماه صفر، روز اربعین و به قول شیخ مفید و شیخ طوسی بازگشت اهل حرم امام حسین سلام الله علیه از شام به مدینه و روز ورود اولین زائران حضرت، جناب جابر بن عبدالله انصاری به کربلا است. زیارت امام حسین سلام الله علیه در این روز مستحب بوده و به فرموده امام حسن عسکری سلام الله علیه از نشانه های مؤمن می باشد و متن این زیارت به «زیارت اربعین» شهرت دارد. شیخ طوسی در تهذیب و مصباح، سند زیارت مخصوصه روز اربعین را از حضرت امام صادق سلام الله علیه نقل کرده است.

| فاطمه جمالی زاده |

فراز اول: عرض سلام با توصیف ویژه

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ؛ السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمُظْلُومِ الشَّهِيدِ؛ السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ؛

اخلاق ناپسند و مذموم و سریچی از دستورات خداوند به امام خود آسیب و آزاری نرساند و او را آزرده خاطر نسازد چرا که می داند هدف ائمه علیهم السلام خیرخواهی برای هدایت و اصلاح مردم و همگانی کردن ندای توحید و هدایت آن ها برای اطاعت از اوامر الهی است. پس زائر باید برنامه زندگی و رفتار خود را طوری تنظیم کند که با امام خود سنجیت داشته باشد و موجب جلب رضایت حضرت بشود و این جز با رقت قلب و زدودن سیاهی ها با توبه و انابه و پشیمانی در حین سلام محقق نمی شود. می توان بوسیله تکرار سلام با الفاظ مختلف، روح و روان خویش را از آلودگی ها و سیاهی ها پالایش کرد و با خلوص و اشک و ادب به گونه ای بر امام وارد شد که لایق دریافت پاسخ سلام آن بزرگوار گردید. بُعد دیگر سلام، اعلام برائت از دشمنان امام و اعلام آمادگی برای مبارزه با شیطان درون و شیاطین برون است و از سوی دیگر پیوستن به صف یاران امام برای نبرد با طاغوتیان و مستبدان عالم است.

در سلام های اولیه زیارت، امام صادق سلام الله علیه به نوعی اصالت خانوادگی امام حسین سلام الله علیه را بیان می نماید که ایشان فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله است. برخی از انبیاء در درگاه الهی با عناوین و نام های خاص توصیف و شناخته می شوند؛ مثلاً حضرت ابراهیم سلام الله علیه با عنوان خلیل الله، حضرت موسی سلام الله علیه با عنوان کلیم الله، حضرت عیسی سلام الله علیه با عنوان کلمه الله، حضرت نوح سلام الله علیه با عنوان نبی الله، حضرت آدم سلام الله علیه با عنوان صفوة الله و حضرت محمد صلی الله علیه و آله با عنوان حبیب الله که در این فراز در توصیف و معرفی امام حسین سلام الله علیه به برخی از این اسماء و صفات خاص اشاره شده است. مفهوم سلام در فرازهای بالا به معنای آسایش، امنیت و سلامتی است. زائر به صورت ایستاده در حضور امام یا به شکل حضور ذهنی از دور بر امام حسین سلام الله علیه ادای سلام می کند. زائر در مقام درک فیض حضور امام و در حین سلام دادن وقتی در سلام خود صادق است که در قلبش عهد ببندد که با



فراز دوم: شهادت به ولایت امام حسین سلام الله علیه و عظمت ایشان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ؛ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَاةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الدَّادَةِ؛ وَأَعْظَيْتَهُ مَوَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ؛ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ؛ فَأَعِزِّرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ؛

خداوند متعال در حالی که سیدالشهدا سلام الله علیه در طوفان فجیع ترین و سخت ترین جنایت های واقعه عاشورا قرار گرفت، اراده کرد تا او را شرافت و کرامت عطا کند. شهید مطهری رحمه الله در تبیین پستی بی حد و جنایت فجیع دشمنان امام حسین سلام الله علیه می نویسد: «یک وقت حساب کردم و در حدود بیست و یک نوع پستی و لثامت در جنایت کربلا و روز عاشورا دیدم و گمان نمی کنم در دنیا چنین جنایتی پیدا بشود، که تا این اندازه تنوع داشته باشد»^۱.

در این فراز امام صادق سلام الله علیه با توصیف ویژگی های امام حسین سلام الله علیه که او ولی و فرزند ولی الله است و او برگزیده و پسر برگزیده خدا است، به خداوند عرضه می دارد که یزیدیان در پی کسب اعتبار دنیوی و مقامات مادی بوده و سیدالشهدا سلام الله علیه و یارانش به دنبال انجام تکلیف و دل کندن از دنیا و اعتبارات مادی بودند ولی تو به واسطه شهادت به او و یارانش چنان عزت و عظمتی بخشیدی که در تاریخ جاودان و تأثیرگذار شدند.

فراز سوم: معرفی هدف قیام امام حسین سلام الله علیه

وَبَذَلَ مَهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.

حسین سلام الله علیه برای احیا و اصلاح دین اسلام که توسط خلفا برای حفظ حکومت نامشروعشان منحرف و تحریف شده بود راهی به جز قیام نداشت. آن حضرت با نثار خون خود اسلام ساختگی خلفا را بار دیگر به مجرای اصلی و حقیقت ناب خود بازگردانید تا حقیقت دین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیام های واقعی آن به نسل های بعد منتقل گردد.

این فراز معروف از زیارت اربعین ناظر به هدف امام از قیام خود است که می توان آن را در وصیت نامه ای که هنگام خروج از مکه به سمت مدینه خطاب به برادرش جناب محمد حنفیه می نویسد دریافت: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ من برای اصلاح دین جدّم رسول الله و امر به معروف و نهی از منکر قیام می نمایم»^۱. در حقیقت امام

فراز چهارم: بیان علت انحراف و معرفی قاتلان کربلا

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنَ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنَى، وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالْأَوَّلِ الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالْفَقَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ.

آنچه مسلم است اینکه افرادی چون عمر سعد و شمر و دیگر سران لشکر ابن زیاد به طور یقین به مقام و جایگاه امام حسین سلام الله علیه و حقانیت او آگاهی داشتند؛ ولی به طمع منافع مادی و رسیدن به مقام دنیوی، به قتل آن حضرت تن دادند. افزون بر فرماندهان لشکر ابن زیاد عده دیگری از مردم که حقیقتاً اهل نماز و اقرار به شهادتین بودند در برابر امام حسین سلام الله علیه ایستادند که با وجود آگاهی به حقانیت و مظلومیت آن حضرت به خاطر شکم و از دست ندادن جان و دنیای خود و یا به خاطر محبت فرزند و خانواده، برخلاف عقیده خود، به شرکت در قتل امام حسین سلام الله علیه راضی شدند. عقاد در این باره می گوید: «در پستی یاوران یزید همین بس که در کربلا به جهت اعتقادی به کرامت و حق آن حضرت باور داشته و از مقابله رودرو با وی می هراسیدند؛ ولی پس از شهادت، لباس او و اهل بیتش را در میان اموال غارت شده بیرون می آوردند و اینان اگر به دین او و رسالت جدّش هم کافر بودند این عمل آن ها در مذهب مردانگی پست ترین کار بود»^۲.

در نقلی از فرزندق شاعر آمده است که: «من و مادرم برای انجام مراسم حج از کوفه عازم مکه بودیم که در بین راه با امام حسین سلام الله علیه ملاقات کردم. امام از من پرسید: از کوفه چه خبر؟ پاسخ دادم: «قُلُوبُ النَّاسِ مَعَكَ وَ شُيُوفُهُمْ مَعَ بَنِي أُمَيَّةَ عَلَیْكَ؛ مردم دل هایشان با شما، ولی شمشیرهایشان با بنی امیه است»^۳ سپس آن حضرت فرمود: «يَا فِرْزُدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ وَأَطَاعُوا الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ وَابْتَغَوْا الْخُدُودَ وَشَرَبُوا الْخُمُورَ وَاسْتَأْثَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ أَنَا أَوَّلِي مَنْ قَامَ بِضُرَّةِ دِينِ اللَّهِ وَإِعْزَازِ شَرْعِهِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ؛ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛ ای فرزندق! اینان گروهی هستند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و حدود الهی را از بین بردند و باده ها نوشیدند و دارایی های فقیران و بیچارگان را ویژه خود ساختند و من از هر کس به یاری دین خداوند و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم تا آیین خداوند پیروز باشد»^۴.

در این فراز حضرت برخی از قاتلان کربلا را توصیف می کند که به وسیله حب دنیا و مقام، وسوسه شده و با فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جنگیدند و امام را به شهادت رساندند؛ از جمله عمر بن سعد بن ابی وقاص که از عاملان اصلی جنایت کربلا بود. او به واسطه شخصیت مشهور و خوش نام پدرش سعد که از یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ابتدای بعثت بود، صاحب نام نیک بود ولی چون شخصی پست و دنیاپرست بود در جنایت کربلا نقش به سزایی ایفا کرد و آن چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین سلام الله علیه در روایاتی او را مذمت کرده اند، عاقبت شومی نصیبش شد. قبل از آن نیز پدرش سعد به خاطر روحیات شوم عمر از او راضی نبود به نحوی که او را از ارث محروم کرد.^۵ از دیگر عاملان و فرماندهان واقعه کربلا شمر بن ذی الجوشن بود. گرچه او هم جزو شیعیان امیرالمؤمنین سلام الله علیه بوده و در نبرد صفین در زمره یاران شجاع حضرت بود، ولی بعدها از طرفداران بنی امیه شد و در اثر گرفتاری نفس نتوانست عاقبت به خیر شود.

در طول تاریخ بشریت، همیشه دنیاپرستی و قدرت خواهی، عامل انحراف بشر بوده است. با بررسی اسناد و منابع تاریخی به روشنی پیداست که یکی از مهم ترین عوامل رخداد واقعه روز عاشورا نیز دنیاپرستی و منفعت طلبی کسانی بود که به وعده دروغین زو و سیم و یا حکومت عازم کربلا شدند. امام حسین سلام الله علیه پس از ورود به کربلا در دوم محرم سال ۶۱ برای خویشاوندان و یاران خود خطبه ای ایراد فرمودند که در آن چهره زشت دنیا را به زیبایی ترسیم کرده و در بخشی از آن خطبه وضع دنیا و مردم آن را این چنین توصیف نمودند: «إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقَى عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مَخَضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ؛ مردم بنده دنیایند و دین بر سر زبان هایشان هست [لقلقه زبانی است نه از ته دل]. آن را نگه می دارند و دین دار هستند تا برای زندگی شان سود داشته باشد، اما وقتی که [با پیشامدهای دشوار] در بوته آزمایش قرار گرفتند دین داران کم می شوند»^۶.

فراز پنجم: پندآموزی از آموزه‌های مکتب عاشورا

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا وَمَضَيْتَ حَمِيدًا، وَمِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ وَمُهِلِّكُ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ؛

کرده باشد بایستی خود را متصف به اوصاف و فضایل امام خود کرده و از آموزه‌های نهفته در مکتب عاشورا درس بگیرد که این تبعیت و ایجاد سنخیت، شرط اصلی اقتدای مأموم به امام است. به یقین می‌توان گفت که در همراهی با حسین سلام‌الله‌علیه ارزش‌های بی‌انتهایی نهفته است و اگر انسانی در دنیا با آن حضرت، همگون و هم‌عقیده و هم‌جهت باشد بی‌شک در آخرت از مقام قرب، رحمت و مغفرت ایشان بهره‌مند خواهد شد. کسی که به این حقیقت آشکار واقف است با تمام خضوع و خشوع از پروردگار عالم می‌خواهد تا به واسطه معیت با امام حسین سلام‌الله‌علیه او را در پیشگاه خود با وجاهت و مقبولیت ببذیرد.

داستان قیام امام حسین سلام‌الله‌علیه و واقعه شهادت مظلومانه ایشان و یاران باوفایشان دربردارنده درس‌ها و آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی فراوانی می‌باشد که برای همه بشریت به یادگار مانده است. آموزه‌ها و فضایی در بعد شخصی و فردی همچون: توحید، عرفان، عبادت و بندگی، عفو و بخشش، شجاعت و مرآت، عزت نفس و مناعت طبع، استقامت و پایداری در برابر ناملایمات و سختی‌ها و نیز آموزه‌های اجتماعی و سیاسی نظیر ایثار و فداکاری، وفاداری، برابری و نفی تبعیضات ناروا، عزت سیاسی، امر به معروف و نهی از منکر، جدا نبودن سیاست از دیانت، مبارزه با زور، بیعت نکردن با مستبدان و مستکبران و یکی بودن حماسه و عرفان. اگر کسی بخواهد به معنای حقیقی کلمه از امام خود تبعیت

فراز ششم: میثاق شیعه با امام خود و ابراز دشمنی با دشمنان او

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

خَارِجُهُمْ، وَ سَلِّمْ لِمَنْ سَلَّمَهُمْ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ؛ هر که با آنان بجنگد، با من جنگیده و هر که با آنان در سلم و صلح باشد با من در سلم و صلح است و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی ورزیده و هر که آنان را دوست بدارد مرا دوست داشته است. من از آنانم و آنان از من.^۱ در فراز «بابی انت و اُمی» در حقیقت زائر با این دعا در پیشگاه جلالت و بزرگی امام خویش ادای احترام می‌کند و به صراحت اعلام می‌دارد که آقا و مولای من! الهی که من و همه عزیزانم دورت برگردیم و فدایت شویم؛ یعنی اگر بلایی یا آفتی بر شما وارد شود، من و همه اهل و عیالم بلاگردان و فدایی شما هستیم. این نوع خطاب قرار دادن طرف مقابل از یک سو بیانگر زنده و حاضر بودن امام در حضور ماست گرچه به ظاهر از دنیا رفته است و از سوی دیگر به معنای غایت وحدت و اتصال ما با امام خود است تا آنجا که شهادت آن بزرگوار به منزله هزاران مرتبه کشته شدن و زنده شدن ما و پدر و مادرمان است.

در این فراز، زائر پیروی خود از امام و دشمنی خود با دشمنان امام را اعلام می‌دارد و نسبت خود در پیشگاه امام را با جایگاه صلح و همراهی و در قبال دشمنان امام در مقام جنگ و محاربه ترسیم می‌نماید. ممکن نیست پیرو حقیقی در صلح و آرامش با اهل بیت علیهم السلام همراه بوده اما در جنگ و قتال بی‌تفاوت نسبت به دشمنان آن حضرت باشد. چنان‌که در تاریخ عده‌ای در صلح امام حسن مجتبی سلام‌الله‌علیه با امام همراهی نکردند و در صفین نیز عده‌ای در یاری امام علی سلام‌الله‌علیه کوتاهی نمودند و در زمهره خوارج نهروان قرار گرفتند. این در حالی است که مفهوم واقعی «شیعه» به معنای پیروی حقیقی در همه حال است و این به معنای یکی شدن روح او با روح امام خود است؛ بنابراین صلح امام، صلح او و جنگ امام، جنگ او می‌شود، چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگامی که خمسه آل عبا تحت کساء جمع بودند با خداوند عالم این چنین نجوا نمود: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ

فراز هفتم: شهادت به عصمت و هدایتگری ائمه علیهم السلام

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ السَّامِيَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُذَلِّهَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي؛

پیشوایی نیکو رفتار، پرهیزکار، پسندیده و پاک، هدایت‌گر و هدایت‌شده هستی. این فراز همان گمشده بشر عصر حاضر و دوران مدرنیته است که در وانفسای پرستش و پرستیدن، راه را از بی‌راهه تشخیص نداده و به پیروی از رهبران جاهل و پلید روی آورده و دچار پیروی از ائمه کفر و طاغوت شده است.

زائر پس از آگاهی از مقام عصمت و جایگاه الهی امام گواهی می‌دهد که او از ستون‌های دین، ارکان مسلمین و دژ محکم مؤمنین است که اکنون به او پناه برده‌اند و در کمال تواضع و اخلاص به دامن باکرامت امام دخیل می‌بندد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ السَّامِيَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُذَلِّهَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي؛

در این فراز زائر شهادت می‌دهد که امام در همه دوران حیات مبارکش دارای عصمت و طهارت مطلق بوده و از هر نوع پلیدی و جهالتی به دور بوده است و لحظه‌ای در دنیای پیرهرج و مرج مادی ما غرق نشده است. زائر در پیشگاه مزور شهادت می‌دهد به اینکه یا اباعبدالله تو

فراز هشتم: شهادت به هدایتگری امام حسین سلام الله علیه و ذریه و نسل ایشان وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا؛

ذریه ات همگی کلمه تقوا هستند و آیه و نشانه هدایت ما؛ در کوران ظلمت ها و گمراهی ها با تمسک به حلقه محکم امامت و پیروی شما می توان نجات یافت. آری شما حجت و دلیل بر همه اهل دنیا هستید.

انسان برای رسیدن به کمال و سعادت نیازمند حبل المتینی واثق و ریسمانی محکم است تا بتواند ضامن هدایت و سلامت روح و جسم انسان باشد. در این فراز زائر شهادت می دهد که یا اباعبدالله! تو و اولاد و

فراز نهم: شهادت به اصالت عقاید شیعه در پرتو معیت با امام معصوم سلام الله علیه وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي؛ وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ؛ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ؛ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ؛ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ؛

که ظهور حجت بالغه الهی است نائل آید و به یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بشتابید. این مقام همان مقام معیت با امام معصوم سلام الله علیه است که امام هادی سلام الله علیه نیز در زیارت جامعہ کبیره به آن اشاره فرموده اند که «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ» یعنی شیعه واقعی نسبت خود با امام را معرفی می نماید و اقرار می کند که من با شما هستم نه با دشمنان شما.

بی شک آنچه دین داری و متشرع بودن ما را رقم زده است اعتقاداتی است که از قرآن و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله اخذ کرده ایم. در این فراز زائر در پیشگاه حجت خدا شهادت می دهد که در انجام کارها بر طبق دستورات دین عمل می کند و در این راه جز با هدایت و راهنمایی و دستور ائمه هدی علیهم السلام قدم از قدم بر نمی دارد تا در صراط مستقیم حرکت کند و به مقصد نهایی

فراز دهم: پایان زیارت با ختم صلوات

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ؛ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛

الفداء می باشد. سپس برای اجابت همه حوائج و خواسته هایش در پیشگاه خداوند به واسطه حجج الهی دعا می کند.

پایان بخش فرازهای نورانی زیارت اربعین، نثار صلوات الهی به پیشگاه ائمه معصومین علیهم السلام است؛ از غایبین آن ها که به شهادت رسیده اند تا حاضرین آن ها که حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له

پی نوشت:

۵. تحف العقول، صص ۲۴۹-۲۵۰ با اندک تفاوت لفظی؛ مقتل خوارزمی، ص ۵۱۲.
۶. حماسه حسینی از مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۴۹.
۷. مقتل مقرر، ص ۲۰۶.
۸. تذکرة الخواص، صص ۲۱۷-۲۱۸ و اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹۴.
۹. فاطمه زهرا سلام الله علیها، سید محمدکاظم قزوینی، ص ۹۲، به نقل از عوالم الکبیر.

۱. پایان بخش فرازهای نورانی زیارت اربعین، نثار صلوات الهی به پیشگاه ائمه معصومین علیهم السلام است؛ از غایبین آن ها که به شهادت رسیده اند تا حاضرین آن ها ۱. حماسه حسینی، ج ۳، ص ۱۲۱.
۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
۳. سید هاشم محلاتی، زندگانی امام حسین سلام الله علیه، ص ۳۷۸.
۴. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۶.

سلسله مباحث مقتل شناسی (۲)

در شماره گذشته ماهنامه هیأت براساس نیازشناسی در بحث تبلیغ معارف دین و سیره اهل بیت علیهم السلام، به اهمیت جایگاه مرثیه و توسل به ائمه هدی علیهم السلام دست یافتیم و بر همین اساس بحثی با عنوان «سیری در مقتل شناسی» آغاز گردید و در گام اول به بررسی جایگاه توسل و مقتل خوانی در آیات قرآن کریم پرداخته شد. در این شماره در ادامه مبحث مقتل شناسی به گام دوم؛ یعنی «جایگاه توسل و مقتل خوانی در روایات» از رهگذر احادیثی که به تشکیل مجالس اهل بیت علیهم السلام و برگزاری عزاداری تشویق می‌کنند، روایاتی که دلالت بر ارزش و اهمیت گریه و بکاء بر مصائب اهل بیت علیهم السلام و احادیثی که به مرثیه خوانی اهل بیت علیهم السلام تصریح کرده است می‌پردازیم؛ امید که ارائه این مباحث، دستمایه‌ای ارزشمند برای نشر دقیق و مستند معارف و مقاتل اهل بیت علیهم السلام قرار بگیرد.



ابراهیم پورهمت |

جایگاه توسل و مقتل خوانی در روایات

در کتب معتبر روایی ما احادیث فراوانی در فضیلت برپایی مجالس ذکر و توسل به اهل بیت علیهم السلام و نیز روضه خوانی و گریستن و گریاندن بر مصائب آن ذوات مقدسه وارد شده است. ائمه اطهار علیهم السلام نه تنها در گفتارشان به برپایی این مجالس تشویق نموده و برای برپاکنندگان این مجالس دعا می‌کردند، بلکه در عمل نیز، خود از برپاکنندگان چنین مجالسی بودند؛ بر مصائب سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه اشک می‌ریختند و خانواده و نزدیکانشان را به عزاداری فرا می‌خواندند و در پایان به شاعران مرثیه خوان هدایای گرانبها و باارزشی می‌دادند. در حقیقت با این رفتار در پی تبیین عظمت و جایگاه برپایی چنین مجالسی به همگان بوده‌اند. در خصوص برپایی مجالس ذکر و توسل به اهل بیت علیهم السلام و مقتل خوانی سه دسته روایت وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) روایاتی که به تشکیل مجالس و برگزاری عزاداری تشویق می‌کنند.

۱. حسن بن علی بن فضال از وجود نازنین امام رضا سلام‌الله‌علیه نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «مَنْ تَذَكَّرَ مُضَابَنَا وَبَكَى لِمَا أَتُكَبُّ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُضَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُخَيَّا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ کسی که متذکر مصائب ما شود و به خاطر ستم‌هایی که بر ما وارد شده گریه کند در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و درجه ما را خواهد داشت و کسی که مصیبت‌های ما را بیان کند و خود بگیرد و دیگران را بگیراند در روزی که همه چشم‌ها گریان است چشم او نگرید و هر کس در مجلسی بنشیند که در آن مجلس امر ما را زنده می‌نمایند روزی که قلب‌ها می‌میرند قلب او نخواهد مرد.»
۲. امام صادق سلام‌الله‌علیه به یکی از یاران خود به نام

فُضَيْلُ بْنُ فَضَالَةَ فرمود: «تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ قَالَ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْيَا فَاخْيَاؤُنَا يَا فَضَيْلُ فَرَجَمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضَيْلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذَكَّرْنَا عَنْدهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذَّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرُ مِنْ زَيْدِ الْبَحْرِ؛ آیا با نزدیکان خود می‌نشینید و احادیث ما را بیان می‌دارید؟ فضیل عرضه داشت: بله جانم به فدایت. حضرت فرمود: من چنین مجالسی را دوست دارم. ای فضیل! امر ما را احیا و معارف ما را زنده بدارید. خدا رحمت کند کسی که امر ما را احیا کند. ای فضیل! کسی که مرثیه ما را بخواند یا بشنود و به اندازه بال مگسی از چشمانش اشک جاری شود، خداوند متعال گناهانش را می‌آمرزد ولو از حباب‌های امواج دریا بیشتر باشد.»^۲

مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی وقتی این نمونه روایت را بیان می‌کردند، به طلبه‌ها می‌فرمودند: حواستان باشد! طوری به مردم القا نشود که هرکسی هر کاری دلش خواست انجام دهد و بعد تصور کند که با یک قطره اشک برای امام حسین سلام‌الله‌علیه بخشیده می‌شود؛ این برای کسانی است که قصد مخالفت ندارند و عمدی ندارند، اما غفلت کرده و گناه زیادی مرتکب شده‌اند و اراده بر این داشته‌اند که خوب باشند.

نکات برداشت شده از این روایات:

۱. تشکیل هیأت مذهبی مورد تأکید و توصیه اهل بیت علیهم السلام است.
۲. بکار بردن عبارت «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا» و «تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ» نشان



تَمَانِيَةً عَشَرَ رَجُلًا
مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
شَيْئُهُونَ؛ اَي پسر
شبیّب! روزه هستی؟

عرض کردم: نه! حضرت
فرمود: این روز، روزی است که
زکریا در آن دعا کرد و خداوند به
ایشان فرزندی عطا کرد. سپس
حضرت فرمود: پسر شبیب! اگر
برای کسی یا چیزی می خواهی گریه
کنی بر حسین بن علی سلام الله علیه
گریه کن چرا که او ذبح شد همان گونه که
کبش ذبح می شود (به نحو فجیعی ذبح
شد) و با او هجده نفر از مردان اهل بیت که
شبیبهشان در زمین نبود کشته شدند.^۵

در این روایت شریف امام رضا سلام الله علیه به
نوعی مقتل خوانی کرده و روضه جد بزرگوارشان را
برای ابن شبیب می خواند.

۲. نمونه دیگر از مقتل خوانی برای امام حسین
سلام الله علیه جملات جانسوز وجود نازنین امام
عصر سلام الله علیه در زیارت ناحیه مقدسه است. در
بخشی از این زیارت حضرت چنین مصائب جدشان
را بازگو می کند: «فَلَمَّا رَأَيْنِ النِّسَاءَ جَوَادَكَ مَخْرِبًا وَ
نَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُوبًا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُودِ نَاشِرَاتِ
الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لَاطِمَاتِ لِلْجُجُودِ سَافِرَاتِ وَ
بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ وَ بَعْدَ الْعَزِّ مَذَلَّلَاتِ وَ إِلَى مَضْرَعِكَ
مَبَادِرَاتِ وَ الشِّمْرِ جَالِسَ عَلَى صَدْرِكَ وَ مَوْلِعَ سَيْفَهُ
عَلَى نَحْرِكَ قَابِضَ عَلَى شَبِيَّتِكَ بِيَدِهِ دَابِجَ لَكَ بِمُهَنْدِهِ
قَدْ سَكَنْتَ حَوَاشِكَ وَ حَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ وَ رَفَعَ عَلَى الْقَنَازَةِ
رَأْسَكَ وَ سَبَى أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ وَ صُقِدُوا فِي الْحَدِيدِ
فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفُخَ وَ جُوهَهُمْ حُرُّ الْهَاجِرَاتِ
يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَ الْفُلُواتِ أَيْدِيَهُمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى
الْأَغْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ؛ پس چون بانوان
حرم، اسب تیزیای تو را خوار و زبون بدیدند و زین
تو را بر او واژگونه یافتند، از پس پرده های خیمه
خارج شدند، درحالی که... گیسوان بر گونه ها
پراکنده نمودند، بر صورت ها لطمه می زدند و نقاب
از چهره ها افکنده بودند و به صدای بلند شیون
می زدند و از اوج عزت به حضيض ذلت درافتاده
بودند و به سوی قتلگاه تو می شتافتند. در همان
حال، شمر ملعون بر سینه مبارکت نشست و شمشیر
خویش را بر گلویت سیراب می نمود. با دستی
محاسن شریفت را در مشت می فشرد و با دست
دیگر با تیغ آخته اش سراز بدنت جدا می کرد، تمام
اعضا و حواشت از حرکت ایستاد. نفس های مبارکت
در سینه پنهان شد و سر مقدست بر نیزه بالا رفت.
اهل و عیالت چون بردگان به اسیری رفتند و در غل
و زنجیر آهنین بر فراز جهاز شتران در بند شدند.
گرمای آفتاب نیمروز چهره هایشان می سوزاند. در
صحراها و بیابان ها کشیده می شدند. دستانشان
به گردن ها زنجیر شده، در میان بازارها گردانده
می شدند.»^۶

جلسه عزاداری
هم نیازمند
شور است، هم
نیازمند شعور؛
بنابراین براساس
روایات هیأت
به جمعیتی گفته
می شود که با
هدف تحصیل
شعور دینی و
کسب معارف دین،
همراه با ایجاد شور
و حماسه گرد هم
می آیند.

از اهمیت تشکیل جلسات مذهبی دارد.

۳. عبارت «يُخَيِّي فِيهِ أَمْرُنَا» و «فَأَخِيُوا
أَمْرُنَا» اشاره به این دارد که یکی از ارکان
برنامه های هیأت، تبیین معارف دینی
تحت عنوان احیای امر اهل بیت علیهم
السلام و بالا بردن شعور دینی جامعه
است.

۴. با توجه به اینکه در روایات گذشته،
اشاره به ذکر مصیبت و سوگواری شده
است؛ بنابراین توشل و مرثیه خوانی برای
اهل بیت علیهم السلام یکی از ارکان
برنامه های هیأت به حساب می آید. جلسه
عزاداری هم نیازمند شور است، هم نیازمند
شعور؛ بنابراین براساس روایات هیأت به
جمعیتی گفته می شود که با هدف تحصیل
شعور دینی و کسب معارف دین، همراه
با ایجاد شور و حماسه گرد هم می آیند. به
تعبیر دیگر، هیأت یعنی مجلسی که هم منبری
و هم مداح داشته باشد و به همین دلیل علما و
بزرگان دینی همواره سفارش می کردند که هنگام سخنرانی،
مصائب اهل بیت علیهم السلام نیز در ضمن آن گفته شود تا
معارف دینی، بیشتر در دل مردم نفوذ نماید.

۵. یکی از ویژگی های مرثیه خوان، اهل سوز بودن اوست.
در هر دو روایت اشاره شده است که خود مرثیه خوان نیز باید
اهل سوز باشد. به همین خاطر، توصیه شده است که هنگام
مرثیه خوانی و خطابه، علاوه بر رعایت ظواهر و مراعات حالت
سمعی و بصری، نباید گریه و اشک، حالتی ظاهری داشته باشد،
بلکه باید خود مرثیه خوان و گوینده نیز بسوزد و از دل اشک بریزد.

**ب) روایاتی که بر ارزش و اهمیت گریه بر مصیبت های اهل بیت
علیهم السلام دلالت می کند.**

۱. فضیل بن فضاله از امام صادق سلام الله علیه نقل می کند که
حضرت فرمود: «مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى
النَّارِ؛ نزد هر کس که از ما (و مظلومیتمان) یاد شود و چشمانش پر
از اشک گردد، خداوند چهره اش را بر آتش دوزخ حرام می کند.»^۲
۲. شاعر نامدار اهل بیت علیهم السلام؛ جناب کمیت بن ابی
المُسْتَهَلّ می گوید که بر آقای خود امام باقر سلام الله علیه وارد
شدم و در محضر ایشان اشعاری را در ثنای ائمه علیهم السلام
خواندم؛ آن حضرت گریست آنگاه فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ ذَكَرَنَا أَوْ
ذَكَرْنَا عِنْدَهُ يَخْرُجُ مِنْ عَيْنَيْهِ مَاءٌ وَلَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الْبَعُوضَةِ إِلَّا بَنَى
اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ ذَلِكَ الدَّمَعَ جِجَابًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ؛
هیچ مردی نیست که یاد مصیبت های ما کند یا در حضور او یاد
مصیبت ما شود و به اندازه بال پشه ای اشک از چشمانش جاری
شود مگر آنکه خداوند متعال خانه ای برایش در بهشت می سازد
و این اشک را حجابی بین این شخص و جهنمش قرار می دهد.»^۳
این دو روایت، به خوبی، اثر اخروی گریستن بر مصائب اهل بیت
علیهم السلام را نشان می دهد.

**ج) روایاتی که به مرثیه خوانی برای اهل بیت علیهم السلام
تصريح می کند.**

۱. جناب ریان ابن شبیب می گوید که در روز اول ماه محرم به
خدمت امام رضا سلام الله علیه وارد شدم. آن حضرت به من
فرمود: «يَا ابْنَ شَبِيبٍ أَصَابْتُمْ أَنْتَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ هُوَ
الْيَوْمُ الَّذِي دَعَا فِيهِ زَكَرِيَّا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ رَبُّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ رَبِّ هَبْ
لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ فَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ... ثُمَّ
قَالَ: يَا ابْنَ شَبِيبٍ إِنَّ كُنْتَ تَأْكِيًا لَشَيْءٍ فَإِنَّكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ ع فَإِنَّهُ ذَبَحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ

پی نوشت:

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۰ و
ج ۴۴، ص ۲۷۸.
۲. همان، ج ۷۱، ص ۳۵۱ و
ج ۴۴، ص ۲۸۲.
۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۸.
۴. همان، ج ۳۶، ص ۳۹۱.
۵. امالی صدوق، ص ۱۲۹ و
۱۳۰.
۶. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص
۳۱۹.

بررسی و معرفی آیین‌های عزاداری در مناطق سنی نشین ایران (۲)



قاطبه مسلمین، از صدر اسلام تا امروز محبّ اهل بیت محسوب می‌شوند. خب، همین یک جمله برای ما یک درس است؛ آن درس این است که پس به‌وسیله محبّت اهل بیت، می‌شود در میان مسلمین اجماع ایجاد کرد؛ می‌شود این را یک محوری قرار داد برای اتحاد و اتفاق مسلمین. همچنان‌که وجود مبارک پیغمبر اسلام وسیله و محور وحدت بین مسلمین است و همچنان‌که قرآن و کعبه شریف محور اتحاد مسلمین است، محبّت اهل بیت هم میتواند محوری باشد برای اتحاد مسلمین و دل‌ها را به هم نزدیک کند و من به شما برادران عزیز عرض می‌کنم که امروز دنیای اسلام به این اتحاد و این همدلی به شدّت نیازمند است.^۱ براساس ضرورت وحدت بین شیعه و سنی، بخش اول بازخوانی آیین‌های عزاداری اهل سنت ایران در ماهنامه شماره ۱۲۲ ویژه محرم منتشر گردید که در آن آیین‌های عزاداری برخی از مناطق سنی نشین جنوبی کشور مانند هرمزگان و بوشهر مورد بررسی قرار گرفتند. اکنون در این شماره آیین‌های عزاداری مناطق سنی نشین شمال کشور مورد بررسی و بازخوانی قرار می‌گیرد.

دکتر علی اکبر درخشنده

عزاداری اهل سنت مناطق شمال ایران

مناطق سنی نشین شمال کشور ایران در گذشته شامل منطقه بزرگ ترکمن صحرا بوده است، که امروز به شهرهای کوچک‌تر تقسیم شده است و ترکمن‌های سنی مذهب در این شهرها مانند بندر ترکمن حضور بیشتری دارند؛ از این رو بررسی مناطق سنی نشین اقلیم شمال کشور را از رهگذر ترکمن صحرا و اکاوی می‌کنیم. ترکمن‌ها غالباً در بندر ترکمن واقع در استان گلستان سکونت داشته و تقریباً ۳۳ درصد جمعیت استان را تشکیل می‌دهند. آنان پیرو مذهب حنفی هستند و در مناسبت‌های مذهبی همچون اعیاد فطر و قربان یا ماه مبارک رمضان و ... برنامه‌های خاصی را با آداب و رسوم مخصوص به خود برگزار می‌کنند که بسیار معنوی و جذاب هستند. بندر ترکمن با بیش از ۶۱ هزار نفر جمعیت از قومیت‌های ترکمن، فارس،

گیلک، ترک، سیستانی و قزاق در شمال غربی استان گلستان واقع است. در این شهرستان برادران اهل سنت و شیعیان دوشادوش هم زندگی آرامی را می‌گذرانند.

ترکمن‌ها در منطقه ترکمن صحرا ساکن هستند که در شمال شرقی ایران واقع شده و شامل شهرهای گنبد کاووس، بندر ترکمن، آق‌قلا، مراوه‌تپه، کلاله، سیمین شهر، گمش‌تپه، نگین شهر، انبارآلوم و داشلی برون می‌باشد. اکثریت جمعیت ترکمن صحرا را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند که مردمانی ترک زبان و مسلمان با مذهب اهل سنت حنفی می‌باشند.

از لحاظ موقعیت جغرافیایی این منطقه از مغرب به دریای خزر و از شمال به جمهوری ترکمنستان محدود می‌شود که با طول ۴۰۰ کیلومتر از غرب به شرق گسترده است و از مشرق به خراسان و منطقه نیمه‌خشک بجنورد و دره‌گز و از جنوب به کوهپایه‌های جنگلی البرز شمالی محدود است. شیب زمین از جنوب به شمال و از شرق به غرب در امتداد شبکه آب‌ها و رودهایی که به دریای خزر می‌ریزد، کاهش می‌یابد.^۲



الف. بزرگداشت محرم و احترام به روز عاشورا

یکی از روزهای به یادماندنی و بافضیلت و کرامت نزد ترکمن‌ها به استناد احادیث و روایات، ایام محرم و خصوصاً روزهای عاشورا و تاسوعا است که با الهام از قرآن کریم که فرمود: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيِّمِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» و روزهای خدا را [که روزهای رحمت، عذاب، پیروزی و شکست است] به آنان یادآوری کن، بی‌تردید در این روزهای خدا برای هر شکیبای سپاسگزاری نشانه‌هایی [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است.^۲ برای آن حرمت خاصی قائل‌اند.

از نظر علمای اهل سنت ترکمن مصادف با روز عاشورا در طول حیات تاریخ وقایع مهمی در زمان‌های مختلف رخ داده که هرکدام به نوبه خود جای تأمل و تفکر دارد. از جمله این حوادث که می‌توان به آن اشاره نمود، عبارت است از:

۱. استجابت توبه حضرت آدم سلام‌الله‌علیه.
۲. عروج حضرت ادریس سلام‌الله‌علیه به بهشت برین.
۳. قرار گرفتن کشتی حضرت نوح سلام‌الله‌علیه در کوه جودی پس از اتمام سیل.
۴. روز ملاقات و دیدار حضرت یعقوب سلام‌الله‌علیه با فرزندش حضرت یوسف سلام‌الله‌علیه.
۵. روز شفا یافتن حضرت ایوب سلام‌الله‌علیه از مرض لاعلاج.
۶. روز نجات حضرت موسی سلام‌الله‌علیه از دریا و غرق شدن فرعون و یارانش.

۷. روز نجات حضرت یونس سلام‌الله‌علیه از شکم ماهی.
۸. روز نجات حضرت ابراهیم سلام‌الله‌علیه از آتش نمرو.
۹. روز استجابت توبه حضرت داود سلام‌الله‌علیه.
۱۰. روز تولد حضرت ابراهیم سلام‌الله‌علیه و انتخاب وی به عنوان «خلیل الله» از جانب خداوند متعال.
۱۱. به شهادت رسیدن حضرت اباعبدالله الحسین سلام‌الله‌علیه؛ نوه گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزند برومند حضرت علی و فاطمه علیهما السلام به همراه ۷۲ تن از یاران باوفای خود در صحرای کربلا.

ماه محرم در میان ترکمن‌ها به عنوان «عاشرای» معروف بوده و وجه تسمیه آن به خاطر وجود روز عاشورا در این ماه است. در حقیقت عاشورا مخفف دو کلمه «عاشور» و «آی» می‌باشد؛ یعنی عاشور آی و عاشرای که رفته‌رفته به خاطر سهولت در تلفظ به صورت عاشورا درآمده است. ترکمن‌ها در این ماه با کرامت، آداب و رسوم خاصی دارند که از جمله آن‌ها گرفتن روزه، خواندن نمازهای نافله، دادن صدقه، پختن انواع نان و اطعمه محلی، دعوت از اهالی محله در مراسم ناهار، فرستادن صدقه به مساجد و خواندن دعا و قرآن به ارواح طیبه شهدای مظلوم کربلا مخصوصاً امام حسین سلام‌الله‌علیه است. روز عاشورا را اغلب ترکمن‌ها روزه می‌گیرند و بر این اعتقادند که روزه گرفتن در این روز کفالت گناهان یک سال گذشته وی را می‌کند.

در روز عاشورا صدقه دادن به فقرا و دستگیری از تهیدستان و بینوایان و تلافی کردن به یتیمان و سلام دادن به هم نوعان و ارشاد و راهنمایی و هدایت انسان‌ها به

ترمذی، عالم
اهل سنت آورده
است که در روز
عاشورا صدقه
دادن به فقرا
و دستگیری از
تهیدستان و
بینوایان و تلافی
کردن به یتیمان
و سلام دادن
به هم نوعان و
ارشاد و راهنمایی

و هدایت
انسان‌ها به صراط
مستقیم و خشم
خود را خوردن،
پاداش و ثواب
زیادی به همراه
داشته و خداوند
نیز برای این امور
حسنه در روز
قیامت درجات و
منزلت والایی در
نظر گرفته است.

صراط مستقیم و خشم خود را خوردن، پاداش و ثواب زیادی به همراه داشته و خداوند نیز برای این امور حسنه در روز قیامت درجات و منزلت والایی در نظر گرفته است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که یک بار غسل کردن در این روز موجب مصون ماندن انسان از درد چشم در دنیا و دو بار غسل کردن موجب بخشوده شدن تمامی گناهان می‌گردد.^۴

از جمله آئین‌های مرسوم ترکمن‌های اهل سنت در ایام محرم این موارد است:

أ. بیان واقعه عاشورا؛ ائمه جمعه و روحانیون قبل از فرارسیدن عاشورا در نمازهای جمعه از حادثه ناگوار کربلا و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام برای مردم سخنرانی کرده و بعد از مراسم، دعا و ختم قرآن به عمل می‌آورند.

ب. آئین روزه‌داری؛ اغلب مؤمنان ترکمن در روزهای عاشورا و تاسوعا روزه می‌گیرند. آن‌ها اعتقاد دارند که روزه گرفتن در این روزها ثواب بسیاری دارد. ج. آئین صدقه دادن؛ ترکمن‌ها در روز عاشورا با دعوت از بزرگان و ریش سفیدان و علما و با تدارک دیدن نهار برای کسانی که روزه نمی‌گیرند و افطاری برای آنان که روزه می‌گیرند، صدقه می‌دهند. همچنین بعضی از خانواده‌ها انواع نان و آش محلی را تهیه کرده و آن را در غروب روز تاسوعا به مسجد می‌برند تا نمازگزاران ضمن خوردن این نان و آش نذری برای امام حسین سلام‌الله‌علیه و شهیدان کربلا دعا کنند.

د. ختم کامل قرآن کریم؛ مردم به صورت جمعی و انفرادی به ختم کامل قرآن کریم پرداخته و ثواب آن را به ارواح شهدای کربلا عطا می‌کنند.

ه. پرهیز از کردار ناشایست؛ اهل سنت به احترام امام حسین سلام‌الله‌علیه در این روز از رفتار و کردار ناشایست خودداری می‌کنند. آن‌ها ضمن پرهیز از غیبت، از هرگونه تکبر و فخر فروشی دست می‌کشند. و. خودداری از برگزاری مراسم‌های شادی؛ در ماه محرم و صفر مردم ترکمن صحرای برگزاری هرگونه مجلس جشن و شادی خودداری می‌کنند.

ز. خواندن نماز روز عاشورا؛ اهل سنت به خواندن نماز روز عاشورا که نمازی چهار رکعتی است مقید هستند.

ب. برگزاری مراسم نماز و دعا در روز عاشورا

ترکمن‌ها به استناد حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز عاشورا در منازل و یا مساجد محل نمازهای نافله می‌خوانند و ثواب آن را به



روح پاک امام حسین سلام الله علیه و یاران وی هدیه می کنند و در روز قیامت از آن بزرگوار و امام همام طلب شفاعت و امید وساطت دارند. نماز روز عاشورا چهار رکعت است که در هر رکعت قرائت سوره حمد و در روایتی ۱۱ مرتبه و در روایتی دیگر ۵۰ مرتبه سوره اخلاص خوانده می شود و برای اداکنندگان این نماز بشارت بخشایش گناهان ۵۰ سال از عمر گذشته و ۵۰ سال از عمر آینده داده شده است.

اسلام و قرآن نه تنها به حب و ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله بلکه به عشق و ارادت و محبت و مودت اهل بیت و خاندان و خویشاوندان آن حضرت نیز تأکید و توصیه کرده است. خداوند می فرماید: «قُلْ لَا أَشْكُمُ عَلَيْهٖ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَىٰ» بگو در ازای رسالت خود اجر و پاداشی از شما نمی خواهم مگر محبت و دوستی نسبت به خویشاوندانم.^۵ ترکمن ها نیز بنا به فرموده فوق نسبت به خویشاوندان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بالأخص به حضرت علی، امام حسن، امام حسین و حضرت فاطمه علیهم السلام محبت و ارادت خاصی دارند و اعتقاد دارند که امام حسین سلام الله علیه سید جوانان اهل بهشت است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در حق وی فرموده است: «حسین سلام الله علیه از من است و من از اویم. خداوند هرکس که حسین را دوست بدارد دوست می دارد.» همچنین در حدیث دیگری فرموده است: «خدا را به خاطر نعمت های فروان ظاهری و باطنی اش دوست بدارید و مرا به خاطر خدا دوست بدارید و اهل بیت مرا به خاطر اینکه من آنان را دوست دارم دوست بدارید.»^۶

ج. نام گذاری متولدان ماه محرم در میان ترکمن ها

عشق به امام حسین سلام الله علیه منحصر به شیعیان نیست و اهل سنت بسیار به آن حضرت علاقه دارند و این علاقه خود را به صورت های مختلف نشان می دهند؛ مثلاً نام گذاری فرزندان شان به نام زیبای حسین چنان که در کتب رجال و تراجم آن ها می بینیم که نام بسیاری از علمای شان حسین بوده است مثلاً حسین بن واقد مروزی (درگذشته ۱۵۷)، ابو احمد حسین بن محمد مروزی از حافظان حدیث (درگذشته ۲۱۴)، ابوعلی حسین بن منصور سلمی نیشابوری (درگذشته ۲۳۸)، ابوعلی حسین بن علی کرابیسی فقیه، متکلم، محدث و رجالی نامدار (درگذشته ۲۴۸) و ده ها و بلکه صدها عالم دیگر.^۷

در بین ترکمن ها نیز نام گذاری فرزندان به نام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از فرهنگ و اعتقاد دینی آن ها سرچشمه می گیرد. نظر به اهمیت شهادت امام حسین سلام الله علیه در روز دهم ماه محرم، ترکمن ها تمام این ماه را ماه عاشورا می نامند و این مسئله در نام گذاری کودکان اهمیت بسیار دارد. آن ها بر فرزندان پسر خود که در ایام ماه محرم و یا در روز عاشورا متولد شده اند نام هایی مانند عاشور، عاشورایی، عاشور محمد، عاشور گلدی، عاشور قلی، عاشور دوردی، عاشور قلیچ و ... می گذارند و دخترانی

**ترکمن ها به
استناد حدیثی
از رسول اکرم
صلی الله علیه
و آله در روز
عاشورا در منازل
و یا مساجد
محل نمازهای
نافله می خوانند
و ثواب آن را
به روح پاک
امام حسین
سلام الله علیه
و یاران وی
هدیه می کنند
و در روز قیامت
از آن بزرگوار و
امام همام طلب
شفاعت و امید
وساطت دارند.**

را که در این ایام متولد شده اند به اسامی ای نظیر عاشور سلطان، عاشور تاج، عاشوری بی و ... نام گذاری می کنند. همچنین بر فرزندان پسر دوقلویی که در این ایام متولد می شوند، نام های حسن و حسین و بر دختران دوقلو نام های عایشه و فاطمه می گذارند.

د. مراسم عزاداری ویژه در روز تاسوعا و عاشورا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عنایت به علم و الهاماتی که از طرف خداوند متعال داشتند، در زمان خود از شهادت نوه گرامی شان، امام حسین سلام الله علیه در صحرای کربلا خبر دادند و به اصحاب و یاران خود سفارش کردند که هرکس آن زمان را دریابد، از امام حسین سلام الله علیه دفاع کرده و او را در مقابل دشمنان اسلام یاری نماید.

ترکمن ها هرچه در روز عاشورا، همانند برادران شیعه سینه زنی نکرده و دسته های سینه زنی راه نمی اندازند، اما با برگزاری آئین های مخصوص، مراتب اخلاص خود را به امام حسین سلام الله علیه نشان می دهند. سینه زنی نکردن ترکمن ها به این دلیل است که مذهب آن ها (حنفی) اجازه سینه زنی و به راه انداختن دسته های عزاداری را نمی دهد؛ با این وجود اعتقاد راسخ دارند که قیام امام حسین سلام الله علیه قیامی علیه ظلم و ستمگری و نهضت او نهضت نجات بخش ستمدیدگان و مظلومان بوده و همچنین برای اصلاح امت جدش و جهت برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده بود.

مراسم روز عاشورا در بندر ترکمن با حضور اهالی تسنن و تشیع برگزار می شود. اکثریت ترکمن هایی که در این شهر یا روستاهای اطراف آن زندگی می کنند در مراسم عاشورا نذری پخش می کنند و برای برطرف شدن مشکلات خود دعا می کنند و یک پارچه یا روسری به علامت های عزاداری هیأت های حسینی گره می زنند. عزاداران بندر ترکمن در این شب ها جلوه های خاصی از ارادت و عشق به خاندان امام حسین سلام الله علیه و یاران آن حضرت را با برگزاری مجالس روضه خوانی و مداحی ترسیم کرده و در مظلومیت مظلوم دشت کربلا اشک ماتم می ریزند. همچنین آماده سازی ایستگاه های صلواتی، سیاه پوش شدن سردر حوزه ها و پایگاه های بسیج، اصناف و بازاریان و بخش های مختلف شهرستان از دیگر جلوه های آموزه های حسینی و سوگواری مردم این منطقه است. در این شب ها محلات استقلال، راه آهن، آزادی و مسجد جامع بندر ترکمن از نقاط اصلی و متمرکز برگزاری مراسم عزاداری است.

ادامه دارد...

در شماره آینده نشریه به آیین های عزاداری اهل سنت دیگر مناطق سنی نشین کشور پرداخته خواهد شد.

- بی نوشت:
۱. بیانات در دیدار
شرکت کنندگان در اجلاس
«محبان اهل بیت علیهم
السلام و مسئله تکفیری ها»،
۱۳۹۶/۰۹/۰۲.
۲. گلی، امین الله، تاریخ سیاسی
و اجتماعی ترکمن ها، ص ۲۶۹.
۳. ابراهیم، ۵.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی،
سنن ترمذی، ج ۲، ص ۱۲۰.
۵. شوری، ۲۲.
۶. ترمذی، همان.
۷. رک: «محبیت اهل بیت
علیهم السلام حلقه اتصال مردم
ایران و مصر»، محسن پاک
آیین، روزنامه ایران، شماره
۲۷۱۶.



سبک زندگی دینی



۳۴.....	احکام و آداب نذر شرعی.....
۳۶.....	مکتب حاج قاسم.....
۳۸.....	ارزش و جایگاه خدمت، در مکتب تشیع.....
۴۰.....	آداب حضور در مجالس اهل بیت علیهم السلام.....



احکام و آداب نذر شرعی مطابق با فتاوی امام خامنه‌ای

لذا بنا بر احتیاط، باید به نذر عمل شود و به ترک آن، بنا بر احتیاط، کفاره تعلق می‌گیرد.

۲. متعلق نذر (آنچه در نذر انجام یا ترک آن بیان شده است) باید رجحان داشته باشد؛ چه واجب باشد و چه مستحب (از نظر انجام آن) و چه حرام باشد و چه مکروه (از نظر ترک آن)؛ مانند اینکه نذر کند روزه بگیرد یا زیارت برود یا نذر کند غیبت را ترک کند یا سیگار نکشد؛ بنابراین در صورتی که متعلق نذر، امر مرجوحی باشد، نذر صحیح نیست؛ مانند اینکه نذر کند سیگار بکشد یا غیبت کند؛ اما اگر متعلق نذر امر مباحی باشد، در صورتی که جهت رجحانی در آن مدنظر باشد، نذر منعقد می‌شود؛ مانند اینکه نذر کند غذا بخورد تا توانایی بر اطاعت خدا داشته باشد؛ اما اگر هیچ رجحانی نداشته باشد، نذر منعقد نمی‌شود.

۳. باید متعلق نذر مقدور نذرکننده باشد و مشقت فراوان یا ضرر قابل توجه نداشته باشد؛ مثلاً کسی که روزه برایش ضرر دارد، نمی‌تواند نذر کند که روزه بگیرد یا کسی که توان راه رفتن ندارد، نمی‌تواند نذر کند که با پای پیاده به کربلا برود. ترجیح داشتن و عاجز نبودن هنگام فرارسیدن وقت عمل به نذر نیز ملاک است؛ لذا اگر وقت عمل، متعلق نذر رجحان نداشت یا نذرکننده، عاجز از انجام آن بود یا برای او مشقت فراوان داشت، عمل به نذر واجب نیست.

۴. شخص نذرکننده باید بالغ، عاقل، دارای اختیار و دارای قصد باشد و همچنین اگر در مورد مال خود نذر کرده، محجور (مثل سفیه یا مفلس) نباشد. انسان سفیه (فرد سبک عقل و ناتوان در حفظ مال) حتی وقتی چیزی را در نذر به عهده و ذمه بگیرد که جنبه مالی داشته باشد، اگرچه از عین اموال حال حاضر او نباشد، نذرش باطل است؛ اما شخص مُفلس (کسی است که دین وی از مالش بیش‌تر است و تصرف او در اموالش توسط حاکم منع شده است) اگر چیزی را که جنبه مالی دارد، به عهده و ذمه بگیرد، ولی در مورد عین یکی از اموال حال حاضرش نذر نکرده، ایرادی ندارد و نذر منعقد است.

۵. اگر زن به همراه شوهرش باشد، نذر زن بدون اذن شوهر، اگرچه در مورد اموال زن باشد، باطل است. اگر

از آن جا که یکی از احکام مبتلا به مخاطبین هیأت‌های مذهبی، موضوع نذر، آداب و احکام آن است، در این شماره بر آن شدیم تا بخش مربوط به احکام عزاداری را به موضوع «نذر» اختصاص دهیم.

کلیات نذر

ملتزم دانستن خود به اینکه عملی را برای خدا به نحو مخصوص انجام دهیم را نذر می‌گویند که شرایط انعقاد نذر عبارت است از:

۱. صیغه نذر: در انعقاد نذر، صرف نیت کافی نیست و ذکر صیغه لازم است؛ گرچه لازم نیست صیغه به عربی باشد؛ مثال: «لِلّهِ عَلَيَّ أَنْ أَصَلِّيَ صَلَاةَ اللَّيْلِ؛ برای خدا بر من است که نماز شب بخوانم» یا «لِلّهِ عَلَيَّ أَنْ أَتَزَكَّ الْغَيْبَةِ؛ برای خدا بر من است که غیبت نکنم». منعقد شدن نذر با چنین جملاتی محل اشکال است: «نَذَرْتُ لِلّهِ أَنْ أَصُومَ؛ نذر کردم برای خدا اینکه روزه بگیرم» یا «لِلّهِ عَلَيَّ نَذْرٌ صَوْمِ يَوْمٍ؛ برای خداوند بر من است نذر یک روز روزه»؛

ابتدا شوهر اذن دهد و پس از نذر، مانع شود، نذر واجب الوفاء است. معنای لزوم اذن شوهر آن نیست که زن در اموال خودش اجازه تصرف ندارد بلکه بدین معناست که نذر او واجب الوفاء نیست.

اقسام نذر

۱. نذر مشروط:

نذری است که معلق بر چیزی باشد. این نوع نذر به سه صورت است: الف) به شکرانه نعمت دنیوی یا اخروی نذر کند؛ مثلاً بگوید: اگر خداوند به من فرزند سالمی عطا کند، برای خدا بر من است که چهل فقیر را غذا دهم. در این مثال، اطعام فقیر متوقف بر داشتن فرزند سالم است که به شکرانه آن این نذر انجام می‌شود. ب) برای طلب دفع بلا و گرفتاری این نذر منعقد می‌شود؛ مثلاً بگوید: اگر خداوند پدرم را شفا دهد، برای خدا بر من است که چهل شب زیارت عاشورا بخوانم. ج) نذر برای بازداشتن نفس از عمل حرام یا مکروه است؛ مثلاً بگوید: اگر دروغ گفتم، برای خدا بر من است که یک فقیر را غذا دهم.

۲. نذر مطلق:

نذری است که بر چیزی معلق نیست؛ مثلاً بگوید: برای خدا بر من است که ماه رجب را روزه بگیرم. اگر آنچه را نذر کرده مقید به زمان یا مکان خاصی است، انجام آن در غیر آن مکان یا زمان کافی نیست. اگر فرضاً ده روز روزه نذر کند و معین نکند که پی‌درپی یا به صورت پراکنده باشد، به هر صورت انجام دهد اشکال ندارد. اگر مالی را نذریکی از مشاهد مشرفه کند، باید صرف مصالح آن مکان شود؛ اما اگر مال را نذریکی از ائمه علیهم السلام یا اولاد آن‌ها نماید، جایز است در هر کار خیر، اعم از صدقه به فقراء، ساخت و تعمیر مسجد، پل و ... صرف شود؛ با قصد اینکه ثواب آن به منذور له برگردد؛ هر چند مستحب است که صرف مخارج حرم و زائران آن شود. البته اگر نذر مقید به مصرف خاصی است، باید طبق آن عمل شود.

حکم تخلف از نذر

اگر کسی حنث^۱ نذر کند، باید به عنوان کفاره ده فقیر را اطعام داده یا آنان را لباس بپوشاند و در صورتی که مقدور نباشد، سه روز پیایی روزه بگیرد. اگر نذرکننده، از انجام منذور (چه نذر مطلق و چه نذر مقید به زمان) عاجز شود، نذر منحل می‌شود و چیزی بر عهده نذرکننده نیست؛ مگر در مورد نذر روزه که در صورت عجز، باید در ازای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد. اما صور مسئله تخلف از نذر (در غیر صورت عجز) عبارت‌اند از:

۱. منذور مقید به زمان خاصی است. در این صورت اگر: الف) منذور روزه است: قضای روزه واجب است و در صورت ترک عمدی کفاره حنث نذر نیز واجب می‌شود. ب) منذور نماز است: بنا بر احتیاط واجب، قضا واجب است و با ترک عمدی، کفاره حنث نذر نیز واجب می‌شود. ج) منذور غیر نماز و روزه است مانند زیارت امام حسین سلام‌الله‌علیه در روز عاشورا: قضا واجب نیست ولی اگر عمداً ترک کرده باشد، کفاره واجب می‌شود.

۲. منذور مقید به زمان خاصی نیست (نذر مطلق). جایز است تأخیر آن تا زمانی که گمان به فرارسیدن مرگش کند؛ در این صورت تأخیر آن جایز نیست؛ بنابراین حنث نذر در این قسم به این صورت است که در مدت حیاتش انجام ندهد. در صورتی شکستن نذر موجب کفاره می‌شود که نذرکننده عمداً و با اختیار (نه از روی فراموشی یا اضطرار یا اکراه و تهدیدی) به نذر خود عمل نکند.

۳. شخصی نذر کرده هر پنجشنبه روزه بگیرد. در صورتی که یک پنجشنبه را روزه نگیرد؛ اگر هنگام نذر، منظورش تمام پنجشنبه‌ها به عنوان مجموعه واحد بوده، به این معنا که اگر حتی یک پنجشنبه هم روزه نگیرد، مطلوب تأمین نشده است در این صورت به خاطر یک بار تخلف، نذر منحل شده و کفاره بر او واجب می‌شود و هفته‌های بعد، دیگر روزه واجب نیست؛ اما اگر هر پنجشنبه جداگانه مدنظر است در این صورت در ازای هر پنجشنبه‌ای که عمداً روزه نگیرد، یک کفاره واجب است.

پی‌نوشت:

۱. شکستن قسم، نذر و عهد را حنث می‌گویند.

ملتزم دانستن خود به اینکه عملی را برای خدا به نحو مخصوص انجام دهیم را نذر می‌گویند که خود دارای شرایطی است.



کتابخانه



در بخش «مکتب سلیمانی» پرونده‌ای نو در چشم انداز ماهنامه هیأت گشوده‌ایم تا زین پس از این رهگذر محفل نشین آموزه های مکتبش باشیم. امیدواریم بتوانیم جرعه‌ای از شهد شیرین درس عزت و آزادی را از چشمه سار این مکتب نوش کنیم و به این استاد بزرگ و رهروان شهید مکتبش اقتدا کنیم.



آری حاج قاسم یک اتفاق نیست. او راهی است که باید طی شود. ره چنان رو که رهروان رفتند. حاج قاسم حتی یک درس و یک کتاب نیست، او یک مدرسه است که باید پای تک تک درس هایش زانو زد. حاج قاسم مکتبی است که باید یک یک کتاب هایش را به آرامی ورق زد. ولی هنوز برای قاسم شدن موحی از ابهامات وجود دارد. به راستی این کدامین مکتب است که محصولش حاج قاسم باشد؟ چه درس هایی را باید در این مکتب آموخت؟ و قاسم این مکتب چه امتحان هایی را پشت سر گذارده است؟

«او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی رحمه الله بود، او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود» این بخشی از پیام تاریخی امام خامنه ای در پی شهادت سردار دل هاست. آری حاج قاسم تربیت شده مکتب اسلام و امام است؛ و درس جهاد و مقاومت و اخلاص تنها گوشه‌ای از درس های این مکتب است.



در این شماره به بازخوانی یکی از بارزترین آموزه های مکتب حاج قاسم در بیان آیت الله توری همدانی دامت برکاته از مراجع عظام تقلید

چگونه می توان یک فرمانده نظامی بود ولی سردار دل ها شد؟ چطور می شود که با خبر رفتن ولی جامعه نتواند جلوی بغض خود را بگیرد و همیشه جای خالی تو را در کنار خویش احساس کند؟ مگر می شود کسی با رفتنش یتیمانی را دوباره یتیم کند؟ چگونه می شود انسان با رفتنش دنیایی را به لرزه بیندازد؟ و در آخر چگونه یک روستازاده اهل کویر می شود قاسم سلیمانی؟



هر بار که نام و یاد حاج قاسم به میان می آید دریای موج این سؤالات ذهن ما را به این سو و آن سو می برد. دریایی که ساحل آرام آن قاسم شدن است. چگونه می توان به این ساحل آرام رسید؟ بی تردید شاه کلید همه این ابهامات را باید در کلام امام خامنه ای به عنوان رهبری حکیم جستجو کرد که در خطبه های نماز جمعه فرمودند: «به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز- و به ابو مهدی - شهید عزیز- به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آن ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد.» ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

می‌پردازیم که فرمودند:

«بازتولید آموزه‌های وحدت گرایانه مکتب فکری شهید سلیمانی، اصل راهبردی در وحدت امت اسلامی، تقویت جبهه مقاومت و تسریع مطالبه تمدن سازی نوین اسلامی به شمار می‌آید».



در تبیین مسأله «وحدت» باید گفت وحدت امت اسلامی از جمله عوامل حیاتی شکوفایی تمدن اسلامی است؛ تأمل در نظام معنایی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نشان می‌دهد آن شهید والا مقام خود را فدایی مسلمانان و عموم انسان‌ها می‌دانست و اینگونه سپهبد سلیمانی در طول مبارزات خود علیه داعش، به شاخص و اسطوره‌ای برای امت اسلامی تبدیل گردید. هم‌چنین تحقق تمدن سازی نوین اسلامی در گرو مواجهه مثبت و سازنده با جهان متکثر فارغ اقوام، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و مذاهب اسلامی در ممالک اسلامی و دیگر جوامع بشری است، که این اصل نیز در پرتو اصل مهاجرت، در بستر فرهنگ محوری و تعامل گرایی و صلح طلبی شکل می‌گیرد.



به جرأت باید گفت منطق سردار سلیمانی ایجاد وحدت مبتنی بر دین در امت اسلام بود. حاج قاسم تنها محور اتحاد و وحدت جبهه مقاومت محسوب نمی‌شد، بلکه پایه‌گذاری تفکر عمیقی به نام «وحدت اسلامی» شد و به شهادت رساندن این شخصیت هرگز خللی در جبهه مقاومت ایجاد نکرده و یکپارچگی و همیت بیشتری را در برابر دشمنان ایجاد می‌کند. او به تبعیت از امام خمینی رحمه الله که فرمود، «انقلاب ما محدود به ایران نیست» و مینا و منظومه فکری امام خاتمه‌ای برای تشکیل جبهه بدون مرز حق علیه باطل، ترک وطن کرد، و مرزهای قومیت، نژاد، ملیت و حتی مذهب را درنوردید و جهان وطنی خود را علاوه بر شیعیان،



بر مدار تعاملات میان مذهبی با برادران اهل سنت و حتی پیروان دیگر ادیان الهی به ویژه مسیحیان در منطقه تعریف نمود تا جبهه‌ای بی مرز علیه

ظلم و جنایت آمریکا و تروریست‌های تکفیری به منصه ظهور برساند.

آری افق معنایی و تمدنی شهید سلیمانی به قومیت، مذهب، ملیت یا مرزهای خودساخته بشری خاص اختصاص نداشت، بلکه ایصال جهان اسلام و دیگر جوامع بشری به امامت، از طریق ارتباطات دانشی و فقه میان مذهبی، مهم‌ترین شاکله معرفتی این چهره بین‌المللی مقاومت بود. در حقیقت مبنای توحیدی سردار سلیمانی در مبارزات ظلم ستیزانه به شدت با عنصر حکمت، امامت، ولایت و فقاقت گره خورده است، لذا بر مبنای آیه: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» دچار خشونت نمی‌شد، بلکه با حکمت و عقلانیت فقهی فضای ضد تقریبی را شکست و این چنین با اهتمام به جغرافیای فرهنگی وحدت و بازشناسی اشتراکات معرفتی، برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تلاش نمود.



او در حالی که با خانواده، دوستان و حتی پیروان دیگر مذاهب و ادیان حتی برادران مسیحی و اهل سنت مهربان بود، در میدان نبرد در برابر استکبار ذره ای تعلل و تزلزل در وجود او راه نداشت. در عطوفت و مهربانی سردار سلیمانی همین خاطره بس که وقتی مادر بزرگوار ایشان از دنیا رفتند، پس از چند روز با جمعی از خبرنگاران تصمیم گرفتیم برای عرض تسلیت به روستای قنات ملک برویم. با هماهنگی قبلی، روزی که سردار هم در روستا حضور داشتند، عازم شدیم. وقتی رسیدیم ایشان را دیدیم که کنار قبر مادرشان نشسته و فاتحه می‌خوانند. بعد از سلام و احوالپرسی به ما گفتند: من به منزل می‌روم شما هم فاتحه بخوانید و بیایید. بعد از قرائت فاتحه به منزل پدری ایشان رفتیم. برایمان از جایگاه و حرمت مادر صحبت کردند و گفتند: «این مطلبی را که می‌گویم جایی منتشر نکنید. همیشه دلم می‌خواست کف پای مادرم را ببوسم ولی نمی‌دانم چرا این توفیق نصیب نمی‌شد. آخرین بار قبل از مرگ مادرم که این جا آمدم، بالاخره سعادت پیدا کردم و کف پای مادرم را بوسیدم. با خودم فکر می‌کردم حتماً رفتنی‌ام که خدا توفیق داد و این حاجتم برآورده شد. سردار در حالی که اشک جاری شده بر گونه هایش را پاک می‌کرد، گفت: نمی‌دانستم دیگر این پاهای خسته را نخواهم دید تا فرصت بوسیدن داشته باشم».

ارزش و جایگاه خدمت در مکتب تشیع

خدمت و توجه به خلق و رفع هم‌وغم آن‌ها به قدری انسان‌ساز و نشان از انسانیت دارد که خداوند پیامبرش را در قرآن کریم به آن می‌ستاید: «به‌یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است».^۱ روایات بسیاری نیز راجع به اهمیت و جایگاه رفیع خدمت به خلق بیان شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که هر روز به امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست».^۲ از ایشان نیز درباره محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند متعال سؤال شد، فرمودند: «محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، آن کسی است که سودش بیشتر به مردم برسد».^۳

در روایات و سخنان بزرگان بسیار تأکید شده است که به خلق خدا خدمت کنید و کار مردم را راه بیندازید، ولی بعضی می‌گویند: «عبادت به جز خدمت خلق نیست»؛ دکتري هست که تمام طول هفته‌اش را صرف طبابت می‌کند و وقتی برای تفریح، رسیدگی به فرزندان و مطالعه برای کسب معرفت و مناجات با خدا ندارد. این کار ایشان درست است؟ خدمت به خلق، به فرمان خدا و برای خدا، یکی از عبادات مهم اجتماعی است و موجب ارتقای انسان به درجه خلیفه الهی می‌شود اما صرف خدمت به خلق، بدون نیت و در نظر گرفتن خدا چندان سودمند و بارزش نیست. بارزترین جنبه اجتماعی عبادت، خدمت به مردم و برآوردن نیازهای آنان است، ولی این خدمت فقط در رفع مشکلات مادی خلاصه نمی‌شود و شامل رسیدگی به امور معنوی ایشان هم می‌گردد.

الف) جایگاه خدمت در آیات و روایات

خدمت به خلق از والاترین مظاهر عبادت است. هر فردی که در برآوردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا نُه هزار سال خداوند را عبادت کرده، درحالی‌که روزها را روزه دار و شب‌ها را شب‌زنده‌دار بوده است.^۴ کسی که هرروز به امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست.^۵

«عبادت به جز خدمت خلق نیست» در حقیقت از ناحیه کسانی القا می‌شود که می‌خواهند از زیر بار عبادت خداوند شانه خالی کنند و ضعف معنوی و عبادی خود را این‌گونه توجیه نمایند و خود را موجه جلوه بدهند که قطعاً صحیح نیست. در جامعه اسلامی، همه افراد درواقع اعضای یک پیکرند، ازاین‌رو، افراد باید در جهت رفع نیازمندی‌های یکدیگر بکوشند که این از اجر و پاداش بزرگ برخوردار است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کسی که از برادر مؤمن خود نیازی برآورد، مانند کسی است که روزگار درازی خدا را عبادت کرده باشد».^۶

اگر خدمت به «بندگان» این‌طور است، خدمت به «پدر بندگان» و اوج همه خداپرستان؛ حضرت اباعبدالله چه اکسیری است! از خدمت به «عبدالله‌ها»، چنین گنجی حاصل شود، از خدمت به «اباعبدالله» چه خواهد شد؟! ما که از سید شهیدان و عزادارانش عزیزتر و محبوب‌تر در آستان خداوند متعال نیافتیم!

ب) ارزش خدمت در کلام علما و عرفا

در ادامه آثار و برکات خدمت را از لسان آنان که چشم دلشان باز بود و جلوه باطنی خدمت را به نظاره نشستند پیشکش حضور همه خادمان با اخلاص مجالس اهل بیت علیهم السلام و هیأت‌های عزاداری می‌سازیم.

۱. ابن عباس

او نقل می‌کند: «جبرئیل امین سلام الله علیه از

جانب پروردگار جلیل هبوط کرد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خدای علی اعلی به تو سلام می‌رساند و تو را به درود و اکرام مخصوص می‌گرداند و به تو می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند، برای فاطمه سلام الله علیها شیعیان پاک و پاک‌شده‌ای خلق می‌کنم. این شیعیان اموالشان را در راه عزای حسین سلام الله علیه انفاق می‌کنند و در راه زیارت او جان می‌دهند و عزای وی را در مجالسشان به پا می‌کنند، خالصانه بر وی اشک می‌ریزند، خوابشان را کم می‌کنند و از این شیوه باز نمی‌گردند... آگاه باشید، هرکس در راه عزای حسین بن علی سلام الله علیه به مقدار دره‌می انفاق نماید، ملائکه در آنچه انفاق نموده است تا روز قیامت با او دادوستد می‌کنند و به ازای هر درهم هفتاد حسنه به وی می‌دهند و خداوند برای او قصری در بهشت بنا خواهد کرد».^۷

۲. امام خمینی رحمه الله

ایشان در مقدمه کتاب شریف سُر الصلاه در نامه ای خطاب به فرزندشان آقا سید احمد می‌فرمایند: «پسرم! ما که عاجز از شکر او و نعمت‌های بی‌منتهای اویم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان خدمت به حق است، چراکه همه از اویند. هیچ‌گاه در خدمت به خلق الله خود را طلبکار ندان که آنان به حق منت بر ما دارند که وسیله خدمت به او جل و علا هستند و در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیت مباش که این خود حيله شیطان است که ما را در کام خود فروبرد. در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پرنفع تراست انتخاب کن نه آنچه برای خود یا دوستان خود که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جل و علا است».^۸

۳. آیت الله انصاری همدانی

بهترین اعمال برای رسیدن به قرب خداوند، خدمت به خلق است، آن هم خلقی که مورد توجه خداوند افراد برجسته‌ای که مورد قبول او هستند، اگر هم آن‌ها نبودند دیگران گل‌هایی هستند که خداوند با دست خود کاشته است.

۴. شیخ حسن علی نخودکی

مقصد و مطلوب من از حیات در این دنیا جز خدمت به خلق خدا نیست.

۵. شهید مرتضی مطهری

به خدا نزدیک شدن مقدمه خدمت به خلق خدا نیست، بلکه به خلق خدا خدمت کردن مقدمه قرب الهی و رسیدن به مقام قرب خداست.

۶. شیخ رجبعلی خیاط

اگر می‌خواهی به حقیقت توحید راه پیدا کنی، به خلق خدا احسان کن. با خدا انسی داشتیم، التماس کردم که سر خلقت چیست؟ به من فهماندند که سر خلقت احسان به خلق است. خدمت به مردم، انسان را عاشق خدا می‌کند.

۷. جعفر آقا مجتهدی

باید دیگران را به مقصد برسانیم و از دیگران کارگشایی کنیم تا ما را به مقصد برسانند و در مسیر سیر الی الله کمک کنند.

پی‌نوشت:

۱. توبه: ۱۲۸.

۲. اصول الکافی، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳. همان، ص ۲۳۹.

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵، ح ۷۲.

۵. رک: اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱.

۶. رک: بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵، ح ۷۲.

۷. تَفْهِيْمُ الزَّهْرَاءِ، ص ۷۳-۷۴.

۸. مقدمة سر الصلاة، امام خمینی رحمه الله، نامه امام به سید احمد.

آداب حضور

در مجالس اهل بیت علیهم السلام

با اقتباس از کتاب ادب عاشقی



حضور در مجالس اهل بیت علیهم السلام دارای آداب ویژه و آثار ارزشمندی است. استاد گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا عابدینی مجموع این آداب را در قالب کتابی با عنوان «ادب عاشقی» به رشته تحریر درآورده‌اند که در ادامه فرازهایی از این کتاب ارزشمند در مورد کسب شناخت و معرفت نسبت به ائمه علیهم السلام که این معرفت خود راه رسیدن به معرفت الله می‌باشد، به عنوان «یکی از آثار و برکات مجالس اهل بیت علیهم السلام» ذکر می‌گردد.

نعمت وجود اهل بیت علیهم السلام و مجالس ایشان در گرداب های فتنه‌ها، غوغاها و شبهات در طول تاریخ، کشتی نجاتی بوده است که مومنان را از آفات و بلیات حفظ کرده و راه توحید و قرب الی الله را به ایشان نشان داده است؛ همانگونه که وجود نبی مکرم اسلام ﷺ فرمود: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُمُ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»^۱. بنابراین مجالس اهل بیت علیهم السلام در حکم اتجاء به وجه الله است و همه افراد را با هر رنگ و نژاد و مقام و موقعیتی، از کودکان و جوانان تا پیرمردان و پیرزنان را به سوی توحید و قرب الهی دعوت می‌کند و همین امر موجب دشمنی دشمنان با دستگاه اهل بیت علیهم السلام شده است چراکه آنان نیز عظمت و تأثیرگذاری مجالس اهل بیت علیهم السلام در جبهه‌های حق علیه باطل و ایجاد روحیه حق طلبی، ظلم ستیزی و شهادت طلبی را دریافته‌اند و تلاش می‌کنند با هر دسیسه‌ای این سنت گذاری ولایی و توحیدی را به تعطیلی یا انحراف بکشانند و از مسیر تاریخی و تمدنی خویش در احیای امر اهل بیت علیهم السلام خارج کنند.

در چنین شرایطی رعایت «آداب حضور در مجالس اهل بیت علیهم السلام» و مراقبه بیشتر فردی و جمعی در حفظ مجالس اهل بیت علیهم السلام و بهره‌مندی حداکثری از آن که حقیقتاً زیارت و ارتباط با ایشان است و به عبارتی بهترین بستر برای کسب معرفت نسبت به ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد. معرفت پیدا کردن به امام مجرای کسب همه معارف است. روایت زیبایی از امام حسین علیهم السلام وارد شده است که نشان می‌دهد معرفت امام راه رسیدن به معرفت خداوند متعال است. ایشان به سوی اصحابشان بیرون آمدند و فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْتَبُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ؛ أَيُّ مَرَدَمٍ! بَهْدَرَسْتِي كَيْفَ خَلَقَ خُودَ رَا نِيَا فَرِيدَه، مَكْرِبِرَايِ أَنْ كِه بَه اَو مَعْرِفَت وَ شَنَاخْت پيدا كِنْد. پَس وَقْتِي كِه بَه اَو مَعْرِفَت بِيَا بِنْد، بَه مِيزَان مَعْرِفَتشان در مقام بندگی و عبودیت اَو برمی آیند و بَه واسطه عبادت و بندگی اَو، از عبادت و بندگی غِیر اَو بی نیاز می گردند»^۲.

مردی از اصحاب از جای خود پرخواست و از ایشان پرسید:
«يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ أَيُّ فَرْزَنْدِ رَسُولِ خُدا، پِدرو مادرم بَه فدایت! منظور شما از «معرفت خداوند» چیست؟ امام علیهم السلام در پاسخ فرمودند:
«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ معرفت خدا، همان معرفت اهل هر زمانی

به امام زمانشان است که خداوند، طاعت آن امام را برایشان واجب کرده است».^۳

بیان امام حسین (علیه السلام) نشان می‌دهد که معرفت به توحید الهی از طریق معرفت به توحید ولایی در نظام امامت و ولایت محقق می‌شود و اطاعت از حجت هم تابع میزان معرفت به مقام امام است و در نسبت با معرفت به امام محقق می‌شود. شدت علم و معرفت به امام، موجب شدت یافتن عشق و محبت به امام می‌شود و شدت و تسهیل اطاعت و سرعت در سیر با معرفت به امام می‌شود، عبور از موانع و اصطکاک‌های مسیر را آسان می‌کند و انسان را با مراتب اطاعت، محبت و عشق به امام، به مراتب یقین و فنای در ولایت الهی می‌رساند. مراتب معرفت به امام، انسان را به مراتب قرب و همراهی امام می‌رساند. در روایات آمده است: هرکس به امام معرفت پیدا کند، چنان با امام همراهی نماید که «هُوَ مَعَ الْقَائِمِ (علیه السلام) فِي قُسْطَاطِهِ»؛ همراه قائم (علیه السلام) است در خیمه‌گاهش در کارزار و بلکه بالاتر «كَمْ مِنْ قَاتِلٍ مَعَهُ»؛ همراه قائم (علیه السلام) است در متن قتال و کارزار جهاد با دشمنان در هنگامه‌ی فتنه‌های سخت دوران قیام و زمانه ظهور.^۴

معرفت امام و ولی الهی، لازمه رابطه صحیح با ایشان

معرفت امام، به قدری اهمیت دارد که در روایات آمده است: «من مات ولم يعرف امام زمانه»^۵ اگر انسان امامش را نشناسد، «تبعیت» از امام صورت نمی‌گیرد و اگر انسان از امامش اطاعت نکند، به مرتبه انسانی نمی‌رسد. در این حالت، کمال انسانی محقق نشده و آن انسان در عین انسان بودن به لحاظ ظاهری، از جهت باطنی و حقیقی در حد «حیات حیوانی» باقی مانده است؛ چراکه امام، دارای عالی‌ترین مراتب کمال انسانی و بلکه انسان کامل است و تبعیت از امام، باعث می‌شود ما خود را از طریق اتصال به امام، به این کمالات متصل کنیم. لذا می‌توان گفت که معرفت امام و اتصال به ولایت امام، کمال اخیر و عالی‌ترین مرتبه‌ی کمال انسان‌هاست؛ بنابراین، انسانیت انسان و فصل اخیر و کمال نهایی او، به شناخت حجت الهی است و نشناختن امام به معنای راه نیافتن به کمالات انسانی است و لذا حیات بدون امام، حیات حیوانی است و این حیات حیوانی به خاطر نشناختن و عدم تبعیت از امام، نشانه باقی ماندن انسان در دوران «جاهلیت» است.

منظور از معرفت امام، در این بحث، دانستن نام و محل تولد و القاب و خصوصیات ظاهری ایشان نیست؛ گرچه آن هم خوب است و می‌تواند در شناخت و معرفت حقیقی امام راهنمای ما باشد، ولی منظور از معرفت امام، معرفت به حقیقت و جایگاه امامت و مقام نورانیت و ولایت ایشان است. این معارف در خود قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) و همچنین ادعیه و زیارات، از جمله در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه امام هادی (علیه السلام) به دست ما رسیده، مورد توجه قرار گرفته است. مردم عصر حضور معصومین (علیهم السلام)، یعنی دوران پیش از غیبت نیز ظاهر ایشان را می‌دیدند و می‌شناختند، ولی منکر مقام ولایت و حجت بودن ایشان بودند و از دیدن «حقیقت وجودی معصومین (علیهم السلام)» محروم بودند. در روایتی که ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده، آمده است که با حضرت داخل مسجد شدند و در همان ابتدای ورود به مسجد که مردم در حال ورود و خروج بودند، حضرت به او فرمودند: «از مردمی که در حال ورود و خروج‌اند، بپرس آیا مرا می‌بینند یا نمی‌بینند؟» ابوبصیر می‌گوید از مردم پرسیدم: آیا شما ابوجعفر (علیه السلام) را می‌بینید و می‌توانید او را به من نشان دهید؟ درحالی‌که حضرت کنار آن‌ها ایستاده بود،

پاسخ می‌دادند: خیر، ما او را ندیده‌ایم. تا اینکه ابوهارون مکفوف که شخص نابینایی بود، وارد شد. امام فرمود: «از او هم سؤال کن.» ابوبصیر از او پرسید. ابوهارون پاسخ داد: امام همین‌جا ایستاده است. بعد ابوبصیر از او پرسید: تو چطور او را می‌بینی؟ ابوهارون مکفوف جواب داد: چطور به او آگاه نباشم، درحالی‌که امام نور ساطع است.^۶ معلوم می‌شود که حضرت (علیه السلام) تصرفی کرده بودند و جسم ایشان از چشم دنیابین مردم غیبت شده بود. این‌ها نمونه‌هایی از همان سنتی است که در غیبت امام زمان (علیه السلام) محقق شده است، و امامان پیش از امام دوازدهم، اصحاب خود و حتی عمده شیعیان را با غیبت آشنا می‌کردند.

جایگاه مجالس اهل بیت (علیهم السلام) در معرفت امام

در روایات آمده است که غیبت «أمر من أمر الله و سر من أسرار الله و غیب من غیب الله»^۷ غیبت امام زمان (علیه السلام) حقیقتی غیبی، امری از عالم امر الهی، سنتی از سنن الهی و سری از اسرار الهی است که لازمه رشد انسان‌ها و امتحان است. این‌طور نیست که غیبت فقط عقاب باشد، بلکه اصل غیبت، مرحله تکاملی و سنت الهی است که باید محقق می‌شد تا انسان‌ها از طریق این سنت، از ظاهر به باطن، سوق داده شوند و ارتباط با ولایت امام و حقیقت باطنی او برای آنان محقق شود. البته طولانی شدن غیبت، به خاطر آماده نبودن مردم است و اعمال ما در تأخیر و تعجیل ظهور مؤثر است؛ لذا طولانی شدن غیبت و محرومیت‌هایی که دارد، اختیاری است و عقاب دارد، ولی اصل غیبت، سنت الهی است برای عبور انسان‌ها از ظاهر به باطن و برای این‌که از ظاهر ارتباط به ارتباط باطنی با حقیقت امام، سوق داده شوند.

ارتباط ظاهری و مشاهده‌ی جسم امام، حجابی بود که مانع توجه مردم به حقیقت امام می‌شد؛ لذا بدن امام برای آن‌ها در حجاب قرار گرفت تا راه ارتباط باطنی پیموده شود. پس از این ارتباط و شهود باطنی حقیقت امام، دلیل غیبت برطرف می‌شود و ارتباط ظاهری نیز میسر می‌گردد؛ اما ارتباط ظاهری‌ای که ملازم و همراه آن ارتباط حقیقی و باطنی با امام است و این حقیقت جمع ارتباط ظاهری و باطنی با امام، در زمان ظهور محقق می‌شود. بنابراین، انسان در زمان غیبت، به لحاظ ظاهری در محضر امام نیست، اما حقیقتاً در محضر امام است؛ همان‌گونه که در دوران حضور معصومین (علیهم السلام) نیز این چنین بوده است، چراکه امام، روح عالم است و به همه هستی احاطه دارد؛ لذا غیبت، غیبت از امام است، نه از روح امام که حقیقتاً روح عالم است. حقیقت امام هیچ‌وقت غایب نیست و این ما هستیم که چون از آن حقیقت غایبیم، وقتی امام در ظاهر غیبت می‌کند، حضور امام را درک نمی‌کنیم، چراکه از حقیقت امام هم غایبیم و اصل سنت غیبت،

**نعمت وجود
اهل بیت
علیهم السلام و
مجالس ایشان
در گرداب‌های
فتنه‌ها، غوغاها و
شبهات در طول
تاریخ، کشتی
نجاتی بوده است
که مومنان را از
آفات و بلیات
حفظ کرده و راه
توحید و قرب الی
الله را به ایشان
نشان داده است**

عبور دادن از مرتبه ظاهری برای درک این ارتباط باطنی است.

چنانچه تشبیه به استفاده از خورشید پشت ابر شده است که دیده نمی شود، ولی آثار آن برای همه محسوس و ملموس است، به همین جهت امام زمان (عج) شخص و بدنش دیده نمی شود، ولی حقیقت امام حضور دارد.

با این نگاه می توان فهم کرد که ظهور، حقیقتاً شهود معیت امام زمان (عج) است. امام زمان (عج) با ماست، اما ما با امام نیستیم. ظهور یعنی این که انسان به جایی برسد که بیابد امام، حاضر است و ما همواره در محضر او هستیم.

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی غبار زه نشان تا نظر توانی کرد

لذا آنچه در معرفت امام اهمیت ویژه دارد، فهم حقیقت باطنی امام است و حضور ما در مجالس اهل بیت (ع)، ارتباط با این حقیقت باطنی است؛ بنابراین ارتباط در مجالس، ارتباط قلبی است و حضور در محضر ایشان نیز حضور قلبی و باطنی است. خود اهل بیت (ع) ما را به سمت این معرفت باطنی و ارتباط قلبی و عبور از ظاهر به باطن سوق داده اند و این امر در دوران غیبت به طور خاص مورد توجه بوده است.

به همین جهت است که مجالس اهل بیت (ع) در دوران غیبت اهمیت خاص دارد. اولاً اهل بیت (ع) به زیارت و ذکر ایشان در اجتماعات مؤمنین توصیه و این مسیر را ارائه کرده اند؛ لذا در دوران غیبت که هدف، عبور انسان از ظاهر به باطن و ارتباط با حقیقت باطنی امام است، مجالس اهل بیت (ع) ظرف ویژه و شرایط خاص برای تحقق این ارتباط باطنی و حضور در محضر امام (عج) است که می تواند هدف این غیبت الهی را که ارتباط باطنی با امام است، تحقق بخشد و از این طریق زمینه ظهور را فراهم آورد، چراکه ظهور، بازگشت به دوران قبل از غیبت و حضور ظاهری در محضر اهل بیت (ع) نیست؛ زیرا در آن دوران، مردم به حقیقت باطن امام غایب بودند و به همین جهت، غیبت لازم بود تا ارتباط با حقیقت باطن مورد توجه قرار گیرد. لذا ظهور، ارتباط تام ظاهری و باطنی با امام است و سبب می شود که ارتباط حقیقی با امام محقق شود. در روایات پیرامون دوران ظهور آمده است که در آن دوران هرکسی در دورترین نقطه هم باشد یقین دارد و احساس می کند که نزدیک ترین فرد به امام زمان (عج) است، چراکه وجود حضرت بر اساس نظام روح و بدن است. همان گونه که روح انسان مجرد از مکان و زمان است و لذا معنا ندارد که به دست نزدیک تر از یا باشد یا به عضوی نزدیک تر از عضو دیگر باشد، نسبت ایشان به عالم هستی، نسبت روح عالم با عالم است؛ بنابراین، رابطه امام با انسان ها و با مجالس حسینی همین رابطه وجود روح و بدن است. اگر این طور شد، همه مجالس امام حسین (ع) همچون بدن هایی هستند که این روح، حاکم بر آن هاست و امکان

چنین ارتباطی برقرار است. اگر انسان با این دید به مجالس امام حسین (ع) و مجالس سایر اهل بیت (ع) نگاه کند، وقتی وارد مجلس می شود، ادب و مراقبه حضور و احساس حضور حضرات، انسان را آماده اخذ آن جذبه ها می کند و با عالم معنا و حقیقت اهل بیت (ع) مرتبط می سازد. هرچقدر این مراقبه شدیدتر باشد، رابطه انسان قوی تر می شود.

آثار معرفت در ارتباط بیشتر با اهل بیت (ع) در مجالس ایشان

محبت فرع بر معرفت است؛ لذا لازمه ارتباط قلبی با اهل بیت (ع)، معرفت و شناخت ایشان است. هرچه انسان در معرفت به ایشان سیر کند، تابع این معرفت و فرع بر آن، محبت و ارتباط حتی با اهل بیت (ع) محقق می شود. برای نمونه، شدت علم و معرفت به حضرت حجت (عج)، موجب شدت عشق و در نتیجه اطاعت از ایشان است و این محبت باعث ایجاد رابطه، تبعیت و سنخیت می گردد تا جایی که انسان را به وصال امام (عج) برساند، ان شاء الله.

پس باید توجه داشت که معرفت به اهل بیت (ع) و به طور خاص معرفت به مقام ولایت و معرفت به امام، از اموری است که هم در سخنرانی ها و منابر مجالس اهل بیت (ع) و هم در مطالعاتی که بیرون از این مجالس انجام می دهیم، نباید از آن غفلت شود. معرفت ظاهری، مقدمه معرفت و توجه باطنی و قلبی است. لذا همین معرفت ها اگر با محبت و اطاعت اهل بیت (ع) گره بخورد، انسان را رفته رفته به درک حقیقت اهل بیت (ع) و رسیدن به محضر ایشان که معرفت حقیقی به ایشان است، رهنمون می سازد.

معرفت امام، به ما راه اتصال و ارتباط با ایشان را نیز نشان می دهد. اگر انسان بداند که نسبت حقیقت اهل بیت (ع) و حقیقت امام به عنوان انسان کامل و کسی که در مقام ولایت الهی قرار دارد، چیست، در این صورت هر آنچه با این حقیقت سنخیت دارد، راهی برای مشابَهت و سنخیت و در نتیجه، ارتباط با اهل بیت (ع) فراهم می کند. ما باید علاوه بر توجه قلبی، به دنبال راه کارهای عملی باشیم که زمینه توجه و حضور قلبی در محضر اهل بیت (ع) را فراهم می آورد. اعمال ما پیش از ورود به مجالس اهل بیت (ع) و در خود مجالس ایشان، می تواند در مسیر این ارتباط یا در خلاف جهت آن باشد. لذا شناخت حقیقت ولایت اهل بیت (ع) و معرفت امام باید تفصیل پیدا کند تا راه ارتباط عمیق تر با اهل بیت (ع) در مجالس ایشان فراهم گردد.

پی نوشت:

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۴۴.
۲. نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ج ۱، ص ۸۰.
۳. علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.
۴. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۶.
۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹، روایت منقول از امام حسن عسکری (سلام الله علیه).
۶. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۹۵.
۷. منتخب الانوار المضيئة، ص ۸۱.

رابطه امام با
انسان ها و با
مجالس حسینی
همین رابطه
وجود روح و
بدن است. اگر
این طور شد،
همه مجالس
امام حسین
سلام الله علیه
همچون
بدن هایی
هستند که این
روح، حاکم بر
آن هاست

تجربه‌های هیأتی



- ۴۴..... در مدیریتم همیشه عاشق کار با جوانان هستم.
- ۴۸..... تجربه یک اربعین متفاوت.....
- ۵۰..... اصول مدیریت فرهنگی در مجموعه‌های مذهبی.....
- ۵۲..... صمیمیت و تعامل، رمز موفقیت هیأت جوانان عاشورایی.....

در مدیریت همیشه عاشق کار با جوانان هستم

به رسم همه شماره‌های ماهنامه هیأت، جهت گفتگو و تبادل نظر این بار سراغ جناب آقای نادر ادیبی مسئول هیأت رزمندگان اسلام استان البرز رفتیم. هم‌زمانی مسئولیت ایشان در هیأت رزمندگان با تصدی مسئولیت ستاد مرکزی راهیان نور کشور و هم‌زمانی تاریخ این گفتگو با هفته دفاع مقدس را به فال نیک گرفتیم و لایه‌لای دریافت تجربیات هیأت داری و برگزاری مراسم‌های مذهبی، گریزی هم به دوران انقلاب، دفاع مقدس و جبهه‌های راهیان نور زدیم. خاطرات زیبای ایشان از حماسه و شهادت‌طلبی آن روزگاران جذابیت و دل‌نشینی گفتگوی ما را دوچندان کرد. در ادامه شما مخاطبان محترم را میهمان این بزم نورانی می‌کنیم.



«لطفاً برای ما توضیح دهید زمان جنگ چه مسئولیتی داشتید؟»

من سال ۶۰ وارد جبهه و از سال ۶۲ وارد سپاه شدم و تا به امروز هنوز پاسدار مشغول به خدمت هستم؛ البته به شدت معتقدم که باید جوانان عهده‌دار کارها باشند. گرچه پیروغلامان در هیأت یک افتخار بزرگ هستند ولی گاهی برخی از افراد پیر و خسته حاضر به رها کردن جایگاه‌های خدمت نیستند و کار را به جوانان واگذار نمی‌کنند. پیشکسوتان باتجربه و بانگیزه باید پشتوانه فکری و معنوی جوانان برای اهداف بلند هیأت باشند.

«افراد پیر و جوان را برای تصدی مسئولیت‌ها چگونه از هم تفکیک می‌کنید؟»

برای جداسازی جوان از پیر سن مهم نیست بلکه انگیزه و همت ملاک است. این یک واقعیت است که افراد کهن سال و بی حال باید زمینه واگذاری کارها به جوان‌ترها را فراهم آورند. پیشکسوت‌ها باید به جوان‌ترها آموزش بدهند و آن‌ها را کاربلد کنند تا در اقدامات اجرایی بتوانند کمک‌کار بزرگ‌ترها باشند؛ مثلاً گاهی ممکن است توان جسمی پیرمردهای هیأت اجازه تهیه چند هزار پرس غذای نذری را به آن‌ها ندهد ولی می‌توانند با استفاده از ظرفیت نیروهای تازه‌نفس کار را پیش ببرند و خودشان بیشتر جایگاه مدیریت و نظارت را به عهده بگیرند.

«اگر از شما که در جایگاه مدیریت هیأت رزمندگان اسلام استان البرز هستید سؤال کنیم که دوست دارید در کدام قسمت از هیأت خدمت کنید، چه پاسخی خواهید داد؟»

خدمت در مطبخ یا قسمت کفشداری هیأت یا جای دیگر برایم فرقی نمی‌کند، مهم این است که انگیزه و اخلاص داشته باشیم. بنده قلباً علاقه‌مندم در بخش‌هایی فعالیت کنم که همراه با جوانان باشم و از آن‌ها حمایت کنم چون معتقدم آن‌ها آینده این نظام و انقلاب را رقم خواهند زد.

«اولین جرقه‌های مدیریت و برگزاری جلسات مذهبی و هیأت داری را از کی و کجا تجربه کردید؟»

جلسات ما برای اولین بار قبل از انقلاب و از جلسات خانگی قرائت قرآن در محله‌های کرج و منزل اقوام شروع شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۱۵۰ نفر دانش‌آموز دبیرستانی بودیم که در مرکز آموزش کشاورزی درس می‌خواندیم و با رفقا هیأتی به نام «متوسلین به حضرت زهرا سلام الله علیها» تشکیل دادیم.

«چگونه می‌توان بین هیأت و ارزش‌های دفاع مقدس ارتباط برقرار کرد؟ از خاطرات رزمندگی و جبهه خودتان بگویید.»

من در آن دوران هم در تیپ ۲۷ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و هم در لشکر سیدالشهدا سلام الله علیه مشغول بودم. بعدها از جمع ۱۵۰ نفری هیأت حضرت زهرا سلام الله علیها قریب به ۵۵ نفر از دوستانمان به شهادت رسیدند و تعدادی نیز جانباز، آزاده و رزمنده شدند. درواقع آن هیأت برای جمع بچه‌های ما منشأ تغییرات و تحولات درونی و محلی برای اتصال به معارف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود. آن دوران به خاطر جریانات سیاسی حاکم بر کشور لازمه مقابله و سالم‌سازی خود و جامعه این بود که یک محل قدرتمندی برای اتصال به معارف داشته باشیم و بهترین کانون برای این امر را در هیأت یافتیم. در همه لشکرها و گردان‌های جنگ نیز هیأت برپا بود. یکی دو ماه بعد از دفاع مقدس مجدداً با رفقای باقی‌مانده مشغول به کار شدیم



انقلاب، زمینه‌ساز و خاستگاه هیأت بود؛ دوران دفاع مقدس دوران تثبیت و بعد از جنگ دوران ترویج معارف انقلاب اسلامی شد.

و تصمیم گرفتیم که برای نشر معارف دفاع مقدس و تداوم حال و هوای جنگ و جبهه حتماً یک تشکل و نهادی برای خودمان داشته باشیم تا بتوانیم به کمک آن مجموعه به همان راه و عقیده گذشته خود ادامه بدهیم و شک نداشتیم که در غیراین صورت ممکن است دچار غفلت شویم. در حقیقت انقلاب زمینه‌ساز و خاستگاه هیأت بود؛ دوران دفاع مقدس دوران تثبیت و بعد از جنگ دوران ترویج معارف انقلاب اسلامی شد.

«آن ایام برای تشکیل جلسات مذهبی و تأسیس هیأت چه اصولی را در نظر می‌گرفتید؟»

بلافاصله بعد از پایان جنگ تصمیم به برپایی هیأت گرفتیم و اولین اصلی را که مسئله ضروری و سرلوحه کار خود قرار دادیم افق اندیشه حضرت امام رحمه الله بود؛ یعنی اتصال این انقلاب به انقلاب جهانی حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه که برای رسیدن به این افق و چشم‌انداز باید به سمت نیروسازی و یگان سازی در جبهه انقلاب و خودی می‌رفتیم که این امر نیازمند ایجاد تشکل و برنامه‌های وسیع و گسترده‌ای در همه ابعاد بود. بعداً اینکه هیأت تشکیل شد گام اول ما جمع‌کردن بچه‌های رزمنده دوره‌م بود که عمدتاً جوان بودند. خود من وقتی جنگ تمام شد ۲۴ سالم بود. گام بعدی گسترش این فرهنگ در لایه‌های دیگر جامعه و آهسته‌آهسته ورود به فضای قشرهای مختلف بود و به این منظور بر اساس طراحی نقشه مهندسی که در حوزه فرهنگ و برای کل شهر داشتیم شروع به توسعه اقدامات هیأت کردیم. چون معتقد بودیم هیأت پادگان و آمادگاه تربیت پاسداران آخرالزمانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. «برای گسترش و توسعه اهداف فرهنگی و مذهبی هیأت چه اقداماتی کرده‌اید؟»

گسترش لازمه‌اش این است که در لایه‌های مردمی نفوذ کنیم تا بتوانیم معارف انقلاب اسلامی را به سمع و نظر همه مردم برسانیم نه اینکه صرفاً نگاهمان به علاقه‌مندان به این معارف باشد بلکه هیأت باید افق نگاه خود را گسترش دهد. با این نگاه پس از گذشت چند سال از دفاع مقدس آرام‌آرام جمع زیادی جذب هیأت شده‌اند. هیأتی که در ابتدای راه در یک مکان خانگی برگزار می‌شد مجبور شد به یک حسینیه ۳۰۰ متری و بعد هم به یک سوله ۱۰۰۰ متری و در آخر به یک مجتمع بزرگ فرهنگی خودش را توسعه بدهد.

«برای اینکه هیأت بتواند به اهداف بلندتر و مهم‌تر از برگزاری مراسمات مذهبی دست پیدا کند باید چه کرد؟»

هر هیأتی باید در همان ابتدای راه افق و چشم‌انداز خود را تعیین بکند. اگر هیأت برای خود چشم‌انداز و برنامه نداشته باشد قاعدتاً از یک سیستم پیچیده و جریان‌ساز به یک حرکت مناسبتی یا اتفاق زودگذر تبدیل خواهد شد.

معتقد بودیم هیأت پادگان و آمادگاه تربیت پاسداران آخرالزمانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

گرچه همین فعالیت حداقلی که منجر به برگزاری مراسم‌هایی در مناسبت‌های مذهبی طول سال می‌شود خود برکاتی دارد اما مستمر و جاری بودن این برکات نیازمند یک سیستم کارآمد است که با مناسبت‌ها به‌تنهایی تحقق نخواهد یافت.

«یک هیأت ایده‌آل را چگونه ترسیم و تعریف می‌کنید؟»

هیأت بایستی طوری باشد که از زوایای مختلف انسان‌ها به آن ختم شوند. هیأت یک معبد برای انجام همه امورات ماست و باید مراقب باشیم که این معبد به معبود تبدیل نشود. سیر نهایی در این معبدی که ما قرار داریم باید حرکت به سمت خدا باشد تا بتوانیم مردم را با معارف الهی آشنا کنیم. ما در مسیر فعالیت و مسئولیت خود در حقیقت سعی کردیم کانال‌هایی را به سمت مجموعه هیأت ایجاد کنیم تا مخاطبین با نگاه‌های مختلف به این سمت بیایند و نیازهای خود را از اینجا تأمین کنند. به تعبیر حضرت آقا: «معنویت یک مسئله‌ای در قلب مردم است و یک شکافی است که اگر ما پر نکنیم با چیزهای دیگر ممکن است پر شود».

«با این توضیحات به نظر جنابعالی بالاترین و مهم‌ترین کارکرد هیأت چیست؟ آیا کارکرد مسجد و هیأت می‌تواند مشترک و موازی باشد؟»

بالاترین کارکرد هیأت اتصال قلب‌های مردم به خدا و اهل بیت علیهم السلام است. به نظر من در زمینه ایجاد معنویت موازی کاری هیچ اشکالی ندارد و ما هزاران مسجد داریم که هرکدام بخشی از جامعه را پر می‌کند اما حسن بزرگ هیأت‌ها نسبت به مساجد، ایجاد حس جوشش و روحیه انقلابی‌گری در مخاطبین است.

«علاوه بر برگزاری مراسمات دینی و مذهبی چه کارکردهایی را برای هیأت تبیین می‌کنید؟ شما در حوزه مسئولیتان چه اقدامی در این زمینه کرده‌اید؟»

باید در مجموعه هیأت تلاش کرد تا با ایجاد ساختاری منسجم علاوه به برآوردن نیازهای دینی و معارفی مردم بتوان نیازمندی‌های آن‌ها در بخش‌های مختلف فکری، فردی و اجتماعی را برطرف ساخت. ما با تعاملی که انجام دادیم توانستیم یک قطعه زمینی به مساحت ۵۰۰ مترمربع را در یکی از نقاط شهر به نام هیأت سند بزنیم. گرچه این کار زحمت طاقت‌فرسایی داشت ولی توانستیم در زمینه اقتصاد و فرهنگ مدل‌هایی پیدا کنیم و از راه‌های خاصی آن زمین را بسازیم. در حقیقت ما از خود هیأت شروع کردیم و امروز فضایی حدود ۹۰۰۰ مترمربع بنا در شهر کرج ایجاد کرده‌ایم که دارای کارکردهای متنوع می‌باشند. ۱۶۰۰ مترمربع آن حسینیه است و ۵۰۰ متر در دو طبقه کتابخانه مردانه و زنانه مجزا از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ شب مشغول به کار هستند. اخیراً هم یک سالن آمفی‌تئاتر ۲۷۰ صندلی راه‌اندازی شد به‌منظور برگزاری برنامه‌هایی که

به‌شدت معتقدم
که باید جوانان
عهده‌دار کارها
باشند. گرچه
پیرغلامان در
هیأت یک افتخار
بزرگ هستند ولی
گاهی برخی از
افراد پیر و خسته
حاضر به رها
کردن جایگاه‌های
خدمت نیستند و
کار را به جوانان
واگذار نمی‌کنند.

با هیأت متناسب باشد. فضایی نزدیک به ۴۰۰ متر به هیأت قاسم ابن الحسن و هیأت نوجوانان عاشورایی اختصاص داده شده است. یک فضای مستقلی هم برای نوجوانان فاطمیون گرفتیم. بخشی را برای مهدکودک اختصاص دادیم که روزانه صد کودک در آنجا آموزش می‌بینند. فضایی دارای خوابگاه، فضای آموزشی و مرکز روانشناسی دینی برای آموزش کوتاه‌مدت و تربیت کادر انقلاب اسلامی طراحی کرده‌ایم که تاکنون حدود ۸۰ درصد پیشرفت داشته است، پیش‌بینی کرده‌ایم و بخش‌های دیگری مثل درمانگاه، فضای تجاری، مطبخ و... همه و همه به همت خود اعضای هیأت و خیرین تا امروز تهیه و آماده‌به‌کار شده است.

همه این فعالیت‌هایی که امروز در این مجموعه و در موضوعات متنوع مشغول به فعالیت هستند باعث ایجاد نوعی جامعیت در کار هیأت شده است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای متفاوت مردم باشد و مخاطبین، خودشان را متعلق همیشگی به هیأت می‌دانند.

«از دیدگاه شما که سابقه درخشانی در مدیریت هیأت داشته‌اید، آیا هیأت باید به نهادهای دولتی وابسته باشد یا مستقل عمل کند؟»

هیأت باید خوداتکا باشد و الا یا از سطح اقداماتش کاهش می‌دهد یا محتاج نامحرم می‌شود. ما گروه‌های سیاسی و اصحاب زور و زر و تزویر را نامحرم می‌دانیم. استقلال سیاسی و حریت یکی از شرایط لاینفک هیأت است و اگر هیأت اصحاب ولایت نشود دچار اختلال می‌شود؛ بنابراین هیأت در همه چیز باید مرجع باشد؛ هم در ساختار سیاسی، هم فرهنگی، هم اقتصادی و همچنین دارای کارکردهای آموزشی و خدماتی نیز باشد.

«برای گسترش هیأت‌های مذهبی استان البرز چه اقداماتی کرده‌اید؟ چه موانعی بر سر این کار می‌بینید؟»

در بخش توسعه هیأت‌ها، ما اکنون ۱۵ هیأت رزمندگان در سطح استان داریم. تلاش کردیم آن مدل تجربه‌شده در هیأت خودمان را در هیأت‌های دیگر نیز پیاده کنیم مانند هیأت نظرآباد، ساوجبلاغ، طالقان و فردیس شهر کرج که این شهرها ۳ میلیون نفر جمعیت، به‌تنهایی هفت هیأت دارد. مانع و اشکالی که در فضای تشکیل و تأسیس هیأت وجود دارد این است که اگر بخواهد به معنای حقیقی کلمه به گسترش فرهنگی مطلوب دست پیدا کند باید یک آمایش سرزمینی انجام بگیرد که این وجود ندارد؛ مثلاً شهر جدید هشتگرد یا شهر جدید البرز با این حجم جمعیت و وسعت مکانی، نیازمند هیأت رزمندگان مستقل می‌باشد.

«در مورد آمایش سرزمینی و رصد اقلیمی که اشاره کردید بیشتر توضیح بفرمایید.»

این رصد به این معناست که ما نباید برای مردم سکونت‌های جدید ایجاد کنیم و آن‌ها را به حال خود رها کنیم. امروز یکی از رسالت‌های مهم هیأت پوشش حداکثری در کشور است؛ بنابراین نیاز به آمایش سرزمینی دارد. وقتی شایستگی‌های هیأتی را موردبررسی قرار می‌دهیم اگر کسی در فعالیت‌های انجام‌شده خود ۷۰ درصد موفقیت کسب کرده باشد به تراز مناسبی رسیده است و کمتر دچار صدمه و آسیب می‌شود ولی این مقدار کارکرد همه‌جانبه خود را ندارد چون حضرت آقا فرمودند: «کشف مخاطب کنید» یا «خلق مخاطب کنید» این نکته‌ای است که در بخش‌هایی از هیأت رزمندگان مورد غفلت واقع شده است. ما مخاطبانی داریم که هنوز ما را نمی‌شناسند و وظیفه ماست که با آن‌ها ارتباط بگیریم و

خدمت در
مطبخ یا قسمت
کفشداری هیأت
یا جای دیگر برایم
فرقی نمی‌کند،
مهم این است که
انگیزه و اخلاص
داشته باشیم. بنده
قبلاً علاقه‌مندم
در بخش‌هایی
فعالیت کنم که
همراه با جوانان
باشم و از آن‌ها
حمایت کنم چون
معتقدم آن‌ها آینده
این نظام و انقلاب
را رقم خواهند زد.

قابلیت‌ها را شناسایی کنیم.

« قبل‌اشاره کردید که هیأت باید مستقل و خوداتکا

باشد، شما برای جذب بودجه و جلب حمایت‌های مالی

چه اقداماتی انجام می‌دهید؟

هیأت رزمندگان باید به دنبال شبکه‌سازی نیروهای انقلاب باشد. باید از نگاه درون‌گرا نسبت به هیأت خارج شویم. اگر قرار باشد هیأت گسترش اجتماعی پیدا کند قاعدتاً باید با مجموعه‌های همسو و فعال در بخش‌های مختلف هماهنگ کند و در بخش‌هایی حمایت کند و در بخش‌هایی نیز حمایت بگیرد.

در برخی از شهرهای بزرگ شاهدیم که هیأت‌های بزرگ انقلابی و مردمی وجود دارد و در حال فعالیت هستند اما فاقد یک سامانه هدایتی و حمایتی مناسب می‌باشند. برای آن‌ها نه سخنران و نه مداح خوبی اعزام می‌شود و نه اگر مشکلی داشته باشند کسی حمایت می‌کند. هیأت رزمندگانی که محوریت خود را صرفاً در حوزه مذهبی می‌بینند و ارتباطی با انقلاب اسلامی ندارد و نتوانسته جایگاه خود را پیدا کند مادامی که در داخل خود جوش بزند و با پیرامون ارتباطی نداشته باشد به جایی نمی‌رسد.

« آیا بین مسجد و هیأت رابطه‌ای برقرار است یا مسجد

یک فضای مجزا و هیأت هم یک کارکرد جدا دارد؟

هیأت رزمندگان می‌تواند منشأ حرکت‌های جوششی در مساجد باشد. درست است که انسجام داخلی منشأ تحولات بیرونی است ولی تا کی می‌خواهیم فقط چشم‌انداز داخلی داشته باشیم؟ تراز فعالیت و نگاهمان باید بالاتر برود. متأسفانه گاهی شاهد آن هستیم که بعضی از اماکنی که مربوط به انقلاب و مظهر جوشش حرکت‌های مردمی بوده امروز در رفتارشان با مردم دچار اشکال شده است. مساجدی که روزی خاستگاه خیلی از برنامه‌های انقلاب بوده است متأسفانه بخش قابل‌توجهی از این مساجد تبدیل به نمازخانه شده‌اند. در بعضی از استان‌ها مسجد وجود دارد ولی تنها یک وعده نماز در آن اقامه می‌شود درحالی‌که مسجد باید دارای کارکردهای مختلف و کرسی‌های گفت‌وگویی در بخش‌های متفاوت باشد. به طور مثال ما می‌توانیم خدمات خود را به سطح مسجد توسعه بدهیم و هر هیأت باید با مساجد منطقه خود ارتباط برقرار کند. شبکه مبلغین و شبکه گفت‌وگویی انقلاب اسلامی تشکیل بدهد یا اینکه هیأت می‌تواند در برنامه‌های مختلف مساجد مشارکت کند و خدمات فرهنگی به آن‌ها ارائه دهد؛ نشست‌های مردمی برگزار کند و برای این نشست‌ها و برنامه‌ها سخنران و محتوای فرهنگی تأمین کند. نباید بین هیأت و مسجد تفکیک قائل شد. عموماً مساجد الان در ارتباط با هیأت شکل سازمان‌یافته‌ای ندارند؛ و این در حالی است که مساجد پایگاه جدی حوزه دین و انقلاب هستند و نباید هیأت و مسجد از هم جدا شوند.

« اساسی‌ترین ویژگی و ماهیت هیأت از نظر شما

چیست؟

حرکت مخلصانه در مسیر خدا و در سربازی اهل بیت علیهم السلام است و این امر به قوام بخشی اقدامات دیگر بسیار کمک خواهد کرد. هیأت ممکن است خیلی چیزها را داشته باشد اما به خاطر نداشتن اخلاص در تعارض با بخش‌های دیگر باشد. کسی که می‌خواهد در هیأت خدمت کند باید دارای این قابلیت باشد و الا ممکن است دچار استکبار در درون بشود و اگر هیأتی دچار این مشکل باشد نمی‌تواند به آن ساختار و تشکیلات ایده‌آل و نیز به همگانی و عمومی‌سازی

هیأت رزمندگان

می‌تواند منشأ

حرکت‌های

جوششی در

مساجد باشد.

درست است که

انسجام داخلی

منشأ تحولات

بیرونی است ولی

تا کی می‌خواهیم

فقط چشم‌انداز

داخلی داشته

باشیم؟ تراز

فعالیت و نگاهمان

باید بالاتر برود.

فرهنگ هیأت دست یابد.

« رابطه هیأت و حاکمیت و حکومت را در

چه می‌بینید؟

ما باید با مدیران نظام در تعامل باشیم اما نباید دولتی باشیم. گاهی ما به‌خاطر زمینه‌های سیاسی که در دولت‌ها وجود دارد خود را از حاکمیت جدا می‌کنیم و این خود اشکال است چراکه همه باید برای تحقق آرمان‌های انقلاب و موفقیت جمهوری اسلامی تلاش کنیم و حاکمیت جمهوری اسلامی را تقویت کنیم حضرت آقا هم مضمونی شبیه به این فرمودند که: «اگر حضرت صاحب سلام‌الله‌علیه نیز می‌آمدند در راه حفظ نظام اسلامی شهید می‌شدند.» امام آخر جنگ فرمودند: «حفظ نظام اسلامی از نماز هم واجب‌تر است.» این تفکر غلطی است که ما یک چیزیم و حاکمیت چیز دیگر. ما باید در تعامل با حاکمیت باشیم و از ظرفیت آن استفاده کنیم.

« وجه اولویت هیأت شما چیست که به

همکاران خود آن را توصیه می‌کنید؟

به نظر من اولین نکته‌ای که در پایداری و ساخت تشکیلات بسیار مؤثر است، همدلی و انس و برادری بین نیروها است. ما در حوزه فعالیت خود از بچه‌های جنگ استفاده کردیم لذا اخلاق تشکیلاتی که برگرفته از فرهنگ جهاد و شهادت است در بین بچه‌های ما موج می‌زند. براساس همین سبک و سیره دینی، عناصر سازمانی ما به‌شدت همدیگر را دوست دارند و این رابطه عاطفی زمینه هماهنگی و همکاری بیشتر در کارها را فراهم می‌آورد و از آسیب‌هایی مثل حسادت و تقابل و رقابت منفی جلوگیری می‌کند.

« علت عدم انسجام، تفرقه و

ازهم‌پاشیدگی برخی از هیأت‌ها چیست؟

ماندن در کنار یکدیگر نیازمند قلب رئوف و صبر تشکیلاتی است؛ یعنی اگر قرار باشد که افرادی با خُلق و روحیات متفاوت در کنار یکدیگر کار کنند باید علاوه بر داشتن چشم‌انداز بتوانند در صورت به وجود آمدن ویروس تفرقه بی‌اندازه مدیریت کنند و با همدلی و صبر و گذشت جلوی ایجاد گسست و جدایی در تشکیلات را بگیرند. ما این روحیه را از دوران دفاع مقدس آموختیم که چگونه یک فرمانده می‌توانست با نیروهای جزء خود تعامل و رفاقت متقابل داشته باشد. ایشان و گذشتی که میراث شهیدان است یعنی گاهی اوقات باید از حرف درست خود چشم‌پوشی کنی ولی اجازه ندهی که مجموعه از هم بپاشد و دچار گسستگی و دوگانگی شود. اگر این روحیه حفظ شود آنگاه هر کس هم وارد این مجموعه بشود هم‌رنگ خواهد شد.

اگر قرار باشد که

افرادی با خُلق و

روحیات متفاوت

در کنار یکدیگر کار

کنند باید علاوه بر

داشتن چشم‌انداز

بتوانند در صورت

به وجود آمدن

ویروس تفرقه

بی‌اندازه مدیریت

کنند و با همدلی

و صبر و گذشت

جلوی ایجاد

گسست و جدایی

در تشکیلات را

بگیرند

موکب‌های مجازی

برای بازنمایی راهپیمایی اربعین

پیشنهاد راه اندازی و اجرای برنامه‌های فرهنگی در راستای لغو راهپیمایی اربعین به دلیل شیوع بیماری کرونا



حاج علی اکبر مداحی مسئول «کمیته مراسم ستاد فرهنگی اربعین» پیرامون تصمیمات اتخاذ شده و فعالیت‌های پیش‌بینی شده در این کمیته می‌گوید

تجربه یک اربعین متفاوت

باشد. همچنین مقادیری بسته و هدایای فرهنگی پیش‌بینی شده است که جزئیات آن متعاقباً اعلام خواهد شد.

در خصوص رایزنی‌های انجام شده ستاد اربعین با ستاد مبارزه با کرونا و وزارت بهداشت توضیح بفرمایید. همان‌طور که اعلام شده شعار اربعین امسال «الحسین سفينة النجاة» است و ما امیدواریم که به عنایت و لطف و مرحمت خود ارباب هرچه زودتر این ویروس منحوس کرونا از بین مردم مسلمان و مظلوم عالم ریشه‌کن بشود تا بتوانیم مثل گذشته با حضور میلیونی در اربعین حاضر شویم؛ ولی پیش‌بینی می‌شود که این ویروس تا آن زمان ادامه دارد و احتمال قوی اربعین امسال بدون حضور جمعیت غیرعراقی برگزار می‌شود و

آیا امسال که علاقه‌مندان و زائران ایرانی از پیاده‌روی اربعین محروم هستند ستاد اربعین تمهیداتی برای فعالیت‌های مجازی جایگزین اندیشیده است؟ لطفاً به عنوان و تنوع برنامه‌های فرهنگی که به صورت مجازی از طرف این ستاد در صورت صدور مجوز برگزار می‌گردد اشاره بفرمایید.

هیأت رزمندگان علاوه بر برپایی ده موکب سلامت در کشور عراق، به دیگر فعالیت‌های فرهنگی به زبان عربی و متناسب با زائران عراقی اقدام خواهد نمود؛ مانند تولید و پخش کلیپ، جزوات، پوسترها و عکس‌نوشته‌هایی به زبان عربی و متناسب با فضای فرهنگی کشور عراق به نحوی که برای زائران عراقی و عرب‌زبان قابل استفاده

با توجه به شرایط کنونی شیوع جهانی کرونا و ضرورت رعایت توصیه‌های بهداشتی در همه اماکن به ویژه اماکن مذهبی، حفظ جان و سلامت مردم در اهمیت قرار دارد. قطعاً شرایط ناشی از کرونا بر برنامه‌های فرهنگی، هنری و مذهبی تأثیر می‌گذارد اما نباید به اصل و هدف برنامه‌ها لطمه بزند، لذا به تناسب فرصت‌هایی که در جامعه فراهم شده است باید با مدل‌ها و الگوهای جدید خود را تطبیق دهیم. راه‌اندازی موکب‌های مجازی با محور بازنمایی راهپیمایی بزرگ اربعین از جمله اقداماتی است که در عدم برگزاری راهپیمایی عظیم اربعین می‌توان تدارک دید. نهادهای دینی و مذهبی جامعه نباید از این فضای حاکم عقب بمانند و باید از این فرصت مغتنم بهترین استفاده را ببرند و در عصری که دسترسی مردم به اطلاعات از طریق رسانه‌های مختلف نظیر صداوسیما و پیام‌رسانهای اجتماعی آسان است، از فضای مجازی استفاده کنیم. هرچند پیش از این نیز استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در موضوع اربعین کاربرد داشته است ولی امسال و در پی شرایط کرونایی باید این رویکرد تقویت بشود و با جدیت بیشتری کار ادامه پیدا کند تا بتوان با طراحی و اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی، هنری و نمایشی، نشاط معنوی مردم را حفظ کرد. به راحتی می‌توان با پیشنهاد و اجرای برنامه‌ها و طرح‌هایی نظیر بازنمایی راهپیمایی بزرگ اربعین از طریق طراحی نرم افزاری و یا راه‌اندازی موکب‌های مجازی بسته‌های فرهنگی تحت وب به زبان‌های مختلف با محتوای نشریات الکترونیک، برگزاری مسابقات، نمایشگاه‌های عکس مجازی، بسته‌های ویدئویی حاوی سرود، موسیقی، سخنرانی، موشن گرافی، عکس‌نوشته و اینفوگرافیک، عاشقان سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه را هم در ایران و هم در دیگر کشورها متأثر از فضای ایام اربعین ساخت.

مردم عراقی نیز به طور خودجوش و مردمی پیاده روی شان را انجام خواهند داد. **لطفاً در خصوص ارائه فعالیت های خدماتی ستاد اربعین در کشور عراق توضیح بفرمایید.**

هیأت رزمندگان اسلام از حدود ۱۵۰ موکبی که هرساله برپا می کرده است امسال تنها به آماده سازی ۱۰ موکب سلامت اقدام می کند، آن هم به منظور توزیع ماسک و ضد عفونی کردن اماکن و معابر عمومی برای حفظ سلامت و بهداشت مردم عراق و ارائه خدمات به زائران محترم عراقی.

از نظر پوشش و انعکاس رسانه ای مراسم اربعین در کشور عراق چه تصمیماتی اتخاذ کرده اید؟

ما امیدواریم که دولت عراق لااقل از برنامه پیاده روی اربعین مردم کشور خودش حمایت کند تا ما نیز بتوانیم با رعایت نکات بهداشتی به نحو شایسته ای این حرکت مردمی عراقی ها را انعکاس دهیم، ولی هنوز دولت عراق پیاده روی رسمی برای مردم کشورش را هم تأیید و اعلام نکرده و ممکن است ما هم نتوانیم این پیاده روی مردمی که مورد تأیید قانونی نیست را پوشش تصویری و خبری بدهیم و از رسانه های ایران پخش کنیم، چون در این صورت مقامات دولت عراق از اقدام سیمای جمهوری اسلامی گله مند خواهند شد.

آیا سخنرانان و مداحان محترمی که در نظر گرفته اید مشخص و قابل معرفی هستند؟

مداحانی که تا الآن قطعی شده اند عبارت اند از: آقایان حاج مهدی سماواتی، حاج سید رضا نریمانی، حسن شالبافان، علی مهدوی نژاد، مجتبی رمضانی و دعوت از سایر مداحان هم در حال پیگیری است. سخنرانان محترمی که تاکنون برای اعزام به عتبات قول داده اند عبارت اند از: حجج اسلام عالی، رفیعی، سید مهدی میرباقری، علیرضا پناهیان و تعداد دیگری از خطباء نیز در دست پیگیری هستند.

آمادگی ستاد اربعین و حجم مواکبی که برای برپایی در عراق در نظر گرفته اید چقدر است؟

تمام این مطالبی که عرض کردم منوط به اعلام نظر مسئولان عراقی است و تا این لحظه هنوز چیزی توسط مقامات عراقی به سفیر جمهوری اسلامی ایران



اعلام نشده است. مقامات ایرانی مدعی هستند دولت عراق هنوز با اعزام و برپایی موکب های سلامت ایران، موافقت نکرده است و احتمال موافقتشان بسیار ضعیف است. از حدود سه هزار موکبی که ایران هرساله اعزام می کند حدود ۵۰۰ موکب انتخاب شده اند و در حال آمادگی هستند لکن اجرای همه این تصمیمات منوط به مجوز ستاد ملی کرونا ی ایران و نیز تأیید و مجوز دولت عراق است. ما آمادگی کامل داریم که ان شاء الله در صورت صدور مجوز بلافاصله مواکب سلامت خود را برای اجرای عملیات بهداشتی و ارائه خدمات فرهنگی به زائران عراقی به صورت محدود اعزام کنیم.

آیا ستاد اربعین برنامه ریزی برای اعزام موردی سخنرانان و مداحان به عتبات دارد؟

هرساله یکی از فعالیت های هیأت رزمندگان اسلام تصدی مسئولیت «کمیته مراسم ستاد فرهنگی اربعین» بوده است و مدیر هیأت رزمندگان اسلام به عنوان مسئول این کمیته نیز انجام وظیفه می کند. ان شاء الله طبق سنوات گذشته هیأت رزمندگان اسلام تحت عنوان کمیته مراسم اربعین ذیل ستاد فرهنگی اربعین سخنرانان و مداحانی را اعزام خواهد کرد تا در اماکن متبرکه و دیگر فضا های پیش بینی شده به اجرای برنامه بپردازند و این برنامه ها از شبکه های مختلف سیما و نیز در فضا های مجازی نظیر رویکا به صورت زنده و تولیدی پخش خواهد شد.

آیا برای خروج غیرقانونی و خودسرانه برخی از افراد از کشور تمهیدات قانونی اندیشیده شده است؟ شما به عنوان دبیر ستاد اربعین چه توصیه ای به این افراد دارید؟

ورود و حضور زائران ایرانی و دیگر کشورها در عراق تا این لحظه از سوی دولت عراق ممنوع اعلام شده و مرزها بسته خواهد بود. علاوه بر تمهیداتی که از سوی دستگاه های امنیتی کشور برای جلوگیری از خروج غیرقانونی زائران ایرانی پیش بینی شده است ما نیز از تمامی عاشقان اربعین حسینی و مردم فهیم درخواست می کنیم در صورتی که ستاد ملی مبارزه با کرونا ی ایران صلاح ندیدند و مجوز خروج زائران ایرانی را صادر نکردند و یا اگر مقامات عراقی اجازه حضور زائران ایرانی و ورود آن ها به کشور عراق را ندادند، اقدام خودسرانه و یا اصراری برای مقابله با قوانین صادر شده نداشته باشند. همچنین با توجه به تأکیدات امام خامنه ای مبنی بر تبعیت از ستاد ملی مبارزه با کرونا به نظر می رسد رفتن غیرقانونی به زیارت نه تنها مستحب نیست بلکه از نظر شرعی دارای اشکال خواهد بود مگر افرادی که برای انجام مأموریت های خدماتی از قبل تعیین و مکلف به اعزام شده اند.

حرف آخرتان چیست؟

باز هم دعا می کنیم که به زودی این بیماری همگانی برطرف شود و شاهد روزی باشیم که مجدداً خیل عظیم عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین سلام الله علیه راهی زیارت پیاده کربلای معلی هستند.



مواجهه پرنشاط با افراد

در مجموعه‌های فرهنگی و مذهبی چون اساس فعالیت و اجتماع افراد حول اهداف و سیاست‌ها بر اساس اخلاق اسلامی و موازین دینی است بنابراین مدیر آن مجموعه باید بکوشد تا در برخورداری از کمالات و شایستگی‌های اخلاقی و معنوی از افراد زیرمجموعه خود پیشگام باشد تا هم از حیث نظری و هم در عمل بتواند الگودهی نماید.

البته باید توجه داشت که رعایت شئون اخلاقی و معنوی به معنای عبوس بودن و خروج از دایره شورونشاط جوانی نیست بلکه یکی از بهترین ابزار جذب و هم‌افزایی جوانان و نوجوانان به هیأت و دیگر مجموعه‌های فرهنگی، حُسن برخورد و مواجهه پرنشاط مسئولان آن مجموعه می‌باشد.

بی‌شک با چهره عبوس و برخورد خشک نمی‌توان، برنامه‌های مجموعه را چه از جهت کیفی و چه از نظر کمی پیش برد و این روند موجب رنجیده‌خاطر شدن اعضا و در نتیجه ترک کردن آن مجموعه می‌گردد.

برنامه‌ریزی برای پایبند کردن اعضا

مسئول هر مجموعه فرهنگی برای پایبندی افراد و اعضای یک مجموعه باید در برنامه‌ریزی‌های خود به مسائل مهمی توجه کند که عبارت‌اند از: ۱- مضمون برنامه‌ها به‌روز و با مشکلات اعضای مجموعه هماهنگ باشد. ۲- برنامه‌ها باید طوری طراحی شوند که همه اعضا را درگیر آن مجموعه نمایند. ۳- کم و کیف و حد و مرز وظیفه اعضای درگیر مشخص باشد.

مراقبت نسبت به جوسازی‌های مخرب

مدیر و متولی هر مجموعه فرهنگی، مسئول اصلی حفظ انسجام و اتحاد آن مجموعه است و حاکم ساختن فضای حسن ظن، صمیمیت و دوستی بین افراد زیرمجموعه از وظایف اصلی او به حساب می‌آید. ایجاد جو سوءظن از بزرگ‌ترین آفت‌های کار فرهنگی می‌باشد.

برای پیشبرد اهداف مجموعه باید با رصد دقیق امور توسط مدیر آن تشکیلات، جو آرام و به دور از تشنج در میان اعضا ایجاد کرد و همواره مراقب رفتارها و حرکات مخرب از سوی برخی از اعضای درونی و یا افراد بیرونی مجموعه بود چراکه گاهی ممکن است بذر هرز یک حرف بی‌جا یا نگرش غلط و شایعه‌ساختگی مثل موریانه به جان فضای صمیمیت و اتحاد اعضای آن مجموعه بیفتند و شالوده کل تشکیلات را از هم پیاشد.

استفاده مناسب از سرمایه‌های انسانی

استعدادیابی و ظرفیت‌شناسی نیروها در هر مجموعه‌ای به عهده مسئول آن مجموعه می‌باشد. در حقیقت کشف استعدادها، سرمایه‌های انسانی هر مجموعه، به بهره‌برداری هرچه تمام‌تر استعدادها، افراد به نفع اهداف تشکیلات می‌انجامد. این کار به او کمک می‌کند تا در برنامه‌ریزی‌ها و تقسیم‌کارها بداند که هرکسی برای چه نوع فعالیتی شایستگی و کارایی بیشتری دارد؛ بنابراین مسئول مجموعه باید بطور دقیق با ویژگی‌ها، استعدادها، روحیات فردی هر یک از نفرات خود آشنایی کامل داشته باشد تا بداند هرکسی در چه بخش و جایگاهی از مأموریت‌ها و کارهای اجرایی آن مجموعه، بهتر می‌تواند ایفای نقش نماید. در حقیقت این مأموریت در راستای شایسته‌سالاری در مجموعه فرهنگی تعریف می‌شود.

اصول مدیریت در مجموعه‌ها

| مهدی سیفی |

از دیرباز در جوامع بشری فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی وجود داشته است؛ یعنی از زمانی که انسان‌ها زندگی جمعی خود را آغاز کردند، اما از سابقه ظهور مؤلفه‌ای به نام «مدیریت فعالیت‌های فرهنگی» دیری نمی‌پاید و این موضوع از موضوعات نوپا در حوزه مدیریت، به حساب می‌آید. تغییر و تحول در نظام فرهنگی جامعه و سوق دادن آن به سمت مضامین سیاست‌های فرهنگی موردنظر انقلاب اسلامی، نیازمند مدیریت فرهنگی کارآمد به‌عنوان یکی از ارکان نظام است.

عملکرد مخلصانه و بی‌ریا

برخلاف همه ویژگی‌های بیان‌شده، اخلاص در عمل از آن دسته خصوصیات مدیر است که مربوط به باطن و نیت اوست و بروز و ظهور ظاهری ندارد، گرچه نیت خالص می‌تواند موجب برکت کار و ثمردهی مضاعف هر مجموعه باشد. نتیجه و برون‌داد بی‌اخلاصی می‌تواند به شکل ریا و غرور و عجب در مسئول مجموعه بروز نماید که این ویژگی‌ها از علت‌های اصلی فاصله‌گیری اعضای مجموعه از او و در بلندمدت سبب ازهم‌گسیختگی کل مجموعه می‌شود. از سوی دیگر موجب بی‌برکتی فعالیت‌ها و عدم پیشرفت مجموعه و یا حرکت کند و بی‌حال آن می‌شود که این خود موجب می‌شود مجموعه و اعضای آن از رسیدن به نتیجه مطلوب باز بمانند.

ت فرهنگى ـاى مذهبى

تثبیت و نهادینه کردن الگوی فرهنگى انقلاب در سال‌هاى پس از پیروزی انقلاب اسلامى با مشکلات و موانعى روبه‌رو بوده است. بخشى از این مشکلات خارجى بوده و از جریان بین‌المللى اطلاعات و تهاجم فرهنگى سرچشمه مى‌گیرد و بخشى دیگر از موانع، ریشه در عوامل داخلى از جمله درك ماهیت، اهمیت و کارکردهاى فرهنگ و ضعف دستگاه‌هاى فرهنگى کشور دارد. در هر صورت کارآمدسازى مدیریت فرهنگى کشور برای شناخت دقیق عوامل تعالى و یا بی‌هویتی فرهنگى يك ضرورت جدی است.

حل بحران‌هاى پیش‌بینى نشده

در هر مجموعه‌اى باید حرف آخر و تصمیم نهایی را مسئول آن مجموعه به‌عنوان يك کارشناس و راهنما با استفاده از بصیرت و روشن‌فکری خود، اتخاذ نماید. گاهى ممکن است مجموعه با يك بحران یا مسئله خاص مواجه شود که باعث ایجاد بن‌بست و گره در ادامه فعالیت‌ها و یا ایجاد مشکل در کیفیت برنامه‌ها بشود؛ به‌عنوان مثال اگر در برنامه‌ریزى برای برگزاری يك برنامه نسبت به مكان برگزاری، چگونگى اجرای محتوا و حتى شكل برگزاری، مشکلى رخ داد، مسئول مجموعه فرهنگى باید با تصمیم‌گیرى به‌موقع و دقیق مجموعه را از آن بحران عبور دهد.

اهتمام به کار تشکىلاتى

از مهم‌ترین کارهاىی که در هر مجموعه فرهنگى نظیر هیأت باید موردتوجه قرار بگیرد، توجه به کار گروهى و قدرت مسئول نسبت به کارکردهاى تشکىلاتى در مجموعه خود مى‌باشد. علت این میزان اهمیت در مورد کار کردن به‌صورت گروهى به این جهت است که افراد و گروه زیرمجموعه رفته‌رفته به روال کار تشکىلاتى عادت کنند که این هم به نفع پیشبرد اهداف مجموعه و تسهیل در اجرا و انجام مأموریت‌ها مى‌باشد و هم به روال تربیت نیروهاى متعدد و کارشناس برای جایگزینى‌هاى آتى کمک مى‌کند. از سوى دیگر وقتى کارها طبق يك چارت دقیق و راهبرى تقسیم گردید، سنگینی بار از دوش مسئول برداشته مى‌شود و او فرصت پیدا مى‌کند تا برای نظارت، هدایت و کیفیت‌بخشى به فعالیت‌هاى مجموعه و کادر اجراى وقت بیشترى را صرف نماید و این امر موجب ارتقای کیفى برنامه‌هاى آن مجموعه یا هیأت مى‌گردد.

امروزه متأسفانه يكى از مشکلات عدیده مجموعه‌هاى فرهنگى و مذهبى، تشکىلاتى کار نکردن آن‌ها و بیگانه بودن مسئول و اعضاى آن مجموعه با روحیه کار گروهى و تشکىلاتى است که مى‌تواند آسیب‌هاى جدى نظیر درجا زدن مجموعه، موازى کارى، ایجاد اختلاف و رقابت با دیگر مجموعه‌هاى همسوى... را در پی داشته باشد.

مواجهه درست با مسائل و موانع

يك مدیر ایده‌آل كسى است که علیرغم وجود مشکلات و مسائل مختلف پیش‌روى مجموعه خود بتواند با بهترین برخوردها، شیوه برخورد صحیح را به دیگر اعضا بیاموزد. این برخورد مناسب به معنای منفعل بودن مدیر و تنزل از جایگاه و شخصیت مدیریتی خویش نیست بلکه به معنای موقعیت‌شناسى است. مسئول مجموعه باید با اقتضا یاى بفهمد در كجا نیاز به تشویق و جاذبه و در كجا نیاز به جذب و جدیت و شاید عصبانیت است؟ پس بهترین مدیر در يك مجموعه كسى است که بتواند برای مكان و موقع انجام هر کارى بهترین موقعیت‌شناسى را انجام دهد.

نظارت دقیق بر روند حرکت مجموعه

بهترین برنامه‌ریزى فرهنگى آن است که قبل از اجرا برنامه‌ریزى کامل صورت گیرد. حین اجرا نظارت دقیق انجام شود و پس از اجرا بازخورد گیرى و آسیب‌شناسى داشته باشد. متأسفانه عدم توانمندی لازم و ضعف مدیریتی مسئولان مجموعه‌هاى فرهنگى و مذهبى موجب شده است تا کارها و برنامه‌ریزى‌هاى غیرکارشناسى و ناقصى ذیل مجموعه تابعه آن‌ها اتخاذ شود و نیز هنگام اجرای آن برنامه، نتواند نظارت دقیق و لازم را به عمل آورد و به نتیجه مطلوب و خروجى مدنظر آن برنامه دست پیدا نکنند. بنابراین اصلى‌ترین وظیفه مسئول فرهنگى، مدیریت و نظارت بر برنامه‌ها و کارهاى در حال انجام مى‌باشد. نظارت كافی بر روند محتوایى و کیفى هر برنامه یا طرحى به مدیر این امکان را مى‌دهد تا مشکلات کلی طرح را شناسایى کرده و درصدد رفع نواقص و رسیدگى به مشکلات برآید.

همفکرى و مشورت گیرى در کارها

براساس سفارش قرآن کریم که مى‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^{*} يك مسئول خوب كسى است که در مدیریت و برنامه‌ریزى خود از گروه‌هاى اندیشه‌ورز و مشاوران باتجربه، اصلح و مورداطمینان استفاده کند. بى‌شك يك تصمیم‌گیرى مفید و مؤثر آن تصمیمى است که با بهره از خرد جمعى افراد به جمع‌بندى رسیده باشد. ثمره دیگر این مشورت‌گیرى، پرهیز از موضع اتهام به خودرایى و فردگرایی در شیوه مدیریت مجموعه است.

* سوره شورى، آیه ۳۷.



صمیمیت و تعامل

رمز موفقیت هیأت جوانان عاشورایی

تجربیات موفق هیأت داری در گفتگو با محمدرضا سلگی مسئول هیأت جوانان عاشورایی شهرستان نهاوند

و وقتی شخصی به دستگاه سیدالشهدا سلام الله علیه متصل گشت دیگر به راحتی کنده و جدا نخواهد شد.

همان طور که مستحضرید دشمنان انقلاب و اسلام و به تعبیر بهتر یزیدیان زمان، همواره برای استحاله فرهنگی و از بین بردن هویت اسلامی جوانان و نوجوانان ما در تلاش هستند و برای پیشبرد اهداف خود از هیچ هزینه و ابزاری فروگذار نمی کنند. آن ها برای ترویج غرب گرایی و تقلید از عادات و رفتارهای غربی از کارهایی نظیر تغییر مد و سبک پوشش گرفته تا امور مهم دیگر به دنبال استحاله هویت جوانان و مردم به روش استفاده از شعار آزادی و زیر پا گذاشتن احکام شرع هستند؛ فلذا باید هوشیار بود و از این دستگاه انسان ساز استفاده نمود و برای حفظ هویت اسلامی و تفکر انقلابی جوانان و نوجوانان باید آن ها را به دستگاه امام حسین سلام الله علیه متصل کرد.

چه شیوه ها و راهکارهای موفق

را در نحوه جذب جوانان به هیأت و

فعالیت های مذهبی به کار گرفته اید

که به عنوان تجربه به همکاران

پیشنهاد می کنید؟

بنده خدمت را در هیأت جوانان عاشورایی با فعالیت های جذاب و جوان پسند نظیر برنامه های ورزشی شروع کردم. همین امر باعث شد که افراد زیادی جذب هیأت شدند. از دیگر برنامه های



و کارکردهای کلان هیأت و مهم ترین

کارایی هیأت را در عصر حاضر چه

می دانید؟

هیأت تراز انقلاب اسلامی هیأتی است که مطابق فرمایشات حضرت آقا و متناسب با روز جلو برود و هویت اسلامی خود و خادمین را حفظ نماید. هیأت باید همانند دانشگاه باشد منتها دانشگاهی انسان ساز. جوانان و نوجوانان عرصه های زیادی برای گذراندن اوقات فراغت خود دارند؛ چه بسا برخی از این عرصه ها مفید و مهم نیز باشند مانند حضور در پایگاه ها و کانون های فرهنگی، اما هیأت فضای متفاوتی است

لطفاً خودتان و هیأت جوانان

عاشورایی برای ما معرفی بفرمایید؟

چند سال است که در عرصه هیأت

فعالیت دارید؟ از کجا و چه شد به

این عرصه وارد شدید؟

این جانب محمدرضا سلگی ۲۱ ساله و فارغ التحصیل رشته حقوق و مسئول هیأت جوانان عاشورایی شهرستان نهاوند استان همدان هستم. بنده از سال های خیلی قبل با هیأت رزمندگان اسلام شهرستان آشنایی داشتم، پدرم یکی از اعضای شورای هیأت رزمندگان اسلام بودند و هنوز نیز هستند و به واسطه این آشنایی در برنامه های هیأت رزمندگان شرکت می کردم؛ اما از اینکه واحدی به نام «جوانان عاشورایی» برای فعالیت جوانان در ساختار هیأت رزمندگان وجود دارد اطلاعی نداشتم و همین باعث شده بود که جوانان هیأتی نهاوند غیرفعال شده بودند. فروردین سال ۱۳۹۸ بود که علیرغم جوان بودن بنده، آقای حیدری مسئول هیأت رزمندگان اسلام نهاوند با توجه به منویات حضرت آقا در خصوص اعتماد به جوانان به بنده اعتماد کردند و مسئولیت جوانان عاشورایی را به بنده سپردند و از همان تاریخ فعالیت را آغاز کردم.

به نظرتان هیأت تراز انقلاب

اسلامی چیست و دارای چه

ویژگی هایی باید باشد؟ رسالت ها

جذاب و تأثیرگذار ما برگزاری اردوهای فرهنگی، تفریحی، جهادی و زیارتی بود. معتقدم اردو بستر مناسبی برای جذب و تقویت ارتباط اعضا با هیأت می باشد. دو اردوی جهادی برگزار کردیم که موجب شد تعداد زیادی از خدام مشتاق برای پیوستن به گروه های جهادی داوطلب شوند. در آریعین ۱۳۹۸ نیز تعدادی از جوانان زیارت اولی را به صورت رایگان در غالب یک کاروان ۲۰ نفره به کربلا اعزام کردیم. خبر این اقدام موجب اشتیاق دیگر جوانان و نوجوانان شهرستان به هیأت شد. از دیگر فعالیت های ما برای جذب اعضا، ارتباط گیری و همکاری با پایگاه های مقاومت و گردان های بسیج مستقر در شهرستان بود که از این طریق توانستیم با عده زیادی از نیروهای بسیجی که در این پایگاه ها بودند ارتباط بگیریم و هیأت جوانان عاشورایی را معرفی و از آن ها ثبت نام به عمل بیاوریم.

هیأت جوانان عاشورایی شهرستان نپاوند چه ویژگی هایی داشت که از بین دیگر هیأت های کشور شایسته انتخاب و تقدیر شناخته شد؟

به نظرم رمز این موفقیت در ظرفیت های مذهبی و انقلابی استان همدان است. همین طور که می دانید استان همدان معروف به دارالمؤمنین و دارالمجاهدین است. مردم مؤمن و انقلابی همدان و شهرستان های تابع همیشه محرک و کمک دهنده هیأت ها بوده اند و نیز برکت خون و عظمت نام شهدای گران قدر این استان همچون سردار شهید حاج حسین همدانی و به تازگی سردار شهید حاج میرزا محمد سلگی، همواره هدایتگر و برکت دهنده فعالیت های ما بوده است. از سوی دیگر رابطه گرم و صمیمی که بین مسئولین هیأت های رزمندگان شهرستان و استان همدان وجود دارد در موفقیت ما بسیار دخیل بوده است. رابطه بنده با مدیران پیشکسوت جوانان عاشورایی استان، آقایان قاسمی و رضایی و همچنین مسئول محترم هیأت رزمندگان استان، آقای حاج محمدعلی پیرزاد موجب اندیشه ورزی و تجربه اندوزی بنده در مسیر فعالیتیم بوده است.

لطفاً برای ما توضیح دهید که به نظر شما

آیا می توانیم از نحوه اداره هیأت برای اداره جامعه الگوبری کنیم یا خیر؟ در این راستا برنامه ها و ابتکاراتی که شما در هیأت جوانان عاشورایی داشته و یا در نظر دارید کدامند؟

بله بی شک هیأتی که در تراز انقلاب اسلامی و گوش به فرمان امام خامنه ای باشد الگوی مناسبی برای اداره جامعه است؛ زیرا در هیأت هیچ عامل مادی، خودبینی و غروری وجود ندارد و مسئولان و خادمین هیأت ها زیر علم ابا عبدالله سلام الله علیه و برای اهداف غیرمادی با تمام وجود تلاش می کنند. معتقدم برای اداره جامعه نیز به چنین اخلاص و همتی که نشأت گرفته از یک روحیه و تفکر جهادی و ناب باشد نیازمندیم. فردی با چنین شخصیت انقلابی به آسانی گرفتار هوای نفس و جاه طلبی و پست پرستی نخواهد شد و همه هدفش خدمت برای رضای خدا می باشد.

در هیأت جوانان عاشورایی شهرستان نپاوند تقسیم وظایف در امور اجرایی، اولویت اول است که قبل از مراسم برنامه ریزی های اصلی توسط مسئول هیأت نوشته شده و در شورای اجرایی

به شور گذاشته می شود سپس مطابق با برنامه ریزی انجام شده تقسیم کار صورت می گیرد و هرکس وظیفه خود را در قالب مسئولیتی که به او ابلاغ شده است به سرانجام می رساند. این وظیفه شناسی و تقسیم خدمت در فضای هیأت، می تواند یکی از بهترین الگوهای مدیریتی در جامعه باشد. در دستگاه ابا عبدالله سلام الله علیه هدف انجام وظیفه است و دیگر کسی به شأن و جایگاه فردی خود نگاه نمی کند و چه بسا مسئول ارشد مجموعه به شوق نوکری عزاداران، کفشار یا جای ریزی می شود و گاهی نیروی عادی هیأت برای کسب تجربه عهده دار یک مسئولیت قابل توجه می باشد. اگر همین سیستم در نحوه اداره جامعه دیده شود یعنی مدیر و مسئول علاوه بر اقدامات مدیریتی، خود را خدمتگزار مردم و مدیون نظام و شهدا بدانند، می تواند خالصانه ترین خدمت ها را به منصف ظهور برساند.

به نظر شما رابطه ایده آل هیأت و مسجد

چه رابطه ای است؟ و چه آسیب هایی ممکن است وجود داشته باشد؟

مساجد بهترین پایگاه برای هیأت ها هستند زیرا مسجد، کانون فعالیت های فرهنگی است و اگر رابطه مسجد با هیأت تقویت شود برنامه ها بهتر و تأثیرگذارتر خواهد شد. برخی از هیأت ها مکان ثابتی برای اجرای برنامه ها ندارند از این رو باید از فضا و امکانات مساجد استفاده کنند. بیشتر مساجد، خود هیأت دارند و در مناسبت ها برنامه برگزار می کنند. اگر هیأت امنای مساجد با مدیران هیأت ها تجمیع شوند و با یکدیگر برنامه برگزار کنند قطعاً برنامه ها باشکوه تر و تأثیرگذارتر خواهد شد زیرا هم هیأت از مسجد بهره می برد هم مسجد، اعضا و نمازگزاران جدیدی پیدا خواهد کرد اما اگر این وحدت نظر و اجتماع بین مدیران و امنای هیأت و مسجد ایجاد نشود قطعاً آسیب زا خواهد بود.

بعضی هیأت ها فعال اند و مراسمات

پرشوری هم برگزار می کنند، اما احساس می شود روح واحد و حس پیوند بین اعضایشان وجود ندارد؛ برای رفع این آسیب و پویایی بهتر هیأت

چه پیشنهادی دارید؟

اگر مدیران و مسئولان هیأت برنامه ریزی را جدی بگیرند، در برنامه ها تنوع ایجاد کنند و منطبق با روز و مسائل روز برنامه ریزی کنند قطعاً هم خدام جدیدی خواهند داشت هم خدام فعلی تشویق و مشتاق خواهند شد. مسئولان هیأت باید علاوه بر فعالیت های مذهبی و برگزاری مراسمات، به صورت

**هیأتی که در تراز
انقلاب اسلامی
و گوش به فرمان
امام خامنه ای
باشد الگوی
مناسبی برای اداره
جامعه است؛
زیرا در هیأت
هیچ عامل
مادی، خودبینی
و غروری وجود
ندارد و مسئولان و
خادمین هیأت ها
زیر علم ابا عبدالله
سلام الله علیه
و برای اهداف
غیرمادی با تمام
وجود تلاش
می کنند.**



هفتگی و یا ماهیانه جویای احوال خدام خود باشند و به زندگی و مشکلاتشان سرکشی کنند و با افراد گرم بگیرند. با این کار قطعاً آن صمیمیت و جذب مدنظر ایجاد خواهد شد.

به نظر شما وجه متمایز هیأت جوانان عاشورایی نسبت به دیگر هیأت‌ها به لحاظ فرصت‌ها و تهدیدها چیست؟

حساسیت موضوع در هیأت‌های جوانان عاشورایی نسبت به دیگر هیأت‌ها در جنس مخاطبینشان است. مخاطب هیأت‌های جوانان عاشورایی همگی جوان هستند و این بهترین فرصت برای فعالیت‌های تربیت‌گرا می‌باشد؛ از این رو حساسیت بالاست و باید این هیأت‌ها تأثیرگذار باشند تا بتوانند جوانان را حفظ کنند.

به موفقیت‌تان در دفتر مرکزی هیأت جوانان عاشورایی نیاوند نمره چند می‌دهید؟ فکر می‌کنید تا نقطه مطلوب چه راه‌های رفته و نرفته‌ای در پیش رو دارید؟

الحمدلله تا الآن موفقیت‌های زیادی داشته‌ایم ولی قائلیم تا رسیدن به نقطه مطلوب هنوز جای کارهای زیادی وجود دارد. هیأت جوانان عاشورایی شهرستان نهاوند در این یک سال و نیم مسئولیت خود طوری عمل کرده است که از یک هیأت غیرفعال به یک هیأت فعال و تأثیرگذار در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات فرهنگی و مذهبی شهرستان تبدیل شده است. مسئولان و بزرگان شهر از جمله امام‌جمعه محترم شهر نظرویزه‌ای به هیأت جوانان عاشورایی داشته و مرکزیت کارهای فرهنگی و مراسمات شهرستان را بر عهده هیأت رزمندگان و جوانان عاشورایی می‌گذارند.

وجه مشترک هیأت جوانان عاشورایی با فعالیت‌های جهادی و روحیه شهادت‌طلبی و بسیجی گری چیست؟ ارتباط هیأت با شهادی هشت سال دفاع مقدس چگونه است؟

ما در این مدت کوشیده‌ایم تا به یک تعامل متقابل با سپاه شهرستان برسیم و آن‌ها نیز در برنامه‌ها با تمام توان از هیأت جوانان عاشورایی حمایت می‌کنند. به واسطه این ارتباط، بسیجیان به عنوان خادم در هیأت جوانان عاشورایی عضو شده و فعالیت می‌کنند و همین تعامل بین بسیج و هیأت موجب برکات و پیشرفت‌های خوبی شده است. از جمله: شرکت در اردوهای جهادی، برگزاری یادواره شهدا و ... که همه این‌ها نوعی روحیه جهادی و شهادت‌طلبی در بچه‌ها ایجاد کرده و در کارهای خود، شهدا را سرلوحه قرار داده‌اند و کارهایشان نورانیت و برکت خاصی پیدا کرده است.

جایگاه سخنران و مداح در هیأت جوانان عاشورایی چیست و کدامیک را مهم‌تر

می‌دانید؟ اخیراً شاهدیم که جایگاه سخنرانی در هیأت‌ها تنزل پیدا کرده و اکثر مردم هنگام مداحی در مجلس حاضر می‌شوند. این نکته مثبتی است یا نه؟ به نظرتان این تغییر به چه علتی است؟

در هیأت جوانان عاشورایی ما، هیچ فرقی بین مداح و سخنران وجود ندارد. اگر امروز شاهد هستیم که حضور مردم در هنگام مداحی بیشتر از سخنرانی است این موضوع علت‌های زیادی دارد که قابل آسیب‌شناسی و حل است. یکی از این راهکارها زمان‌بندی جلسات است. در برنامه‌ریزی‌ها می‌توان برنامه‌ها را جابجا کرد؛ به عنوان مثال سخنرانی بعد از مداحی انجام شود و یکی دیگر از این راهکارها تنوع در برنامه‌ها و استفاده از سخنرانان جوان و خوش‌بیان و انتخاب موضوعات سخنرانی مطابق با مسائل روز جوانان است تا خدام و مردم بیشتر مشتاق شنیدن باشند؛ مثلاً مقایسه زمان صدر اسلام با زمان فعلی و همچنین دشمن‌شناسی از موضوعاتی است که جوانان مشتاق شنیدن آن هستند. آسیب‌هایی که هیأت با آن مواجه است چیست؟ چه باید‌ها و نیاید‌هایی در مدیریت هیأت باید مراعات و لحاظ شود؟ (آیا برهنه شدن، استفاده از ادوات موسیقی مانند نی و فلوت و ... آسیب است؟ امروزه بزرگ‌ترین موانع و تهدیدهای درونی و بیرونی فعالیت هیأت چیست؟

قبلاً اشاره کردم که ما هیأت را یک دانشگاه انسان‌سازی می‌دانیم و اگر این دانشگاه دچار لغزش بشود ممکن است آسیب‌های جدی بزند و مصداقی برای این ضرب‌المثل بشود که: «هرچه بگندد نمکش می‌زنند/ وای از آن روز که گندد نمک».

دشمنان اسلام فهمیده‌اند که دانشگاه امام حسین سلام‌الله‌علیه بسیار تأثیرگذار است و انسان‌هایی که از این دستگاه بیرون می‌آیند و مطابق با آن تربیت می‌شوند هرکدام خاری در چشم آن‌ها هستند؛ از این رو همه تلاش خود را می‌کنند که هیأت‌ها را به انحراف بکشاند و از مسیر اصلی خود دور کنند. استفاده از شیوه‌های مختلف شیطانی و نامشروع مانند برهنه شدن، استفاده از ادوات موسیقی در نوحه‌خوانی، قمه‌زنی و ... آسیب‌های خطرناکی هستند که هیأت را از جایگاه اصلی خود که القاء روح معنویت و انسان‌سازی است دور می‌سازد؛ بنابراین مسئولان محترم هیأت‌ها باید هوشیار باشند و هیأت را در مسیر اصلی و نورانی خود هدایت کنند و گوش و چشمشان به دهان حضرت آقا باشد تا در دام دشمنان نیفتند و گمراه نشوند.

امسال که پیاده‌روی اربعین تعطیل است چه راهکاری برای جذب جوانان و التیام حسرت فراق از زیارت برای آن‌ها اندیشیده‌اید؟

قصد داریم در صورت موافقت مسئولان اداره بهداشت شهرستان، با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برنامه‌ای در فضای سر باز به صورت پیاده‌روی از حرم شاهزاده محمدعلی سلام‌الله‌علیه شهرستان نهاوند به سوی قبور مطهر شهدا به نیابت از پیاده‌روی اربعین حسینی برگزار کنیم و مسیر پیاده‌روی را همانند مسیر نجف تا کربلا بازسازی خواهیم کرد. همه این‌ها منوط به شرایط و اجازه ستاد ملی مبارزه با کرونا در شهرستان است و طبق فرمایشات معظم له ما طبق دستورالعمل‌های ستاد مبارزه با کرونا اقدام خواهیم کرد. ان شاء الله که به برکت امام حسین سلام‌الله‌علیه این بلا از سر جهان و مسلمین برطرف شود.

استفاده از
شیوه‌های
مختلف شیطانی
و نامشروع مانند
برهنه شدن،
استفاده از
ادوات موسیقی
در نوحه‌خوانی،
قمه‌زنی و ...
آسیب‌های
خطرناکی هستند
که هیأت را از
جایگاه اصلی
خود که القاء
روح معنویت
و انسان‌سازی
است دور
می‌سازد.

جهاد و شهادت



- ۵۶..... روضه‌های جبهه‌هایادش بخیر.
- ۶۰..... وحشت تروریست‌های تکفیری از ابووهب
- ۶۳..... مردانی که زیر ضربات کابل و باتوم سینه زدند
- ۶۶..... روایت کسی که حاج قاسم به او لقب شهید زنده داده بود

روضه‌های جبهه‌های یادش. نخبیر...

نقش هیأت و عزاداری امام حسین علیه‌السلام در انقلاب و دفاع مقدس

| محمدحسین دیانی |

شروع‌کننده جنگ بودند قرار گرفت و در این میان لشکری که تا بن دندان مسلح بودند در برابر مردمی ایستادند که مهم‌ترین سلاحشان توسل و الگوگیری از مکتب سید و سالار شهیدان امام حسین سلام‌الله‌علیه بود و به گفته شهید مرتضی آوینی: «مهم‌ترین سلاح رزمندگان سربندهای منقوش به نام شهدای کربلا و از همه مهم‌تر حضرت امام حسین سلام‌الله‌علیه بود که رادمردی را در گام‌های استوار رزمندگان اسلام هجی می‌کرد.»

فرهنگ تأثیرگذار عاشورا و مکتب امام حسین سلام‌الله‌علیه

در تاریخ ۱۴۰۰ ساله، از صدر اسلام تاکنون، هیچ انقلاب و نهضتی مانند انقلاب اسلامی و به‌خصوص صحنه‌های دفاع مقدس هشت‌ساله، دارای شباهت‌های عمیق با نهضت عاشورا یافت نمی‌شود. صدها نشانه و آموزه مقدس، از حرکت اباعبدالله سلام‌الله‌علیه در راستای برافراشتن پرچم

امر جدانشدنی میان رزمندگان شناخته می‌شد.

الگوی از جان گذشتن و نوشیدن شربت شهادت مانند آنچه اباعبدالله سلام‌الله‌علیه در قیام حسینی برای حریت، آزادگی و دفاع از حق و حقانیت در برابر دستگاه ظلم به‌جا گذاشت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های شکل‌گیری نهضت امام خمینی رحمه الله با جریان انقلاب شکوهمند اسلامی ایران گره خورد و تجلی آشکار آن را در تک‌تک لحظات و دقایق حماسه هشت سال دفاع مقدس در قامت حماسه رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل شاهد بودیم. آن حماسه تنها بخشی از جریان سازی مفهوم و قیامی است که بیرق داران سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین سلام‌الله‌علیه می‌باشد. ایران به‌عنوان کشوری مدافع در برابر هجمه و هجوم لشکریان بعث که

برخلاف همه جنگ‌های دنیا که مبتنی بر سلاح‌های فیزیکی و مادی بشر است، در اسلام مبارزه و جهاد علاوه بر قدرت‌های بشری، متکی بر قدرت ایمان و قوت قلب افراد رقم می‌خورد؛ سلاحی که برنده‌تر از شمشیر، نافذتر از گلوله و صاعدتر از موشک و هواپیما عمل می‌کند و می‌تواند بر هر مکر و حيله و قدرتی فائق آید چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ». آل عمران/ ۵۴ یکی از این حرب‌های معنوی که تأثیر عمیقی بر ایمان و اخلاص، ایجاد انگیزه جهاد اصغر و روند پیروزی رزمندگان اسلام در ایام انقلاب و دفاع مقدس داشت توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام و ذکر مصیبت ایشان به‌ویژه روضه‌خوانی و عزاداری بر مصائب سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه و شهدای مظلوم کربلا بود. مراسم دعا، نیایش و نوحه‌خوانی در ماه محرم و دیگر ایام سال به‌عنوان یک



عدالت‌طلبی و حق‌خواهی تا نوشیدن شربت شهادت در روز عاشورا، دفاع مقدس را به نهضت عاشورا پیوند می‌زند و وجوه اشتراک و جلوه‌های کربلایی را در صحنه‌های مختلف از اهداف و راهبردها تا روش‌ها، فرهنگ، پیام‌ها، دشمنان و... می‌توان به نظاره نشست.

امام خامنه‌ای درباره تأثیر فرهنگ عاشورا و عزاداری فرمودند: «شما ببینید این نصف روز حادثه، چقدر در تاریخ ما برکت کرده و تا امروز هم زنده و الهام‌بخش است. این حادثه فقط این نیست که آن را بخوانند و بگویند و مردم خوششان بیاید یا متأثر عاطفی بشوند؛ نخیر، منشأ برکات و حرکت است. این، در انقلاب و جنگ و گذشته تاریخ ما محسوس بوده است. در تاریخ تشیع، بلکه در تاریخ انقلاب‌های ضد ظلم در اسلام - ولو از طرف غیرشیعیان - حادثه کربلا به صورت درخشان و نمایان اثربخش بوده؛ شاید در غیر محیط اسلامی هم اثربخش بوده است. در تاریخ خود ما - یعنی در این هزاروسیصد، چهارصد سال - همان نصف روز حادثه اثر کرده است. پس عجیب و بعید نیست. ما اگر نخواهیم هشت سال جنگ خودمان را با آن هشت، نه ساعت

صدها نشانه

و آموزه مقدس، از حرکت
اباعبدالله سلام‌الله‌علیه در
راستای برافراشتن پرچم
عدالت‌طلبی و حق‌خواهی تا
نوشیدن شربت شهادت در
روز عاشورا، دفاع مقدس را به
نهضت عاشورا پیوند می‌زند
و وجوه اشتراک و جلوه‌های
کربلایی را در صحنه‌های
مختلف از اهداف و راهبردها
تا روش‌ها، فرهنگ، پیام‌ها،
دشمنان و... می‌توان به
نظاره نشست.

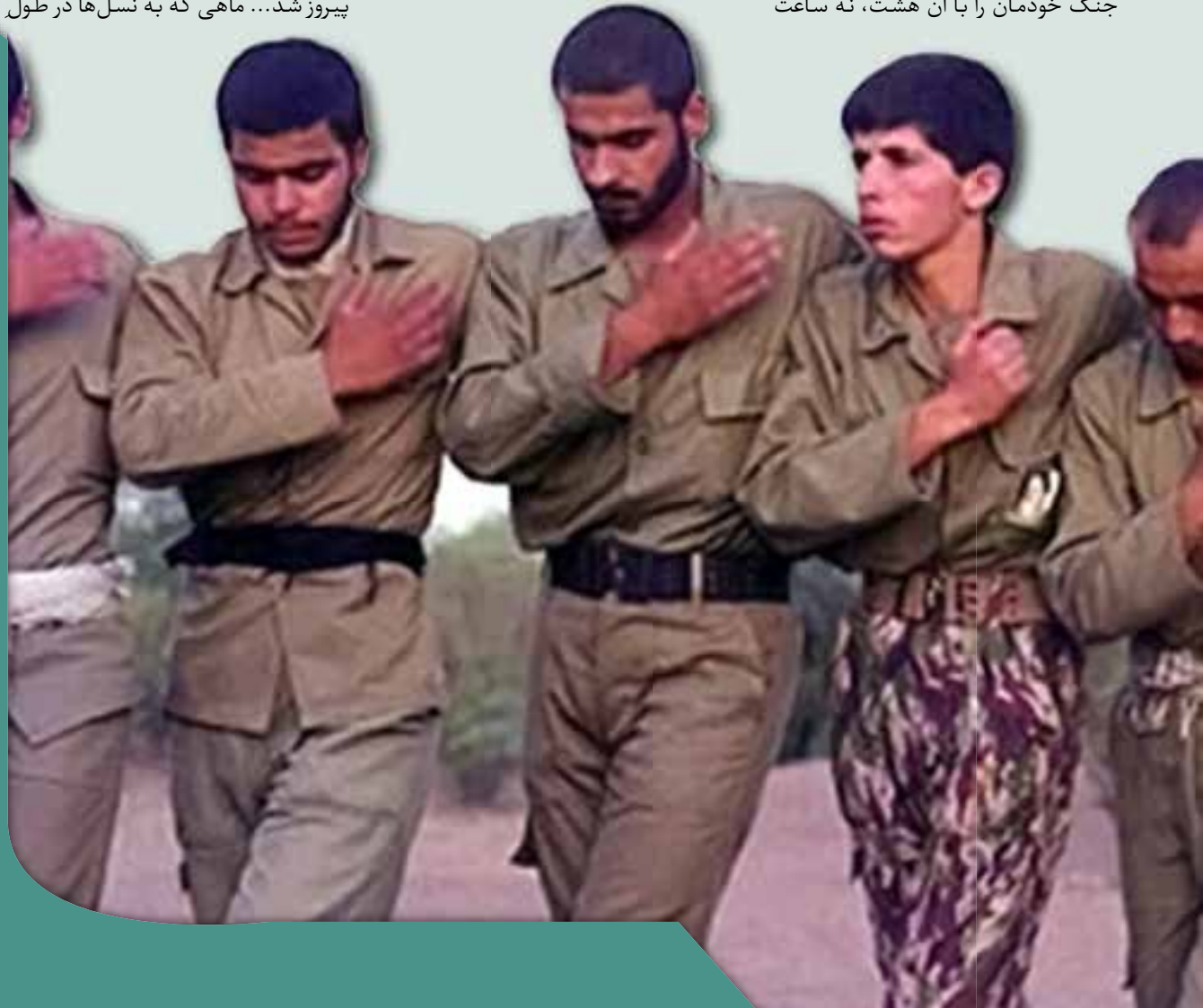
عاشورای امام حسین سلام‌الله‌علیه مقایسه کنیم، یا آن را خیلی درخشان تربدانیم - که واقعاً هم همین است؛ من هیچ حادثه‌ای را در تاریخ نمی‌شناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل مقایسه باشد؛ همه‌چیز

کوچک‌تر از آن است - لیکن بالاخره طرحی از آن، یا نمی‌از آن یم است. چرا ما فکر نکنیم که در داخل جامعه ما، برای سال‌های متمادی می‌تواند منشأ اثر باشد؟^۱

الف) تأثیر محرم و عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران

عبارت «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» جمله‌آشنایی است که از نخستین روزهای جرقه و بارقه انقلاب شکوهمند اسلامی بر زبان بسیاری از بزرگان جاری می‌شد. بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنان خود منظور از این جمله را «لزوم مبارزه همیشگی با ظلم» دانسته است.^۲

در دوران انقلاب نیز شعارهای راهپیمایی و تظاهرات، پیام‌های امام، مقاومت مردم، سخنرانی امام در عاشورای ۴۲ و قیام قم متأثر از عاشورا بود. امام راحل بارها فرموده بودند که: «ما هرچه داریم از امام حسین سلام‌الله‌علیه است». همچنین ایشان در پیامی به مناسبت قیام مردم قم می‌نویسد: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد... ماهی که به نسل‌ها در طول



تاریخ راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق به اثبات رساند. اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی‌مقام سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه است باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند»^۳

پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام راحل در سخنرانی محرم سال ۵۸ لزوم پایبندی به همان شعائر را یادآور شدند و فرمودند: «همان سینه‌زنی، همان نوحه‌خوانی، همان‌ها رمز پیروزی ماست؛ در سرتاسر کشور مجلس روضه باشد، همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند.»^۴

ب) تأثیر محرم و عاشورا بر دفاع مقدس

چراغ عزای امام حسین سلام‌الله‌علیه در همه ایام سال در جبهه‌ها فروزان بود. ذکر اباعبدالله سلام‌الله‌علیه ورد زبان رزمندگان در مرثیه‌ها و اشعاری بود که به‌طور دست جمعی در صبحگاه و برنامه‌های رزمی و آموزشی نجوا می‌کردند. با رمز مبارک «یا حسین سلام‌الله‌علیه» به خط دشمن می‌زدند و با سلام بر امام حسین سلام‌الله‌علیه به وصال شهادت نائل می‌آمدند.

اسوه و الگویی چون سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه نه تنها برای مسلمانان که به استناد اعترافات و اسناد موجود، به عنوان الگوی اصیل پایمردی و ایستادگی در برابر دستگاه ظلم و جور شناخته می‌شود و شخصیتی جهانی برای آزادگان و حق‌طلبان عالم است. یکی از بالاترین عرصه‌های تجلی الگوپذیری از شخصیت و سیره امام حسین سلام‌الله‌علیه جنگ تحمیلی حزب بعث عراق علیه ملت مظلوم ایران بود که در ادامه به برخی از جلوه‌های این تأثیرگذاری اشاره می‌کنیم:

۱. سنگرهایی که حسینیّه شد

رسم معمول جبهه‌ها این بود که هر یگان یا گردانی برای برگزاری مراسمات عزاداری مکان ویژه‌ای را در نظر می‌گرفتند و با مهیا کردن شرایط روضه‌خوانی و سینه‌زنی در آنجا، از دیگر یگان‌های مستقر در دیگر مناطق عملیاتی برای حضور در مراسم خود دعوت به عمل می‌آوردند و یا یکی از رزمندگان خوش صدا به صورت خودجوش به نوحه و روضه‌خوانی می‌پرداخت. مکان پیش‌بینی شده برای برگزاری مراسم‌های عزاداری معمولاً در وسط میدان

ابداع نوحه و مرثیه و

شکل‌گیری سبک‌های

نوحه‌خوانی حماسی در

جبهه، رونق ویژه‌ای داشت و

نواهای عاشورایی، زمزمه‌های

همیشگی رزمندگان در همه

حالات حضور در جبهه بود.

برای مثال شعارهای صبحگاه

که بچه‌ها با آن می‌دویدند

متناسب با حماسه عاشورا و

مضامین ارزشی این مکتب

سروده می‌شد.

صبحگاه و یا گوشه نمازخانه یک پادگان و یا هر جای ساده و بی‌ریایی بود که با نصب چند پرچم مشکی و کتیبه می‌توانست رنگ و بوی محرم و عاشورا بگیرد.

ابداع نوحه و مرثیه و شکل‌گیری سبک‌های نوحه‌خوانی حماسی در جبهه، رونق ویژه‌ای داشت و نواهای عاشورایی، زمزمه‌های همیشگی رزمندگان در همه حالات حضور در جبهه بود. برای مثال شعارهای صبحگاه که بچه‌ها با آن می‌دویدند متناسب با حماسه عاشورا و مضامین ارزشی این مکتب سروده می‌شد. شاید رسم دیرینه میانداری در هیأت‌های امروزی از مراسم‌های

جبهه به یادگار مانده است که بچه‌های هیأتی با بستن یک چفیه به سر یا کمر خود در وسط جمعیت عزادار قرار می‌گرفتند و مسئولیت هدایت مراسم و حفظ نظم و ریتم سینه‌زنی را ایفا می‌کردند و با حضور خود، شور و حال خاصی به فضای مراسم عزاداری می‌بخشیدند. مراسم‌های بی‌آلایش و بی‌ریایی که فارغ از هرگونه منیت و عجب و غرور بود و عزاداران با تمام وجود، خود را در صحرای کربلا و در صحن حرم امام حسین سلام‌الله‌علیه مجسم می‌دیدند و از عمق جان سوخته و اشک می‌ریختند. عزاداری‌هایی که بانیان آن از ویژگی‌هایی برخوردار بودند از جنس معرفت و فارغ از هر نوع خودستایی و

تنگ‌نظری. همان‌هایی که در میانشان تکبر، ریا و خودپسندی هیچ جایگاهی نداشت. آری چنین مجالسی بود که محفل آزمون و گزینش شهدا می‌شد و تذکره زیارت، وصال و شهادت را بی‌قید و شرط در آن امضا می‌کردند.

۲. توسل به اهل بیت علیهم السلام و فرهنگ عاشورا دلیل استواری رزمندگان به جرئت می‌توان گفت همین فضای معنوی در جبهه‌ها بود که بچه‌های جنگ را در مصاف با دشمن بعثی ثابت‌قدم و استوار نگه داشته بود. این که یک ملت، یک و تنها و مظلومانه در مقابل بلوک شرق و غرب با آن همه سلاح‌های پیشرفته و تبلیغات گسترده رسانه‌ای تا آخر بایستد و در برابر آن همه هجوم و تهاجم مقاومت کند، هیچ توجیهی جز الهام گرفتن از حماسه عاشورا ندارد. شکی نیست که نهضت انقلاب امام خمینی رحمه الله و دفاع مقدس ملهم و متأثر از نهضت عاشورای مقدس امام حسین سلام‌الله‌علیه بوده است. محرم و قیام اباعبدالله سلام‌الله‌علیه تأثیری شگفت و بی‌نظیر بر اراده و ایمان رزمندگان اسلام در نبرد با دشمن تا دندان مسلح بود. رزمندگان با تأسی از سالار شهیدان در حالی که نیروهای ارتش بعث عراق به پشتیبانی استکبار از تمام امکانات و تجهیزات کامل و پیشرفته برخوردار بودند، با دست‌خالی در برابر آن‌ها تا سرحد جان مقاومت کرده و در رکاب ولی خود از جان شیرینشان مضایقه نمی‌کردند.



شهدای کربلا و آموزه‌های عاشورایی
مکتب سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه همواره
صبور و بانشاط بوده و هیچ‌گاه زبان به
شکوه و ناشکری نگشود. او رمز این نشاط
را در شعری می‌دانست که بالا سر تختش
نصب کرده بود:

چرا دست یازم چرا پای کوبم
مرا خواجه بی‌دست و پا می‌پسند
از دیگر تأثیرات حماسه عظیم عاشورا، تأثیر
بی‌سابقه اش بر عقیده و هدف خانواده‌ها
بود آن‌گاه که همسری از شوهر خود دل
می‌کند و یا مادری فرزندش را فدایی امام
حسین سلام‌الله‌علیه می‌ساخت و با دستان
خود او را برای اعزام به جبهه مهیا می‌کرد.
چه مادران چشم‌انتظار و چه خواهران
منتظری که زینب وار بر فقدان پیکر مطهر
شهید مفقودشان سال‌ها صوری کردند.

۵. تأثیر حماسه عاشورا بر وصیت‌نامه شهدا
با بررسی وصیت‌نامه شهدا درمی‌یابیم
که در بیشتر آن‌ها به نحوی از نام مقدس
اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه نام امام
حسین سلام‌الله‌علیه و آرزوی زیارت کربلا
سخن رفته است. گاه صفحه وصیت‌نامه‌ها
منقوش به رد قطرات اشکی است که
نگارنده آن حین نوشتن و سخن گفتن از
کربلا و سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه از دیده
جاری ساخته است. شهید جواد کریمی
در وصیت‌نامه عرفانی‌اش این چنین
آورده است: «از تمام بستگان و دوستانم
می‌خواهم که هر وقت بر مزارم می‌آیند به
یاد کربلای امام حسین سلام‌الله‌علیه و یاران
باوفایش باشند و به آن‌ها توسل جسته
و در مرثیه‌شان گریه کنند که گفته‌اند از
نشانه‌های مؤمن است که در مرثیه امام
حسین سلام‌الله‌علیه اشک بریزد. من
نیز خیلی آرزوی زیارت حرم امام حسین
را دارم. امیدوارم که اگر قبل از رسیدن به
آرزویم به شهادت رسیدم به‌زودی زود راه
کربلا باز شود و در موقع زیارت کربلا این
حقیرا فراموش نکنید. به امید زیارت کربلا
و نجف و جهانی‌شدن اسلام».
امام خمینی رحمه الله در وصف
وصیت‌نامه شهدا می‌فرماید: «این
وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار
می‌کند».^۵

پی‌نوشت:

۱. دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت،
۱۳۷۰/۰۴/۲۵.

۲. صحیفه نور، ج ۹، صفحات ۵۷، ۱۴۸ و ۲۰۲؛ ج ۱۰، ص
۳۰.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۲۵.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۲۷.

در شب عملیات خیبر که
تمرکز آتش دشمن بر منطقه
طلاییه بود و کار نبرد پیچیده
شده بود حاج حسین خرازی
فرمانده رشید آن محور
عملیاتی خطاب به نیروهای
تحت فرمان خود می‌گوید:
«امشب شب عاشورا است،
امام دستور داده‌اند در طلاییه
عمل کنیم. ما با تمام توان
لشکر به دشمن خواهیم زد،
هرکس می‌تواند بماند و هرکس
نمی‌تواند آزاد است برو».

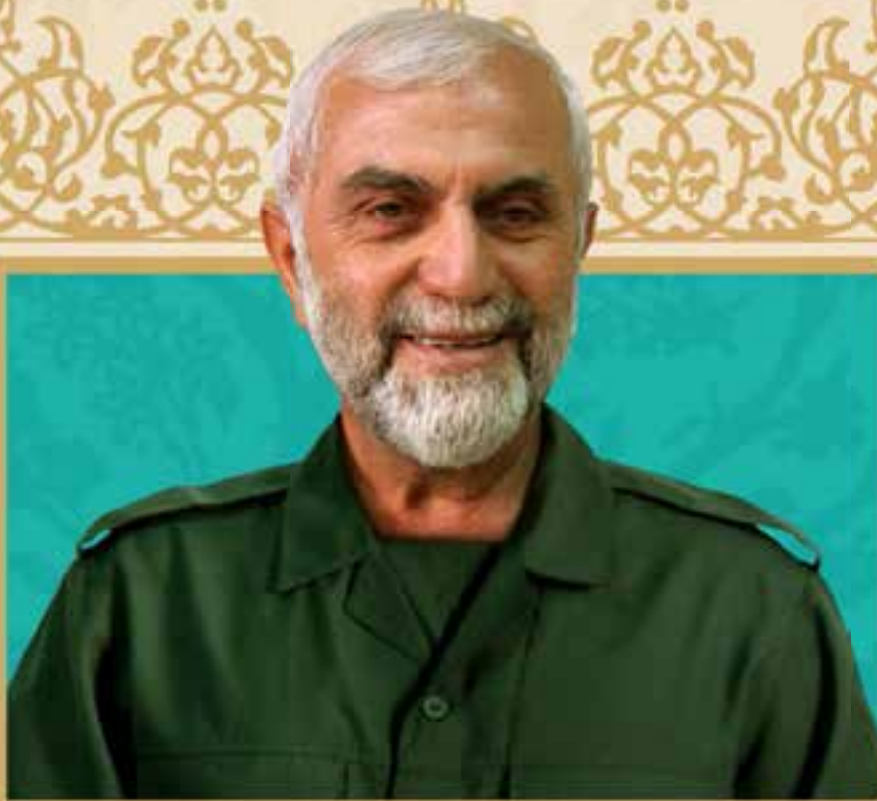
عزیمت به خط مقدم جبهه‌ها و انجام
عملیات، ذکر و نام حسین سلام‌الله‌علیه
آرامش جانشان و روضه و گریه بر مصائب
کربلا تسکین آلام و درد هجران زیارتشان و
در مراحل سخت جنگ و نبرد، شعار «یا
حسین سلام‌الله‌علیه» قوت دل و عامل
صبر و استقامتشان بود. حماسه عاشورا
چنان بر رزمندگان تأثیر داشت که حتی
نام‌گذاری‌ها در جبهه‌های جنگ متأثر از
این حماسه عظیم بود. نامگذاری مقرها،
تیپ‌ها، موقعیت‌ها، نامگذاری لشکرها
و گردان‌ها، عملیات‌ها و رمز عملیات‌ها و
بیمارستان‌های صحرایی و پل‌ها و... همه
و همه را به نام اهل بیت علیهم السلام
مزین می‌کردند. این تسمیه‌ها
برخاسته از ارادت، ایمان و
معرفت عاشورایی بود.

جلوه دیگر این تأسی در
اردوگاه‌های اسرای ایرانی بود
که آزادگان عزیز با تأسی به
آموزه‌ها و حماسه عاشورا درس
صبر و مقاومت می‌آموختند و
یا جانبازان عزیز سال‌ها درد و
رنج مجروحیت را با تأسی به
علمدار کربلا حضرت ابوالفضل
سلام‌الله‌علیه تحمل می‌کردند.
شهید حاج حسین دخانچی
یکی از شهدای زنده‌ای بود که
پس از دفاع مقدس به دلیل
مجروحیت از ناحیه نخاع فقط
قادر به تکان دادن سر و گردن
بود. او ۱۷ سال بر روی تخت
بستری بود تا آنجا که زخم
بستر گرفت ولی با الهام از نام

۳. تأثیر حماسه عاشورا بر روحیه رزمندگان
در طول دفاع مقدس رزمندگان اسلام با
عملیات‌های بزرگ و مهمی مانند خیبر،
والفجر هشت و کربلای پنج مواجه بودند که
بی‌شک ایستادگی و مقاومت در برابر حجم
سنگین آتش دشمن کار ساده‌ای نبود و
نیازمند استقامت و ایستادگی تا سرحد
جان بود. تنها عاملی که می‌توانست این
انگیزه و احساس را در رزمندگان ایجاد کند
از یک سو اعتقاد به ولی‌فقیه و اطاعت از
دستور حضرت امام رحمه الله بود و از سوی
دیگر اقتدا به آموزه‌های مکتب عاشورا بود.
در شب عملیات خیبر که تمرکز آتش دشمن
بر منطقه طلاییه بود و کار نبرد پیچیده
شده بود حاج حسین خرازی فرمانده
رشید آن محور عملیاتی خطاب به نیروهای
تحت فرمان خود می‌گوید: «امشب شب
عاشورا است، امام دستور داده‌اند در
طلاییه عمل کنیم. ما با تمام توان لشکر
به دشمن خواهیم زد، هرکس می‌تواند
بماند و هرکس نمی‌تواند آزاد است برو».
شهید حجت‌الاسلام میثمی روحانی لشکر
هم با مشاهده آتش فوق‌العاده دشمن
جمله تاریخی دیگری در طلاییه به یادگار
گذاشت و گفت: «هرکس در طلاییه ایستاد
اگر در کربلا هم بود می‌ایستاد» سرنجام با
استقامت رزمندگان آن منطقه حفظ شد.

۴. تأثیر حماسه عاشورا بر نامگذاری‌ها
در عشق و ارادت رزمندگان اسلام به
سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه همین بس که در





گذری بر حیات سیاسی و اجتماعی
سردار شهید حاج حسین همدانی به مناسبت سالگرد شهادتش

وحشت تروریست‌های تکفیری از ابو وهب

تمثیل حسین همدانی

محمد حسین دیانی

شاید برایتان پیش آمده باشد که سال‌ها با فردی در یک محله زندگی کرده‌اید و به خاطر همسایگی و یا حتی همکاری بودن، حداقل روزی یک‌بار سلام و تعارفی گذرا با هم داشته‌اید تا اینکه به‌صورت اتفاقی چند جلسه‌ای با او نشست و برخاست می‌کنید و با شخصیتش، افکار و اندیشه‌هایش و احساسات و عواطفش بیشتر آشنا می‌شوید. پس از این اتفاق است که نگاه شما به او تغییر می‌کند، در چشم شما احترام بیشتری پیدا می‌کند و سلام و تعارفتان هم گرم‌تر می‌شود. این قصه، قصه خیلی‌هاست و حاج حسین همدانی یکی از آن خیلی‌هاست. حاج حسین کسی است که تمام عمر، از جوانی تا ریش سفیدی‌اش را خرج حفظ امنیت ما کرد. از همان اوایل انقلاب که همواره در خط مقدم دفاع از حریم امنیت بود تا لحظه شهادتش در خط مقدم دفاع از حرم.

مرد شماره دو سپاه

شاید بسیاری از ابعاد شخصیت حاج حسین تا پیش از شهادتش، حتی در نظر نزدیکان ایشان هم ناشناخته بود. علتش هم سابقه درخشان نظامی او بوده است. آخر حاج حسین را بیشتر از بُعد نظامی اش می‌شناختند. از فرماندهی لشکرهای انصارالحسین سلام‌الله‌علیه، قدس و ۲۷ محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و آله و قرارگاه‌های ثارالله سلام‌الله‌علیه و نجف اشرف گرفته تا جانشینی فرمانده نیروی مقاومت بسیج و مشاور فرمانده کل سپاه، فقط بخشی از سوابق درخشان او در بُعد نظامی است. همچنین از نگاه ژنرال‌های نظامی دنیا، او به‌عنوان یکی از «بزرگ‌ترین فرماندهان جنگ سوریه»، «نابغه جنگ‌های نا هم‌تراز در غرب آسیا» و «مرد شماره دو سپاه» یاد می‌شود.

روزنامه وال استریت ژورنال سردار همدانی را اینگونه معرفی می‌کند: «ژنرال همدانی یکی از فرماندهان نخبه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده و یک متخصص در نحوه رزم عملیات نیروهای منظم با شبه‌نظامیان است».

ولی حاج حسین وقتی وصیت نامه می‌نویسد در پیشگاه خدا خودش را اینگونه معرفی می‌کند:

«بنده حقیر، حسین همدانی، شاگرد تنبل دفاع مقدس اعتراف می‌کنم که وظایف خودم را به‌خوبی انجام ندادم و بعضی مواقع‌ها نفس سرکشم سراغ من می‌آمد و مرا گول می‌زد، وسوسه می‌شدم، نق می‌زدم، در درونم اعتراض ایجاد می‌شد اما خدا مرا کمک می‌کرد، متوجه می‌شدم، پشیمان می‌شدم، توبه می‌کردم و از خدا طلب عفو و بخشش می‌کردم و مرا می‌پذیرفت و این اواخر هم خیلی دلم هوای رفتن کرده بود. خدا کند که در موقع جان دادن راضی باشد خدای مهربان و من به رحمت او امیدوار هستم نه به عملکرد خودم».

مظاهرترین حبیب جبهه

او در سوریه به «ابو وهب» معروف بود بعد از شهادت شد «حبیب حرم». چراکه همانند حبیب بن مظاهر کربلا، پیرترین شهید مدافع حرم بود. پیر جبهه‌های دفاع از حرم هرچند موهایش سپید؛ اما دلش جوان بود. از آن همه طراوت و شادابی دوران دفاع مقدس و عشقی که به شهادت در جوانی داشت، ذره‌ای کاسته نشده بود. این را همه می‌گفتند؛ هم خانواده او، هم بقیه دوستانش و هم حاج قاسم.

خاطره حاج قاسم از آخرین ساعات حیات حاج حسین شنیدنی است: «آخرین لحظه‌ای که من شهید همدانی را دیدم، تقریباً چند ساعت قبل از شهادتش بود. یک حالت جوانی‌ای در او دیدم. من در آن لحظه آخر که شهید همدانی را دیدم، یک لحظه تکان خوردم. بعداً فهمیدم که او از شهادتش مطلع بوده است. اینکه می‌گویم در یک شکل جوانی او را دیدم، چون آن حالت خاص را در او ندیده بودم، آن سکوت خاص را، خیلی بشاش و خندان بود؛ خیلی. آنجا با خنده به من گفت: "بیا باهم یک عکسی بگیریم، شاید این آخرین عکس من و تو باشد." او خیلی اهل این کارها نبود که به چیزی اصرار کند و بخواهد مثلاً عکسی بگیرد؛ چه خودش، چه با کسی. وقتی این حرف را زد من تکان خوردم. خواستم بگویم شما نروید، چون از همان جایی که او می‌خواست برود، من داشتم برمی‌گشتم؛ ولی یک حسی به من گفت: چیزی نیست، خبری نیست، لذا چیزی به او نگفتم. وقتی که این حالت را در شهید همدانی دیدم، این شعر در ذهنم آمد: (چون رهد از دست خود دستی زند/ چون جهد از نفس خود رقصی کند). من این دست رقص را، این حالت پرواز را، این حالت اشتیاق را، این حالت عروج را در او دیدم.»^۱

بنده حقیر، حسین

همدانی، شاگرد

تنبل دفاع مقدس

اعتراف می‌کنم که

وظایف خودم را

به‌خوبی انجام

ندادم و بعضی

مواقع‌ها نفس

سرکشم سراغ من

می‌آمد و در درونم

اعتراض ایجاد

می‌شد اما خدا

کمکم می‌کرد،

متوجه می‌شدم و

از خدا طلب عفو و

بخشش می‌کردم و

مرا می‌پذیرفت.



با وجودی که

فرمانده لشکر بود

اما از مشکلات

مردم خبر داشت.

می‌دانست که

خیلی‌ها گرفتار

تهیه جهیزیه، خرج

دارو و درمان،

خرج دانشگاه

و... هستند.

می‌خواست کاری

کند که گرهی از

مشکلات مردم باز

شود. علاقه خاصی

به قرض‌الحسنه

داشت. خودش

در حد توان پول

قرض می‌داد

بدون تعیین زمان

بازپرداخت.

این مطلب در کلام خود حاج حسین هم هویدا بود. در سال‌های اول ظهور داعش در سوریه، طی مصاحبه‌ای شیدا بودن در وادی شهادت را این‌چنین بیان می‌کرد که «دشمنان نمی‌دانند و نمی‌فهمند که ما برای شهادت مسابقه می‌دهیم و وابستگی نداریم و اعتقاد ما این است که از سوی خدا آمده‌ایم و به‌سوی او می‌رویم.»^۲

هیچ‌گاه بی‌دغدغه مردم نمی‌خوابید

روحیه لطیف حاج حسین و دلسوزی و دغدغه او برای حل مشکلات مردم، اجازه نمی‌داد که مثل خیلی‌ها بی‌تفاوت باشد و دستش را روی کلاه خودش بگذارد تا باد آن را نبرد. با وجودی که فرمانده لشکر بود اما از مشکلات مردم خبر داشت. می‌دانست که خیلی‌ها گرفتار تهیه جهیزیه، خرج دارو و درمان، خرج دانشگاه و... هستند. می‌خواست کاری کند که گرهی از مشکلات مردم باز شود. علاقه خاصی به قرض‌الحسنه داشت. خودش در حد توان پول قرض می‌داد بدون تعیین زمان بازپرداخت. می‌گفت: یکی از احکامی که کمتر به آن عمل می‌کنند همین قرض‌الحسنه است. به فکر افتاده بود که یک قرض‌الحسنه راه بیندازد آن هم در سطح استان همدان تا باقیات‌الصالحاتی بشود برای خودش و همه کسانی که مثل او علاقه‌مند به کار خیر بودند. با خیرینی هم که می‌شناخت صحبت کرده بود. قرض‌الحسنه‌ای راه انداختند به نام «عدل اسلامی» با کارمزد سه درصد. خیلی زود با استقبال مردم روبرو شد و به‌سرعت چندین شعبه در سطح استان راه افتاد. خودش هم پنجشنبه و جمعه هر هفته از تهران به همدان می‌رفت برای نظارت بر حسن اجرای اساسنامه صندوق. خوشحالی عجیبی در چهره‌اش بود. می‌گفت: «لذت عمل به آیه قرآن را تازه‌حال به این اندازه احساس نکرده بودم.» به همسرش گفته بود: «خواب‌دیده‌ام که وقت رد شدن از پل صراط شهدا آمده‌اند و دستم را گرفته‌اند.» می‌گفت: «قرض‌الحسنه هیچ منافاتی با صراط شهدا ندارد و اتفاقاً اگر بخواهیم شهدا دستمان را بگیرند باید از حاجتمندان دستگیری کنیم.»^۳

بدهکاری سردار به انقلاب و نظام

سردار همدانی با همه خدماتی که به نظام و انقلاب کرده بود ولی هیچ‌گاه چشم داشتی از مردم، نظام و رهبری نداشت بلکه خود را بدهکار می‌دانست. این اعتقاد در جملات وصیت نامه‌اش هویداست، آنجا که با همسر بزرگوارش وداع می‌کند و از او بخاطر تحمل مرارت‌های سال‌ها زندگی مشترکشان تشکر می‌کند و حلالیت می‌طلبد سپس می‌نویسد:

«سفارش می‌کنم مثل گذشته بدهکار به انقلاب و نظام باشی نه طلبکار. قانع باش. در مقابل کمبودها یا کم‌مهری‌ها صبر داشته باش و مراقب باش فضا سازان تو را ناسپاس نکنند. عشق به ولایت فقیه و اطاعت کامل از ایشان سعادت‌مندی دنیا و آخرت را در پی دارد».

و نیز در فرازی دیگر انقلاب و نعمت ولایت را اینگونه توصیف می‌کند و شکرانه این نعمت الهی را نثار جان در رکاب ولی فقیه برمی‌شمارد:

«مگر می‌توان از نعمت بزرگی که خدای مهربان به ما داده برآییم؛ نعمت ولایت فقیه، امام بزرگوارمان، آن پیر جمارانی؛ نعمت جانشین خلف آن، علی زمانمان که ادامه‌دهنده همان راه و کاروان انقلاب را چه مدبرانه و زیبا از همه گردنه‌ها و کمین‌ها عبور می‌دهد اما نه، باید بیش از این شاکر باشیم نه زبانی، بلکه عملی مثل شهیدانمان لبیک بگوییم».

اقدامی که در تهران صدا کرد

بصیرت سیاسی، اقدام به موقع و تربیت نیروی انقلابی ازجمله صفات بارز حاج حسین بود که در فتنه ۸۸ نمود بیشتری پیدا کرد. حاج حسین معتقد بود که فتنه ۸۸ از سوریه و دفاع مقدس هشت‌ساله هم مهم‌تر است. او در آن سال‌ها فرمانده سپاه محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و آله بود، از کارهای فوق‌العاده‌ای که انجام داد سازمان‌دهی نیروهای بسیجی برای کنترل فتنه بود. سازمان‌دهی حدود ۴۵ هزار بسیجی که در طول مدت این اتفاقات در صحنه بودند و شلیک نشدن حتی یک فشنگ از سوی آنان کار مشکلی بود، آن هم با وجودی که هیچ‌کس حق حمل اسلحه در تهران را نداشت و حتی ممکن بود مورد حمله هم قرار بگیرد. مهم‌تر از آن هنر سردار در کنترل و هدایت اراذل و اوباش تهران و تربیت آنان به عنوان مجاهد فی سبیل‌الله بود.

حاج حسین ضمن مصاحبه‌ای چند ماه قبل از شهادت خود، به این مسئله اشاره کرده بود:

«با کار اطلاعاتی اقدامی انجام دادیم که در تهران صدا کرد. پنج هزار نفر از کسانی که در آشوب‌ها حضور داشتند ولی در احزاب و جریانات سیاسی حضور نداشتند بلکه از اشرار و اراذل بودند را شناسایی کردیم و در منزلشان کنترلشان می‌کردیم. روزی که فراخوان می‌زدند این‌ها کنترل می‌شدند و اجازه نداشتند از خانه بیرون بیایند. بعد این‌ها را عضو گردان کردم. بعداً این سه گردان نشان دادند که اگر بخواهیم مجاهد تربیت کنیم باید چنین افرادی که با تیغ و قمه سروکار دارند را پای‌کار بیاوریم. یکی از این‌ها فردی بود به نام ستاری. این ستاری وقتی به جمعیت زد جانباز ۷۰ درصد شد و سال گذشته هم به شهادت رسید. وقتی که جلسه شورای تأمین استان تهران در شب عاشورا برگزار شد همه برآوردها این بود که فردا تهران آرام خواهد بود. برآورد من این بود که روز عاشورا اتفاقاتی در پیش خواهد بود. به همین خاطر دو بار دیگر درخواست جلسه فوق‌العاده دادیم و جلسه تشکیل شد و آماده‌باش اعلام کردیم. همه سینماهای تهران را اجاره کردم. تمام مدارس و حسینیه‌ها را در اختیار گرفتیم. بچه‌ها با لباس مشکی در میدان حضور داشتند. نزدیک به ۳۰ هیأت را هم که با من مرتبط بودند آماده کردیم و گفتم: دسته‌ها را



**بصیرت سیاسی،
اقدام به موقع
و تربیت نیروی
انقلابی ازجمله
صفات بارز حاج
حسین بود که
در فتنه ۸۸ نمود
بیشتری پیدا کرد.
حاج حسین معتقد
بود که فتنه ۸۸
از سوریه و دفاع
مقدس هشت‌ساله
هم مهم‌تر است.**

به سمت میدان دانشگاه بیاورید. در روز عاشورا همین سه گردان غائله را جمع کردند.»^۴

پرکشیدن در راه دفاع از حرم

سردار حسین همدانی آخرین مأموریتش، دفاع از حریم مطهر حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و کمک به مردم سوریه برای رهایی از دست گروهک صهیونیستی تکفیری داعش بود. به همین منظور با همکارانش برای بازدید و شناسایی به منطقه‌ای که دست تکفیری‌ها بود

رفته و در راه به کمین برمی‌خوردند، پاره‌ای از آتشی که دشمن در آنجا روشن کرده به ماشین اصابت می‌کند و ماشین را منحرف کرده و به رگبار می‌بندند و راننده از ناحیه کمر و سردار از ناحیه چشم و سر آسیب جدی دیده و به بیمارستان فرستاده می‌شود که ساعت ۸ شب در سن ۶۱ سالگی پس از سال‌ها مجاهدت و نبرد در جبهه اسلام، ندای حق را لبیک گفت و در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۹۴ به فیض شهادت نائل گردید. پیکر پاک سردار همدانی سه روز بعد به ایران منتقل گردید و در تهران تشییع و برای خاک‌سپاری به زادگاهش همدان انتقال یافت و در جوار هم‌زمان شهیدش در گلزار شهدای همدان آرام گرفت.

بسی گفتیم و گفتند از شهیدان

شهیدان را شهیدان می‌شناسند

آری؛ حاج حسین‌ها و امثال آنان را نمی‌شود به راحتی شناخت. تنها کسانی از جنس خودشان می‌توانند آن‌ها را بشناسند و معرفی کنند. حاج حسین را حاج قاسم خوب فهمید و شناخت. حاج حسین را ولی و امام او خوب شناخت که در وصف شهادتش نوشت:

«این رزمنده قدیمی و صمیمی و پرتلاش، جوانی پاک و متعبد خود را در جبهه‌های شرف و کرامت، در دفاع از میهن اسلامی و نظام جمهوری اسلامی گذرانید و مقطع پایانی عمر بابرکت و چهره نورانی خود را در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام و در مقابله با اشقیای تکفیری و ضد اسلام سپری کرد و در همین جبهه پرافتخار به آرزوی خود یعنی جان دادن در راه خدا و در حال جهاد فی سبیل‌الله، نائل آمد و فضل و رحمت الهی بر او گوارا باد. رحمت خدا بر شهید همدانی و بر همه مجاهدان راه حق».

پی‌نوشت:

۱. کتاب ذوالفقار/ برش‌هایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی.

۲. مصاحبه به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه در حاشیه مراسم تشییع سردار «محمدعلی‌الله دادی» با خبرنگار شبکه العالم ۱/ ۱۱/ ۹۳.

<https://fa.alalamtv.net/news>

۳. خداحافظ سالار، ص ۲۸۵.

۴. در گفتگو با هفته‌نامه جوان همدان، ۱۳۹۳.

قبل از اینکه وارد مبحث عزاداری و اربعین در دوران اسارت بشویم لطفاً آماری از آزادگان روحانی و نقش آن‌ها در اردوگاه‌های اسرای ایرانی بیان بفرمایید.

حدود ۱۶۰ روحانی در دوران دفاع مقدس به اسارت دشمن در آمدند و حضور این روحانیون باعث سازمان‌دهی آزادگان شد و عامل مهمی برای حفظ روحیه‌شان بود. وجود شخصی مثل مرحوم ابوترابی و دیگر روحانیون که بازوهای ایشان در اردوگاه‌ها محسوب می‌شدند، بطالت و روزمرگی را از فضای اردوگاه‌ها می‌گرفت و جایش را با نشاط معنوی و آموزش مسائل دینی عوض می‌کرد.

از وضع عزاداری و حال و هوای اردوگاه‌های اسرای ایرانی در ایام محرم و صفر برای مخاطبین ماهنامه بگویید.

در زندان‌های عراق کلاً عزاداری - چه فردی و چه جمعی - ممنوع بود ولی اسرا که عزاداری را نوعی اعلام بیعت با ائمه هدی علیهم السلام می‌دانستند با همه سختی‌هایی که در پی داشت به هیچ‌وجه راضی نمی‌شدند دست از عزاداری بردارند. گاه به‌خاطر یک روضه‌خوانی بچه‌ها مجبور بودند هزینه سنگینی بپردازند ولی همه را تحمل می‌کردند تا عزاداری‌ها مخصوصاً در ایام محرم و عاشورا تعطیل نشود.

چرا بعضی‌های عراقی با عزاداری مخالفت می‌کردند؟ مگر آن‌ها مسلمان نبودند و به امام حسین و اهل بیت پیامبر علیهم السلام ارادت نداشتند؟

حزب بعث در حقیقت یک حزب لائیک بود و تنها تظاهر به عقاید مسلمانی می‌کرد. عزاداری در زندان‌های عراق نوعی مخالفت و مبارزه با نظام حاکم تلقی می‌شد و اگر متوجه کوچک‌ترین حرکتی در موضوع عاشورا و محرم می‌شدند جریمه سنگینی داشت. شخص یا جمع خاطی، مورد مجازات قرار می‌گرفتند و به‌طور دسته‌جمعی توسط بعضی‌ها با کابل و باتوم به‌شدت پذیرایی و مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند.

سپس شخص خطیب و مداح و روضه‌خوان به سلول انفرادی منتقل می‌شدند و تحت شکنجه ویژه قرار می‌گرفتند. گاهی ممکن بود از یک هفته تا یک ماه در سلول تحت شدیدترین شکنجه‌ها همراه با اعمال شاقه، ضرب و شتم، محرومیت از آب و غذا و استراحت و نیز روزی دو مرتبه شکنجه و کتک توسط جمعی از سربازان و افسران و درجه‌داران قرار بگیرند.

بااینکه سروصورت و دست و پای اسرا به جرم برپایی مراسم عزای و احیای شعائر حسینی، در زیر شکنجه لگدمال، شکسته، خونین و دچار جراحت شدید و یا حتی گاهی دچار نقص عضو می‌شدند، ولی اسرا با همه این خطرات باز هم اصرار بر احیای این مراسم و شعائر داشتند و سعی می‌کردند آشکار یا پنهان روضه و سینه‌زنی برای سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه را انجام دهند.

چرا اسیران ایرانی با اینکه می‌دانستند به سختی شکنجه خواهند شد و حتی احتمال کشته شدن اعضای بدنشان را در زیر این شکنجه‌های ظالمانه می‌دادند، باز برای عزاداری اصرار می‌ورزیدند؟

می‌توانم بگویم موضوع عزاداری در اسارت، برای ما یک هدف انقلابی و یک استراتژی به شمار می‌آید؛ به این معنا که رزمندگان عزیز از یک سو این مجازات و جریمه‌ها را

آنچه در ادامه می‌خوانید، گفتگوی روحانی آزاده و مدافع حرم حجت‌الاسلام عیسی نریموسی، یکی از اسرای شناخته‌شده هشت سال جنگ تحمیلی است که نزدیک به نه سال در بند زندان‌های صدام اسیر بود.

مردانی که زیر ضربات کابل و باتوم سینه زدند

حجت‌الاسلام عیسی نریموسی در سال ۱۳۴۱ در شهر امیدیه اهواز دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۵۸ وارد جهاد سازندگی و سپاه شده و همچنین در اواخر همین سال وارد حوزه می‌شود و در مدرسه رسالت شروع به تحصیل می‌کند. با آغاز جنگ تحمیلی وارد عرصه دفاع مقدس می‌شود و در عملیات‌های طریق‌القدس (آزادسازی بستان)، فتح‌المبین و رمضان شرکت می‌کند. او از روحانیونی است که در سال ۱۳۶۱ در سن ۲۰ سالگی در زاویه کوشک، مقابل سنگرهای مثلثی عراقی‌ها به اسارت درآمد و در شهریورماه ۱۳۶۹ پس از هشت سال تحمل انواع و اقسام شکنجه‌ها و آزار و اذیت‌های بعضی‌های ستمگر، از بند اسارت آزاد گردید. شیخ عیسی یکی از کسانی بود که برای بالا بردن روحیه اسرای ایرانی، هشت سال را در اردوگاه‌های بعضی تلاش کرد. او به واسطه کسوت روحانیت ارتباط نزدیکی با مرحوم ابوترابی داشت و نکات و مطالب زیادی را از ایشان آموخت.





برای خود امتیاز و عنایت الهی و دارای اجر و ثواب می دانستند و از سوی دیگر آن را مصداق «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمَّ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» می دانستند؛ یعنی برپایی مجالس روضه و شرکت در آن را نوعی بیعت با ائمه هدی علیهم السلام و ادامه جهاد علیه طاغوت می دانستند و چون خبر داشتند که حزب بعث نسبت به برپایی مراسم های دینی به ویژه عزاداری حساسیت دارد و آن را مخالفت با حکومت و حزب حاکم خود می داند، سعی می کردند با روضه و عزاداری مخالفت و دشمنی خود را با دشمنان اهل بیت علیهم السلام هر چه بیشتر اعلام نمایند.

لطفاً گوشه ای از این شکنجه ها و حمله بعثی ها به مجالس عزاداری تاسوعا و عاشورا را بر ایمان ترسیم نماییم.

در تاسوعای حسینی سال ۱۳۶۶ بعثی ها برای سرکوب مراسم عزاداری اسرای ایرانی با خیل عظیمی از نیروهای خود به طور وحشیانه ای به اردوگاه حمله کردند و با هرچه که در اختیار داشتند ما را مورد ضرب و شتم شدید قرار داده و همه را شکنجه کردند. به قول خودشان «مقصّرین اصلی» را جداگانه مورد شکنجه قرار دادند و آن قدر با چوب، میله، میل گرد، کابل برق و مشت و لگد بر بدن ها نواختند که رد خون و زخم های عمیق شکاف های روی بدن تا ماه ها نمایان بود؛ به شکلی که دیدن این صحنه ها نه تنها برای ایرانی ها بلکه برای خود عراقی ها نیز غیرقابل تحمل و رقت انگیز بود.

بعد از یک شکنجه سخت و جانانه، عراقی ها درب سلول را قفل کرده و رفتند. از لابه لای آه و ناله بچه ها، یکی صدا زد: «رفقا قدر این لحظات را بدانید؛ چرا که شما به خاطر عشق به امام حسین سلام الله علیه شکنجه شدید و این امتیاز و عنایت کمی نیست، بلکه از الطاف خفیه الهی است.» با شنیده شدن این جمله، درحالی که از بدن های شکافته و مجروح اسرا خون جاری بود و جای ضربه باتوم ها و کابل ها به شدت درد می کرد، مجدداً یکی دو نفر از بچه ها شروع به روضه خوانی کرده و بقیه به سینه می زدند. در همین حال یکی از بچه ها به مزاح گفت: «ای بابا شما دیگر کی هستید؟ واقعاً که دیوانه اید! بعد از این همه بلا و مصیبت که دیدید، باز هم آدم نشدید و هنوز دست بردار نیستید؟» بچه ها در جوابش گفتند: «آره ما دیوانه ایم، ولی دیوانه حسینیم.» عشق به حسین سلام الله علیه و کربلا در اسارت عالمی

**از دیگر
حربه های بعثی ها
قطع آب بود.
وقتی که ایام
محرم فرامی رسید
آب قطع و
نوشیدن آب
ممنوع می شد.
دوباره بازی آب
و عطش تکرار
می شد و گویی
سپاه ابن زیاد
دوباره آمده اند
تا شریعه را به
روی یاران حسین
سلام الله علیه
بینند.**

داشت و عزاداری در آن شرایط صفا و مزه دیگری. بعثی ها آن روز به جرم روضه خوانی و عزاداری امام حسین سلام الله علیه تعدادی از اسرا را از اردوگاه کمپ هفت، معروف به اردوگاه «بَیِّنَ الْقَفَسِین» جدا کرده و به یک سلول جداگانه منتقل کردند. آن ها ما را که حدود ۳۰ نفر بودیم به مدت یک ماه به طرز خیلی فجیعی شکنجه کردند. رد کابل و باتوم روی تمام بدن ها مانده بود و بر اثر آن ضربات شدید بدن ما کلاً کبود و شکافته شده بود.

گاهی از جمع ما ۳۰ نفر یک نفر را جدا می کردند و برای آزار روحی بقیه، بدن او را برهنه می کردند و با کابل، نبشی، میل گرد و یا هر چیزی که در اختیارشان بود تا حد مرگ کتک می زدند. یادم نیست که از آن سلول مخوف بعد از این مدت چند نفر از ما زنده بیرون آمدند.

**حاج آقا وقتی با این صحنه های وحشتناک و رفتارهای
وحشیانه بعثی ها مواجه می شدید چه حسی پیدا
می کردید؟**

با تماشای این صحنه ها، گویی که شمرهای زمانه و حرمه ها دوباره برگشته باشند و با کعب نی و تازیانه اسرای مظلوم کربلا را لگدمال چکمه هایشان کرده و به مسلخ ببرند و شکنجه نمایند. البته برای ما که تاریخ کربلا و عاشورا را خوانده بودیم این اتفاقات تازگی نداشت و ما این وقایع را امتداد جریان سرخ عاشورا می دیدیم و با همین عقیده بود که بچه ها تحمل می کردند.

**بعثی ها به جز شکنجه جسمی و کتک از چه حربه های
دیگری برای آزار و اذیت اسرای ایرانی استفاده می کردند؟**

از دیگر حربه های بعثی ها قطع آب بود. وقتی که ایام محرم فرامی رسید آب قطع و نوشیدن آب ممنوع می شد. دوباره بازی آب و عطش تکرار می شد و گویی سپاه ابن زیاد دوباره آمده اند تا شریعه را به روی یاران حسین سلام الله علیه بینند. رفتار و برخورد بعثی ها با ما همان رفتار شمر و عمر سعد با اسرای کربلا و نگاه ما هم به آن ها همان نگاه اسرا و تشنگان دشت بلا بود. یادم می آید یک سالی در اواسط سال های اسارت در اردوگاه سه و چهار موصل، عراقی ها در تاسوعا و عاشورا برای ساکت کردن شور و شعور حسینی، نوار مقتل خوانی شیخ عبدالزهررا



یک راست

رفت سراغ

مرحوم ابوترابی

و گفت: «رهبر

این شورشی‌ها

تو هستی» و

سیلی محکمی

به صورت او زد.

مرحوم ابوترابی

بدون اینکه

عکس العملی

نشان دهد به

افسر عراقی

گفت: «این

حرکت ما

به منظور مخالفت

با حکومت بعث

نیست؛ بلکه یک

عقیده و سنت

قدیمی و دیرینه

برای همدردی

با امام شهیدان

است»



دعوی بین دو طایفه عرب نیست، بلکه دعوی جریان حق و باطل در طول تاریخ بوده و این جریان به زودی سراسر دنیا را خواهد گرفت و بر سراسر جهان حاکم خواهد شد، ولی الان دیگر ادامه ندهید.» بعد از این توضیحات، ابوترابی را با خودش بردند. با رفتن ابوترابی من به دستور افسر عراقی توجهی نکردم و به همراه بقیه اسرا همچنان به پیاده روی با پای برهنه ادامه دادیم. برخی از اسرا به من که اکنون روحانی آن جمع بودم می‌گفتند: «واقعاً شما دیوانه‌اید! می‌دانید اگر دوباره بعثی‌ها برگردند و ببینند که شما دارید عزاداری می‌کنید چقدر عصبانی می‌شوند؟ ممکن است از شدت خشم یا خودش را بکشند یا شما را. می‌دانید اگر این خبر به صدام برسد، صدام دیوانه می‌شود و دستور می‌دهد تمام اردوگاه را با خاک یکسان کنند.»

از دیدگاه حضرت عالی، چه رابطه‌ای بین

آن حرکت‌های کوچک گوشه اردوگاه و حرکت

جهانی اربعین برقرار است؟

آن روزگار که ما حرکت در مسیر عاشورا با پای پیاده را از گوشه سلول‌ها و اردوگاه‌های مخوف حزب بعث آغاز کردیم نگاهمان به افق ظهور بود. واقعاً برای عراقی‌ها قابل هضم نبود که چرا این ایرانی‌ها به هیچ قیمتی از قضیه کربلا، عاشورا و عزاداری دست نمی‌کشند. ما از این آرمان دست بردار نبودیم چرا که امیدوار و معتقد بودیم که این حرکت‌ها آن قدر باید ادامه یابد تا به ظهور فرزند امام حسین سلام‌الله‌علیه و منتقم خون آل محمد صلی‌الله‌علیه و آل‌ه برسد؛ و ان شاء الله روزی خواهد رسید که این رزمندگان مظلوم و این آزادگان مقاوم همراه با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه دوباره قیام کنند و از همه ظلمه نامرد طول تاریخ از کربلا تا دفاع مقدس و بعد از آن، انتقام بگیرند.

آن روزگار که سید آزادگان این آرمان را سرلوحه حرکت خود و دیگر اسرا قرار داده بود، این قضیه هنوز در سطح جهان و حتی ایران و عراق، عمومیت نداشت، ولی امروز جریان عزاداری امام حسین سلام‌الله‌علیه و حرکت اربعین به یک راهپیمایی عظیم جهانی و یک نهاد و عقیده جمعی در عالم تبدیل شده است. امروز از شرق تا غرب عالم و از شمال تا جنوب جهان، حتی در کشورهای آمریکایی و اروپایی شاهد برگزاری مراسم عزاداری و حسینیه‌ها هستیم که این خود نشان از یک جریان جهانی به سمت ظهور دارد.

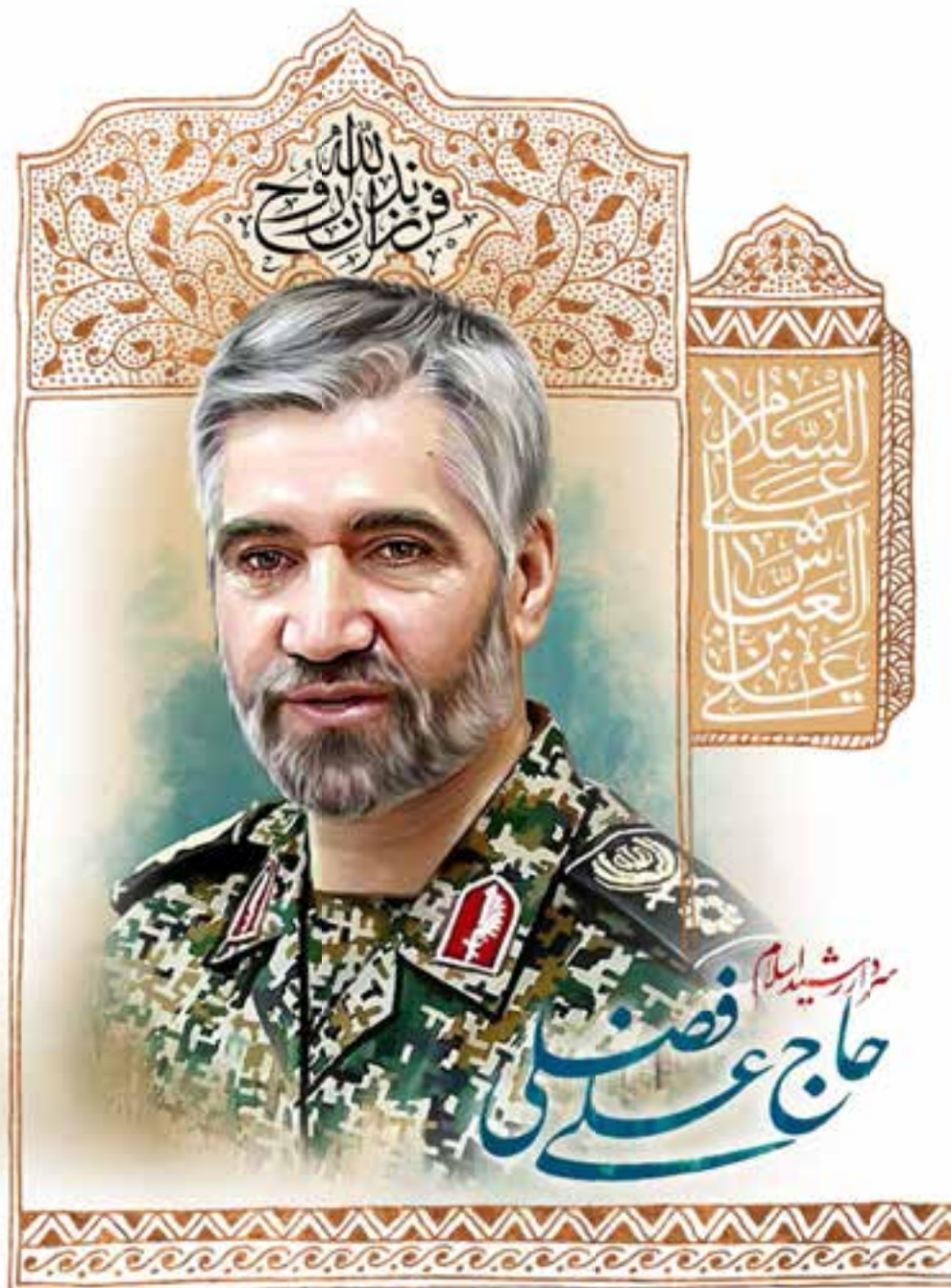
کعبی را از بلندگوهای اردوگاه پخش کردند تا اسرا به آن بسنده کنند و شعائر و برنامه‌های خودشان را تعطیل کرده و تجمعی نداشته باشند. لکن این حربه هم مؤثر نیفتاد و شور حسینی مضاعف‌تر شد.

آیا از مرحوم ابوترابی در اسارت، خاطره‌ای به یاد دارید؟

عاشورای سال ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ بود. بعثی‌ها تعداد گشتی‌ها و نیروهایشان را چند برابر کرده و مرتب کشیک می‌دادند و مراقب بودند تا از برگزاری عزاداری احتمالی توسط اسرای ایرانی پیشگیری نمایند. من و جمعی از اسرا به اتفاق سید آزادگان مرحوم ابوترابی وسط حیاط اردوگاه در حال قدم زدن بودیم. در همین حال مرحوم ابوترابی پیشنهاد دادند حالا که بعثی‌ها نمی‌گذارند مراسم عزاداری برپا کنیم بیایید به رسم دیرینه مردم و علمای عراق و ایران به یاد شهدا و اسرای کربلا با پای برهنه قدم بزنیم. خود سید پیش قدم شد و کفش‌هایش را از پا درآورد و دیگران هم به دنبال او مشغول قدم زدن با پای برهنه در وسط محوطه اردوگاه شدند. دقایقی از این ماجرا نگذشته بود که یک افسر عراقی به نام «مشعل» سر رسید. او که یک درجه‌دار بعثی بود با دیدن این حرکت به شدت عصبانی شد و شروع به فحاشی و جسارت کرد. می‌گفت: «دو طایفه عرب در کربلا با یکدیگر نزاع کرده و عده‌ای به حق یا باطل کشته شده‌اند، به شما ایرانی‌ها چه ربطی دارد که عزاداری می‌کنید؟!» سپس فریاد زد و راه رفتن با پای برهنه در اردوگاه را ممنوع اعلام کرد و یک راست رفت سراغ مرحوم ابوترابی و گفت: «رهبر این شورشی‌ها تو هستی» و سیلی محکمی به صورت او زد. مرحوم ابوترابی بدون اینکه عکس‌العملی نشان دهد به افسر عراقی گفت: «این حرکت ما به منظور مخالفت با حکومت بعث نیست؛ بلکه یک عقیده و سنت قدیمی و دیرینه برای همدردی با امام شهیدان است» اما افسر عراقی گوشش بدهکار نبود و سر همه داد زد که این کار مخالفت با حکومت و شخص سید رئیس صدام است و هر کس ادامه دهد به سختی مجازات می‌شود. سپس ابوترابی را مجبور کرد این حکم را به دیگران اعلام کند.

سید آزادگان با لحنی معنادار گفتند: «رفقا! این قضیه،





گفتگوی اختصاصی با سردار علی فضلی فرمانده سابق دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام

روایت کسی که حاج قاسم به او لقب **شهید زنده** داده بود

سردار علی فضلی فرمانده دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین سلام الله علیه در سال ۱۳۴۰ در توپسکان همدان به دنیا آمد. او از فرماندهان دوران دفاع مقدس است که در اکثر عملیات های دوران هشت ساله جنگ تحمیلی حضور داشت. سردار فضلی دلاوری ها و خدمات شایان توجهی از خود به جای گذاشت و حدود ۴۰ مرتبه بدنش مجروح شد و ده ها بار تحت عمل جراحی قرار گرفت. به خاطر فراوانی تکه های ترکش در بدنش، بین بچه های سپاه به «علی آهنی» معروف است. سردار فضلی در سن ۲۰ سالگی فرمانده لشکر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله شد و تاکنون فرماندهی در تیپ ۳۳ المهدی عجل الله تعالی فرجه، تیپ ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، لشکر ۱۰ سپاه سیدالشهدا سلام الله علیه را بر عهده داشته است. او نشان فتح درجه ۳ کسب کرده و درجه وی سرتیپ پاسدار است.



مصادیق عینی دفاع مقدس می‌توان روضه و مقتل را برای مستمع ملموس‌تر و قابل‌درک کرد. با جرئت می‌گوییم که برخی از صحنه‌ها و مقاطع دفاع مقدس مقتل عینی و عملی کربلا بود و بیان آن‌ها با روضه‌خوانی برای شهدای کربلا فرقی نمی‌کند.

سردار اگر برگردید به دوران جوانی یا دوران دفاع مقدس آیا باز هم همین مسیر و سبک زندگی را ادامه می‌دهید؟ مشتاق هستم چه امور انجام‌نشده‌ای را جبران کنید؟

امروز هم اگر ما و برویچه‌های جبهه مجدداً برگردیم به دوران دفاع مقدس، یقین و باور دارم که کاری بهتر از چیزی که آن روز انجام شد، انجام نخواهیم داد؛ چون در دوران دفاع مقدس با هدایت و فرماندهی امام عزیز و اعتمادی که به جوانان کردند، رزمندگان اسلام با تمام وجود در برابر دشمنی که تمام کفار جهان از او حمایت می‌کردند، ایستادگی کردند و از هیچ یاری و مبارزه‌ای دریغ نکردند؛ بنابراین چون همه توان خود را به کار گرفتند و با محاسبات دقیق جنگیدند، هیچ نقصانی در آن روزها نبوده که بخواهیم جبران کنیم.

آن روزگار برای ما خیلی ارزشمند بود چراکه توفیق یافتیم تا به امر ولی در جبهه جهاد و مبارزه حضور پیدا کنیم و طبیعتاً امروز هم اگر کشور با بحرانی مواجه شود و نیازی به فداکاری یاران انقلاب باشد، حاضریم به امر امام امروز گردن نهیم و با تمام وجود در رکاب ولایت فقیه جان فشانی کنیم. به عقیده من امروز در عبور از بحران‌ها و وقایع، بهترین الگو آموزه‌های هشت سال دفاع مقدس است به شرطی که عامل باشیم تا بتوانیم مسیر رشد و تعالی را طی کنیم.

شنیده‌ایم که امام خامنه‌ای حفظه الله شما را با تعبیر صمیمانه و با اسم کوچک خطاب می‌کنند؛ لطفاً خودتان در این مورد و کم و کیف فرمایش حضرت آقا توضیح بفرمایید. فکر می‌کنید کدام خصلت شما موجب چنین نگاهی در ایشان شده است؟

من مفتخرم به اینکه نوکر ولی امر هستم. خدمت و نوکری برای نائب آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه حقیقتاً برای ما افتخار است.

سردار ضمن عرض سلام و تقدیم ارادت؛ اگر شروع مصاحبه را به عهده خودتان بگذاریم اولین حرفتان چیست؟

سلام و درود خدا به روح مطهر امام و سلام و درود خدا به محضر ولی امر مسلمین، فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت الله امام خامنه‌ای حفظه الله و سلام و درود خدا به ارواح طیبه شهدا و شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم و سردار بزرگ اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی رحمه الله.

جناب عالی در سن ۲۰ سالگی لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و پس از آن بیش از ده سال فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا بوده‌اید؛ در آن دوران چطور جوانان این‌قدر رشد کردند و اوج گرفتند؟

بله من مدتی را جانشین تیپ ۳۱ عاشورا بودم و قریب به ۱۲ سال در لشکر ۱۰ سیدالشهدا سلام الله علیه مشغول به خدمت بودم که بخشی از این مدت در دوران دفاع مقدس بود و بخشی از آن بعد از دفاع مقدس استمرار داشت. قریب به ۲ سال هم در بسیج استان تهران توفیق خدمت داشتم. نکته مهم اینجاست که ما اکنون در ۴۰ سالگی دفاع مقدس هستیم و امروز بعد از گذشت ۴۰ سال از آغاز جنگ، همواره شاهد توجه عمیق و روزافزون مردم و جوانان عزیز به جنگ و آرمان‌های امام و انقلاب اسلامی هستیم. درباره سؤالی که پرسیدید باید چند نکته را عرض کنم.

نکته اول درباره توجه و اعتماد امامین انقلاب اسلامی به جوانان است. شرایطی که بر جنگ و جبهه‌ها حاکم بود ایجاب می‌کرد که جوانان اداره امور جنگ را بر عهده بگیرند و این نیاز به اعتماد داشت که ما شاهد اعتماد حضرت امام رحمه الله به جوانان در سپاه، بسیج و حتی در ارتش جمهوری اسلامی بودیم تا آنجا که عمده فرماندهان این سازمان‌های نظامی از جوانان بودند که به‌خوبی اداره و مسئولیت جنگ و جهاد را پذیرفته و اجرا می‌کردند. خب وقتی جوانان به فرمان امام رحمه الله در میدان عمل به‌خوبی پاسخ دادند و با توکل به خدا از امر ولی، اطاعت مطلق کردند خداوند هم در عوض عنایتش را به آن‌ها ارزانی داشت.

آیا امروز هم مسئله اعتماد به جوانان و واگذاری مسئولیت‌های کلیدی کشور به آن‌ها، قابلیت تکرارپذیری دارد؟

بله قطعاً همین‌طور است یعنی امروز هم امام ما به جوانان متعهد و متخصص اعتماد کامل دارند و معتقدند که اداره کشور به دست جوانان و با محوریت روحیه جهادی امکان‌پذیر و قابل‌قبول است.

معتقدم آرمان و موضوع کار ما راویان دفاع مقدس و مداحان و روضه‌خوان‌های هیأتی یکی است و مکمل همدیگر هستیم و اگر این اتفاق بیفتد از پیوند روضه با



من مفتخرم به اینکه نوکر ولی امر هستم. خدمت و نوکری برای نائب آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه حقیقتاً برای ما افتخار است. مولای ما حضرت آقا همیشه با فرزندان‌شان کریمانه رفتار می‌کنند و در خیلی مواقع ما سربازانشان را با اسم کوچک صدا می‌زنند.



مولای ما حضرت آقا همیشه با فرزندانشان کریمانه رفتار می‌کنند و در خیلی مواقع ما سربازانشان را با اسم کوچک صدا می‌زنند؛ البته اجازه بدهید بیشتر توضیح ندهم و تا همین جا بسنده کنم و شما به روایت‌های مستندی که در این باره هست تمسک کنید (در این بخش سردار با تواضع خاصی از ادامه این بحث امتناع کرده و از توضیح بیشتر اعلام اعتذار نمودند).

سردار مخاطبین این مصاحبه عموماً اهالی هیأت هستند؛ به نظر تان رابطه سردار فضلی به عنوان یک شخصیت ارشد نظامی با هیأت و روضه چگونه است؟ خودتان چه تعبیری از شخصیت سردار فضلی نسبت به دستگاه امام حسین سلام‌الله‌علیه دارید؟
روضه‌خوانی برای حضرت سیدالشهدا و ائمه هدی علیهم السلام توفیقی است که بحمدالله خداوند به شما برادران و خواهران هیأتی عنایت کرده است. البته به عقیده من چون دفاع مقدس ما در امتداد خط سرخ عاشورا و در مسیر قیام سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه است بنابراین روایت حماسه دفاع مقدس و بیان مظلومیت و سیره شهدای جنگ تحمیلی هم نوعی روضه‌خوانی از جنس کربلا و عاشورا است که خداوند به ما رزمنده‌ها و نظامی‌ها ارزانی داشته است و همیشه به این توفیق افتخار کرده‌ام؛ حتی گاهی، وقتی مستمع روایتگری دیگر راویان هستم و یا در محضر خاطره‌گویی بازماندگان و شهدای زنده دفاع مقدس قرار می‌گیرم، ناخودآگاه گریه‌ام گرفته و بی‌اختیار اشک می‌ریزم.

با توجه به اینکه این مصاحبه ویژه اربعین انجام می‌شود از حال و هوای محرم و اربعین در زمان جنگ و جبهه‌ها برایمان بگویید؟

در دوران دفاع مقدس همه فضای جبهه و جنگ همواره و دما دم عاشورایی بود و حال و هوای محرم و صفر در بین رزمندگان حاکم بود. حقیقتاً عزاداری و گریه‌ها در آن حال و هوا کاملاً دلی بود. عزیزان مداح در دوران دفاع مقدس توفیق فراوانی داشتند که در جمع‌های بی‌ریای

**روایت حماسه
دفاع مقدس و
بیان مظلومیت
و سیره شهدای
جنگ تحمیلی
هم نوعی
روضه‌خوانی از
جنس کربلا و
عاشورا است
که خداوند به
ما رزمنده‌ها و
نظامی‌ها ارزانی
داشته است و
همیشه به این
توفیق افتخار
کرده‌ام؛**

**عزیزان مداح
در دوران دفاع
مقدس توفیق
فراوانی داشتند
که در جمع‌های
بی‌ریای کوچک
و بزرگ، بانی
جاری شدن حزن
و اندوه و شکوه
اهل بیت علیهم
السلام به‌ویژه
آقا سیدالشهدا
سلام‌الله‌علیه
و اصحاب و
یاران ایشان
می‌شدند و
دل‌ها را کربلایی
می‌کردند.**

کوچک و بزرگ، بانی جاری شدن حزن و اندوه و شکوه اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه آقا سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه و اصحاب و یاران ایشان می‌شدند و دل‌ها را کربلایی می‌کردند، اما در موضوع اربعین باید اعتراف کنم که در آن روزگار مراسم اربعین در حد زیارت‌نامه‌خوانی و برگزاری مراسم عزاداری، روضه و سینه‌زنی برگزار می‌شد، ولی به لطف خدا و عنایت سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه امروز اربعین تبدیل به یک همایش جهانی شده است.

در حقیقت امروز مسیر نورانی نجف تا کربلا به مبنای تعیین ارادت عشاق الحسین سلام‌الله‌علیه تبدیل شده است. گروه زیادی از مردان و زنان و جوانان و پیران همه و همه از سر محبت و ارادت با سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه عشق بازی می‌کنند. در این میان خوشا به احوال عزیزان عراقی که توفیق میزبانی این مراسم نورانی را دارند. ما نیز باید در درگاه الهی شکرگزار این نعمت عظیم باشیم و هرچند امسال به خاطر شیوع بیماری کرونا قادر به شرکت در مراسم نیستیم و طبق نظر امام خامنه‌ای حفظه الله موظفیم دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کنیم ولی باید بگوئیم تا هرسال بر شکوه و عظمت آن بیفزاییم.

با این اوصاف رابطه بین راهپیمایی عظیم اربعین و تمدن سازی انقلاب اسلامی که منتهی به ظهور می‌شود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما معتقدیم اربعین زمینه‌ساز ظهور است و همین مراسمات و عزاداری‌ها و پیاده‌روی‌هاست که این جریان را تا مقصد نهایی هدایت می‌کند؛ یعنی تشکیل تمدن اسلامی که دقیقاً برگرفته از تمدن جهانی انقلاب اسلامی است. نکته مهم در این میان تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است که توسط مولایمان در ۴۰ سالگی انقلاب تعیین و تشریح و تبیین شد. در این بیانیه جهت و مسیر روشن شده است تا مردم و جوانان عزیز ما راه را گم نکنند. ما نیز باید گوش به فرمان این حکیم مدبر انقلاب، مسیر را دنبال کنیم که لازمه آن همگامی و تبعیت از تدابیر ایشان است تا ان شاءالله بتوانیم هرچه سریع‌تر زمینه ظهور را فراهم کنیم. در این راه عاجزانه از درگاه الهی می‌خواهیم که شایستگی و لیاقت این توفیق را به ما عنایت کند.

حرکت جهانی اربعین چه آثار و برکات دیگری دارد؟

هر جریان به میزان عظمت و بزرگی اش دارای آثار و برکات بیشتری است. جریان اربعین نیز علاوه بر برکات معنوی، دارای آثار مختلف فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است از جمله ایجاد وحدت بین شیعه و اهل سنت و حتی غیرمسلمانان جهان.



شعر و مداحی



- یک اربعین شعر..... ۷۰
جوانی که با نوحه امام جواد سلام الله علیه شاعر شد..... ۷۲
یادی از یک پیشکسوت..... ۷۵
اشک و گریه باید جریان ساز باشد..... ۷۸

یک اربعین شعر

برگزیده اشعار اربعین و مناسبت های ماه صفر

بخش شعر ماهنامه هیأت بخش ویژه ای است که در آن براساس معیارهای انتخاب شعر فاخر، اشعاری به تشخیص استاد سید محمد مهدی حسینی چهره نام آشنای شعر آیینی کشورمان گزینش و تقدیم حضور مداحان و مخاطبان ارجمند ماهنامه می شود. مطلع این بخش را با گزیده ای از بیانات امام خامنه ای در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب می آراییم:

پدیده ی شعر یکی از معجزات آفرینش است، یکی از معجزات عالم خلقت همین پدیده ی شعر است؛ مثل خود بیان، بیان هم یکی از برترین معجزات پروردگار در عالم آفرینش است. اینکه شما قادر هستید که ذهنتان را، صور ذهنی خودتان را به کسی منتقل کنید با قالب کلمات، در قالب الفاظ، این خیلی حادثه ی مهمی است، خیلی پدیده ی بزرگی است. خب ما چون عادت کرده ایم، به عظمتش توجه نمی کنیم؛ این خیلی از ساخت خورشید و ماه و ستارگان و این چیزهایی که خدای متعال به آنها قسم می خورد بالاتر است؛ لذاست می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» اولین چیزی که خدای متعال بعد از اصل خلقت، در مورد خلقت انسان بیان می کند، تعلیم بیان است؛ بیان معجزه ی آفرینش است. در اقسام بیان، شعر این خصوصیت را دارد که از جمال زیبایی برخوردار است؛ هر بیانی زیبا نیست. ۱۳۹۸/۰۲/۳۰



مرتضی حیدری آل کثیر

دلم چو تیغ برهنه است روبه روی نیامش
که بوی سوختن خیمه می رسد به مشامش
سلام می کنم از دور و می رسم به حریمی
که ابرو باد و مه و مهر می دهند سلامش
قدم گذاشته ام چون نسیم تا بکشاند
مرا کشاکش طوفانی. پیاده نظامش
برای دیدن زیبایی اش گریسته ام من
که روی عرش نی افتاده است ماه تمامش
نگاه می کنم از گوشه ای که چشم خودم نیست
به جاده ای که گره می زند مرا به مقامش
به هیأت صلوات ایستاده صاحب موکب
غم حسین چکیده ست از میان کلامش
نگاه کن به سرافرازی سپیده بی سر
به شرم ظلمت و آن آفتاب بر سر بامش
به رنگ هروله موج ها بدل شده اینک
مسیر رد شدن عاشقان صبح قیامش
پل صراط من انگشت اوست گرچه بریده
بهشت سینۀ معصوم اوست گرچه دریده



سید جواد میرصفی

بگو چه بود اگر خواب یا خیال نبود؟!
که روح سرکش من در زمان حال نبود
مگو که هیچ به دریا نمی شود پیوست
اگر که رود نبود و اگر زلال نبود
تمام قاعده ها را شکست در هم عشق!
بزرگ و کوچکی آنجا به سن و سال نبود
در آن شلوغی اگر گم شدن بلد بودی
خیال یافتن خویشتن محال نبود...
نمی رسید به پابوس آسمان آنجا
کبوتری که علیل و شکسته بال نبود
قسم به آبله پا و اشک شوق سلام
که رنج راه، کم از لذت وصال نبود
در آن مسیر دلم بس که یاد زینب کرد
به چشم هر چه می آمد به جز جمال نبود
زمین چه داشت اگر این طریق و جاده نبود؟
زمان چه داشت اگر این زمان سال نبود؟
کسی نگفت چرا پاسخ سؤالم را
چه بود آن سفر آیا؟ اگر خیال نبود
نشد که شرح دهم حال بی مثالم را
که این دو خط غزل من، زبان حال نبود



زهرا سپه کار

جابر تو دیده‌ای گل حیدر حسین را
بر روی شانه‌های پیمبر حسین را
جابر شنیده‌ای که آنا من حسین گفت
بوسید بارها روی منبر حسین را
ای دیده سپید به سوی که می‌روی
پیراهنی نموده که آخر حسین را...
جابر نبوده‌ای که ببینی به کربلا
چون آیه مقطعه بی‌سر حسین را
پهلورفته کشتی و از دور دیده‌اند
در قتلگاه پهلوی مادر حسین را
حالا بیا ببین که قدم‌ها به گل نشست
این دشت اربعین سراسر حسین را



سید محمد حسین حسینی

مگیر از زائرانت لحظه‌ای فیض زیارت را
مبند این‌گونه بر یاران خود راه سعادت را
گدایانت به شوق وصل می‌آیند و
می‌گویند

مگیر ای شاه از ما پاپتی‌ها این محبت را
نجف تا کربلا عشق است موکب موکبش
رحمت
خدا بخشیده انگاری به خدمات
سقاوت را

چنان گرد تو می‌آیند خلق الله از هر سو
تداعی می‌کند هر اربعین روز قیامت را
تو با هفتاد و دو یارت به روی نیزه‌ها رفتی
و آوردی کنار خویش هفتاد و دو ملت را
اگر داغی به پا دارند تاول نیست می‌دانم
زمین بوسیده در هر گام پای زائرانت را



فاطمه نانی زاد

دهه دوم صفر آمد در گلو آه آتشین افتاد
قافله پشت قافله راهی در دلم شور اربعین افتاد
بی‌قرارم دوباره می‌بینم حق‌بی‌امان یاران را
می‌شود با جنون لیلایی طی کنم وسعت بیابان را
مرزها بی‌قرار و حیران‌اند سینه‌چاکان کاروان
شده‌اند
چون پیاده سر سفر دارند همه پیرها جوان
شده‌اند
می‌روم پا به پای آن محمل که جهان گرم منبرش
شده است
می‌نشینم کنار آن مادر که دلش تنگ اصغرش
شده است
در دل موکب عطش با سوز نوحه می‌خوانم و
پریشانم
روضه‌ها می‌کشد مرا اینجا کربلایی شدم
نمی‌دانم



الهام نجمی

هنوز چشم من از این فراق گریان است
به سینه داغ غریبی همیشه پنهان است
دوباره زمزمه رفتن رفیقان شد
هوای چشم من امشب ستاره‌باران است
به یاد قافله‌ای از کبوتران غریب
حوالی حرمت بال و پر فراوان است
به سمت قبله خورشید می‌رود این موج
که نسل عاشق ما از تبار طوفان است
علم به دوش نسیم از کجا رسیده چنین
که مثل شط دل او بی‌قرار باران است
چقدر رنج که احلی من العسل شده‌اند
حسین لطف کند مشکلات آسان است
رسانده قطره خودش را به قلب اقیانوس
به جزرو مد کدامین قمر شتابان است
چهل غروب پر از روزهای دل‌تنگی
میان بغض مسافر همیشه پنهان است
وزید عطر حرم حس سبب سرخ غریب
نوید لحظه دیدار حضرت جانان است
ز مشرق نفحاتش طلوع کرده غزل
که انتهای زمان در عمود پایان است



محمد جواد غفورزاده

ای فروغت چلچراغ محفل یک اربعین
دولت وصل تو را من مایلیم یک اربعین
ای گل صد برگ زهرا از شقایق‌ها پیرس
داغ هجرانت چه کرده با دلم یک اربعین
خرمن صبر مرا آتش نزد هر چند ریخت
شعله غم‌ها شرر بر حاصلم یک اربعین
از جدایی‌ها مجال شکوه کی پیدا کنم
من که با یاد تو از خود غافلیم یک اربعین
از مدینه تا مدینه می‌روم پرچم به دوش
خطبه‌خوان عشق در هر منزل یک اربعین
موج طوفان بلا کرده است برگردان مرا
در دل دریا و دور از ساحل یک اربعین
از همان روزی که یک دامن گلم بر باد رفت
آتش افتاده است بر آب و گلم یک اربعین
محو شد رنگ تبسم از لبم در این سفر
سفره غم‌های عالم شد دلم یک اربعین
نذر رگ‌های گلویت بوسه‌ها دارم ز شوق
ورنه هرگز حل نمی‌شد مشکلم یک اربعین
ای سرت خورشید روشن، نیزه‌داران شاهدند
با خیالت در طواف کاملیم یک اربعین



مهدی جهاندار

این محبت آسمانی است یا زمینی است؟
این کشش فقط خیالی است یا یقینی است؟
این که می‌کشد مرا به سوی تو چه جذبه‌ای است
حال و روز عاشقان همیشه این چنینی است
تاول شکفته زیر پای زائر تو را
بوسه می‌زنم که موسم ستاره چینی است
کاش تاولی به پای زائر تو می‌شدم
تا نوازشم کنی که اوج نازنینی است
از نجف پیاده سوی کربلا روان شدن
مثل اشک‌های الغدیری امینی است
کربلا چه قرن‌ها بر او گذشته و هنوز
از معلمان مهربان درس دینی است!
از کلاس عقل تا کلاس آخر جنون
سطری از کتاب این قطع‌موا یمینی است
عشق عشق عشق عشق عشق عشق عشق
این صدای پای زائران اربعینی است



بایسته های شعرآیینی در گفتگوی ماهنامه هیأت با شاعرآیینی کشور سید محمد جواد شرافت

جوانی که با نوحه امام جواد سلام الله علیه شاعر شد



«اولین مشوق

یا استاد شعر شما چه کسی بود و از کجا با ایشان آشنا شدید؟ بعدها نزد کدام یک از اساتید شعر و ادبیات کار کردید؟

آن سال های اولی که در مدرسه علمیه الهادی مشغول تحصیل بودم رفیقی داشتم به نام سید محمد بابامیری که هم فرزند

شهید و هم شاعر بودند. وقتی نوحه امام جواد سلام الله علیه را نوشتم، رفتم و نوحه را به ایشان نشان دادم و نظر خواستم. ایشان چند نکته در مورد نوحه ام گفتند و بسیار بنده را در امر سرودن تشویق کردند. بعدها به واسطه آقای بابامیری با جلسات و محافل شعر و شاعری بیشتر آشنا شدم و مدتی همراه ایشان به محفل شعری با عنوان «شاهد» می رفتم که توسط استاد حمیدرضا حامدی اداره می شد. جلسه شاهد جلسه ای مفید و پر مضمون بود و من در کنار شاعران باصفایی که همگی از فرزندان شاهد بودند نکات زیادی آموختم. پس از آن با جلسه شعر استاد مجاهدی آشنا شدم که شب ها در منزل خودشان تشکیل می شد. من به شخصه استفاده و فیض زیادی از محضر ایشان درک کردم؛ از نکات عالمانه و حرفه ای ایشان و از صفای باطن و روح لطیفشان. همچنین جلسه شعری هم استاد سید مهدی حسینی داشتند که من مرتب شرکت می کردم. آقای حسینی هم معلم بودند، هم شاعر، هم ادیب، هم ناقد و شخصیت جامع ایشان خیلی برای من جذاب و دوست داشتنی بود به علاوه اینکه ایشان خودشان هیأتی بوده و با فضای هیأت و نوحه خوانی کاملاً آشنا بودند و نکات زیادی را به ما آموختند. من همواره به شاگردی ایشان افتخار می کنم و از حضورشان بهره ها برده ام. پس از سپری شدن این جلسات و دوره ها کم کم وارد فضای شعر و کنگره های ادبی

شدم و گویا برایم ثابت شده بود که باید یک شاعر باشم آن هم از نوع حرفه ای آن، که نیاز به تقویت ذوق و معرفت دارد؛ چون معتقدم شعرآیینی یا شعر ولایی دو بال دارد، یکی بال معرفت کلام و دیگری بال ادبیت و شعریت کلام که اگر هر یک از این دو نادیده گرفته شوند، پرواز در این فضا میسر نمی باشد.

«در مورد مکاتب شعری و

حوزه های تخصصی خودتان که در آن شعر می گوئید لطفاً توضیح بفرمایید که در بین زمینه های شعری بیشتر در چه قالبی شعر می سرایید و در بین شعرای جوان کشور به کدام سبک شعری شهرت دارید؟

علاقه شخصی من به فضای شعر سنتی است. شعرهایی که در قالب سنتی سروده می شود عبارت اند از غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، دوبیتی و قالب های مہجوری مثل ترکیب بند، ترجیع بند، قطعه و قالب هایی از این دست و به قول دوست شاعرم محمدعلی بهمنی:

جسمم غزل است، روحم همه نیمایی در آینه تلفیق، این چهره تماشایی است سعی ام بر این بوده که قالب شعرهایم، قالب های کهنی باشد که همچنان برای مردم دوست داشتنی، جذاب، نو و تازه است و با شرایط زمانه پیش می رود مثل غزل و مثنوی. در این نوع سرودن سعی و همت شاعر بر این است که همواره انتخاب سوژه ها، زاویه دید، انتخاب واژه ها، جنس خیال و عاطفه، همگی متناسب انسان معاصر باشد یعنی با عقیده، نیاز، علاقه و زندگی او همخوانی داشته باشد. البته هم زمان باید از اندیشه و تکنیک های ناب قدما و بزرگان ادب فارسی بهره برد ولی تقلید کلیشه ای نکرد چون این کار آفت جدی هنر است.

«کدام یک از شعرای کنونی کشور

را در حوزه شعر آیینی و حماسی و انقلابی موفق تر و تأثیرگذارتر می بینید؟

الحمد لله به برکت انقلاب طی سال های گذشته در فضای شعر آیینی و حماسی کشور شاعران موفق و خوبی رشد یافته

سید محمد جواد شرافت در سال ۱۳۶۰ شمسی در شوشتر متولد شد. در کودکی همراه خانواده به قم مهاجرت کرد. او از شاعران معاصر فارسی زبان است که در وصف امام حسین سلام الله علیه، اشعاری را سروده است. وی تا کلاس سوم راهنمایی درس خواند. پس از آن به تحصیلات حوزه روی آورد. آغاز فعالیت ادبی او از سال ۱۳۷۸ ه. ش است. اشعار شرافت در چندین جشنواره و کنگره ادبی از جمله جشنواره هنر آسمانی، جشنواره شعر رضوی، جشنواره بین المللی شعر و ... برگزیده شده است. او همکاری با نهادهای مختلف ادبی و دبیر علمی برخی جشنواره ها از جمله انجمن شعر طلاب را نیز در کارنامه فعالیت های علمی و اجرایی خود دارد. مجموعه مستقل شعر «خاک باران خورده»، «از دیار روشنی» و «حسینیة دل» از آثار منتشر شده سید محمد جواد شرافت می باشد.

«شعر و شاعری را از کی و کجا

شروع کردید؟

من از حدود سال ۱۳۷۸ با نوحه ای که برای امام جواد سلام الله علیه سرودم وارد فضای سرودن و شاعری شدم. سال ها در هیأت های مذهبی بودم؛ نوحه ها را می شنیدم و زمزمه می کردم و همین سبب شد که وارد این فضا بشوم. البته پدر بزرگ من که از شهدای هفتم تیر هستند هم نوحه پرداز بودند و هنوز برخی از نوحه های ایشان در شهرستان شوشتر در ایام محرم خوانده می شود.



و ظهور کرده‌اند. رمز موفقیت این سبک شعری هم این است که بر اساس ارزش‌های الهی و انسانی سروده می‌شوند. خودم خیلی تحت تأثیر شعر مرحوم قیصر امین‌پور بوده‌ام و کوشیده‌ام به شعرهای قیصر خیلی نزدیک شوم. گرچه هنوز تا آفاق بلند شعر ولایی و آیینی فاصله داریم ولی درعین حال اتفاقات ناب و رویش‌های خوبی در عرصه شعر ولایی معاصر افتاده و شاعران ارزشمندی ظهور کرده‌اند که اگر بخواهم نام ببرم فراوان هستند؛ به عنوان نمونه از اساتید پیشکسوت دوره معاصر، مرحوم قیصر امین‌پور در سرایش اشعار آیینی و استاد مجاهدی در عرصه آفرینش، آموزش و پژوهش شعر آیینی سال‌ها زحمت کشیده‌اند و اشعار ماندگاری را خلق کرده‌اند. از بین شاعران جوان هم افراد زیادی همچون سید حمیدرضا برقی، مهدی جهاندار، حسن بیاتانی و دیگران از شاعران موفق و موردعلاقه بنده هستند که هم شعرها و هم سبک زندگی آن‌ها برای من دوست‌داشتنی است چون همه زندگی‌شان در آیین شعر اسلامی و ایرانی ترسیم شده است و دارای اندیشه ژرف و معلومات دینی خوبی هستند.

«آیا خاستگاه رشد و نمو شعر آیینی و انقلابی را در دوران انقلاب اسلامی می‌دانید یا قبل از آن هم در این زمینه کار شده بود؟»

چنان‌که اشاره کردم شعر آیینی، شعری است که ما را به ارزش‌های الهی - انسانی نزدیک کند و شعر توحیدی، شعر تعلیمی، شعر اعتقادی، اشعار پایداری و مقاومت، اشعار آیینی و ولایی همگی زیرمجموعه شعر آیینی محسوب می‌شوند که ما در سال‌های بعد از انقلاب شاهد رشد کمی و کیفی چشمگیری در حوزه شعر ولایی و انقلابی و شعر آیینی بوده‌ایم. مثلاً رشد اشعار فاطمی پس از انقلاب اصلاً قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست و یا از شاعران قدیم به ندرت شعری در زمینه حضرت رباب سلام الله علیها و حضرت ام‌البنین سلام الله علیها به چشم می‌خورد.

«از نگاه تخصصی شما چرا امام خامنه‌ای با وجود مشغله‌های فراوان نسبت به مقوله شعر و شاعری - که شاید از نظر عموم مردم اهمیت چندانی ندارد - این قدر اهمیت قائل‌اند؟ به نظر شما ایشان چقدر شعرشناس بوده و در این زمینه متخصص‌اند؟»

به نظر من توجه ویژه ایشان دو جنبه دارد: جنبه اول شخصی و حقیقی

است؛ چون ایشان ذاتاً شعر را دوست دارند و حقیقتاً شعرشناس هستند و هم شاعر قوی و هم ناقد شعرند. از این جهت با همه مشغله‌ها و گرفتاری‌هایی که دارند وقت می‌گذارند و باعلاقه شعرها را می‌شنوند و نقد و تحسین می‌کنند و هیچ‌گاه در جلسات طولانی شعر، آثار خستگی و بی‌میلی در ایشان ندیده‌ایم



و علیرغم کبر سن تا پایان جلسات با اشتیاق و نشاط همه اشعار را با دقت گوش می‌دهند. گاهی که جلسه طولانی می‌شود ممکن است ما خسته شویم ولی ایشان می‌فرمایند: «من خسته نشده‌ام و می‌توانید ادامه بدهید» این واقعاً یک اتفاق فوق‌العاده است.

جنبه دوم به نوعی حقوقی است یعنی وقتی رهبر یک جامعه عالم دین و درس آموخته مکتب اهل بیت علیهم السلام باشد و آنگاه از این منظر به شعر نگاه کرده و آن را ارزش‌گذاری کند، چنین شخصی می‌تواند جایگاه حقیقی و تأثیر ژرف شعر آیینی را درک کرده و نسبت به ارتقاء، ترویج و احیای آن اقدام کند. بر همین اساس ایشان به گسترش و تعمیق شعر

امام خامنه‌ای ذاتاً شعر دوستند و حقیقتاً شعرشناس هستند. ایشان هم شاعر قوی و هم ناقد شعرند. از این جهت با همه مشغله‌ها و گرفتاری‌هایی که دارند وقت می‌گذارند و باعلاقه شعرها را می‌شنوند و نقد و تحسین می‌کنند و هیچ‌گاه در جلسات طولانی شعر، آثار خستگی و بی‌میلی در ایشان ندیده‌ایم و علیرغم کهولت سن تا پایان جلسات با اشتیاق و نشاط همه اشعار را با دقت گوش می‌دهند.

معاصر خیلی کمک کرده‌اند و ما شعرا امیدواریم در ذیل عنایات و الطاف ایشان بیش‌ازپیش به مکتب اهل بیت علیهم السلام خدمت کنیم تا روزی که شاهد واگذاری پرچم این نظام توسط ایشان به صاحب اصلی انقلاب حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء باشیم.

«شما چند مرتبه در حضور امام خامنه‌ای شعر خوانده و مورد تقدیر ایشان قرار گرفته‌اید؟»

فکر می‌کنم چهار بار بوده که دو مرتبه آن در محافل رسمی بود. یک بار در ماه رمضان سال ۱۳۸۸ و در جمع عمومی شاعران کشور بود و یک بار دیگر هم در سال ۱۳۹۶ که با جمع شاعران آیینی رفته بودیم و توفیق شعرخوانی در حضور ایشان را پیدا کردم. مرتبه اول شعری در رابطه با امیرالمؤمنین سلام الله علیه خواندم که با ردیف نور بود و ایشان در پایانش فرمودند: «با شعرتان نورپردازی خوبی کردید» چند نکته هم پیرامون لفظ و محتوا فرمودند و نظر لطفشان شامل حال بنده شد. مرتبه دوم درباره مسئله وحدت در سیره امیرالمؤمنین سلام الله علیه شعر خواندم که باز هم ایشان تقدیر و لطف داشتند و در پایان شعرخوانی بنده به همه شاعران نسبت به سرودن چنین اشعاری با این مضامین در دوران حاضر تأکید و سفارش فرمودند.

«علت رشد شعر در دوران انقلاب و به ویژه پس از آن را در چه می‌بینید و آیا شعر امروز در عین رشد، تعهد هم دارد یا بی‌قید است؟»

شاعر حماسی و انقلابی باید اولاً انقلاب را خوب بشناسد. گاهی ما شاعران، انقلاب و آرمان‌های آن را دقیق و کامل نمی‌شناسیم. شاید برخی از بزرگ‌ترهای عرصه هیأت مثل مداحان و سخنرانان هم آن‌گونه که باید با انقلاب آشنا نیستند. انقلاب یک کلمه یا حرف ظاهری نیست بلکه یک فکر و اندیشه عمیق است که ریشه در معارف دین و اهل بیت علیهم السلام دارد. اگر آرمان‌های انقلاب را به درستی بشناسیم نه صرفاً با شعار و شعارزدگی بلکه با شعور، اندیشه انقلاب را فهم کنیم بی‌شک شعر ما رشد می‌کند و یک تکان اساسی می‌خورد و دارای تأثیرگذاری مضاعف می‌شود.

« از چالش‌ها و آسیب‌های شاعری برایمان بگویید.

شاعر نباید اهل ریا باشد. نباید با سرودن و شعرخوانی، خودش را معرفی کند. وقتی شاعری شعری را می‌سراید معتقد است که این سرایش الهام و عنایتی آسمانی و معنوی به قلب و قلم او بوده است. همین‌که شعر بعدی را می‌سراید، این اذن و توفیق سرودن مجدد، خود به نوعی صله شعر قبلی او به حساب می‌آید و چقدر این نوع نگاه‌ها می‌تواند در مسیر شاعری زیبا جلوه کند. بنده نیز به عنوان یک شاعر آیینی معتقدم بالاترین صله برای یک شاعر همین بس که مورد انتخاب و عنایت اهل بیت علیهم السلام واقع شده است و ان شاء الله در آخرت هم از رحمت و کرامتشان بی‌نصیب نباشیم. این گفتار هم از سر صداقت و اعتقاد قلبی من است چنانکه در یک شعری که برای امام رضا سلام الله علیه سروده‌ام بند پایانی اش این است:

گواهی توای شعر روز قیامت
که سید محمد جواد شرافت
سروده به شوق شفا و شفاعت
نگاه علی بن موسی الرضا را

« آسیب‌هایی مثل نداشتن انگیزه و حال معنوی شاعر و یا دریافت هزینه در قبال شعر گفتن و شعر خواندن را چگونه تحلیل می‌کنید؟

چون این سؤالتان چالشی است خودم دوست دارم دقیق و کامل پاسخ بدهم. ببینید شاعر یک وظیفه‌ای دارد و نمی‌تواند شعرش و هنرش را بفروشد. به قول مرحوم قیصر امین پور: این حنجره این باغ صدا را نفروشید این پنجره این خاطره‌ها را نفروشید یک شاعر ولایی و شاعر آیینی که با تمام دلش شعری را سروده است آیا این شعر فروشی است؟ شاعر وظیفه دارد خلوتی داشته باشد و در آن خلوت به خدا توکل کند و متوسل به اهل بیت علیهم السلام بشود و نیز از اندیشه بزرگان بهره‌ها ببرد و گاهی باید در فضای شعر، سلوک داشته باشد و سیر کند تا به آفاقی برسد و نتیجه این جرعه نوشی را در قالب شعر در جلوت عرضه کند؛ لذا به نگاه بنده این همه بها را به کدام مطاع می‌توان معامله کرد؟ من این را وظیفه قهری هر شاعر آیینی می‌دانم.

ولی در مقابل، احساس می‌کنم که نهادهای فرهنگی و بانیان جلسات هم در قبال زحماتی که شاعر برای خلق یک اثر هنری صرف کرده است وظیفه‌ای دارند و باید او را تکریم کنند همچنان که

معصومین علیهم السلام هم به شعرا صله می‌دادند. البته باید مراقب باشیم که این مسئله به انحراف کشیده نشود. متأسفانه گاهی شاعر به انحراف کشیده می‌شود و شاعری را با تاجری خلط می‌کند و گاهی هم در مقابل، شاهد بی‌مهری‌ها و قدرشناسی‌هایی در این عرصه هستیم که شاعر را دلسرد و



بی‌انگیزه می‌کند. در ضمن هدیه همیشه لازم نیست مادی باشد و گاهی با یک دعای خوب و یا اعطای یک کتاب خوب مثل مجمع البیان یا کتاب‌های تاریخی که به معرفت شاعر در سرودنش کمک می‌کند می‌تواند محقق شود.

« امسال که در حسرت زیارت اربعین هستیم چه راهکاری عملی و معنوی برای تسلی و اماندگی از زیارت پیشنهاد می‌کنید؟

راجع به قصه زیارت، به خصوص زیارت اربعین - که حسرت بزرگ خیلی از ماهاست - من یاد دارم از همان ابتدای قصه کرونا که تازه این ویروس منحوس آمده بود و هنوز حتی بحث ماه مبارک رمضان و محرم نیز نبود، دیدم بعضی‌ها

شاعر وظیفه دارد خلوتی داشته باشد و در آن خلوت به خدا توکل کند و متوسل به اهل بیت علیهم السلام بشود و نیز از اندیشه بزرگان بهره‌ها ببرد و گاهی باید در فضای شعر، سلوک داشته باشد و سیر کند تا به آفاقی برسد و نتیجه این جرعه نوشی را در قالب شعر در جلوت عرضه کند.

می‌گویند: خدا کند که این بیماری تا اربعین ادامه پیدا نکند. بنده معتقدم واقعاً آهی که این دل‌سوختگان کشیده و می‌کشند، این همه حسرتی که خورده و می‌خورند، این‌ها همه اش ثواب داشته بلکه بر اساس روایات ما ثواب چندین زیارت را در توشه این بزرگواران ثبت خواهد کرد؛ به همین خاطر توصیه می‌کنم همه قدر این حسرت را بدانیم. امسال قطعاً دلمان می‌سوزد ولی این دلسوزی هم قیمتی است و چه بسا این کربلای نرفته اجر بیشتری برای ما داشته باشد. امیدوارم هرکجا هستیم تعظیم شعائر اهل بیت علیهم السلام را با شرایط روز و مناسب و متناسب با اقتضائات روز انجام

بدهیم. اکثر هیأت‌های ما در ماه محرم نشان دادند که درس آموخته مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده و سلامت خود و دیگران برایشان مهم است؛ لذا برای اقامه عزای راهکارهایی بدیع و تازه که هم موجب حفظ سلامت عزاداران شد و هم باعث برپایی و رونق مجالس سیدالشهدا سلام الله علیه گشت را به کار بستند.

در مورد اربعین هم اولاً ما به کرامت اهل بیت علیهم السلام ایمان داریم و امیدواریم که به لطف و کرمشان این مسیر باز شود و بتوانیم همه به زیارت برویم اما اگر هم راه زیارت باز نشد ما باز به کرامت اهل بیت علیهم السلام ایمان داریم که هرطور شده دل‌های ما را اربعینی کنند و خودمان هم ان شاء الله مثل محرم سعی می‌کنیم یک فکر، ایده و راهکار جایگزینی را داشته باشیم و ارائه بدهیم تا اگر دستمان به حرم سیدالشهدا سلام الله علیه نمی‌رسد در عوض کاری کنیم که ایران یکپارچه حرم سیدالشهدا سلام الله علیه بشود، کما اینکه امسال خیلی از خانه‌هایی که در سال‌های قبل چراغ روضه در آن‌ها روشن نبود، بر سر در آن‌ها یک پرچم نصب شد و یک روضه جمع و جور چندنفره و محدود اما بانمک، دل‌نشین و بی‌ریا برپا کردند و اتفاقات فوق‌العاده‌ای رقم خورد و ان شاء الله این اتفاق در ایام اربعین هم رقم بخورد.

بازخوانی ابعاد مختلف زندگی فخرالمادحین مرحوم حاج حسین محلوچی

یادی از یک پیشکسوت

| مهدی سیفی |

مرحوم حسین محلوچی، از جمله مداحان انقلابی بود که بدون هراس از نظام ستم‌شاهی، در دوران مبارزه مردمی همگام با مبارزان، در هیأت‌ها و دسته‌جات عزاداری نوحه‌های انقلابی را عرضه می‌کرد. تقیّد به شرکت در مجالس ختم شهدای هشت سال دفاع مقدس و ارائه نوحه‌های متناسب با این مجالس، حکایت از ذوق سرشار و طبع سلیمش در سرایش شعر داشت. محلوچی، هیچ‌گاه هنر قدسی‌اش در مداحی را با زندگی مادی نیالود و باآنکه در اداره مجالس سینه‌زنی مهارت بی‌نظیری داشت همواره تواضع و فروتنی مهم‌ترین ویژگی رفتاری‌اش بود. ازبرخوانی، بداهه‌سرایی، رعایت ادب در اجرا، همراهی و تعامل با شاعران هم‌عصر خود ازجمله مرحوم مهدی حرمی، تواضع و فروتنی با افراد کوچک‌تر از خود، خواندن بدون چشمداشت مالی، از ویژگی‌های خاص او در زندگی هنری‌اش بود. حسین محلوچی مداح، شاعر و پیرغلام اهل بیت علیهم السلام پس از عمری نوکری مخلصانه در دستگاه سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه و البته چند سالی درد و رنج ناشی از بیماری و کهولت سن، سرانجام در چهارم دی‌ماه سال ۱۳۹۵ همان ارباب بی‌کفن شد.



تداعی گریاد شهیدان بود

آن مرحوم با همه توان خود جانانه از اسلام و انقلاب دفاع کرد و حتی در دوران دفاع مقدس به جبهه هم اعزام شد، باآنکه در خود قم نیز در مراسم تشییع یا بزرگداشت شهدا بسیار پرشور و فعالانه حاضر می شد و به قرائت شعر و برنامه مداحی و نوحه خوانی و سینه زنی می پرداخت و بیشتر توان و استعداد خود را صرف شهدا و خانواده شهدا می کرد.

او در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص در دوران دفاع مقدس با شعرها و مداحی پرشور و انقلابی خود حال و هوای ویژه ای به محافل رزمندگان و ایثارگران بخشیده بود و امروز بخشی از عکس ها یا فیلم هایی از برنامه های ایشان در دسترس است که می تواند برای نسل جوان مفید و جالب توجه باشد.



ابتکار عمل و خلاقیت در نوحه سرایی داشت

مرحوم محلوجی چه در عرصه نوحه سرایی و مرثیه سرایی و چه روحیه انقلابی، در میان دیگر مداحان زمان خود به ویژه در شهر مقدس قم شاخص و سرآمد بود و باآنکه فی البداهه و بدون اشعار تکراری در مناسبت های مختلف به اجرای برنامه می پرداخت در سروده های جدید مداحی از نبوغ و ابتکار عمل خاصی برخوردار بود.

مرحوم محلوجی در عرصه سینه زنی حرف اول را می زد، به طوری که مرحوم استاد ملاحسین مولوی می گفت: «محلوجی قهرمان سینه زنی است». ایشان به معنای واقعی و به دور از هرگونه اغراقی در قلب عزاداران و سینه زنان امام حسین سلام الله علیه محبوبیت و جایگاه خاصی داشت.

شاعر و مداحی حماسی و انقلابی بود

مرحوم محلوجی در اوج خفقان سال های حکومت نظام ستم شاهی و به خصوص قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ قم بدون هراس از رژیم شاه، زندگی و حنجره اش را وقف انقلاب و راه امام راحل کرد و در سال های قبل و بعد از انقلاب همواره وجهه مردمی بودن خود را حفظ و بلکه تقویت کرد. محلوجی چه در دوران پیش از انقلاب و چه پس از آن در مبارزه ها و تحول های انقلابی حضور بسیار فعالی داشت و در همه مقاطع، الگویی برای مداحان جوان و پیشکسوت به شمار می رفت.

او در نوحه ها و شعرهایش به دنبال دفاع از ولایت و انقلاب و نظام بود و هیچگاه تحت تأثیر جریان سیاسی ضدنظام و ضدانقلاب قرار

مرحوم

محلوجی در

عرصه سینه زنی

حرف اول را

می زد، به طوری که

مرحوم استاد

ملاحسین

مولوی می گفت:

«محلوجی

قهرمان سینه زنی

است».



نگرفت، بلکه از ابتدا خط خود را حرکت در مسیر امام و شهدا و ولایت فقیه قرار داد و آنچه برایش در حدود ۵۰ سال مداحی و نوحه خوانی مهم بود این که به تکلیف دینی و انقلابی اش به عنوان یک پیرو غلام امام حسین سلام الله علیه عمل کند.

دارای ویژگی های اخلاقی و صفای باطن بود

به اذعان مداحان هم دوره وی و شاگردانش، برخورد مؤدبانه و خالصانه، تواضع و فروتنی، مردم داری و پایبندی به اصول مداحی در عین ابتکار در سبک سازی از ویژگی های خاص آن مرد باصفا و صمیمی بود که موجب شده است تا نام و یادش برای همیشه در جامعه مداحی و پیرو غلامان اهل بیت علیهم السلام بدرخشد.

او در مواجهه با دوست و دشمن هیچگاه عصبانی نمی شد ولی در عین حال غیرت دینی داشت. خوش برخوردی و مهربانی با کم سن و سالان در مداحی باعث شده بود که عده زیادی از جوانان و نوجوانان نسبت به شخصیت حاج حسین محلوجی علاقه مند و به مداحی روی بیاورند. او هرکسی که استعدادی در خواندن و مداحی داشت را تشویق می کرد که در این مسیر گام بردارد.

نسبت به مادیات بی چشم داشت بود

مرحوم محلوجی به هیچ وجه اهل مادی گری در زندگی نبود. اخلاص و مناعت طبع و بزرگواری او برای همه مشهود و ملموس بود. هیچ کسی نشنیده یا ندیده بود که او در هیچ مراسمی حتی اگر آن مجلس بسیار مورد توجه عام و خاص هم بوده، مطالبه مزد کرده باشد و این در حالی است که در روزگار کنونی عده ای این گونه مسائل را امتیاز برای خود می دانند.



گذری بر خاطرات حسین محلوجی

در ادامه بخشی از خاطرات شیرین و خواندنی مرحوم حاج حسین محلوجی را با هم مرور می کنیم. لازم به ذکر است آن مرحوم این خاطرات را در سال ۱۳۸۲ طی مصاحبه ای که شاعر حماسی و ولایی کشورمان جناب آقای سید محمد مهدی حسینی رکن آبادی با ایشان داشتند نقل کرده اند که متن کامل آن در همان زمان در ویژه نامه «زمزمه» به چاپ رسیده است و در اینجا تنها به بخشی از آن مصاحبه می پردازیم.

اخلاص و

مناعت طبع و

بزرگواری او برای

همه مشهود و

ملموس بود.

هیچ کسی نشنیده

یا ندیده بود

که او در هیچ

مراسمی حتی اگر

آن مجلس بسیار

مورد توجه عام و

خاص هم بوده،

مطالبه مزد کرده

باشد



سلام الله علیه با بلندگوی خود حرم دعا کردم و دم دادم که:

رضا ای سرور ما/ رضا تاج سر ما/ ملاقاتی ندارد رهبر ما

تو ای شاه خراسان/ نظر کن کنج زندان/ ملاقاتی ندارد رهبر ما

رضا در شور و شینی/ به یاد کاظمینی/ به ما لطفی عطا کن/ تو دردم را دوا کن/ نظر کن کنج زندان/ که بابت دل پریشان/ ملاقاتی ندارد رهبر ما.

صبح آمدند در تکیه و گفتند: آقای محلوجی را می‌خواهیم. ما را بردند سازمان امنیت مشهد. وقتی در را باز کردیم، سرهنگ گفت: این چه بود دیشب خواندی؟ آشوب به پا کردی. خیال کردی اینجا هم قم است؟ یک ضبط درآورد و مداحی دیشب را پخش کرد. گفتم: مگر شما شیعه نیستید؟ نمی‌دانید امام کاظم هفت سال یا چهارده سال زندان بودند؟ گفتند: دیگر نباید مشهد بمانید و امضا گرفتند از ما. روز چهارم گفتم، امروز هر طور که می‌خواهد بشود، بشود. می‌خواهم بخوانم! بچه‌ها گفتند: فلانی! دوباره می‌برند. گفتم: امروز روز آخره، به خاطر امام رضا سلام الله علیه می‌خوانم. رفتم بالای منبر و این ذکر را دادم:

این مرام ستمگران دوران بود/ جای مردان حق گوشه زندان بود/ موسی کاظم، دشمن هر ظالم

حق کشی تا به کی، ظلم و ستم تا کجا/ رهبر مسلمین خانه نشین، ای خدا/ موسی کاظم، دشمن هر ظالم

همین‌طور ادامه ذکر را گرفتیم و آمدیم در زمینه و سپس دوسه تا دعا کردیم که الحمدالله به جایی برنخورد و با سرانجام خوبی به پایان رسید.

این‌ها تنها گوشه‌ای از زندگی سراسر فراز و نشیب و بابرکت این پیرغلام دل‌سوخته اهل بیت علیهم السلام بود. امید که مداحان جوانی که به هنر او دسترسی نداشته‌اند، با تحقیق در رفتار و ولایت‌مدارانه او، رفتار و منش جوانمردانه و الهی او را سرلوحه امور خود قرار دهند. بدین بهانه، همراه با شما مخاطب محترم، نثار روح بلند این نغمه‌سرای انقلابی و ولایی، فاتحه‌ای همراه با صلوات هدیه می‌کنیم.

قاچاق اعلامیه‌های امام از نجف به قم

دوماه در کربلا بودم. در نجف بعد از نماز امام می‌خواندم. وقتی به قم آمدم من را به خاطر این مداحی‌ها گرفتند. اعلامیه هم آورده بودم. خلاصه ما را به سازمان امنیت فراخواندند. ساعتی داشتم که روی ثانیه شمارش عکس امام می‌چرخید. در نجف هم امام دیدند و گفتند: آقای محلوجی موفق باشید! بعد که سازمان امنیت رفت، رئیس سازمان گفت: شما کربلا بودید؟ گفتم: بله. شما نجف بودید؟ گفتم: بله. شما با آن آقا نماز هم می‌خواندید؟ گفتم: بله. بعد گفت: ساعت چنده؟ من ساعت پدرم را بسته بودم. ساعت را نگاه کردم و گفتم: یازده و ربع. گفت: آن ساعت کو؟ گفتم: کدام ساعت؟ گفت: آن ساعت که عکس رویش می‌چرخید. گفتم: یک آقایی آن را از من گرفت. بعد پرسیدند که اعلامیه چند تا آورده‌ای و اگر فردا اعلامیه‌ای در قم پخش شود، دوباره شما را در اینجا می‌خواهیم و اینجا نگهت می‌داریم....

رئیس بی چشم و چال

تا این‌که انقلاب گسترده‌تر شد. نوحه‌ای در مسجد امام حسن سلام الله علیه خواندم و من را گرفتند. اشعار آن نوحه عبارت بودند از:



جهان شده به وجود سه بت شکن آگاه/ که این سه در سه زمان، جلوه کرده وجه الله

یکی ظهور به بابل نمود و بت بشکست/ که نام او به جهان خوانده شد خلیل الله

دوم کسی که جهان پاک کرد از بت‌ها/ فراز دوش نبی بود علی ولی الله

سوم کسی که قیامش بدین زمان افتاد/ ز نسل موسی جعفر، خمینی روح الله

وقتی این اشعار را خواندم و تمام شد، صدای صلوات جمعیت بلند شد. مردم آماده بودند و دیدم الآن مناسب است که ذکر بدهم، پس شروع کردم:

خمینی، خمینی/ الگوی حق پرستان/ محبوب خلق ایران/ روح الله روح الله

و مردم نیز جواب من را می‌دادند تا رسید به «مرگ بر شاه». گاز اشک‌آور زدند داخل مسجد امام. بعد ما را خواستند. آنجا ما را داخل اتاقی هدایت کردند. موقع نشستن پایم گرفت به صندلی و نزدیک بود زمین بخورم. باز پرس گفت: شما می‌خواهید رئیس مردم شوید. چشم و چال (!) ندارید، هیچ کجا را نمی‌بینید. شما می‌خواهید رئیس بشوید؟ مردم را جمع می‌کنید؟ بعد گفت: این چه بود که در مسجد امام خواندی؟ گفتم: خواندم دیگر! گفت: چون دفعه اول است، امضا می‌گیریم. چند تا امضا از ما گرفتند که دیگر نخوانیم و آزادمان کردند.

مداح قمی در ساواک مشهد

وقتی امام در نجف تبعید بودند، من را در مشهد گرفتند. قضیه این بود که شب شهادت امام موسی بن جعفر

محلوجی
در نوحه‌ها و
شعرهایش به
دنبال دفاع از
ولایت و انقلاب
و نظام بود و
هیچ‌گاه تحت
تأثیر جریان
سیاسی ضدنظام
و ضدانقلاب قرار
نگرفت، بلکه از
ابتدا خط خود را
حرکت در مسیر
امام و شهدا و
ولایت فقیه قرار
داد و آنچه برایش
در حدود ۵۰
سال مداحی
و نوحه‌خوانی
مهم بود این‌که
به تکلیف دینی
و انقلابی‌اش
به‌عنوان
یک پیرغلام
امام حسین
سلام الله علیه
عمل کند.

اشک و گریه باید جریان ساز باشد

گفتگوی ماهنامه هیأت با ابوذریو کافی، مداح جوان و نامدار این روزهای کشور



هیأت

۷۸

نظرتان در مورد استفاده از
خاطرات شهدا در روضه خوانی
و مداحی حماسی نظیر مداحی
آقای میثم مطیعی در حرم حضرت
امام رحمة الله و در محضر امام
خامنه ای چیست؟

مداحی برادر مطیعی را می شود در
گزینه سوم شاخص ها گنجانده. امروز
مداحی برای شهدا و زنده نگه داشتن
یاد آن ها از تکالیف مداحان انقلاب
است؛ چون شهدا هویت ملی ما هستند.
سبک زندگی شان باید معرفی و ترویج
شود تا برای نسل های مختلف الگو
بشوند. در یک جمله ما ملت شهدادیم.
شهدا پیروان حقیقی سید شهیدان عالم
حضرت اباعبدالله سلام الله علیه بودند.
باید جوان ها ببینند که می شود مثل
آن ها بود. خاطرات شهدا جزو لاینفکی از
مجالس روضه است.

لطفاً توضیح دهید چگونه
مخاطب هیأت می تواند از حال
و هوای شخص مداح، الگو گرفته
و حال خوش پیدا کند؟ به بیان
دیگر اینکه گفته می شود: «مداح
باید بسوزد تا دیگران را بسوزاند»
یعنی چه؟

حال خوش، گمشده این روزهای
ماست. خدا رحمت کند حاج فیروز زیرک
کار و امثال ایشان را که حقیقتاً مصداق
حال خوش بودند و در روضه خوانی ها
لحظه ای از یاد مولایشان غافل نبودند.
چنین حس و حالی می تواند بر قلوب اثر
بگذارد. این که می گویند بسوز تا بسوزانی
حقیقت است. حضرت ام البنین سلام الله
علیها را ببینید. مرحوم آیت الله خوشوقت
می فرمودند: «تا خلوت نداشته باشی
جلوت پیدا نمی کنی». آن مداحی که

مداحی مشغله مهمی هست.

مداح باید چه خصوصیتی
داشته باشد که به او مداح ارزشی
و انقلابی بگویند؟

مداح باید صاحب اندیشه باشد؛ اهل
عرفان و معرفت و آراسته به سجایای
اخلاقی باشد؛ هنرمند به معنای واقعی
باشد؛ اهل علم و مطالعه و تحصیل باشد؛
حق طلب و دشمن ستیز باشد؛ خودش را
به معنای واقعی سرباز فرهنگی ولایت
بداند و تمام هم و غمش جامع عمل
پوشاندن به فرامین حضرت آقا باشد؛
رفتار تشکیلاتی داشته باشد و در آخر،
پرتلاش باشد.

آیا اصطلاح انقلابی در مقوله
مداحی و ذاکری اهل بیت علیهم
السلام معنا دارد؟ لطفاً این جمله
امام خامنه ای که می فرمایند:
«مداحی فرصتی برای ترویج اسلام
و وظیفه اصلی مداحان تبیین
معارف انقلاب اسلامی است» را
تبیین بفرمایید.

بله اصطلاح انقلابی درست است
همان طور که حضرت آقا فرمودند:
من انقلابی ام. این جمله بار دارد؛
حضرت آقا پنج شاخص را نشانه
انقلابی می دانند: ۱. پایبندی به مبانی
و ارزش های اساسی اسلام و انقلاب؛ ۲.
هدف گیری آرمان های انقلاب و همت
بلند برای رسیدن به آن ها؛ ۳. پایبندی
به استقلال کشور؛ ۴. حساسیت در برابر
دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از
آن؛ ۵. تقوای دینی و سیاسی. هر کدام
از این ویژگی ها توضیحات مفصل و
قابل تطبیقی با جریان مداحی انقلاب
دارد. در کل فکر می کنم مداح انقلابی
با درایت مشخصی به نیازهای انقلاب و
کشور پاسخ می دهد.

بفرمایید از چه زمانی مداحی
را شروع کردید و چه شد که وارد
سلک نوکری اهل بیت علیهم
السلام شدید؟

از سال ۱۳۷۸ به طور رسمی و منظم
در مجالس و محافل اهل بیت علیهم
السلام توفیق نوکری دارم و نظر لطف
این ذوات مقدسه و دعای خیر پدرم،
بسیار در مداح شدنم تأثیر داشت.

تعریف کنید که از نظر شما
«مداحی» به چه معنا بوده و
مهم ترین هدف یک مداح چیست؟

مداحی در واقع همان ستایشگری
اهل بیت علیهم السلام است که با
هنر و شعر ممزوج شده است. تعظیم
شعائر، ترویج معارف الهی و اخلاقی،
معنویت افزایی در جامعه و تقویت
جناح مؤمنین را نیز می توان به عنوان
مهم ترین اهداف یک مداح بیان کرد.

آیا مداحی شغل است یا صرفاً
یک هنر مانند دیگر رشته های هنری؟

بله مداحی شغل مهمی است؛ به
این جمله حضرت آقا در سال ۷۷ توجه
کنید: «مداحی و ستایشگری خاندان
پیغمبر صلی الله علیه و آله - که طبعاً
ذکر مصائب را هم به همراه دارد - شغل
خیلی مهم و بزرگی است»؛ بنابراین
بدون توجه کردن به مسئله درآمدش،

خودش در خلوتش با روضه و اشعار منقلب می‌شود، در قلوب اثر می‌گذارد. در یک کلام «هر چه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند».

به نظر شما مهم‌ترین حس و شور و شعوری که مداح می‌بایست در مخاطب خود ایجاد کند چیست؟ به دیگر عبارت چگونه در مداحی می‌توان علاوه بر عواطف مخاطبین بر روی عقول آن‌ها هم اثرگذار بود؟

به نظر من باید هم در ساحت عاطفه و هم در ساحت عقل در درون مخاطب یک انقلابی به وجود بیاید. روضه خوانی باید طوری باشد که منجر به حرکت و جریان سازی بشود؛ یعنی باید اشک و گریه جریان ساز اتفاق بیفتد؛ همان اشک سیاسی که مرحوم امام می‌فرمودند: «باید محبتی ایجاد شود که منجر به طاعت بشود». باید کاری کنیم که منبع کسب فیض و ارتزاق فکری و معنوی نیروهای مؤمن، روضه باشد و بعد از روضه باید شاهد ایجاد جنب و جوش و مجاهدت توسط نیروهای مؤمن حزب‌اللهی در جامعه باشیم.

جریان میلیونی اربعین از دیدگاه شما چه پیامی برای بشریت دارد؟
امروز جریان هیأت جامعه سید و چند میلیونی شیعه را متحد و یکپارچه ساخته است. همه تحت لوای امام حسین سلام‌الله‌علیه مشغول مجاهدتیم. مجاهدانه باید تلاش کرد تا ظهور رقم بخورد. حضرت اباعبدالله سلام‌الله‌علیه را باید به جهان شناساند و بیرق امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه را باید بر بلندترین قلل عالم نصب کرد. راه نجات بشریت همین است و بی‌شک ما می‌توانیم.

چرا امروز ارتباط با خدا و مناجات خوانی‌های معنوی در هیأت جای خودش را به مداحی و سبک خوانی صرف داده است؟

برعکس فکر می‌کنم فضا در حال برگشت به سمت مناجات و روضه است.

جامعه هر چه را که در آن افراط شود، پس می‌زند. ضمن اینکه امروز به شدت در جامعه دچار خلأ عاطفی و معنوی هستیم و این نیاز را فقط روضه و مناجات پاسخ می‌دهد. فکر می‌کنم به سرعت فضا عوض خواهد شد، چنانکه امروز هم شاهد اتفاقات خوبی در این عرصه هستیم.

ارتباط با عالمان دین، انس با قرآن و دعا از بهترین راه حل‌ها هستند. باید حقیقتاً مراقبت و خودسازی کرد. آن چیزی که باعث محبوبیت در پیشگاه خدا و اهل بیت علیهم السلام می‌شود اخلاص، معنویت و اخلاق اسلامی است و هر کس در محضر خدا و اهل بیت علیهم السلام محبوب باشد در نزد خلق نیز محبوب می‌شود.

کدام مناسبت سال را برای مداحی بیشتر دوست دارید و قلباً آرزو دارید چه روضه‌ای را و در کجا بخوانید؟

عاشق مداحی هستم؛ بنابراین همه مناسبت‌ها برایم دوست‌داشتنی است. البته محرم ماه گریه است. محرم چیز دیگری است؛ ماهی که تمام انبیا و اولیا برای سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه گریه کرده‌اند. دوست دارم در سرداب امام حسین سلام‌الله‌علیه و همچنین در سرداب امام رضا سلام‌الله‌علیه، جایی که به یقین می‌دانم امام زمان سلام‌الله‌علیه حضور فیزیکی دارند روضه بخوانم.

در صورت تمایل یک خاطره از سخت‌ترین و خاطره‌ای از شیرین‌ترین موردی که مداحی کرده‌اید برای ما ذکر بفرمایید.

تمام خاطرات شیرین است. یک بار سوار تاکسی بین‌شهری شدم، راننده و یکی از مسافران حقیر را شناختند. زمستان بود. راننده گفت: من شغلم طوری است که نمی‌توانم روضه‌های شما را شرکت کنم، لطفاً همین‌جا برایم کمی روضه بخوان. گفتم: آقا الان توی جاده‌ایم و شاید بقیه مسافرها تمایلی نداشته باشند روضه بشنوند. راننده گفت: هر که دلش روضه می‌خواهد بلند صلوات بفرستد. همه یک‌صدا صلوات فرستادند و گفتند: چی بهتر از روضه؟ خلاصه بنده روضه‌ای خواندم و کلی همه با هم گریه کردیم. آن روز روضه در داخل تاکسی و توی جاده این‌جوری روزی‌مان شد.

یکی هم مجلس روضه خصوصی منزل حامد کوچک زاده شهید مدافع حرم بود که خیلی برایم دل چسب بود؛ چون خود شهید دعوت می‌کرد.

انتخاب شعر و مضمون در مداحی چقدر اهمیت دارد و چه مضامینی امروزه دارای اهمیت بیشتری هستند؟

حضرت آقا می‌فرمایند: «هنر مداحی، هنر شعر و تبیین شعر است. گاهی یک بیت شعر کار یک ساعت سخنرانی را انجام می‌دهد». پس این مسئله بسیار مهمی است. مداح باید شعرشناس باشد و شعر قوی و پرمضمون را انتخاب کند؛ شعرهایی که نیازهای امروز جامعه را پاسخ بدهند؛ روشنگری بکنند و دارای پیام و پند آموزنده باشند و در ضمن بتوانند سیره و فضایل اهل بیت علیهم السلام و معارف اسلامی را تبیین و منتقل نمایند.





محتوا و مطالب مشکل دارد. در مقابل همین مسئله نیز در مورد مداح هم صادق است.

امسال که مراسم پیاده‌روی اربعین به صورت رسمی و همگانی برگزار نمی‌گردد چگونه می‌توان حسرت زیارت را جبران کرد؟

پیاده‌روی برگزار نمی‌شود اما امام حسین سلام‌الله‌علیه، اربعین و تکالیف مربوط به اربعین که سر جای خودشان هستند. تمام ایران باید موبک شود. ان شاء الله بجای یک دهه حضور مردم در راهپیمایی اربعین، یک دهه جلسات عزاداری جایگزین و برگزار می‌کنیم.

با وجود بیماری کرونا چه پیشنهادی برای رونق مجالس اهل بیت علیهم السلام دارید؟

کرونا نه تنها به اصل داستان عزاداری و محرم لطمه‌ای وارد نکرد، بلکه اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم که ظرفیت جدیدی به وجود آورد؛ بنابراین به هیچ وجه نباید مجالس تعطیل بشود بلکه باید بیشتر شود اما به صورت جلسات در محیط باز و با رعایت موازین بهداشتی؛ روضه‌های خانگی؛ حسینیه‌های سیار و پخش روضه‌خوانی به صورت مجازی.

و اما حرف آخرتان!

دوستان خوبم از دعای خیر محروممان نکنید. همین و بس!

خوب می‌فهمند. شاید کسی مشهور باشد ولی قطعاً محبوب نیست.

به نظر شما رکن اصلی در هیأت مداح است یا سخنران؟

به عقیده من رکن اصلی هیأت امام حسین سلام‌الله‌علیه است. هرکسی باید وظیفه خودش را به بهترین نحو انجام دهد. سخنران و مداح مکمل هم دیگر هستند و درآمیختن شور و عاطفه با شعور و معرفت کار این دو است. اگر سخنران و مداح باهم هماهنگ باشند، دائماً صحبت کنند، تقسیم وظایف کنند، تقدم و تأخر پیش نمی‌آید و کار بهتر جلو می‌رود. اصلاً قبول ندارم ما یک سخنران را دعوت کنیم بیاید منبر خودش را برود. باید مداح و سخنران با هم ساعت‌ها صحبت کنند، مهندسی محتوا کنند، مخاطب‌سنجی و نیازسنجی کنند؛ مثلاً اگر مخاطب نوجوان است چه در منبر گفته شود و چه در مداحی خوانده شود. اینکه یک سخنرانی بیاید در فضای خودش و با بیان خودش مطلب بگوید و مداح هم در فضای خودش بخواند این کاری کاملاً غیرحرفه‌ای و ناپخته است.

چه نسبتی بین سخنرانی و

مداحی برقرار است و کدام یک مقدم است؟

عرض کردم که مداح و سخنران باید یکدیگر را تکمیل کنند. اینکه می‌بینید یک وقتی مداح پرمخاطب‌تر و جذاب‌تر است دلیلش این است که آن سخنران در بخش ارتباط‌گیری با مخاطب یا انتخاب

شما معمولاً اشعارتان را چگونه و از کجا انتخاب و تهیه می‌کنید؟

بیشتر با اشعار استاد سازگار در کتاب نخل میثم مأنوسم. البته گاهی هم از شعرای بزرگوار دیگر شعر می‌گیرم.

به نظرتان چه نوع آفات و آسیب‌هایی در سال‌های اخیر دامن‌گیر مداحی و مداحان کشورمان شده است؟

منیت و خودبینی بزرگ‌ترین آفت مداحی است و یا اینکه گاهی شهرت‌طلبی جای تکلیف‌گرایی می‌نشیند. این‌ها از بدترین آفات در هر حرفه و ساحتی می‌باشند.

چه راه‌حلی را برای رفع این

موانع پیشنهاد می‌کنید؟

ارتباط با عالمان دین، انس با قرآن و دعا از بهترین راه‌حل‌ها هستند. باید حقیقتاً مراقبت و خودسازی کرد. آن چیزی که باعث محبوبیت در پیشگاه خدا و اهل بیت علیهم السلام می‌شود اخلاص، معنویت و اخلاق اسلامی است و هر کس در محضر خدا و اهل بیت علیهم السلام محبوب باشد در نزد خلق نیز محبوب می‌شود.

این را در مورد مداحان

امروز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به عبارت دیگر آیا می‌شود در

خلوت بی‌تقوایی کرد و در علن

ادای تقوا را درآورد؟

مردم ما فهمیم هستند و بی‌تقوایی را

منبر و محتوا



- ۸۲..... بررسی خاستگاه تاریخی آیین تبلیغ و خطابه
۸۴..... رسانه‌ی منبر باید اربعین را در مقیاس جهانی ترسیم کند
۸۷..... بازشناسی ویژگی‌های امام حسین سلام‌الله‌علیه در زیارت اربعین
۸۸..... همراه با سفینه‌النجاة

بررسی خاستگاه ت

دکتر علی اکبر درخشنده

مفهوم شناسی تبلیغ و خطابه

تبلیغ عبارت است از انتقال فکر، به جهت تأثیرگذاری بر افکار و اعمال دیگران و نیل به مقاصد خاص، با استفاده از ابزار و شیوه‌های گوناگون در زمان و مکانی محدود.^۱ در تعریف دیگری، به روش یا روش‌های به هم پیوسته برای جهت دادن به نیروهای اجتماعی و فردی در راستای یک هدف مشخص سیاسی، نظامی، فرهنگی و...، از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات افراد، «تبلیغ» می‌گویند.^۲ این تعاریف «تبلیغ» را به صورت عام معرفی می‌کند که معادل آن در لغت عرب، واژه‌های «دعوت، دعایه و اعلام» می‌باشد؛ اما در فرهنگ اسلامی به شکل دیگری تبلیغ را تعریف می‌کنند: «برافراشتن کلمه توحید در هر زمان با هر وسیله ممکن و مناسب آن عصر، که با مقاصد و اهداف شریعت اسلامی در تناقض و مخالفت نباشد».^۳

موضوع سخن «خطابه و منبر» است و «خطابه» یعنی سخنرانی. که سخنرانی را از لحاظ فنی و علمی در منطق، «خطابه» می‌گویند. طبق تبویب ارسطو در علم منطق پنج صنعت؛ یعنی پنج هنر سخنی وجود دارد که به آن‌ها صناعات خمس می‌گویند و یکی از این فنون پنج‌گانه‌ی سخن و کلام، فن خطابه است. بنابراین سخنرانی به معنای مطلق نطق و خطابه است ولی منبر یعنی «سخنرانی دینی» که با این توضیح سخنرانی اعم از منبر است.^۴

خاستگاه تبلیغ و خطابه

پس از بررسی مفهومی لغت تبلیغ، اکنون به بازشناسی پیشینه تبلیغ و خطابه می‌پردازیم. انسان از ابتدای خلقت دارای نطق بوده و سخن گفته است؛ بنابراین برای پیدایش خطابه و سخنرانی نمی‌توان یک مقطع زمانی خاصی در نظر گرفت و زمان دقیقی را مشخص کرد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که گذشته تبلیغ و دعوت، ریشه در هبوط حضرت آدم به عالم خاکی دارد و از تاریخ بشری منفک نیست. در طول تاریخ بشر پس از حضرت آدم نیز همیشه فرستادگان الهی در عالم حضور داشته‌اند و برای اصلاح و نجات جامعه در پی القای فکر سالم به دیگران بوده‌اند تا آن‌ها را از خطا و ضربه زدن به اجتماع بازدارند که همه این اقدامات از قوه تفکر، مدنیت و برون‌گرایی انسان نشئت می‌گیرد. امیرمؤمنان سلام‌الله‌علیه درباره عهد و میثاق الهی با فرزندان آدم، در ابلاغ رسالت الهی به مردم می‌فرماید: «خداوند سبحان از فرزندان آدم، انبیاء را برگزید و بروحی و تبلیغ رسالت از آنان پیمان گرفت تا رسم امانت نگه‌دارند، آنجا که بیشتر مردم، عهد خدا را دگرگون ساخته، حق او را نادیده گرفته و به همراه او شریکان گرفته‌اند».^۵

به استناد آیات قرآن نیز دعوت، ارشاد و هدایت، از زمان حضرت آدم آغاز شده و تا بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هزاران پیام‌آور در این عرصه گام برداشته‌اند؛ «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم با این هدف که خدا را پرستش کنید و از طاغوت، اجتناب نمایید».^۶

درباره مدوّن شدن فن خطابه به صورت یک دانش و مهارت، آنچه از بررسی کتب تاریخی به دست می‌آید این است که نخستین بار خطابه به منظور دفاع از حق مالکیت افراد در سرزمین یونان ظهور کرد و سپس در طول زمان توسط محققان به شکل یک مهارت و فن مدوّن تقریر شد.^۷ البته دلایلی نیز در اسناد خاورشناسان و منابع مؤرخان وجود دارد که ایرانیان از دیرباز با خطابه و سخنوری مانوس بوده‌اند و عده‌ای از خطبای یونانی نزد استادان ایرانی فن خطابه می‌آموختند. عده‌ای نیز می‌گویند پس از یورش اسکندر به ایران و غلبه بر «دارا»، کتاب منطق و حکمت ارسطو از منابع اصیل ایرانی برداشته شد.^۸

اشاره

از ابتدای آفرینش، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال پیام و اطلاع‌رسانی انسان‌ها به همنوعان خود زبان بوده است. ناطق بودن از مواهب مهم خداوند به انسان است که به او توفیق داد تا پیام‌های خود را از طریق زبان و سخن گفتن منتقل نماید. براساس آیات قرآن کریم: همه پیامبران الهی برای تبلیغ پیام‌های الهی از سخنوری استفاده کرده‌اند: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ؛ ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم»^۱ این آیه، ضمن بیان مطابقت زبان پیامبران با زبان مخاطبان، نشان‌دهنده همگانی بودن استفاده از روش سخن گفتن در تبلیغات دینی پیامبران است. جانشینان انبیای الهی نیز در تبلیغ دین از سخنوری و خطابه استفاده کرده‌اند. امام علی سلام‌الله‌علیه می‌فرماید: «إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ؛ ما هر آینه سلاطین سخنییم»^۲ البته سخنوری آنان روشمند نیز بوده است.



تاریخی آیین تبلیغ و خطابه

پیوند خطابه با اسلام

رابطه خطابه با اسلام مثل رابطه سایر هنرهاست. اسلام در دامن خودش اقسام هنرمندها و صنعتگرها را پرورش داده است که یک گروه از آن‌ها نیز خطبا، سخن‌سرایان و سخنرانان هستند. از این نظر که خطابه یک فن است یعنی یک هنر است و هنر می‌تواند به کمک یک فکر و عقیده و یا به جنگ یک فکر و عقیده بیاید؛ یعنی یک فکر، یک دین، یک آیین را می‌شود به وسیله هنر یا صنعت تقویت کرد و همچنین می‌شود به وسیله هنر یا صنعت تضعیف کرد؛ مثلاً استفاده از خط در کتیبه‌های قرآنی و تزیین و ساخت گنبد مساجد و ابنیه زیارتی، از موضوعاتی است که علم و هنر و صنعت به کمک دین آمده است، یعنی احساسات دینی از یک طرف و ذوق هنری از طرف دیگر دست‌به‌دست هم داده‌اند و یک شعار مذهبی در لباس هنر و صنعت به جلوه درآمده است. خطابه از آن جهت که یک هنر و یک فن است و هنر و فن معمولاً می‌تواند اثر اجتماعی داشته باشد و عامل اجتماعی به شمار رود، یک فکر و یک عقیده را تقویت و یا تضعیف کند، از بزرگ‌ترین عوامل اجتماعی به شمار می‌رود. هیچ هنری به اندازه هنر خطابه نمی‌تواند اثر اجتماعی داشته باشد. اگر از این نظر به خطابه نگاه کنیم رابطه هنر خطابه با اسلام مثل بسیاری از هنرها و صناعات دیگر است. در اسلام همان‌طوری که حجارها و حجاری‌ها پیدا شده، آینه‌کارها و آینه‌کاری‌ها پیدا شده، کاشی‌کارها و کاشی‌کاری‌ها پیدا شده، معمارها و معماری‌ها پیدا شده است، همین‌طور اسلام در دامن خودش خطبای بسیار زبردست پرورش داده است که بسیاری به نام «خطیب» معروف می‌باشند. خوشبختانه امروز هم ما خطبای دینی بزرگ داریم. مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی علاوه بر سایر فضایل، یک خطیب زبردستی بود؛ چه بسیار خطابه‌هایی در مصر انشاء کرده و مردم را منقلب و گریان می‌نمود.^{۱۱}

شیوه‌های تبلیغی مختلف

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام ده‌ها شیوه برای تبلیغ انبیا و پیامبران ذکر شده است. آنان علاوه بر دعوت مشرک به توحید، معاد و اصول اخلاقی، بر جنبه‌های خاص نیز تکیه داشته‌اند. در دعوت حضرت ابراهیم سلام‌الله‌علیه تکیه بر مبارزه با بت‌پرستی و شرک، در دعوت حضرت شعیب سلام‌الله‌علیه مبارزه با بدعت اقتصادی، در دعوت حضرت صالح سلام‌الله‌علیه مبارزه با نیازدگی و اشرافی‌گری، در دعوت حضرت لوط سلام‌الله‌علیه مبارزه با انحراف جنسی و اخلاقی، در دعوت حضرت موسی سلام‌الله‌علیه مبارزه با استضعاف، استکبار و برقراری اصلاحات سیاسی، در دعوت حضرت یوسف سلام‌الله‌علیه مدیریت الهی، در دعوت حضرت سلیمان سلام‌الله‌علیه سیاست و حکومت‌داری و در دعوت حضرت عیسی سلام‌الله‌علیه زهد و اخلاق نمود داشته است.

در دوران رسالت پیامبر گرامی اسلام و پس از رحلت ایشان، تبلیغ به‌ویژه در شکل «خطابه» و «منبر»، همواره یکی از ابزارهای اصلی انتقال معارف اسلامی بود. خطبه‌های ارزشمند امام علی سلام‌الله‌علیه، سخنان گهربار ائمه معصومین علیهم السلام در مناسبت‌های مختلف و تشکیل جلسات علمی و موعظه، مبین این اهتمام است. این نکته نیز قابل ذکر است که پس از واقعه کربلا نیز با درآمیختن جنبه عقلانیت و عمل‌گرایی با جنبه عاطفی و احساسی فرهنگ عاشورا و عزاداری سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه، تبلیغ شیعه شکل ویژه‌ای به خود گرفت.

تبلیغ و خطابه در سبک، روش و آداب تا به امروز، دستخوش تحولات گوناگونی قرار گرفته است؛ اما در فراز و نشیب‌های مختلف تاریخ اساس و بنای آن، به‌ویژه در قالب «منبر»، اصالت خود را حفظ نموده است.

در اسناد
خاورشناسان و
منابع مورخان
آمده است که
ایرانیان از دیرباز
با خطابه و
سخنوری مأنوس
بوده‌اند و عده‌ای
از خطبای یونانی
نزد استادان
ایرانی فن خطابه
می‌آموختند.
عده‌ای نیز
می‌گویند پس از
یورش اسکندر
به ایران و غلبه
بر «دارا»، کتاب
منطق و حکمت
ارسطو از منابع
اصیل ایرانی
برداشته شد.

بی‌نوشته:

۱. ابراهیم، ۴.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.
۳. نخستین نام در شناخت تبلیغ؛ انتشارات هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ص ۱۵.
۴. مختصری از مبانی تبلیغات؛ ستاد خارجی دهه فجر، ص ۷.
۵. محمد موفق لغایی، وسائل الاعلام و اثرها فی وحدة الامه، ص ۴۴.
۶. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۳۲۰.
۷. خطبه اول نهج البلاغه.
۸. سوره نحل، ۳۷.
۹. چگونه سخنران خوبی شویم، حجت‌الله سروری، ص ۱۲.
۱۰. روش تبلیغ، ص ۱۱۷.
۱۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۳۲۱.



گفتگوی صمیمانه با حجت الاسلام و المسلمین حسین جوشقانیان، استاد مرکز تخصصی تبلیغ

رسانه‌ی منبر باید اربعین را در مقیاس جهانی ترسیم کند

یکی از نیازمندی‌های هیأت به ویژه در حوزه منبر و خطابه، تهیه و تأمین محتوای مطلوب است که باید در آن تناسب با شرایط زمان، مکان و مخاطب رعایت شود. با این توصیف تهیه محتوای منبر از دغدغه‌های اصلی هر سخنران و منبری می‌باشد. بدیهی است اصلاح این امر می‌تواند کمک شایانی در کیفیت بخشی به هیأت‌ها و محافل مذهبی و جذب مخاطب داشته باشد. از این رو در آستانه فرارسیدن اربعین و با ملاحظه شرایط شیوع بیماری کرونا و ممنوعیت حضور در همایش پیاده روی اربعین، بر آن شدیم تا با حجت الاسلام و المسلمین حاج حسین جوشقانیان، مدرس فنون منبر و خطابه مرکز تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم و از چهره‌های موفق منبر و روایتگری سیره شهدا، به بحث و گفتگو بنشینیم. مشروح این مصاحبه که با عنوان «ضرورت‌های محتوایی منبر اربعین» انجام شده است، در ادامه تقدیم می‌گردد.

بله ماهیت جنگ همچنان تداوم دارد ولی شکل آن تغییر یافته است. به قول حضرت امام جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگی که از آدم تا خاتم بین موخدان و مُتْرِفین بوده است. در یک طرف جبهه سردمداران نظام سلطه و کفر که هیچ موقع از منافع مادی خود دست بردار نیستند، در این طرف هم خط انبیا و اوصیا و اولیا است و به تعبیر قرآن «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰) این جنگی است که آن‌ها دست از سر شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما دست از دینتان بردارید. در یک طرف دیگر هم جنگ اسلام ناب با اسلام قلابی، جنگ اسلام حماسی با عافیت طلبان، جنگ اسلام عاشورایی با اسلام سازشکاران است. در حقیقت اردوگاه سازشکاران ستون پنجمی هستند برای دشمنانی که در بیرون تلاش می‌کنند ما را به سلطه درآورند و به زیر بکشند. به تعبیر قرآن: «لَا أُعْبُدُ مَا

ولایت افراد و فردیت و منافع فردی همه رنگ می‌بازند و همه از پیله فردیت بیرون آمده و انسجام شکل می‌گیرد؛ انسجامی به عظمت بیش از ۲۰ میلیون زائر و عاشق سینه‌چاک ولایت؛ پس این ظرفیت و قابلیت را دارد که بزرگ‌ترین همایش و رزمایش استکبارستیز و عدالت‌خواه عالم که توسط مستضعفان رقم خورده، باشد و شکوه و شوکت جبهه حق را به رخ همه ابرقدرت‌های مستکبر بکشد. این تفوق و اتحاد پیامی جز پیروزی خون بر شمشیر ندارد و تداعی‌کننده آیه «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) است.

«شما به عنوان جانباز و یادگار دفاع مقدس نگاهتان به هیأت‌های مذهبی و جبهه فرهنگی انقلاب چیست؟ آیا جبهه و جنگ همچنان باقی است؟

«بفرمایید فضیلت زیارت اربعین نسبت به سایر زیارت‌ها و در سایر زمان‌ها در چیست؟

اینکه هیچ زیارتی در بین زیارت‌های مأثور به منزله علامت مؤمن شناخته نشده است. گرچه زیارت امام حسین سلام الله علیه در سیزده رجب، در شب نیمه شعبان و در سایر مناسبت‌ها وارد شده است ولی تنها زیارت اربعین نشانه و علامت مؤمن محسوب شده است. امام باقر سلام الله علیه پاداش زیارت زائر حسینی را قبولی هزار حج و صدقه مقبول می‌داند ولی هیچ‌کدام پاداش زیارت اربعین را ندارد و آن را علامت ایمان بر شمرده‌اند.

«حرکت جمعی در اربعین چه جایگاهی دارد؟ معنای اربعین و پیام آن به مستکبران عالم چیست؟

حرکت جمعی در اربعین یعنی تجلی و ظهور و بروز انعکاس ۷۲ صدیق در محور ولایت و امامت؛ یعنی در نظام امامت و

قطعاً احیای اربعین و مشارکت در این حرکت جهانی، نوعی جهاد است و اربعین یعنی اهتزاز پرچمی که در گودی قتلگاه به خون نشست و این پرچم، خط زنبی به خود گرفت و تا قیام قیامت برپاست.

حسین سلام الله علیه باید هوشیار باشد که این شور و شعور حسینی به قیمت زیر پا گذاشتن اصول بهداشتی نباشد که رعایت آن یک وظیفه اخلاقی، شرعی و اجتماعی است و در صورت نقض این قوانین ممکن است بهانه به دست بدخواهان بدهیم.

«چه راهکارهایی را برای تبلیغ مجازی اربعین پیشنهاد می‌کنید؟»

چنان‌که گذشت ترویج فرهنگ اربعین از لوازم ایمان است. به نظر می‌رسد که با ذوق و هنر و تلاش همه عزیزان می‌توان جلوه‌های ارزشی و آموزه‌های معنوی پیاده‌روی اربعین را در فضای مجازی به تصویر کشید و به خانه و کوچه و محله بسنده نکرد بلکه گستره این حماسه را در مقیاس جهانی ترسیم کرد. وقتی به کرپلا نگاه می‌کنیم افراد گوناگونی در عرصه عاشورا به چشم می‌خورند که مکتب عاشورا توانست همه آن‌ها را گرد هم جمع کند؛ از وهب تازه‌داماد و تازه‌مسلمان تا مادر و همسر تازه‌مسلمانش، تا هفده غلام، تا حبیب ابن مظاهر قاری قرآن و فقیه، تا حربن یزید ریاحی تازه توبه کرده و تا زهیر بن قین عثمانی مذهب؛ ما می‌توانیم با رهیافتی از این الگوی تاریخی در فضای مجازی هیأت‌هایی و گروه‌هایی بسیار عظیم در عرصه جهانی شکل بدهیم و پیام اربعین را به تمام عالم مخابره کنیم تا اردوگاه بزرگ اربعین در سراسر عالم شکل بگیرد.

«چه سوژه‌هایی برای محتوا یابی و محتوا سازی منبر در اربعین امسال معرفی می‌کنید؟»

ببینید ویروس کرونا ثابت کرد بشر با همه قدرت، صنعت و تکنولوژی در برابر یک ویروس چگونه عاجز است. شما ببینید هرچه صنعت و تکنولوژی پیشرفته‌تر شده نسبت به مصالح و منافع بشری عاجزتر می‌شود چون هرچه علم بشری پیشرفت کرده در مقابل عمر بشر کوتاه‌تر شده است و این حاکی از این است که جامعه برای نجات نیاز به امام ناجی دارد. اربعین یعنی استغاثه و تمرین برای رسیدن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه. باید در ارائه محتوا در عرصه منبر و فضای تبلیغ مجازی با موضوع اربعین، ضرورت نیاز به امام و اینکه نظام امامت می‌تواند

گمراهی بیرون بیایند؛ بر این اساس پیام اربعین عبارت است از: ۱. خون مقدس حسین سلام الله علیه چه کرد که امروز ده‌ها میلیون جمعیت را از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به جوش و خروش درمی‌آورد و مجتمع می‌سازد. ۲. پیام وحدت، آمادگی و رزمایش برای ظهور. ۳. پیام حرکت به قله رفیع شهادت و شهامت. ۴. پیام استقامت و ایستادگی در مقابل همه کفر و شرک. ۵. پیام تجلی یافتن جلوه‌ای از عصر ظهور و همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه. ۶. پیام احیای روح مواسات، ایثار و فداکاری و همدلی؛ یعنی به نظاره نشستن احسان و مواسات کسانی که از قوت لایموت که خودش نیاز دارد با التماس و التجا می‌گذرد تا زائران امام حسین سلام الله علیه را پذیرایی کند؛ این در حالی است که در روایتی بُرید بن مُعاویه عَجَلی نقل می‌کند که در نزد امام باقر سلام الله علیه بودم، فردی به حضرت عرض کرد: یا بن رسول الله! شما در کوفه هزاران یار دارید. امام سلام الله علیه فرمودند: اینان کیست‌اند؟ فرد پاسخ داد: اینان کسانی هستند که اگر امر کنید «لَا تُبْعُوكَ» از شما تبعیت می‌کنند. حضرت پرسیدند با این مضمون که: «آیا شده که این‌ها برای رفع نیاز از همدیگر پول بردارند ولی مچ یکدیگر را نگیرند؟» عرض کرد: نه آقا! چنین افرادی یک نفر هم ندارید.

«امسال که شیوع بیماری کرونا موجب تعطیلی پیاده‌روی اربعین شده است چه پیشنهادی برای فرهنگ سازی جایگزین دارید؟»

پیاده‌روی تعطیل شده ولی کرپلا و امام حسین سلام الله علیه و اربعین همچنان باقی است. باید مظاهر و شعائر اربعین در قالب روضه، علم و پرچم اقامه شود. هر خانه، هر کوچه، هر خیابان و هر مجموعه‌ای باید یک حسینیه باشد و شور و شعور حسینی را منتشر سازند. اکنون که راه نجف به کرپلا به روی ما بسته شده است اما باید آگاه باشیم که از طرق دیگر نورانیت و شأن اربعین امام حسین سلام الله علیه را در اقصی نقاط کشور احیا کنیم. همچنین همه عزاداران و محبان ساحت ملکوتی امام



تَعْبُدُونَ* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ» (کافرون: ۲ و ۳) امکان ندارد نظام سلطه با ما کنار بیاید و ما نیز بتوانیم با آن‌ها کنار بیاییم لذا این جنگ از آدم تا خاتم و از خاتم تا دامنه ظهور تداوم خواهد داشت منتهی این جنگ، عرصه‌ها و دامنه‌های گوناگونی پیدا کرده است. دامنه جغرافیایی این جنگ در سال ۶۱ هجری در سرزمین طف فقط بود ولی ابعاد آن عالم تاب و عالم گیر شد چون امام حسین سلام الله علیه فرمودند: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلِي يَزِيدُ» یعنی جریان فکری حسینیان همچنان ساری و جریان فکری یزیدیان، اشعث‌ها و ابن زیادها همچنان جاری است.

«با این توضیحات آیا می‌توان گفت احیای اربعین و حضور در آن یک نوع جهاد است؟»

قطعاً این امر یک نوع جهاد است و اربعین یعنی اهتزاز پرچمی که در گودی قتلگاه به خون نشست و این پرچم، خط زنبی به خود گرفت و تا قیام قیامت برپاست. اربعین یعنی یزیدیان در اسارت ارمان‌های حسین سلام الله علیه قرار گرفتند و نه حسینیان در چنگ امویان. اربعین همان جهاد کبیر قرآن است که اگر دشمنان، ما را تحریم و محاصره اقتصادی کردند ولو به اندازه قطره‌ای آب هم ندادند ما مغلوب نشویم و فریاد «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» سردهیم. در حقیقت شکوه همه رجزهای عاشورایی در اربعین متجلی و متبلور شد. پس احیای اربعین یعنی حق نمی‌میرد و لو در گودی قتلگاه آن را به خون بنشانند.

«از حال و هوای اربعین و روضه‌خوانی در جبهه‌ها بگویید؟»

حال و هوای اربعین در جبهه‌ها انصافاً حال و هوای خاصی بود؛ چون هیأت در جبهه هیأت تراز بود؛ چون شور و شعور در هم تنیده شده و ثمره آن، حماسه ایثار و شهادت بود. اربعین و روضه در جبهه‌ها تجلی بخش روحیه حماسه و شهادت طلبی عاشورا بود. رزمندگانی که بریده از همه تعلقات مادی، دل درگرو کرپلای حسین سلام الله علیه داشتند، در محافل روضه و اشک، وصال الهی را طلب می‌کردند. با همین عاشوراها و اربعین‌ها بود که مجاهدان فی سبیل الله شب‌های عملیات برای رویارویی و مقابله در برابر آتش سنگین دشمن بعثی انرژی و قوت می‌گرفتند.

«چه پیام‌هایی برای اجتماع اربعین می‌توان برشمرد؟»

وقتی مراجعه می‌کنیم به متن زیارت امام حسین سلام الله علیه در اربعین می‌خوانیم: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَلُ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَ الصَّلَاةِ» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳) خون مطهر تو یا ابا عبد الله باعث شد انسان‌ها از حیرت و ضلالت و

زیارت اربعین، سرشار از مضامین نابی است که خصوصیات یک رهبر الهی و آسمانی که به دنبال حفظ و تقویت عقاید پیروان خود می باشد را معرفی می نماید. صفوان جمال این زیارت نورانی را از امام صادق سلام الله علیه نقل می کند که حقیقتاً یک کلاس کامل امام شناسی و مبتنی ویژگی های یک امام جامع الشرایط بوده و از این رو است که امام عسکری سلام الله علیه این زیارت را از نشانه ها و علامات شیعه تمام عیار معرفی کرده اند.

۱- عبودیت و بندگی خالص

در فرازی از زیارت اربعین می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَى الْخُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ؛ سلام بر بنده خالص خدا و فرزند بنده خالص او، سلام بر حسین مظلوم شهید.» عبودیت و بندگی از خصوصیات بارز امام حسین سلام الله علیه و رهروان ایشان می باشد. مادامی که انسان به عبودیت ناب و خالص نائل نشود قادر نخواهد بود گام در مسیر هدایت و کمال بگذارد. قرآن کریم می فرماید: «وَالصَّافَاتُ صَفَاءً» خداوند به آن نفوسی که حقیقتاً و از صمیم قلب برای بندگی و اطاعت خالصانه در حضور خداوند صف کشیده اند و تنها او را مراد و مقصود خویش قرار داده و به جز او متوجه چیز دیگری نیستند، قسم خورده است. همچنین در آیات دیگر، عبودیت خالص را موجب نزول علم و رحمت خداوند برمی شمارد و می گوید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِزِّدُنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عَلَّمَا» [حضرت موسی سلام الله علیه و همراهش] بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت و موهبت عظیمی از سوی خود به او داده و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. «این آیه اخلاص در بندگی را بزرگ ترین فخر هر بنده ای می داند و اذعان دارد که تنها مقام عبودیت می تواند رحمت الهی را شامل حال انسان ها سازد و ابواب علم را بر دل هایشان بگشاید. در همه زیارت های مأثور به مقام بندگی و عبودیت ائمه علیهم السلام شهادت می دهیم و در حقیقت امام حسین سلام الله علیه با عبودیت و تسلیم محض به مقامات عالیه انسانی دست یافته و در مناجات ها و عبارات خود به این مقام افتخار کرده است؛ چنانکه انس بن مالک می گوید: همراه با حسین بن علی سلام الله علیه به زیارت قبر جدّه اش خدیجه کبری سلام الله علیها رفتم. حضرت در آنجا گریسته و از من خواستند که ایشان را با قبر تنها بگذارم؛ پس شنیدم که امام به نماز ایستاده و با حال گریه و تضرع، چنین مناجات می کند: «يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَنْتَ مَوْلَايَ** فَأَرْحَمَ عَبْدِي إِيَّاكَ مَلْجَاةً؛ پناهگاهی به جز تو ندارم، رحم کن.» مَوْلَا؛ ای خدایی که دارای شکوه و عظمتی! پشتیبانم تویی؛ خوشا به حال آن کس که تو مولای او هستی.» «طَوْبَى لِمَنْ كَانَ خَائِفًا أَوْ قَاتِلًا* يَشْكُو إِلَى ذِي الْجَلَالِ بُلُوَاهُ؛

پاسخگوی همه نیازهای بشری باشد را تفسیر و تبیین کنیم. این امر موجب شکستن جهالت مدرن شده و اثبات می کند جامعیت مدرن نیاز به خط و مشی امامت و عاشورا دارد. ما امروز بین دو مقطع اساسی قرار گرفته ایم؛ یکی عاشورا که آغاز راه است و دیگری ظهور که تداوم و مقصد ماست. ما با نگاه به عاشورا مسیر تربیت برای امر ظهور را باید تبیین کنیم. می توان با الهام از الگوهای عاشورایی و چهره های حاضر در کربلا، شاخصه های رسیدن به تراز یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه را در عرصه های مختلف تربیتی، مدیریتی و فرهنگی تبیین کرد. با این الگو می توان اثبات کرد که امروز نظام مُهمین در تراز جهانی، نظام سلطه، نظام غرب و نظام استکبار نیست بلکه نظام امامت است.

«یک مبلغ موفق برای تبیین نظام ولایی

ملهم از عاشورا و مهدویت چه محورهایی را در

محتوا یابی خود باید در نظر بگیرد؟

بایستی تفصیل و تبیین ها مبتنی بر معارف اسلام و عاشورا و اربعین باشد و در این جهت باید چند محور مورد توجه قرار گیرد: ۱. تاریخ اسلام (شناخت تحلیلی، عمقی و تفصیلی تاریخ صدر اسلام به ویژه دوران حاکمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان سلام الله علیه. ۲. گفتمان امامین انقلاب (تسلط کامل نسبت به مبانی و اندیشه امام دیروز انقلاب و امام امروز انقلاب). ۳. شناخت آسیب ها (شناخت دقیق جریان فکری کفر و شرک بیرونی و جریان نفاق داخلی). ۴. تکیه بر مباحث قرآنی و نهج البلاغه در مطالعات. اگر در شناخت تاریخ و نیز شناخت جریان کفر و نفاق، محور قرآن و نهج البلاغه باشد، وقتی دشمنان قصد ناامید کردن مردم نسبت به مدیریت اسلامی و مدیریت ولایی را دارند و می خواهند القا کنند که اسلام نمی تواند پاسخگوی نیازهای بشر باشد می توان با مراجعه به تاریخ زندگی و حکومت اهل بیت علیهم السلام به ویژه حاکمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پنج سال حکومت امیرالمؤمنین سلام الله علیه، چهار ماه حاکمیت امام حسن مجتبی سلام الله علیه، قیام امام حسین سلام الله علیه در کربلا و سایر ائمه اطهار علیهم السلام به یک پیام و الگوی واحد دست پیدا کرد و با ارائه آن بصیرت افزایی نمود.

«ارتباط اربعین با ظهور و تمدن عظیم اسلامی

را چگونه ترسیم می کنید؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه وقتی تشریف می آورند و به پرده کعبه تکیه می زنند خود را با امام حسین سلام الله علیه معرفی می فرمایند: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سلام الله علیه قَتَلُوهُ عَطَشًا؛ امام حسین سلام الله علیه جد مرا با لب تشنه کشتند» (الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۳) پس معلوم می شود تا امام حسین سلام الله علیه در سطح جهانی معرفی و شناسانده نشود امر ظهور محقق نخواهد شد. اربعین بهترین بستر برای این معرفی است. هرچه اربعین پررنگ تر بشود، به ظهور نزدیک تر می شویم. با این نگاه اربعین قرار است بشریت را از منجلاب ضلالت و گمراهی به نور و هدایت رهنمون سازد و اربعین است که ما را متوجه به خود می کند تا از لاک منافع شخصی و مادی بیرون بیاییم و به امر نظام امامت فکر کنیم که صلاح و سداد همه بشر است. همچنان که عاشوراییان کربلا از خود گذشتند تا جامعه اسلامی و بشریت احیا شود.



ژگی های امام حسین سلام الله علیه در زیارت اربعین

برگرفته از مباحث حجت الاسلام استاد محمدمهدی ماندگاری

خوشا به حال کسی که خدمتگزار و شب زنده دار است و گرفتاری اش را فقط به خدای بزرگ منش خویش عرضه می دارد.^۱

«إِذَا انْثَلَى بِالظَّلَامِ مُبْتَهَلًا * كَرَّمَهُ اللَّهُ ثُمَّ أَذْنَاهُ؛ هرگاه به گرفتاری مبتلا گردد، در تاریکی با التماس و ناله خدایش را می خواند و خداوند او را گرمای داشته و به خود نزدیک می گرداند.»

زیارت اربعین در حقیقت میثاق نامه ای است بین بنده و خدا که از پروردگار عالم می خواهد که او را اهل قرب الهی و مؤمن واقعی قرار دهد. این مقام همان مقام تسلیم در برابر فرمان خداوند است که از نشانه های پیروی از مکتب امام حسین سلام الله علیه محسوب می گردد.

۲- به جان خریدن مصائب برای هدایت بشر

در فرازی از زیارت اربعین می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعِزَّتِ؛ سلام بر آن اسیر [غم و اندوه] و مصائب سخت [عالم] و کشته اشک چشمان». امام معصوم سلام الله علیه در همه شرایط تکیه گاه جامعه اسلامی بوده و مشکلات و محن را به جان می خورد. البته این ویژگی از اوصاف رهبران الهی و پیروان راستین آن هاست که در برابر صدمات، فشارها و مصائب صبور بوده و همه را تحمل می کنند. امام صادق سلام الله علیه در این باره می فرمایند: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بِلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ؛ آزمایش و سختی انبیا شدیدتر از دیگران است. از آن پس، اوصیاء آنان و از آن پس صفوف مؤمنان؛ هر صفی که به اوصیا و انبیا نزدیکتر باشند، آزمایش و سختی مشکل تری دارند.»^۲ پس روشن می گردد که به میزان سنجیت و شباهت مأموم به امام خود، میزان تحمل رنج و ناراحتی هم در او بیشتر است.

سلمان نیز در روایتی نشانه های مؤمن را چنین بیان کرده است: «فَعِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْجَلُجُ فِي الْمَاءِ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَغَيِّرَهُ؛ مؤمن در اثر مشاهده منکرات در صورت نداشتن قدرت مقابله و تغییر وضع موجود، [چنان در فشار روحی قرار می گیرد که] قلب او در سینه اش ذوب می شود همان گونه که نمک در آب ذوب می شود.»^۳

۳- نجات و اصلاح جامعه، هدف اصلی قیام عاشورا

بیان فلسفه قیام امام حسین سلام الله علیه از مهم ترین ارکان زیارت اربعین محسوب می گردد که حضرت با بیانی کوتاه همه فلسفه قیام عاشورا را تبیین فرموده اند: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَقْبَلَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَ الضَّلَالَةِ؛ خداوند! او خون پاک قلبش را در راه تو بدل کرد [و] جانش را فدا نمود] تا بدگانت را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات

دهد.» این فراز به صراحت تمام بیان می کند که اباعبدالله سلام الله علیه همه وجود خود را نثار کرد تا بشریت را از قید جهل و گمراهی برهاند و به مقصد سعادت و نجات رهنمون سازد. همه پیامبران و اولیای الهی در طول تاریخ با همین هدف برانگیخته شدند که غایت آن را در واقعه عاشورا می توان به نظاره نشست.

۴- جاودانگی اهداف قیام و تحقق وعده الهی

از دیگر پیام های زیارت اربعین جاودانگی و اثربخشی حماسه عاشورا است چنانکه درباره هلاکت دشمنان عاشورا می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ؛ و گواهی می دهم که خدای متعال وعده ای که به تو داده است، البته به آن وفا می کند و آنان که تو را خوار [و مضطرب] گذاشتند، همه را هلاک کند و قاتلانت را عذاب سخت چشاند.» این پیام درواقع بیانگر تحقق یک پیام غیبی و وعده الهی است که حضرت زینب سلام الله علیها نیز در خطبه ای که در مجلس یزید قرائت کرد، به آن اشاره نمودند و از آینده دردناک یزیدیان پرده برداشته و از آینده جاودان حماسه آفرینان عاشورا و پیروزی مطلق مرام حسینی بشارت دادند. ایشان به یزید این چنین نهیب زده و فرمودند: «فَكَيْدُ كَيْدِكَ وَ أَسْعَى سَعْيِكَ وَ نَاصِبُ جُهْدِكَ فَوَ اللَّهِ لَا تَمُخُّوْ ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيبُ وَ حَيَّا وَ لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا وَ لَا تَرْحُضُ عَنْكَ عَارَهَا وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَتَدُ وَ أَيْامُكَ إِلَّا عَدَدٌ وَ جَمْعُكَ إِلَّا بَدَدٌ يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ ای یزید! هر نیرنگی خواهی بزن و هر اقدامی که توانی بکن و هر کوشش که داری دریغ مدار، که سوگند به خدا نه نام ما را می توانی محو کنی و نه نوروحی ما را می توانی خاموش نمایی؛ تو به غایت ما نخواهی رسید و ننگ این ستم را از خود نتوانی زدود. آیا غیر از این است که رای، [طرح و نقشه های] تو سست و مدت حکومت تو اندک و جمعیت تو پراکنده است؟ آن روزی که منادی فریاد می زند: آگاه باشید، لعنت خدا بر گروه ستمکاران باد.»^۴

پیام آور دشت کربلا در آن مجلس تاریخی و موقعیت حساس که هیچ سخنوری را یارای سخن راندن نمی بود چنان کوبنده و با طیب خاطر پیش بینی کرد و از آتیه خبر دقیق داد که امروز پس از گذشت سال ها از آن واقعه می توان نتایج جاودانگی اهداف قیام و ذلت و خواری دشمنان امام حسین سلام الله علیه را به نظاره نشست و این مصداق تحقق وعده الهی در عظمت یافتن یاد و نام حماسه عاشورا و رسوایی و ذلت دشمنان امام حسین سلام الله علیه در عالم است. البته دیگر فرازهای زیارت اربعین نیز حاوی پیام های ناب و کاربردی است که می تواند به عنوان سوژه سخن در فیش نویسی منبر مورد استفاده قرار بگیرد. پیام هایی نظیر پاکی نسل، مقام شهادت، مشمول لطف و کرم الهی، میراث دار انبیا، منصوب شدن به امامت از سوی خدا، مدافع اسلام و اندیشه های الهی، لیاقت و شایستگی رهبری، نصیحت امت با دلسوزی، مهرورزی و... که به میزان مهارت و خلاقیت مبلغین محترم قابل استحصال و استخراج می باشد.

پی نوشت:

۱. صافات، ۱.

۲. کهف، ۵۶.

۳. مناقب آل ابی طالب، محمد

بن شهر آشوب مازندرانی، ج ۳،

ص ۵۲۲.

۴. کافی، محمد بن یعقوب کلینی،

دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۵۲.

۵. مستدرک الوسائل، محدث نوری،

مؤسسه آل البیت، ج ۱۱، ص ۲۷۲.

۶. در بعضی از نسخه ها مثل کامل

الزیارات این عبارت این گونه آمده

است: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَقْبَلَ

عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى

وَ الشُّكَّ وَ الْإِزْتِابَ إِلَى بَابِ الْهُدَى

مِنَ الرَّذَى» کامل الزیارات، ابن

قولویه، ص ۸۲۲.

۷. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۴،

ص ۳۳۱، و مقتل خوارزمی، موفق

بن احمد خوارزم، ج ۴، ص ۶۴۶.



پاسخ به پرسش‌ها و شبهات قیام امام حسین سلام الله علیه همراه با سفینه النجاة

| فاطمه جمالی زاده |

۱. چرا امام حسین سلام الله علیه در زمان معاویه اقدام به قیام نکرد؟

امام حسین سلام الله علیه در دوران یازده ساله امامت خود (۴۹-۶۰ ق) هم‌زمان با حکومت معاویه، تنش‌های فراوانی با او داشت که مواردی از آن را می‌توانیم در نامه‌های امام حسین سلام الله علیه مشاهده کنیم. امام سلام الله علیه در این نامه‌ها گوشه‌هایی از جنایات معاویه (همانند کشتن بزرگان شیعه همچون حجر بن عدی و عمرو بن حمق) را متذکر شده و حکومت معاویه بر مسلمانان را بزرگ‌ترین فتنه دانسته و بدین ترتیب مشروعیت حکومت او را زیر سؤال برده است. آن حضرت برترین عمل را جهاد در مقابل معاویه دانسته و ترک آن را موجب استغفار از درگاه الهی می‌داند.^۱

اما اینکه چرا امام سلام الله علیه در مقابل معاویه اقدام به قیام نکرد، ریشه در اموری دارد که تنها برخی از آن‌ها را می‌توانیم در عبارات امام سلام الله علیه ببینیم و برای دستیابی به علل دیگر، ناچار باید به تحلیل‌های تاریخی روی آوریم:

الف. وجود صلح‌نامه

امام سلام الله علیه در یکی از جواب‌های خود به نامه‌های معاویه، خود را پایبند به صلح‌نامه معاویه با امام حسن سلام الله علیه

معرفی کرده و اتهام نقض آن را از خود به دور دانسته است.^۲

اما سؤال اینجا است که مگر معاویه پس از ورود به کوفه و درحالی‌که هنوز جوهر صلح‌نامه خشک نشده بود، آن را زیر پا گذاشت و خود را غیر ملتزم به آن معرفی نکرد؟ پس چگونه امام حسین سلام الله علیه خود را پایبند به صلح‌نامه‌ای می‌داند که در همان آغاز از سوی طرف مقابل، بی‌اعتبار معرفی شده است؟

جواب این پرسش را می‌توان از مناظر



گوناگونی ارائه کرد:

۱. اگر در عبارات معاویه دقت کنیم، در عبارت نقل شده از او صریحاً نقض صلح‌نامه فهمیده نمی‌شود، بلکه می‌گوید: «من به [امام] حسن سلام الله علیه چیزهایی را وعده دادم»^۳ که ممکن است این امور وعده داده شده خارج از مفاد صلح‌نامه باشد که معاویه خود را به آن‌ها پایبند نمی‌داند؛ بنابراین خود را ناقض اصل صلح‌نامه به حساب نمی‌آورد و یا لاقلاً می‌تواند ادعای عدم نقض از سوی خود را توجیه کند.

۲. باید میان شخصیت سیاسی معاویه و امام حسین سلام الله علیه تفاوت اساسی قائل شد؛ معاویه اصولاً عنصری سیاسی‌کار بود که حاضراست در راه رسیدن به اهداف خود، هر ننگ و نیرنگی را به کار بُرد و در مقابل، امام حسین سلام الله علیه عنصری ارزشی، مکتبی و اصولی است که حاضر نیست از هر وسیله‌ای برای پیروزی و موفقیت ظاهری خود استفاده کند.

۳. باید شرایط آن زمان را در نظر گرفت و به پیامدهای عدم تعهد امام سلام الله علیه به صلح‌نامه دقت کرد. معاویه در آن زمان حاکم بلامنازع جامعه اسلامی بود که گستره حکومت او سرتاسر مملکت اسلامی

-از شام گرفته تا عراق و حجاز و یمن- را در بر می‌گرفت و در هر گوشه، عوامل او به شدت از سیاست‌های او تبلیغ و دفاع می‌کردند.

ب. موقعیت معاویه

شخصیت معاویه در نزد مردمان آن زمان و به‌ویژه شامیان، به‌گونه‌ای مثبت تلقی می‌شد که همین امر قیام علیه او را مشکل می‌ساخت؛ زیرا آنان او را به‌عنوان صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کاتب وحی و برادر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شناختند و به نظر آنان، معاویه نقش فراوانی در رواج اسلام در منطقه شامات و به‌ویژه دمشق داشته است.

همچنین تجربه حکومت‌داری او و افزونی سنش بر امام سلام‌الله‌علیه، دو عامل دیگری بود که خود در نامه‌هایش به امام حسن سلام‌الله‌علیه به‌عنوان عواملی برای اثبات بیشتر شایستگی‌اش مطرح می‌کرد^۴ و طبیعتاً می‌توانست در مقابله با امام حسین سلام‌الله‌علیه، مانور بیشتری روی آن‌ها بدهد.

ج. سیاست‌مداری معاویه

پس از انعقاد قرارداد صلح گرچه معاویه از هر فرصتی برای ضربه زدن به بنی‌هاشم -به‌ویژه خاندان علوی- استفاده می‌کرد و در این راه حتی تا مسموم کردن و به شهادت رساندن امام حسن سلام‌الله‌علیه پیش رفت؛^۵ اما در ظاهر چنین وانمود می‌کرد که به بهترین وجه ممکن، با این خاندان -به‌ویژه شخص امام حسین سلام‌الله‌علیه- مدارا می‌کند و حرمت آنان را پاس می‌دارد. در این راستا می‌توانیم ارسال هدایای فراوان ماهانه و سالانه از سوی معاویه برای شخصیت‌هایی چون امام حسن سلام‌الله‌علیه، امام حسین سلام‌الله‌علیه و عبدالله بن جعفر را شاهد بیاوریم که آنان با توجه به اینکه خود را در بیت‌المال ذی حق می‌دانستند و نیز به جهت آنکه موارد مصرف مناسبی برای خرج آن سراغ داشتند، این هدایا را می‌پذیرفتند.^۶ علت در پیش گرفتن این سیاست روشن بود؛ زیرا معاویه با انعقاد صلح با امام حسن سلام‌الله‌علیه، حکومت خود را از بحران مشروعیت نجات داد و در بین مردم به‌عنوان خلیفه مشروع، خود را معرفی کرده و نمی‌خواست با آغشته کردن دست خود به خون امام سلام‌الله‌علیه، در جامعه اسلامی چهره‌ای منفور از خود به‌جا گذارد بلکه سعی داشت تا با هر چه نزدیک‌تر نشان دادن خود به این خاندان، چهره‌ای وجیه برای خود فراهم آورد.

همچنین از سوی دیگر معاویه می‌دانست که در پیش گرفتن سیاست خشونت، نتیجه عکس خواهد داد؛ زیرا توجه مردم را به این خاندان بیشتر جلب نموده و در دراز مدت موجبات نفرت آن‌ها از حکومت معاویه را فراهم خواهد آورد. مهم‌ترین نکته معاویه در آن زمان، از ناحیه امام حسین سلام‌الله‌علیه -با توجه به شرایط زمانه- احتمال خطر جدی نمی‌دید و سعی داشت تا با در پیش گرفتن این سیاست، ریشه‌های خطر را برای درازمدت بخشکاند. در نقطه مقابل امام حسین سلام‌الله‌علیه از هر فرصتی برای زیر سؤال بردن حکومت معاویه، بهره می‌گرفت. نمونه آشکار آن نگاشتن نامه به معاویه و یادآور شدن جنایات و بدعت‌های او^۷ و نیز مقابله شدید با ولایت‌عهدی یزید بود.^۸

د. شرایط زمانه

هرچند عده‌ای از کوفیان بلافاصله پس از شهادت امام حسن سلام‌الله‌علیه، به امام حسین سلام‌الله‌علیه



نامه نگاشته و ضمن عرض تسلیت به او، خود را منتظر فرمان امام سلام‌الله‌علیه معرفی کردند؛^۹ اما آن حضرت می‌دانست که با توجه به عواملی همچون ثبات و استحکام قدرت مرکزی در شام، تسلط کامل باند اموی بر شهر کوفه، سابقه عملکرد سوء کوفیان در برخورد با امام علی سلام‌الله‌علیه و امام حسن سلام‌الله‌علیه، چهره به‌ظاهر وجیه معاویه در بیشتر نقاط مملکت اسلامی و... در صورت قیام، احتمال موفقیت در حدّ نزدیک صفر خواهد بود و چنین قیامی به‌جز هدر دادن نیروهای اندک، معرفی شدن به‌عنوان یاغی و خروج‌کننده بر حکومت به‌ظاهر اسلامی و شکست و کشته شدن خود نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت درحالی‌که در هنگام قیام علیه حکومت یزید، شرایط زمانه کاملاً برعکس این شرایط بود.

۲. چرا امام حسین سلام‌الله‌علیه در آغاز حرکت، از مدینه به مکه رفتند؟

علت خروج امام حسین سلام‌الله‌علیه از مدینه آن بود که یزید در نامه خود به ولید بن عتبه (فرماندار مدینه) خواسته بود که حتماً از چند نفر مخالف خود که یکی از آن‌ها امام حسین سلام‌الله‌علیه بود، بیعت گرفته شود و بدون بیعت رها نشوند.^{۱۰} ولید گرچه با خوی مسالمت‌جویانه خود حاضر به آغشته کردن دست خود به خون امام حسین سلام‌الله‌علیه نبود؛^{۱۱} اما در مدینه افراد باند اموی -به‌ویژه مروان بن حکم که ولید در موارد سخت و ازجمله این مورد با او مشورت می‌کرد- او را به شدت تحت فشار قرار می‌دادند تا خون امام سلام‌الله‌علیه را بریزد؛ چنان‌که در همان آغاز وصول نامه، وقتی ولید با مروان مشورت کرد، مروان گفت: «نظر من آن است که در همین لحظه به دنبال این چند نفر فرستاده و آنان را ملزم به بیعت و اطاعت از یزید کنی و اگر مخالفت کردند، قبل از آنکه از مرگ معاویه مطلع شوند، سرهای آن‌ها را از تن جدا کنی؛ زیرا اگر آنان از مرگ معاویه باخبر شوند، هرکدام به طرفی رفته و اظهار مخالفت کرده و مردم را به‌سوی خود دعوت می‌کنند».^{۱۲}

بنابراین، امام حسین سلام‌الله‌علیه با توجه به نامناسب بودن شرایط مدینه برای اظهار مخالفت علنی و قیام و نیز در خطر بودن جان خود در این شهر بدون امکان حرکتی مؤثر، تصمیم به ترک آن گرفت. انتخاب مکه، در حالی بود که هنوز مردمان شهرهای مختلف از مرگ معاویه مطلع نشده بودند و تلاش‌های جدی مخالفان برای اظهار مخالفت با یزید آغاز نشده بود و هنوز امام حسین سلام‌الله‌علیه دعوتی از شهرهای دیگر و ازجمله کوفه نداشت؛ بنابراین امام سلام‌الله‌علیه باید مکانی را برای هجرت خود انتخاب می‌کرد که اولاً بتواند آزادانه و در کمال امنیت در آنجا دیدگاه‌های خود را ابراز کند. ثانیاً بتواند آنجا را محلی برای انتقال دیدگاه‌های خود به سرتاسر مملکت اسلامی قرار دهد.

شهر مکه هر دو ویژگی را داشت؛ زیرا طبق آیه صریح قرآن «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»^{۱۳} حرم امن الهی بود و نیز با توجه به وجود کعبه در این شهر و سرازیر شدن مسلمانان از سرتاسر مملکت اسلامی برای انجام اعمال عمره و حج، امام حسین سلام‌الله‌علیه به‌خوبی می‌توانست با گروه‌های مختلف دیدار کرده و علت مخالفت خود با دستگاه اموی و یزید را برای آن‌ها تبیین کند و نیز گوشه‌هایی از معارف اسلامی

مشخصیت معاویه

در نزد مردمان

آن زمان و به‌ویژه

شامیان، به‌گونه‌ای

مثبت تلقی می‌شد

که همین امر قیام

علیه او را مشکل

می‌ساخت؛ زیرا

آنان او را به‌عنوان

صحابی پیامبر اکرم

صلی الله علیه و

آله، کاتب وحی و

برادر همسر ایشان

می‌شناختند و به‌نظر

آنان، معاویه نقش

فراوانی در رواج

اسلام در منطقه

شامات و به‌ویژه

دمشق داشته

است.

از مصحاب برادران و سلفان

را برای آن‌ها بیان نماید. در ضمن با گروه‌های مختلف شهرهای اسلامی -از جمله کوفه و بصره- در ارتباط باشد.^{۱۴}

۳. چرا امام حسین سلام‌الله‌علیه در شرایطی که بهترین فرصت را برای تبلیغ دیدگاه خود در جمع حاجیان گردآمده از سرتاسر نقاط داشتند از مکه خارج شدند؟

به‌طور خلاصه می‌توانیم علل این تصمیم ناگهانی را چنین ذکر کنیم:

أ. احتمال خطر جانی

از برخی عبارات امام حسین سلام‌الله‌علیه -که در مقابل دیدگاه شخصیت‌های مختلفی که با بیرون رفتن آن حضرت از مکه و حرکت به سوی کوفه مخالف بودند، ابراز شده- چنین برمی‌آید که امام سلام‌الله‌علیه مانند بیشتر در مکه را مساوی با بروز خطر جانی برای خود می‌دانست؛ چنان‌که در جواب ابن عباس می‌فرماید: «کشته شدن در مکانی دیگر برای من دوست‌داشتنی‌تر از کشته شدن در مکه است».^{۱۵}

در بعضی از متون تاریخی نیز به صراحت سخن از این مطلب به میان آمده که یزید، عده‌ای را همراه با سلاح‌های فراوان برای ترور امام حسین سلام‌الله‌علیه در مکه فرستاده بود.^{۱۶}

ب. شکسته نشدن حرمت حرم

تذکر این نکته از سوی امام حسین سلام‌الله‌علیه در عبارات نقل شده از آن حضرت وجود دارد که نمی‌خواهد حرمت حرم امن الهی، با ریخته شدن خون او در آن شکسته شود؛ گرچه در این میان گناه بزرگ از آن قاتلان و جنایتکاران اموی باشد.^{۱۷}

۴. آیا امام حسین سلام‌الله‌علیه در واقعه عاشورا از دشمن برای خود درخواست آب کرد؟

در نیمروز اول عاشورا با آنکه تشنگی به شدت به امام سلام‌الله‌علیه، یاران و خانواده‌اش فشار می‌آورد؛ اما در هیچ یک از منابع معتبر، گزارشی وجود ندارد که مضمون آن درخواست آب از سوی امام سلام‌الله‌علیه از دشمن باشد. اصولاً در هیچ یک از این منابع به محوریت و اهمیت مسئله عطش چنان‌که در بین منابع متأخر و برخی مداحان مشهور شده برخورد نمی‌کنیم. جالب آنکه با مطالعه دقیق رجزها و اشعار حماسی امام سلام‌الله‌علیه و یارانش در معرکه نبرد، هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسئله تشنگی و فشار آن نمی‌بینیم. بالعکس آنچه در این اشعار و نیز کلمات و عبارات امام سلام‌الله‌علیه در روز عاشورا می‌بینیم، سراسر حکایت از عزت، حماسه و سربلندی دارد. به‌عنوان مثال کافی است اشاره کنیم که

این عبارت مشهور در بحبوحه نبرد روز عاشورا از امام حسین سلام‌الله‌علیه صادر شده است: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَ بْنَ الدَّعِي قَدْ رَكَزَنِي بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ وَهَيْهَاتَ مَنَا الذَّلَّةُ يَا بَنِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأُتُوْفَ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ آيِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتِرَ طَاعَةَ اللَّئِمِ عَلَى مَصَارِعِ الْكَرَامِ؛ آگاه باشید که زناده پسر زناده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیر ساخته است: یا با شمشیر کشیده آماده جنگ شوم یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت کنم؛ ولی ذلت از ما بسیار دور است و خدا و رسول خدا و مؤمنان و پرورده شدگان دامن‌های پاک و اشخاص باحمت و مردان باغیرت، چنین کاری را بر ما روا نمی‌دانند که ذلت اطاعت از مردم پست را بر کشته شدن باعزت ترجیح دهیم».^{۱۸}

در برخی مجالس و محافل عزاداری، محور عزت و حماسه و سربلندی در این نهضت کم‌رنگ‌تر شده و در عوض رقت و عطوفت بر امام سلام‌الله‌علیه به‌عنوان محور اصلی مورد توجه قرار گرفته است. عده‌ای به‌منظور هر چه رقیق‌تر نشان دادن صحنه کربلا، گزارش‌های غیرواقعی بدان افزوده‌اند و در برخی موارد، چهره‌ای دلیانه از امام سلام‌الله‌علیه به نمایش گذاشته‌اند؛ به‌عنوان مثال در بعضی از این گزارش‌های دروغین، چنین آمده است: «امام سلام‌الله‌علیه به نزد عمر بن سعد رفته و از او سه درخواست کرد که درخواست دوم امام سلام‌الله‌علیه چنین بود: اَسْقُونِي شَرِبَةً مِنَ الْمَاءِ فَقَدْ نَشَفْتُ كَيْدِي مِنَ الظَّمَاءِ؛ مرا مقداری آب بنوشانید که جگرم از تشنگی می‌سوزد».^{۱۹} ابن سعد نیز وقیحانه این درخواست را رد می‌کند. آری گرچه این گزارش‌ها در آوردن اشک حتی از سنگ کارساز است اما از سوی دیگر بر چهره عزتمندانه امام حسین سلام‌الله‌علیه و عاشورا خدشه وارد می‌کند و شیعیان فرهیخته را در تحلیل‌ها با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌سازد. بدین ترتیب با بهانه دادن به دست دشمنان، کاری‌ترین ضربات بر عزتمنداری شیعه وارد می‌شود.^{۲۰}

پی‌نوشت:

در برخی مجالس و محافل عزاداری، محور عزت و حماسه و سربلندی

در این نهضت کم‌رنگ‌تر شده و در عوض رقت و عطوفت بر امام

سلام‌الله‌علیه به‌عنوان محور اصلی مورد توجه

قرار گرفته است. عده‌ای به‌منظور هر چه رقیق‌تر

نشان دادن صحنه کربلا، گزارش‌های غیرواقعی بدان

افزوده‌اند

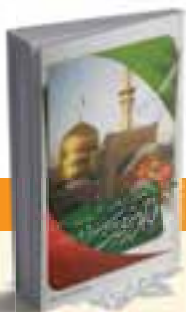
۱. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۸۰.
۲. موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص ۲۳۹؛ «وَمَعَاذَ اللَّهِ أَنْ أَنْقُضَ عَهْدُ عَهْدَةِ إِلَيْكَ أَجَى الْخَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».
۳. الارشاد، مفید، ص ۲۵۵؛ «أَلَا وَإِنِّي كُنْتُ مَتَيْتُ الْخَسَنَ وَأَعْطَيْتُهُ أَشْيَاءَ وَجَمِيعَهَا تَحْتَ قَدَمَيَّ لَا أَفِي يَشْنِئُ وَنَهَا لَه».
۴. مقاتل الطالبيين، ص ۴۰.
۵. الارشاد، ص ۳۵۷.
۶. موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.
۷. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۲.
۸. تاريخ يعقوبي، ج ۲، ص ۲۲۸؛ الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۸۶.
۹. تاريخ يعقوبي، ج ۲، ص ۲۲۸.
۱۰. وقعة الطف، ص ۷۵.
۱۱. ابن ائتم، الفتوح، ج ۵، ص ۱۲؛ وقعة الطف، ص ۸۱.
۱۲. وقعة الطف، ص ۷۷.
۱۳. آل-عمران، آیه ۹۷.
۱۴. وقعة الطف، صص ۱۰۳ - ۱۰۷.
۱۵. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۵۹.
۱۶. همان.
۱۷. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۵۴۶.
۱۸. الهوف، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.
۱۹. طریحی، المنتخب، ص ۴۳۹.
۲۰. به جهت آگاهی بیشتر از نفس عزت-طلبی در نهضت امام سلام‌الله‌علیه و چگونگی چالش آن با این روایت‌های دروغین و کیفیت متن و سند این روایات رک: مقاله «عزت طلبی در نهضت امام حسین سلام‌الله‌علیه»، نعمت‌الله صفری فروشانی، مندرج در مجله حکومت اسلامی، ش ۲۶، ص ۱۱۶- ۷۹.

معرفی کتاب و محصولات فرهنگی



- ۹۲.....پاتوق کتاب هیأت.....
- ۹۴.....معرفی محصولات فرهنگی و نرم افزارهای کاربردی.....
- ۹۶.....معرفی برخی از مقتل های قابل استناد و غیرقابل استناد (۲).....

پاتوق کتاب هیأت



۳۵۰ پرسش در محضر امام رضا سلام‌الله‌علیه

موضوع: محتوای علمی - اعتقادی
نویسنده: علیرضا زکی‌زاده
ناشر: پیوند با امام
حجم: ۳۶۰ صفحه، رقعی (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: کتاب حاضر، یکی از کتاب‌های مجموعه در «محضر اهل بیت علیهم‌السلام» است که مشتمل بر مجموعه‌ای از سؤالات و پرسش‌های اصحاب و یاران ائمه از امام خود و پاسخ ائمه اطهار علیهم‌السلام به این سؤالات بوده و همچنین دربردارنده مدایح و مراثی این ذوات مقدسه می‌باشد. این کتاب نیز همچون دیگر کتب مجموعه مشتمل بر مباحث اعتقادی، تفسیری، فقهی و کلامی بوده و در قالب ۳۵۰ پرسش از امام رضا سلام‌الله‌علیه است که اصحاب و افرادی گوناگون، در قالب نامه یا به صورت حضوری پرسیده‌اند و حضرت پاسخ ایشان را بیان فرموده‌اند. مزیت این نوشتار، فصل‌بندی دقیق مباحث و نیز اعراب‌گذاری تمام سخنان امام سلام‌الله‌علیه است.

آداب و مراقبات عزاداری سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه و دستورات زیارت اربعین



موضوع: آداب زیارت اربعین
نویسنده: محمدتقی فیاض‌بخش
ناشر: فردافر
حجم: ۹۶ صفحه، جیبی (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: اهتمام اولیای الهی در پاسداری از بارگاه حسینی و تأکید بر زیارت حرم مطهرش و ادب نسبت به آن، بیش از مکه است. اگر زیارت خانه خدا در طول عمر یک‌بار برای مستطیعان واجب شده اما زیارت امام حسین سلام‌الله‌علیه مستحبی است که در طول عمر هر سال و یا حداکثر هر چهار سال یک‌بار بر آن تأکید شده است. در دفتر ششم از مجموعه «ادب حضور» آداب اربعین و زیارت امام حسین سلام‌الله‌علیه بررسی می‌شود. نویسنده در این کتاب آداب اقامه عزای حسینی و مراقبات دو ماه محرم و صفر را بررسی کرده است. در این بررسی نظر بزرگان دین درباره اهمیت و فضیلت زیارت عاشورا بیان می‌شود. در پایان توصیه‌هایی برای زیارت حرم سیدالشهدا و حضرت عباس علیهما السلام بازگو می‌گردد.

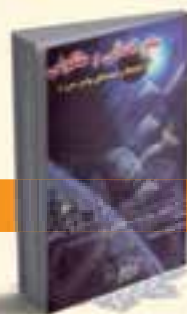


۷۲ نکته از محرم تا صفر

موضوع: محتوای منبر
نویسنده: سید مصطفی حسینی
ناشر: زعیم
حجم: ۱۲۸ صفحه، رقعی (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: نویسنده در این کتاب با تکیه بر سخنان و رهنمودهای امام خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ هـ.ش تاکنون در ارتباط با مسئله تهاجم فرهنگی، رسالت صداوسیما را در مقابله با این مسئله مورد بررسی قرار داده است. در این مسیر وی مباحث: مفهوم تهاجم فرهنگی، تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی، شیوه‌های قدرت‌های استعمارگر برای تهاجم فرهنگی به دنیای اسلام، اهمیت و رسالت‌های فرهنگی، آموزشی، تربیتی، خبری، تفریحی، سرگرمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی. تحقیقی صداوسیما در مقابله با تهاجم فرهنگی و راهبردهای اجرایی و رسانه‌ای صداوسیما در مقابله با پدیده تهاجم فرهنگی را در کتاب مورد مطالعه قرار داده است.

«سفر فضائی و ملکوتی» دیده‌ها و شنیده‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله



موضوع: کرامات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله
نویسنده: مهدی منصوری
ناشر: بخشایش
حجم: ۱۷۶ صفحه، وزیری (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: مجموعه حاضر حاوی روایات و احادیثی است از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله در زمینه معراج که با این عناوین به طبع رسیده است: مدخل، آغاز سفر، دیده‌های آسمان اول، دیده‌های آسمان دوم، دیده‌های آسمان سوم، دیده‌های آسمان چهارم، دیده‌های آسمان پنجم، دیده‌های آسمان ششم، دیده‌های آسمان هفتم، دیده‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله در بهشت، ابواب بهشت و جهنم، از عجایب معراج، بازگشت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه و آله و حدیث عرشی و قدسی معراج.

یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری در عصر حاضر میزان مطالعه و کتابخوانی مردم آن جامعه است. کشور تاریخی ایران اسلامی با داشتن تمدنی چند هزار ساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی و کتابخانه‌های معتبر و علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی سرآمد ملل دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی بسان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. امام خامنه‌ای درباره اهمیت فرهنگ کتاب و کتابخوانی می‌فرماید: «باید در مسأله کتاب و کتابخوانی و کتاب خوب، مفید و سالم؛ یک حرکتی را همه مسؤولان در کشور آغاز کنند؛ از آنهایی که برنامه‌ریزی می‌کنند تا آنهایی که تولید می‌کنند، تا آنهایی که تبلیغ می‌کنند، تا مخاطبان کتاب، جوان‌ها و غیر جوان‌ها که کتاب را می‌خوانند، یک نگاه جدیدی داشته باشیم». ۱۳۹۲/۰۶/۰۷



امام حسن سلام‌الله‌علیه در شعر فارسی
از تولد تا شهادت

«دیوان مؤتید»؛ گل‌های اشک:
مراثی دو ماه محرم و صفر



موضوع: شعر آیینی

شاعر: محمد صحتی سردودی

ناشر: پرتو خورشید

حجم: ۴۵۶ صفحه، وزیری (سلفون)

معرفی مختصر کتاب: مجموعه‌ای از شعرهای فارسی در توصیف امام حسن سلام‌الله‌علیه است. مؤلف بر این اعتقاد است که شعر فارسی آن‌چنان‌که درگیر حماسه‌سرایی و رجزخوانی بوده از درک درست و دقیق امام حسن سلام‌الله‌علیه در مانده و نتوانسته است حق آن جناب را به‌خوبی ادا کند. وی پس از ارائه مقدمه‌ای نسبتاً طولانی، سروده‌هایی را پیرامون ابعاد مختلف زندگی امام حسن سلام‌الله‌علیه در هشت فصل با عناوین زیر عرضه کرده است: مولود ماه کعبه، زندگی‌نامه منظوم امام حسن سلام‌الله‌علیه، نام و یاد و ولای مجتبی، مناقب مجتبی، از سوره صلح و غربت، شهادت سبز، از مراثی تا توسل و آل مجتبی. مؤلف اثر خود را با قطعه شعری از ملک‌الشعرا بهار در وصف اهل بیت علیهم السلام خاتمه داده و در پایان فهرستی از اشعار و شاعران کتاب را نیز به مطالب کتاب خود افزوده است.

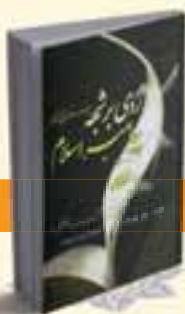
موضوع: شعر آیینی

شاعر: سید رضا مؤتید

ناشر: علیزاده

حجم: ۲۶۴ صفحه، وزیری (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: کتاب گل‌های اشک مجموعه‌ای از اشعار گران‌بها و ارزشمند شاعر ارجمند جناب آقای سید رضا مؤتید پیرامون مناسبت‌های ماه محرم و صفر در قالب‌های سنتی در منقبت اهل بیت علیهم السلام است. اشعار دیوان مؤتید با مضامین و مراثی پرمعنا و غنی خود منبعی مناسب برای مداحان و ذاکران در تأمین محتوای مجالس روضه و مداحی می‌باشند.



ردی بر شبهه‌های پانزده‌ساله‌ی تاریخ زندگی
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

آشنایی با معصوم چهارم حضرت امام حسن مجتبی
سلام‌الله‌علیه از تولد تا شهادت



موضوع: سرگذشت‌نامه پیامبر اسلام

نویسنده: بهزاد مولایی

ناشر: نشر احسان

حجم: ۵۸ صفحه، رقعی (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: در هیچ عصر و زمانی مخالفان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله دست از انتقادهای مغرضانه برنداشته و نخواهند داشت. بی‌شک اینها، افرادی هستند که نه به خداوند ایمان دارند و نه به پیامبر، قرآن و روز رستاخیز. این بی‌باوران هر روز باد انتقادهای خود را متوجه اعتقادات مسلمانان می‌کنند و سبب ایجاد تردید و بدبینی نسبت به اسلام می‌شوند و می‌خواهند با نقشه‌های شومشان اسلام و مسلمین را از صحنه وجود محو کنند؛ غافل از این که خداوند همیشه حامی و پشتیبان دین و دوستانش است. کتاب حاضر در رد برخی از شبهات درباره پیامبر صلی الله علیه و آله نگاشته شده است.

موضوع: زندگینامه

نویسنده: مهدی محقق

ناشر: کشف الغطاء

حجم: ۳۲ صفحه، جیبی (شومیز)

معرفی مختصر کتاب: این کتابچه با هدف آشناسازی مردم با حوادث و جلوه‌های زندگی و سیره معصومین علیهم السلام سامان یافته و به‌اختصار اما به‌طور مستند از منابع تاریخی بهره می‌گیرد تا بخش‌هایی از حیات ظاهری و معنوی ائمه طهارت علیهم السلام را بیان نماید. در این مختصر از اعیان الشیعه، اعلام الوری و کامل ابن اثیر و دیگر منابع روایی و تاریخی استفاده شده و حوادث زندگی امام حسن مجتبی سلام‌الله‌علیه، خلافت، صلح و سیره و رفتار عبادی و سیاسی آن حضرت را به همراه گزیده‌ای از نصایح ایشان ارائه کرده است.

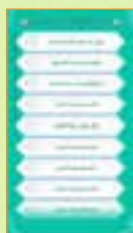
معرفی محصولات فرهنگی و نرم افزارهای کاربردی



نرم افزار جامع اربعین



این نرم افزار شامل امکانات و مطالب متنوعی چون: نقشه آفلاین همراه با نقاط مهم در شهرهای نجف، کربلا و مسیر پیاده روی اربعین با قابلیت ذخیره محل اسکان، امکان مشاهده محل دوستانتان بر روی نقشه و با قابلیت بروزرسانی خودکار، مجموعه ای جامع از سخنرانی ها، روضه، مداحی و محتوای چند رسانه ای آموزشی مرتبط با سفر اربعین، مجموعه ای از ادعیه های مرتبط با اماکن متبرکه شهرهای زیارتی عراق همراه با فایل صوتی ادعیه ها برگزیده، اطلاعات جامعی از اماکن متبرکه کشور عراق همراه با اعمال و ادعیه، اخبار مرتبط با اربعین و مجموعه ای از مقالات و نکات آموزشی سفر می باشد.



حدیث نور



این برنامه شامل بیش از ۳۸ هزار حدیث مرتب شده بر اساس نام معصومین و احادیث قدسی می باشد. قابلیت های این نرم افزار عبارت از: امکان جداسازی احادیث مورد علاقه، امکان کپی و اشتراک احادیث، امکان جستجو در احادیث، امکان قرار دادن ویجت احادیث، امکان تنظیم اندازه فونت از داخل احادیث، امکان ارسال لینک دانلود برنامه از کافه بازار و قابلیت نشانه گذاری برای مطالعه ادامه احادیث می باشد.



بانک اشعار محرم و صفر



نرم افزاری کاربردی برای سخنرانان و مداحان بزرگوار که مشتمل بر گلچین زیباترین اشعار محرم و صفر شامل اشعار و نوحه درباره: امام حسین سلام الله علیه، حضرت ابوالفضل سلام الله علیه، حضرت زینب سلام الله علیها، طفلان زینب سلام الله علیها، حضرت ام البنین سلام الله علیها، حضرت رقیه سلام الله علیها، حضرت علی اکبر سلام الله علیه، حضرت علی اصغر سلام الله علیه، حضرت قاسم سلام الله علیه و حضرت عبدالله ابن الحسن



همراه مبلغ



نرم افزاری است برای دسترسی سریع و راحت مبلغان دینی و فعالان فرهنگی به مجموعه ای از درسنامه های آموزشی، متن سخنرانی خطیبان معروف و اسلایدهای مرتبط به موضوعات دینی. در این مجموعه، فایل ها بر اساس موضوعات، سن و جنسیت مخاطب تفکیک شده است و امکان جستجو در عنوان و پدیدآورنده فراهم شده است. این نرم افزار توسط پایگاه اینترنتی فتیان (www.fetyan.org) در موسسه فرهنگی تربیتی مصباح الهدی قم طراحی شده است.



روضه خوانی



این نرم افزار به عنوان یک بانک عظیم مشتمل بر روضه های دسته بندی شده در مورد اهل بیت علیهم السلام است که مشتمل بر ۱۴۰۰ روضه مکتوب و صوتی می باشد.



فیش های آماده منبر و مرثیه



مواردی برای یک مبلغ پیش می آید که، برای مطالعه وقت ندارد و باید یک منبر فوری و جمع و جور ارائه کند؛ در این برنامه، محتوای منبرها به صورت کامل و بصورت فایل pdf و word دسته بندی شده است. که مشتمل بر: ماه محرم، ماه صفر، ماه رمضان، ماه شوال، عید غدیر، اربعین، ایام فاطمیه و عرفه می باشد.



مقتل امام حسین سلام الله علیه



نرم افزار مقتل امام حسین سلام الله علیه یکی از کامل ترین و معتبر ترین مقاتل فارسی است و در حقیقت ترجمه کتاب نفس المهموم شیخ عباس قمی می باشد که توسط علامه میرزا ابوالحسن شعرانی با نام "دمع السجوم ترجمه نفس المهموم" نوشته شده است. محتوای این نرم افزار عبارت است از: متن کامل ترجمه کتاب نفس المهموم، قابلیت جستجوی دقیق و سریع، قابلیت ذخیره و اشتراک گذاری متن، دارای فهرست علاقه مندی ها، امکان دسترسی به آخرین متن مطالعه شده.



نرم افزار زینبیه



برنامه ای پیرامون حضرت زینب (سلام الله علیها) است که دارای موضوعات زیر می باشد: ۱. مختصری درباره ولادت. ۲. زندگی نامه. ۳. بارگاه حضرت. ۴. زیارت نامه. ۵. روایات. ۶. فضائل. ۷. کرامات. ۸. تصاویر. ۹. الگوی ماندگار. ۱۰. سرودها.



نرم افزار سخن ران



مجموعه ای کامل مشتمل بر «منبر، سوژه سخن، سخنرانی» در قالب ریز موضوعات: سخنرانی مکتوب، سخنرانی صوتی، موضوعی، سخنرانی مکتوب مناسبی، سوژه سخن موضوعی، سوژه سخن مناسبی، سخنرانی کوتاه، سخنرانی صوتی، سخنرانی صوتی موضوعی، سخنرانی صوتی مکتوب، آموزش سخنرانی به صورت مکتوب، آموزش سخنرانی به صورت صوتی که دارای متن سخنرانی مکتوب به صورت دسته بندی شده متناسب با موضوعات و مناسبت های سال می باشد و در پایان نیز به آموزش روش ها می پردازد.

معرفی برخی از

مقتل‌های قابل استناد و غیرقابل استناد

بخش دوم

دکتر علی اکبر درخشنده

چنان‌که در ماهنامه شماره ۱۲۱ (ویژه محرم) گذشت، برخی از مقاتل قابل استناد و معتبر مربوط به ده قرن اولیه اسلام معرفی شدند و سپس به بررسی و معرفی منابع غیرقابل استناد و ضعیف السند از جمله: ۱. اکلیل المصائب فی مصائب الأطائب، ۲. مقتل جعلی منسوب به ابومخنف، ۳. نور العین فی مشهد الحسین سلام الله علیه و ۴. روضة الشهداء پرداخته شد. در این شماره به معرفی برخی دیگر از این مقاتل ضعیف السند که توسط محققان و تاریخ شناسان معرفی شده‌اند می‌پردازیم.



اخیر، زمینه تحریفات بسیاری را در مقتل خوانی امام حسین سلام الله علیه فراهم ساخته است.

۶. محرق القلوب

محرّق القلوب، نوشته محمد مهدی ابن ابی ذر کاشانی مشهور به ملامهدی نراقی (م ۱۲۰۹ ق) است. وی پدر مرحوم ملا احمد نراقی صاحب معراج السعاده است و در عصر خود از اعظم علمای شیعه در ایران بوده و دارای آثار علمی زیادی نیز می‌باشد. او با اقتباس از روضة الشهداء، به عرضه مطالبی دست یازیده که به گونه‌ای شورانگیز، عواطف و احساسات مردم را به سوی واقعه کربلا سوق دهد، اما چون مأخذ نراقی یعنی روضة الشهداء، کتابی ضعیف و مخلوط از مطالب درست و نادرست بوده نوشته او نیز بر اخبار ضعیف و غیرمعتبر مشتمل گشته است. نراقی خود به ضعیف بودن برخی گزارش‌های کتابش تصریح کرده^۵ و از این رو مورد انتقاد برخی از عالمان پس از خود قرار گرفته است. کتاب محرق القلوب که به فارسی نگاشته شده، مفصل و دارای دو مقدمه و بیست مجلس است.^۶ این اثر چون مطالب تحریف آمیز بسیاری دارد، در گذشته مورد استقبال قرار نگرفت و تنها چاپ سنگی شد.

میرزا محمد تنکابنی برخی از اخبار محرق القلوب را مظنون یا مقطوع الکذب دانسته^۷ و محدث نوری با ابراز شگفتی از تألیف چنین کتابی از چنان عالم بزرگی، برخی مطالب آن را منکر نامیده است.^۸ شهید مطهری نیز نراقی را فقیه بزرگی خوانده ولی او را در تاریخ عاشورا، صاحب اطلاع نمی‌داند و برخی مطالب او را نقد کرده است.^۹ گفتنی است انتساب کتاب به نراقی، مشهور و تردیدی در آن نرفته،^{۱۰} اما محتمل است که آن را در اوایل سن تحصیل و پیش از

۵. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب

فخرالدین بن محمد بن علی طریحی مشهور به الفخری (م ۱۰۸۷ ق)^۱ مؤلف مجمع البحرین و نگارنده المنتخب است. این کتاب را نمی‌توان تاریخ‌نگاری علمی درباره زندگی یا قیام امام حسین سلام الله علیه یا تاریخ قیام عاشورا و مقتل سیدالشهدا سلام الله علیه دانست، بلکه مجموعه‌ای از روایات و مراثی حزن برانگیز و گریه‌آور درباره امام حسین سلام الله علیه و برخی دیگر از امامان علیهم السلام است که به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق به سوگواری، در قالب نثر خطابی و شعر، به صورت کشکول و جُنگ تدوین و نگارش شده است.

اکثر مطالب کتاب بدون ذکر مأخذ و احادیث آن به صورت مرسل آمده و درست و نادرست در آن به هم درآمیخته است. این کتاب متناسب با هدف و شیوه مؤلف، المجالس الطریحیه و یا المجالس الفخریه نیز نامیده‌اند. ضعف دیگر کتاب، اختلافات موجود در نسخه‌های متفاوت آن است که می‌تواند نشانگر تصرفات بعدی در این کتاب باشد.^۲ نویسنده در نگارش کتاب بر نقلیات «روضه الشهداء» اعتماد کرده و بسیاری از مطالب جعلی و نادرست را از کتاب یادشده نقل نموده است.

محدث نوری منتخب طریحی را مشتمل بر مطالب موهون و غیرموهون می‌داند^۳ و میرزا محمد اریاب قمی، مسامحات فراوان در آن را گوشزد کرده و روایات مختص آن را معتبر ندانسته است.^۴ باین وجود، این اثر، جایگاه خود را به خوبی در میان روضه‌خوانان باز کرده و بسیاری از نقلیات آن در مقاتل بعدی منعکس شده و در قرن‌های

رسیدن به مراتب کمال علمی، نوشته باشد.

نراقی در مقدمه کتاب خود در مورد ضعف برخی از منابع اخبار این کتاب می نویسد: «نقل اخبار ضعیفه و غیر معتبره در حکایات و وقایع پیغمبر و اهل بیت او علیهم السلام جایز است و هرگاه خبر ضعیفی دلالت کند بر اینکه گریه بر امام حسین سلام الله علیه فلان قدر ثواب دارد و کسی آن خبر را بشنود و به نیت رسیدن به آن ثواب بگرید، حق تعالی آن ثواب را به او کرامت می فرماید... به همین جهت ما نیز در این کتاب اخبار ضعیفه را با اخبار صحیحه آوردیم.»^{۱۱}

محدث نوری درباره سخن بالا و مقتل مذکور، می نویسد: «ناقل متدین و درستکار نباید به مجرد دیدن خبری و حکایتی در کتابی که به عالمی نسبت می دهند قناعت کند؛ چه بسا شود که آن کتاب را در اوایل سن نوشته و هنوز به مقام تمیز دادن صحیح از سقیم و ثقه از غیر ثقه نرسیده بود و از این جهت، اخبار موهونه و بی اصل و مأخذ و مخالف روایت ثقات، بلکه اخبار کاذبه یقینی در آن یافت می شود؛ مثل کتاب محرق القلوب تألیف عالم جلیل آخوند ملا مهدی نراقی که از اعیان علمای دهر بود، علاوه بر آن که بزرگان دین اعتراف به علو مقام علم و فضل او کرده اند، تألیفات او خود شاهی است صادق در اثبات این مرام علمی.»^{۱۲}

۷. اسرار الشهادة (اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات)

مقتل اسرار الشهادة نگاشته فاضل دربندی (م ۱۲۸۶ ق) است. او فقیه، متکلم و محقق برجسته قرن سیزدهم به شمار می رود که در علوم مختلف معقول و منقول صاحب نظر و تألیف بوده و سال ها در عتبات عالیات به تحقیق و تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. صاحب کتاب قصص العلماء درباره شخصیت علمی فاضل دربندی چنین

می نویسد: «آخوند ملاً آقا دربندی دُرّ صدف فقاقت و اجتهاد، عالم عامل باسواد، علامه این ازمنه و از شاگردان شریف العلما است». محدّث قمی رحمه الله هم در کتاب فوائد الرضویه او را چنین توصیف کرده است: «او شیخ فقیه، نبیه متکلم، محقق مدقق، جامع معقول و منقول، عارف به فقه و اصول است».

کتاب او دارای ویژگی هایی است که در این میان، سه ویژگی آن، برجسته به نظر می رسد: ۱. تحلیلی بودن آن. ۲. ضعیف و خرافه آمیز بودن بسیاری از مطالب آن. ۳. مفصل بودن آن. این کتاب تا عصر خود، مفصل ترین کتاب در تاریخ عاشورا است و تا آن تاریخ، نگاشته ای به این تفصیل، فراهم نشده بود.^{۱۳} گرچه از کتابی به این گستردگی، با توجّه به سرعت در تألیف آن که گفته شده در هیجده ماه نوشته شده است و با توجّه به امکانات اندک آن روزگار در شناسایی منابع معتبر، نمی توان انتظار دقّت و موشکافی علمی در گزینش صحیح و ارائه گزارش های معتبر در نقل حادثه عاشورا داشت ولی این اثر به سبب داشتن اخبار و گزارش های سست و بی اساس، از همان آغاز مورد نقد و خرده گیری نویسندگان معاصر و اندیشمندان بعدی قرار گرفت چنان که حدیث شناسان و اندیشمندانی همانند محدّث نوری^{۱۴}، تنکابنی^{۱۵}، شیخ آقابزرگ تهرانی^{۱۶}، سید محسن امین^{۱۷} و استاد مطهری^{۱۸} بر این کتاب، ایرادهای بسیاری گرفته اند.

البته در موضوع عزاداری سیدالشهدا سلام الله علیه از فاضل دربندی یک سری از رفتارهای افراطی در تاریخ به ثبت رسیده است که می توان به بی اختیار و از خود بی خود شدن او در حین عزاداری و تأسیس مرام قمه زنی اشاره کرد، چنانکه در وصف او نوشته اند: «او است که تیغ زدن را بر سر... جایز دانست و خود نیز عمل می کرده است و از این تاریخ است که مردم عوام... به تبعیت وی در ایام عاشورا به این عمل دست زده اند.»^{۱۹} مرحوم محدّث قمی نیز می نویسد: «در مقام اخلاص کیشی نسبت به حضرت سیدالشهداء ارواحنا فدا و در اقامه مصیبت و تعزیت و سوگواری آن مظلوم بی اختیار بوده به نحوی که در بالای منبر، از شدّت گریه، غش می کرده و بی اختیار عمامه بر زمین می زده و گریبان چاک می کرده و نقل شده در روز عاشورا لباس خود را از بدن می کند و لنگ می بست و خاک بر سر می ریخت و گِل به بدن می مالید و به همان هیأت بر منبر می رفت.»^{۲۰} وی در فتنه بابیه در کربلا مجروح شد و به تهران آمد و سال های پایانی عمرش را به وعظ و ارشاد مردم مشغول بود تا این که در سال ۱۲۸۶ قمری در سن ۹۰ سالگی درگذشت. طبق وصیتش پیکر او را به عتبات منتقل و در جوار بارگاه ملکوتی امام حسین سلام الله علیه به خاک سپردند.

۸. ناسخ التواریخ

این کتاب نوشته میرزا محمد تقی لسان الملک (م ۱۲۹۷ ق) از مورخین و ادبای زمان قاجار است. این کتاب مشتمل بر تاریخ کامل وقایع عالم است در جلد اول و دوم به شرح داستان هبوط حضرت آدم سلام الله علیه تا زندگانی امام حسین سلام الله علیه و شرح واقعه کربلا می پردازد و سپس در مجلدات بعدی به ترتیب به بیان تاریخ تائیش از صفویه، دوران صفویه، افشاریه و زندیه اشاره کرده و بعد از آن، مجلدات مربوط به قاجاریه آغاز می شود.^{۲۱}

مؤلف ناسخ التواریخ از سال ۱۲۵۸ هـ.ق، به دستور محمد شاه و تشویق حاجی میرزا آقاسی مأمور تألیف این کتاب شد که

سبک نوشتاری آن بسیار ساده و قدیمی است. ناسخ التواریخ مجموعاً ۹ جلد بوده که مشتمل بر تاریخ کربلا و در ادامه تاریخ عهد قاجار می باشد. برخی گفته اند بخشی از این کتاب که در مورد دوران امام حسین سلام الله علیه است، در عهد ناصرالدین شاه یعنی در تاریخ ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۱ قمری به نگارش درآمده است.^{۲۳}

برخلاف عنوان کتاب که بر جامعیت آن و مستغنی کردن خواننده از دیگر کتب تاریخی دلالت می کند، مطالب سست و بی پایه در آن فراوان به چشم می خورد از این رو اثر این نویسنده درباری نتوانست مورد استقبال مجامع علمی قرار بگیرد و صرفاً دستاویزی شد برای عامه مردم و خطبا و اهل منبر که تا چند دهه از آن استفاده می کردند و برخی نیز مطالعه این کتاب غیرمستند را جایز ندانسته اند.^{۲۴}

۹. عنوان الکلام

کتاب عنوان الکلام نوشته ملا محمد باقر فشارکی (م ۱۳۱۴ ق) است. او گرچه از فقیهان قرن سیزدهم و چهاردهم محسوب می شد ولی در منبر وعظ و خطابه در اصفهان صاحب شهرت بوده است. فشارکی در عنوان الکلم بدون آنکه درصدد تاریخ نویسی باشد با قصد گریاندن مردم در پایان سخنرانی هایش به ذکر مصائب کربلا می پردازد. وی سپس بخشی از این سخنرانی ها را به نگارش درآورد و دو عشریه که نوشته های ویژه مصائب امام حسین سلام الله علیه و در قالب مجالس ده گانه بود به آن افزود. از این رو در بسیاری از موارد سند و منبع معتبری برای نوشته های خود ارائه نمی دهد و برخی از مطالب غیرمعتبر و مشهور^{۲۵} را فقط به حدس و گمان صحت آن، نقل کرده است. گرچه این کتاب به دلیل تأخر زمانی مؤلف، نقص ارجاع علمی به کتب و منابع و گزارش های منفرد و بدون شاهد به عنوان یک منبع و مرجع مستند، مورد استفاده پژوهشی تاریخ نویسان قرار نگرفته است ولی به دلیل ذکر مواعظ حدیثی و داستانی مورد استناد و استفاده برخی از اهل منبر قرار می گیرد.

۱۰. تذکرة الشهداء

مؤلف این کتاب ملاحیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ ق) از جمله علمای برجسته عهد قاجار است. وی دارای آثار و تألیفات فراوانی در زمینه

علوم مختلف می باشد. از جمله تألیفات شریف کاشانی می توان به کتاب مفصل تذکرة الشهداء درباره تاریخ عاشورا اشاره کرد. متأسفانه این اثر مملو از اخبار و گزارش های ضعیف و مخدوش است که سبب تحریف وقایع تاریخی و سیمای واقعه عاشورا شده است.

۱۱. معالی السبطين

محمد مهدی حائری مازندرانی (م ۱۳۸۵ ق) کتاب معالی السبطين را در قرن چهاردهم تألیف کرد. از وی دو کتاب دیگر درباره اهل بیت علیهم السلام با نام «الکوکب الدرّی فی احوال النبی و البتول و الوصی» و دیگری «شجره طوبی» به جامانده است. مؤلف در معالی السبطين شرح حال مختصری از زندگانی امام حسن سلام الله علیه آورده است و سپس در ادامه کتاب به سیره و تاریخ زندگی امام حسین سلام الله علیه پرداخته است و برای اینکه مطالب گوناگون تاریخی و حدیثی کتابش متناسب با مجالس سوگواری شود آن ها را با داستان و شعر درهم آمیخته است. او برای گزارش مقتل و وقایع عاشورا به منابع غیر قابل اعتمادی نظیر منتخب طریحی، اسرار الشهادة و روضة الشهداء و دیگر منابع ضعیف استناد کرده است. شهید قاضی طباطبایی که با مؤلف آشنایی و ارتباط داشته نیز مطالب این کتاب را قابل اعتماد ندانسته و آن ها را آمیخته با احادیث و روایات صحیح و ضعیف می داند.^{۲۵}

پی نوشت:

۱. درباره نسب، سال تولد و وفات، شخصیت و آثار طریحی رک: مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۸۶، مقدمه. محقق یاد شده در این مقدمه، منابعی که به ترجمه و شرح حال طریحی پرداخته اند، فهرست کرده است که برخی از آن ها عبارت اند از: افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، صص ۲۳۲، ۲۳۵؛ خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۵، ص ۳۴۹، ۳۵۲ و محدث قمی، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۴۴۸.
۲. رک: سخن شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة، ج ۲۲، ص ۴۲۰.
۳. لؤلؤ و مرجان، ص ۲۸۷.
۴. اربعین حسینیة، ص ۶۴.
۵. مقدمه محرق القلوب، به نقل از عاشورا پژوهی، ص ۴۰۶.
۶. محرق القلوب، ص ۲.
۷. قصص العلماء، ص ۱۳۲.
۸. لؤلؤ و مرجان، ص ۲۴۵.
۹. رک: حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۸.
۱۰. رک: الذریعة، ج ۴، ص ۴۶۱ و ج ۲۱، ص ۲۵۹؛ ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۴۴۳؛ و هدیة العارفین، ج ۲، ص ۳۵۲.
۱۱. محرق القلوب، صص ۲ و ۳؛ نسخه خطی موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، به شماره مسلسل ۱۰۰۶۹، با تلخیص. این کتاب، پیش تر چندین بار به صورت چاپ نستعلیق به زیر طبع آراسته شده است!
۱۲. لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۶.
۱۳. مخدّد اسفندیاری، کتاب شناسی تاریخی امام حسین سلام الله علیه، ص ۱۱۱.
۱۴. محدث نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۶۷، ۱۶۹ و ۱۹۵.
۱۵. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص ۱۰۸.
۱۶. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۲۷۹.
۱۷. سید محسن امین، اقبال الشیعة، ج ۲، ص ۸۸.
۱۸. در شصت و هفتاد سال پیش مرحوم ملا قاضی دربندی پیدا شد. تمام حرف های روضه الشهداء را به اضافه چیزهای دیگری پیدا کرد و همه را یکجا جمع کرد و کتابی نوشت به نام اسرار الشهداء، واقعاً مطالب این کتاب انسان را وادار می کند که به اسلام بگیرد. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۵.
۱۹. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۳۸.
۲۰. حاج شیخ عباس قزوینی، الفوائد الزیویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، ج ۱، ص ۵۴.
۲۱. محمد تقی لسان الملک سیهر، ناسخ التواریخ، به کوشش جهانگیر قائم مقامی (تهران، امیرکبیر و طهوری، ۱۳۷۷)، صص ۱۷-۴.
۲۲. زیرا که وی در جایی از کتاب گفته است: «اکنون که تاریخ هجری به هزار و دویست و نود و یک می رود» همان، ج ۶، ص ۲۶۱.
۲۳. سید محمد علی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، ص ۱۷۸.
۲۴. رک: عنوان الکلام، ص ۲۹۴.
۲۵. مانند این که امام حسین سلام الله علیه وقتی دید علی اکبر به میدان می رود سه بار مشرف به مرگ شد (ج ۱، ص ۲۵۴) یا عمه ها و خوهراں علی اکبر از رفتن وی به میدان ممانعت کردند!

گزارش خبری



ندبهی انتظار..... ۱۰۰
گزارش فعالیت‌های ستاد مرکزی و دفاتر استانی هیأت رزمندگان اسلام..... ۱۰۲



خسته از دعای بی تو!

دخیل می‌بندم، به دست‌هایت که وسعت دریاها در آن جاری است. دخیل می‌بندم به چشم‌هایت، که صداقت آسمان‌ها در آن پیداست. دخیل می‌بندم به سبزی‌نگی فضای جگران و حرمت هوایی که جمعه‌هایش وجودم را ملامال عشق می‌کند، جمعه‌ای که لبریز از دعا می‌شوم و التماس. جمعه‌ای که لبریز از تمنا می‌شوم و سرشار از ندبه و توسل. دخیل می‌بندم به تمام یاس‌ها و شقایق‌های که تو را به یادم می‌آورد و دخیل می‌بندم به هر آن‌چه که بهانه‌ای باشد تا بیشتر با تو بمانم و بیشتر بخوانمت:

ای هم سفر! قبیله ما را صدا بزن *** مردان این قبیله پریشان و خسته‌اند
آغاز کن ترانه زیبایی خنده را *** امشب چکاوکان دلم، دل شکسته‌اند

خسته‌ایم از این همه خواستن. خسته‌ایم از این همه بهانه. خسته‌ایم از این همه مرثیه فراق سردادن. خودت فرموده‌ای، بر آن که جرعه وصل تو را سرکشیده‌اند، به آنان که لحظاتی دست در دامن وصلت داشته‌اند و حضورت را شایسته شدند. خودت به آنها فرموده‌ای که زیاد دعا کنیم، زیاد ندبه بخوانیم. این باردم فرو می‌بندم و با زبان دل می‌خوانم که «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ».

آقا! عصیان، پنجه‌های خود را بر چهره عدالت کشیده است. شانه‌های زخمی زمین، دیگر تاب دوری‌ات را ندارد. پرستوها، همچنان مهاجر مکان‌های دور هستند و حرمت پرواز شکسته شده است. آبی آسمان‌ها زیر بال کرکس‌ها و خفاشان، سیاه‌پوش است. بهارِ باغ‌ها، رویش خار و خس است و شقایق‌ها غریب این دشتند. تنور بی عدالتی و نامردی همچنان دمیده می‌شود و عشق، کالای بازاری شده است. اما من ایمان دارم به صبح صادقی که از دل شام تیره بر خواهد آمد و خورشید، دست‌های طلایی، گل‌های تکیده از انتظار را نوازش خواهد کرد.

حس غریبی است که به صدها بهشت می‌ارزد؛ حس با تو بودن، حس برای تو بودن، حس قد کشیدن زیر قدم‌هایت، حس آرامش زیر بارش لبخندت و حس سرزندگی در پناه نفس‌هایت: «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النَّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»، من ایمنی بخش ساکنان زمینم همان گونه که ستارگان، ایمنی بخش ساکنان آسمان هستند...

ساکنان آسمان آن‌گاه که کتاب وحی در دست، ذوالفقار حیدر در کمر، مهر مسیح در سینه، خشم موسی در سرخواهی آمد، نسیم سبز عدالت، چون وزش نسیم بهاری جان عاشقانت را خواهد نواخت. آن وقت است که پرستوهای مهاجر، به آغوش بهار همیشگی برخوانند گشت و پاییز ماندن و زرد زیستن، در لابه‌لای برگ‌های تاریخ، فسیل خواهد و با فرمان تو، مدینه فاضله پا خواهد گرفت و اسلام جدّت از تمام تحریف‌ها پیراسته خواهد گشت.



العلیه صلی الله علیه و آله

گزارش تصویری برگزاری مراسم‌های دعای پرفیض ندبه

◀ سوریه - حرم حضرت رقیه سلام الله علیها



مراسم دعای پرفیض ندبه در اولین هفته از مهر ماه ۱۳۹۹ با سخنرانی حجت الاسلام میثم علی پناه و با نوای دلنشین کریمایی سید امیر حسینی در سوریه و به یاد شهدای والامقام مدافع حرم و سردار دلها حاج قاسم سلیمانی در جوار بارگاه آسمانی حضرت رقیه سلام الله علیها، در دانه سه ساله اباعبدالله الحسین سلام الله علیه برگزار شد. این مراسم که با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی همراه بود به صورت پخش زنده از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید.



هیات

۱۰۱

◀ بندرعباس - ناوشکن جماران



در آخرین جمعه شهریور ماه سال جاری، مراسم دعای پرفیض ندبه به یاد شهدای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در استان هرمزگان، شهر بندرعباس، منطقه یکم امامت نیروی دریایی ارتش، ناوشکن جماران برگزار گردید. این مراسم در تاریخ ۲۸ شهریور و با سخنرانی حجت الاسلام عبدالرحمن سفیدی امین و با نوای دلنشین حاج مهدی سروری اجرا شد که به صورت زنده از شبکه یک سیمای پخش گردید.



◀ آران و بیدگل - حرم شهدای گمنام حسین آباد



مراسم ملکوتی قرائت دعای ندبه در جمعه بیست و یکم شهریور ماه از نماز صبح با سخنرانی حجت الاسلام سید حسین مومنی و با نوای دلنشین حاج محتبی رضانی در استان اصفهان، شهرستان آران و بیدگل، حسین آباد کویر، حرم مطهر شهدای گمنام، برگزار گردید. این مراسم که به دلیل شرایط شیوع بیماری کرونا با جمعیت حضوری همراه نبود به صورت مجازی از شبکه یک سیمای به صورت زنده پخش شد. علاقمندان جهت دریافت جزئیات این مراسم به سایت هیأت رزمندگان اسلام مراجعه نمایند.



تهران - دانشگاه امام حسین سلام الله علیه



مراسم پرفیض دعای ندبه در تاریخ چهاردهم شهریور ماه از نماز صبح با سخنرانی حجت الاسلام بی آزار تهرانی و با نوای حاج احمد نیکبختیان در شهر تهران، مقبره شهدای گمنام دانشگاه امام حسین سلام الله علیه برگزار شد. در ضمن این مراسم ملکوتی به صورت پخش زنده از شبکه یک سیما پخش شد. به همراه پخش زنده از شبکه یک سیما برگزار می گردد.

تهران - مهدیه امام حسن سلام الله علیه



در مهدیه امام حسن سلام الله علیه، میعادگاه عاشقان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مراسم پرفیض دعای ندبه از نماز صبح با سخنرانی حجت الاسلام حیدری کاشانی و با نوای حاج سعید حدادیان در شهر تهران، خیابان آزادی، مهدیه امام حسن مجتبی سلام الله علیه با رعایت دستورالعمل های بهداشتی برگزار شد. این مراسم که در تاریخ ۳۱ مرداد ماه برگزار گردید از شبکه یک سیما به طور زنده پخش شد.

مراسم عزاداری دهه اول محرم در میدان امام حسین علیه السلام

مراسم عزاداری دهه اول محرم الحرام ۱۴۴۲ ستاد مرکزی هیات رزمندگان اسلام برگزار شد. از روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۹ مصادف با شب اول محرم الحرام به مدت ده شب بعد از نماز مغرب و عشاء در فضای باز میدان امام حسین علیه السلام با حضور جمعیت کثیری از عاشقان و عزاداران حسینی و رعایت آخرین شیوه نامه های بهداشتی



تهران - میدان امام حسین سلام الله علیه



همزمان با اولین جمعه شهریور ماه سال جاری مراسم پرفیض دعای ندبه در میدان آیینی امام حسین سلام الله علیه تهران با حضور عاشقان و منتظران حضرت بقیة الله العظمی ارواحنا له الفداء و با رعایت دستور العمل های بهداشتی برگزار شد. خاطر نشان می شود در این مراسم که به صورت زنده از شبکه یک سیما پخش شد، حجت الاسلام حسینی قمی به عنوان سخنرانی و حاج حسن شالبافان به عنوان مداح فیض بخش این محفل نورانی بودند.

قم - مسجد مقدس جمکران



آرزومندان اجابت دعای: «ای کاش وقتی خدا در صحرای محشر بگوید چه کردی؟ یوسف زهرا بگوید منتظر من بود» دلهای خود را در جمعه ۲۴ مردادماه روانه مسجد مقدس جمکران کردند و در قدمگاه اولیای الهی و میعادگاه عاشقان منتظر محفل نشین مراسم دعای ندبه شدند و از سخنرانی حجت الاسلام تراشییون و نوای حاج عباس حیدرزاده مستفیض شدند. مراسم ملکوتی که در شهر کریمه اهل بیت سلام الله علیها برگزار گردید از شبکه یک سیما پخش شد.

هیات

۱۰۳



ستاد ملی کرونا برگزار گردید. در شبهای این مراسم عظیم عزاداری و سوگواری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حجت الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی و حجت الاسلام سید حسین مؤمنی به سخنرانی و حاج سعید حدادیان و کربلایی محمدحسین حدادیان به مرثیه سرایی و مداحی پرداختند. خاطر نشان می شود این مراسم هر شب از شبکه سه سیما رأس ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه پخش گردید.





مراسم عزاداری دهه اول محرم در حرم مطهر امام خمینی رحمه الله

مراسم عزاداری دهه اول محرم الحرام ۱۴۴۲ هیات رزمندگان اسلام شهری بعد از نماز مغرب و عشا با در نظر داشتن آخرین شیوه نامه های ابلاغی ستاد ملی مبارزه با کرونا در صحن شهید حاج آقا مصطفی خمینی در حرم مطهر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه با حضور عاشقان اهل بیت علیهم السلام و سینه سوختگان سید و سالار شهیدان، با حضور جمعیت و رعایت آخرین شیوه نامه های بهداشتی ستاد ملی کرونا، رعایت فاصله گذاری و زدن ماسک برگزار شد.

در این مراسم که از روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۹ مصادف با شب اول محرم به مدت ده شب بعد از نماز مغرب و عشا برگزار گردید، حجت الاسلام و المسلمین مسعود عالی به ایراد سخن و حاج حیدر خمسه به مرثیه سرایی و روضه خوانی پرداختند. خاطرنشان می شود این مراسم باشکوه از شبکه دوم سیما هر شب رأس ساعت ۱۷:۳۰ و نیز از رسانه اینترنتی مغناطیس در پیام رسان روبیکا به صورت زنده پخش می شد.



مراسم احلی من العسل

مراسم نمادینی به یاد حماسه و رشادت یتیم امام حسن مجتبی علیه السلام، قاسم بن الحسن در دشت کربلا با حضور جمعی از نوجوانان و به همت ستاد مرکزی هیأت رزمندگان در جوار مرقد مطهر امام راحل رحمت الله علیه برگزار گردید.

در این مراسم زیبا و نمادین، نوجوانان به اجرای سرودخوانی با مضامین عاشورایی و حماسی پرداختند.





اجتماع بزرگ زنان عاشورایی در میدان امام حسین سلام الله علیه

به همت ستاد مرکزی هیات رزمندگان اسلام مراسم باشکوهی در روز سه شنبه یازده شهریور ماه مصادف با دوازده محرم و همزمان با سومین روز شهادت سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و شهدای مظلوم کربلا و حرکت کاروان اسراء از کربلا، در میدان آئینی امام حسین علیه السلام با عنوان «اجتماع بزرگ زنان عاشورایی» برگزار گردید. در این مراسم باشکوه که از ساعت ۱۸:۰۰ و در جوار مقبره شهدای گمنام برگزار شد، آقای علی اکبر رائفی پور به سخنرانی و حاج حسن شالبافان به مداحی و مرثیه خوانی پرداختند.





شهرستان نهاوند - عزاداری محرم هیأت جوانان عاشورایی

مراسم ویژه روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی در شهرستان نهاوند با محوریت جوانان عاشورایی هیأت رزمندگان با رعایت اصول بهداشتی در فضای سرباز و با حفظ فاصله گذاری اجتماعی در محوطه بیرونی مصلاي نماز جمعه شهرستان اجرا شد. برنامه عصر تاسوعا با قرائت قرآن توسط پیام بحیرایی قاری کشوری و قرائت زیارت عاشورا و ذکر مصیبت توسط مداحان اهل بیت کربلایی پرویز سرمیلی، کربلایی سجاد شاهمرادی و کربلایی مهدی رسالتی و نیز سخنرانی امام جمعه محترم شهرستان حجت الاسلام مغیثی با موضوع ایثار و فداکاری رزمندگان دوران دفاع مقدس و سیره سردار شهید میرزا محمد سلگی علمدار گردان ابوالفضل العباس علیه السلام برگزار گردید.

مراسم ویژه ظهر عاشورا نیز در همین مکان سرباز و رعایت اصول بهداشتی ابلاغی، با حضور مسئولان شهرستان و خادمان و محبان اهل بیت علیهم السلام با جمعیتی بیش از ۳۰۰ نفر برگزار گردید. در این مراسم مداحان اهل بیت به ذکر مصائب کربلا و امام جمعه محترم شهرستان به ایراد سخن با موضوع عاشورا و دستگاه انسان ساز امام حسین سلام الله علیه و عبور از ۴۰ سال بحران های انقلاب اسلامی با تأسی از مکتب عاشورا پرداختند. پایان بخش این مراسم اقامه نماز جماعت ظهر عاشورا بود.



تهران - هیأت ریحانة الحسین

مراسم عزاداری دهه اول محرم الحرام ۱۴۴۲ در هیأت ریحانة الحسین علیه السلام با سخنرانی حجت الاسلام حامد کاشانی و مرثیه خوانی مداح اهل بیت علیهم السلام، سید مجید بنی فاطمه در مجموعه پارک ارم تهران با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار شد.

رعایت تمامی نکات بهداشتی با قرار گیری منظم در صفوف عزای حسینی جلوه ارتش انقلابی ابی عبدالله الحسین را به منصفه ظهور رساند. عزاداران ثارالله با جلوه ی خاص در مجلس ماتم حاضر شده و برداغ مصیبت های خاندان اهل بیت علیهم السلام اشک ماتم ریختند.





همایش سه ساله های حسینی

همایش سه ساله های حسینی به مناسبت شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها در روز سه شنبه اول مهرماه ساعت ۱۷ همزمان با سراسر کشور و با حضور کودکان و مادران به همراه اجرای برنامه های کودکانه در حرم مطهر امام خمینی رحمت الله علیه در صحن روز شهید حاج آقا مصطفی با رعایت فاصله گذاری و اجرای دستور العمل های بهداشتی و زدن ماسک برگزار گردید. در این برنامه جذاب و نورانی حجت الاسلام شیخ حسن راستگو کارشناس حوزه کودک و نوجوان به اجرای برنامه های متنوع، با موضوع تربیت فرزند در اسلام به ایراد سخن پرداخت.



تهران - مراسم امامزاده صالح

به مناسبت سوگواری سید و سالار شهیدان، در دهه اول محرم آستان امامزاده صالح از نوادگان امام کاظم علیه السلام میزبان یکی دیگر از بزرگترین عزاداری های کشور بود. پیش بینی فضای باز صحن مقدس برای برگزاری مراسم و رعایت نکات دقیق بهداشتی توسط ملت حسینی از ویژگی های این مجلس نورانی بود.

حجت الاسلام حسینی قمی به عنوان سخنران و محمد حسین پویانفر به عنوان مداح به مدت ۱۱ شب فضای هیأت ریحانة النبى امامزاده صالح را عطر آگین کرده و دلهای عزاداران حسینی را در ماتم سید الشهداء سلام الله علیه به سوگ نشانندند.



تهران - هیأت سیار حاج محمود کریمی



امسال در شرایط خاص شیوع بیماری کرونا و محدودیت های موجود برای حضور برخی از مردم در مجالس حضوری عزاداری، فضای کوچه و خیابان های شهر شاهد ابتکار زیبایی از جانب مداح با اخلاص اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حاج محمود کریمی بودند.

نوای گرم و سوز نوحه خوانی کریمی عطر حسینی را تا منزل سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تا محله ارمنی ها و کوره پزخانه ها برد و مجالس عزاداری را به فضاهای بیرون از هیأت ها کشاند تا عاشقان و محبینی که از مجالس و دسته های عزادارانه بودند از شور و اشتیاق خیمه عزای حسینی بی نصیب نمانند.

ملت امام حسین علیه السلام امسال بیش از پیش بر حرارت آتش ماتم کربلا و عاشورا دمیدند تا بار دیگر شعار "لاتبرد ابدا" جلوه گر گردد. نوحه خوانی و هیأت سیار این مداح انقلابی با برگزاری مجلس های بی ریا در محله ها و بین اهالی غیرمسلمان همچون ارمنی ها و بین کودکان بی بضاعت اطراف تهران نشان داد که این حرارت به هیچ قیمتی خاموش شدنی نیست و هیچ عاملی نمی تواند چراغ ماتم حسین علیه السلام را خاموش سازد و هرچه به پیش می رویم بر حرارت دل مشتاقان ارباب بی کفن کربلا افزوده می گردد.



تهران - هیأت میثاق باشهدا دانشگاه امام صادق علیه السلام

دانشگاه امام صادق علیه السلام هر شب دهه اول محرم میزبان عزاداران حسینی بود. این مراسم که در فضای باز محوطه دانشگاه و با رعایت کامل فاصله گذاری اجتماعی برگزار می شد با استقبال چشمگیر دانشجویان و عموم دلدادگان مکتب امام حسین علیه السلام مواجه شد.

زینت بخش این محفل عظیم و باشکوه، معارف اهل بیت علیهم السلام و مباحث تاریخی کربلا و قیام سیدالشهدا علیه السلام بود که در بیان حجج اسلام علیرضا پناهیان و حامد کاشانی تبیین می گردید.

همچنین مدیحه سرایی پر مضمون و روضه خوانی و سینه زنی دلنشین حاج میثم مطیعی، مداح انقلابی و حماسی کشورمان، حال و هوای خاصی به این مراسم شبانه می بخشید.





تهران - هیأت مکتب الزهرا سلام الله علیها

همچون سالهای گذشته هیأت مکتب الزهرا سلام الله علیها میزبان یازده شب مراسم عزاداری و سوگواری سید و سالار شهیدان کربلا حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بود. این مراسم از پنجشنبه ۳۰ مردادماه مضاف با شب اول محرم الحرام هر شب رأس ساعت ۲۰:۳۰ در محوطه بازپادگان ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و در جمع خیل عظیم دلدادگان و سوگواران واقعه جانسوز کربلا و با رعایت پروتکل های ابلاغی ستاد ملی مبارزه با کرونا تشکیل می شد. در این محفل نورانی و پرباشنده همچون سال های گذشته به مدت یازده شب حجت الاسلام مهدی حسن آبادی و دکتر حشمت الله قنبری به ایراد سخن و نیز مداح با اخلاص اهل بیت علیهم السلام حاج محمدرضا طاهری و کربلایی حسین طاهری با نوای دلنشین خود به روضه خوانی و سینه زنی پرداختند.



ورزشگاه آیت الله سعیدی تهران - مجلس سخنرانی استاد حسین انصاریان

ورزشگاه آیت الله سعیدی در دهه اول محرم هر روز از ساعت ۷:۳۰ صبح میزبان عاشقان و دلسوختگان اباعبدالله الحسین علیه السلام بود. در این مراسم باشکوه و عظیم که با رعایت دستورالعمل های بهداشتی و رعایت فاصله گذاری اجتماعی برگزار می شد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان به سخنرانی و روضه خوانی می پرداخت. این استاد اخلاق در بخشی از مراسم خود در این ورزشگاه که با حضور مردم و در حال و هوایی آفتابی برگزار شد، گفت: «بالاخره شما هم مانند آقا و مولایتان امام حسین به آفتاب کشیده شدید. ما کار حضرت رباب سلام الله علیها را داریم انجام می دهیم. مدتی که از امام سجاد علیه السلام اجازه گرفت در کربلا بماند، چادر نشینان بعد از سه یا چهار روز خدمت ایشان عرض کردند اجازه بدید روی قبر برای شما سایه بان بزنیم، فرمود: نه، من خودم با چشمم دیدم بدن قطعه قطعه حسین علیه السلام زیر آفتاب بود.»



قم - عزاداری محرم هیأت رزمندگان اسلام

طبق برنامه هرساله در دهه اول محرم امسال نیز هیأت رزمندگان اسلام قم به برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری در سالن مجتمع امام خمینی رحمه الله در جوار گلزار شهدای حضرت علی بن جعفر سلام الله علیه اقدام کرد. این مراسم که با رعایت پروتکل های بهداشتی و فاصله گذاری همراه بود با انبوه عزاداران و شیفتگان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام روبرو شد.

در مراسم شب های محرم هیأت رزمندگان، حجت الاسلام سید بهاء الدین ضیایی به سخنرانی و حاج حسن شالبافان به مصیبت خوانی و سینه زنی پرداختند. خاطر نشان می شود این مراسم از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می گردید.



شهرستان فسا - گزارش فعالیت هیأت رزمندگان اسلام

برنامه ها و مراسم های هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هراز و صد شهید فسا به حول و قوه الهی و عنایت اهل بیت علیهم السلام و حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، وفق بخشنامه های ابلاغی ستاد مرکزی و در راستای تعظیم شعائر اسلامی و بزرگداشت مراسمات دینی، مذهبی و ملی، طی شش ماه اول سال ۹۹ عبارت است از: برگزاری مراسم شب های قدر و نماز عید سعید فطر، برگزاری مراسم هفتگی دعای کمیل، برگزاری مراسم هفتگی دعای سمات جمعه ها، برگزاری کاروان شادی عید غدیر، اطعام هزار دست پخت ظهر عید غدیر و پخش بین نیازمندان و زائران حرم مطهر شهدای گمنام، برگزاری مراسم معنوی دعای عرفه، انجام قربانی عید قربان و تحویل گوشت قربانی به اداره بهزیستی شهرستان جهت تقسیم بین نیازمندان، دیدار با خانواده معظم شهیدان در هفته دفاع مقدس و برگزاری مراسم روایتگری رزمندگان هشت سال دفاع مقدس در جوار نورانی حرم مطهر شهدای گمنام شهرستان و در تازه ترین فعالیت خود به برگزاری مراسم عزاداری دهه اول محرم، ویژه برنامه صبح تاسوعا و عاشورای حسینی، مراسم سه ساله های حسینی با سخنرانی امام جمعه محترم شهرستان اقدام نمود. همچنین پس از دهه اول محرم طی مراسمی از خادمان حسینی خواهر و برادر تجلیل به عمل آمد.





زنجان - هیأت ثارالله سلام الله علیه

عزاداران زنجانی با رعایت تمامی نکات بهداشتی در هیأت ثارالله زنجان به سوگواری محرم حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام پرداختند. این مراسم در فضای باز گلزار شهدای شهر زنجان با سخنرانی حضرت حجت الاسلام المسلمین عابدینی و مداحی حاج مهدی رسولی برگزار شد. رعایت فاصله بهداشتی در عین نظم و انضباط دقیق از ویژگی های شکوه مجلس روضه پایتخت شور و شعور حسینی بود.



یزد - هیأت انصار ولایت

هیأت انصار ولایت یزد در دهه اول محرم توفیق برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری سید و سالار شهیدان را داشت و ویژه برنامه سوگواری شب عاشورا را در جوار امامزاده سیدجعفر محمد علیه السلام با حضور جمع کثیری از عزاداران اباعبدالله سلام الله علیه و با رعایت شیوه نامه های بهداشتی برگزار کرد. قرائت مجلسی توسط قاری نوجوان در شب عاشورا، آغاز بخش محفل دهم عزاداری اباعبدالله سلام الله علیه بود و این مراسم با یاد و نام سردار شهید حاج قاسم سلیمانی آراسته شد.

سخنران مراسم، حجت الاسلام مهدوی نژاد در منبر شب های محرم به تبیین تفاوت ها و شباهت های امت موسی سلام الله علیه با امت اسلام، تحت عنوان "از نیل تا فرات" پرداخت. حجت الاسلام مهدوی نژاد، در دهمین محفل عزاداری سیدالشهدا سلام الله علیه، با خواندن روضه های عاشورایی، عزاداران دل سوخته امام حسین سلام الله علیه را با قرائت سلام مخصوص به اباعبدالله الحسین سلام الله علیه، هم نوا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه در این شب پر حزن و اندوه، زائر سیدالشهداء سلام الله علیه نمود؛ سپس ذاکر اهل بیت سلام الله علیه، برادر محمدی پناه به مداحی و ذکر مصائب جان سوز امام حسین سلام الله علیه و اهل بیتش در شب و روز عاشورا پرداخت و عزاداران حسینی، متفاوت با سال های گذشته با رعایت فاصله اجتماعی و قوانین بهداشتی بر سر و سینه زدند و در پایان زیر آسمان امامزاده سید جعفر محمد علیه السلام دست به دعا برداشتند.





شهرستان مراغه - فعالیت‌های هیأت جوانان عاشورایی

هیأت جوانان عاشورایی این فعالیت خود را از محرم سال ۱۳۹۱ با هدف ترویج فرهنگ عاشورایی و شعایر اهل بیت سلام الله علیه در بین نسل جوانان این شهرستان آغاز کرد. از برنامه‌های هر ساله این هیأت، برگزاری مراسم زیارت عاشورا، احلی من العسل و آئین سنتی تشنه لب ابوالفضل با محوریت قشر جوان و نوجوان شهرستان می باشد.

امسال علیرغم وجود محدودیت‌های بهداشتی، با همت و رعایت اعضای هیأت به اجرا و برگزاری دسته‌های عزاداری خیابانی، برگزاری آئین سنتی «تشنه لب ابوالفضل» در هشتم محرم طبق سنت هر ساله این شهرستان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی و مراسم مقتل خوانی در عصر عاشورای حسینی موفق شدند. همچنین به دلیل شیوع ویروس منحوس کرونا و عدم شرائط مساعد برای برگزاری برخی از مراسمات عزاداری، مسئولان و خادمان هیأت به یاری مستمندان و نیازمندان شهرستان شتافتند و در دهه اول محرم با جمع‌آوری نذورات و تهیه اقلام و بسته‌های معیشتی ارزاق و پخت غذای گرم به سفره نیازمندان آبرومند شهرستان رونق بخشیدند.

از دیگر فعالیت‌های این مجموعه در دهه دوم محرم الحرام که با مشارکت جامعه ایمانی مشعرو حضور دبیر استانی آن اجرا شد، برگزاری جلسه هم اندیشی و هم افزایی ویژه ارکان و خادمان فعال در عرصه مدیریت هیأت و مسئولان برگزاری مراسم اربعین می باشد.



شهرستان خوی - بازدید مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام

در بازدید از هیأت رزمندگان شهرستان خوی در تاریخ ۱۷ شهریورماه، حاج علی اکبر مداحی مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام طی مراسمی ضمن ایراد سخن با محوریت اولویت‌های هیأت رزمندگان اسلام در سال ۱۳۹۹ به تشریح سیاست‌ها، برنامه‌ها و اولویت‌های کاری هیأت رزمندگان پرداخت و نیز به اهمیت مسأله کمک مومنانه و رسیدگی به محرومین اشاره کرد. پایان بخش این نشست صمیمانه ارائه نقطه نظرات و گزارش فعالیت‌های مسئولان هیأت این شهرستان بود.





مسجد مقدس جمکران - هیأت محبین اهل بیت علیهم السلام

همزمان با فرارسیدن ایام عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، همچون سال‌های گذشته هیأت محبین اهل بیت علیهم السلام مراسم عزاداری دهه اول محرم را برگزار کرد.

این مراسم هر شب رأس ساعت ۱۷ با سخنرانی حجت الاسلام احمد پناهیان و با رعایت فاصله گذاری، نظم ویژه و رعایت پروتکل‌های بهداشتی، در شبستان کربلا، مسجد مقدس جمکران در شهر کریمه اهل بیت فاطمه معصومه سلام الله علیها برگزار می‌شد.



شهر خورموج - عزاداری دهه اول محرم

مراسم عزاداری دهه اول محرم در محل مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام شهر خورموج مرکز شهرستان دشتی استان بوشهر با حضور مردم شهید پرور این منطقه برگزار گردید. این مراسم که با رعایت موازین کامل بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی اجرا شد، حجت الاسلام محمد حاجی زاده به ایراد سخن و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به روضه خوانی و مداحی پرداختند.





صومعه سرا - گزارش عزاداری و فعالیت های هیأت رزمندگان

همزمان با عید سعید غدیر خم طرح «ضیافت غدیر» با پخت ۲۲۰۰ پرس غذای گرم در شهرستان صومعه سرا اجرا شد. پس از ایام غدیر با توجه به فرارسیدن ایام محرم و صفر و آنجا که ستاد ملی کرونا برگزاری مجالس در فضاهای مسقف را ممنوع اعلام کرده بود و این مصوبه می توانست موجب تعطیلی خیلی از محافل مذهبی و مجالس روضه بشود، در ایام عزای سید و سالار شهیدان کربلا پویش «هر کوچه یک حسینیه» با هدف آوردن روضه هیأت ها و خانه ها به کوچه های سر باز اجرا شد. این حسینیه سیار هر روز با حضور به صورت محله به محله و اجرای برنامه های مذهبی و مرثیه خوانی، زمینه مناسبی برای بهره مندی معنوی افرادی که به دلیل شیوع بیماری کرونا امکان حضور در مراسم های عزاداری برایشان فراهم نبود را ایجاد می کرد.

همچنین در روز دهم محرم به همت هیأت رزمندگان اسلام نماز ظهر عاشورا به امامت حجت الاسلام محمد مهدی راشدی نوری امام جمعه محترم صومعه سرا و رعایت کامل پروتکل های بهداشتی در میدان اصلی شهر اقامه شد و پس از اقامه فریضه ظهر و عصر، حجت الاسلام حسینی اراکی به سخنرانی پرداخت و خاطرنشان کرد که امام حسین سلام الله علیه با برپایی نماز ظهر عاشورا به تمام وجدان های بیدار اعلام کرد که هدف اواز برپایی نهضت عاشورا دین خواهی و عمل به تکلیف است. اقامه نماز ظهر عاشورا در بحبوحه جنگ توسط امام حسین سلام الله علیه و یارانش نشان از اهمیت و جایگاه این فریضه الهی در اول وقت دارد.



شهرستان بافق - مراسمات دهه اول محرم

به همت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان بافق، در اولین جمعه ماه محرم مراسم همایش شیرخوارگان حسینی در بیت الرضا علیه السلام بافق بدون حضور جمعیت برگزار شد. این مراسم از طریق شبکه های مجازی بافق آنلاین و بیت الرضا سلام الله علیه پخش گردید. گزارش دهی فعالیت های سال های قبل و امسال توسط مسئول هیأت رزمندگان پیروان عترت خواهران، سخنرانی سید ظهیرالدین طباطبایی در باب مناقب حضرت علی اصغر سلام الله علیه، مداحی حجت الاسلام باقرمیدانی و اجرای برادر قلی پور از برنامه های اجرا شده در این مراسم بود و در پایان نذرنامه که هر ساله مادران فرزندان را نذر قیام جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه می کردند، قرائت شد. قابل ذکر است با توجه به دوخت دوازده دست لباس شیرخواره اهداء و ثبت نام شیرخوارگان صورت گرفته و اسامی مزین به نام حضرت علی اصغر علیه السلام هدایایی از قبیل پلاک طلا و عسل و کتاب به تعداد ۲۰ نفر و همچنین ضمن عیادت از اطفال بستری و نوزادان تازه متولد شده با اهداء لباس متبرک و هدیه از آنها دلجویی به عمل آمد.

همچنین همایش احلی من العسل توسط دانش آموزان طرح شهید بهنام محمدی دبیرستان شیخ محمد تقی بافقی با وسایل نقلیه در سطح شهر برگزار شد. در روز عاشورا نیز نماز ظهر عاشورا به یاد اقامه نماز تاریخی حضرت ابا عبد الله الحسین سلام الله علیه و یارانشان در دشت کربلا، در شهر دارالشجاعة بافق با حضور عاشقان سید الشهداء سلام الله علیه با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار گردید.

تبریز - مراسم عزاداری هیأت رزمندگان اسلام





شهرستان نی ریز - گزارش عملکرد هیأت رزمندگان اسلام

به همت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان نی ریز آئین ویژه سوگواری و عزاداری سید و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام با حضور نماینده مردم شهرستان های نی ریز، استهبان و بختگان در مجلس شورای اسلامی، فرمانده ناحیه سپاه و بسیج شهرستان و خیل عزاداران و محبان اهل بیت علیهم السلام با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی برگزار شد. در این میان مراسمی اختصاصی ویژه شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها نیز به همت این هیأت برگزار گردید.

به گزارش واحد فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام شهرستان نی ریز، جلسه هماهنگی گرامیداشت هفته دفاع مقدس برگزار گردید. حجت اسلام والمسلمین ملک، مسئول تعلیم و تربیت ناحیه مقاومت بسیج و سپاه شهرستان نی ریز و امام جماعت هیأت رزمندگان اسلام، در این جلسه به ایراد سخن پرداخت و ضمن تبریک پیشاپیش هفته دفاع مقدس گفت: هفته دفاع مقدس یاد آور تلاش، ایثار و از خودگذشتگی رزمندگان و شهدای گرانقدری است که در سنگر دفاع مقدس برای پاسداری از میهن و ارزش های انقلاب اسلامی از جان خود گذشتند.



دزفول - دیدار با خانواده شهید عادل سعد

به همت هیأت رزمندگان اسلام دزفول، به مناسبت چهارمین سالگرد شهادت شهید مدافع حرم عادل سعد با خانواده معظم این شهید عزیز دیداری انجام گرفت.

در این دیدار که مدیر اجرایی هیأت رزمندگان و جمعی از کادر ستاد اجرایی هیأت، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی حضور داشتند از خانواده صبور و معزز شهید عادل سعد تجلیل بعمل آورده شد. شهید عادل سعد متولد ۱۳۵۲ در پانزدهم شهریور ماه سال ۹۵ در جنوب حلب منطقه راموسه در سن ۴۳ سالگی به شرف شهادت نائل آمد.



شهرارد - هیأت فاطمیون

به همت هیأت فاطمیون شهرارد مراسم عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام در دهه اول و دوم محرم با سخنرانی حجج اسلام سیدعلوی امام جمعه محترم شهرارد، سید بخشایش پورامام جمعه محترم شهرستان گراش، اسدزاد عضو هیأت امنای هیأت رزمندگان شهرارد، سیدنمازی از شهرستان لار، کهنسال و اعتمادی فر برگزار شد. در این محافل عزاداری مداحان اهل بیت علیهم السلام، آقایان حاج علمدار راهیما، کربلایی حمید کارگرفرد، کربلایی قدرت الله فرد، کربلایی احمد دلام و مشهدی موسی صادقی به ذکر مصائب کربلا پرداختند.

همچنین مراسم شام شهادت امام حسین علیه السلام و خطبه خوانی که از سالهای دور در بین خادمان هیأت مرسوم بوده امسال متأثر از شرایط کرونا به صورت محدود در حسینیه خامس آل عبا با سخنرانی حجت الاسلام اعتمادی فر برگزار گردید. خاطر نشان می شود که این مراسم به صورت پخش زنده و مستقیم از لایو اینستاگرام «ارد شهر من» پخش گردید.



کازرون - فعالیت های هیأت رزمندگان در ماه محرم

دیدار اعضای شورای هیأت رزمندگان اسلام، عترت خواهران و ستاد اربعین، خادمان رضوی و قسمت های تازه تأسیس ستاد بازسازی عتبات عالیات و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس شهرستان کازرون روز چهارشنبه ۲۶ شهریور با امام جمعه و فرمانده محترم ناحیه مقاومت بسیج با هدف تجدید بیعت با حضرت امام راحل رحمه الله و شهیدان والامقام در آستانه چهلمین سالروز دفاع مقدس برگزار گردید. در این مراسم گزارش و برنامه های در دست اقدام قسمت های مختلف توسط مسئولان مربوطه ارائه گردید. در پایان امام جمعه و فرمانده ناحیه مقاومت از زحمات همه قسمت ها در طول سال تقدیر و تشکر کردند و تاکید نمودند باید هیأت رزمندگان اسلام توسط ادارات حمایت مادی و معنوی گردد.



شهرستان آزادشهر - کمک به زلزله زدگان

اواخر شهریور ماه سال جاری زلزله ای اتفاق افتاد که کانون آن در شهرستان رامیان در فاصله ۱۰ کیلومتری شهرستان آزادشهر بود. واقع شده است. باتوجه به آسیب جدی برخی از روستاهای حومه، قرارگاه جهادی مردمی فاتح هیأت رزمندگان اسلام شهرستان آزادشهر در تیم های مختلف علمی آموزشی، عمرانی، تهیه نیازمندی های غذایی و نوشت افزار و خدمات پزشکی و درمانی به کمک مردم زلزله زده روستاهای دامنه کوه، ویرو، الهادی و قورچای شتافتند. این کمک ها و خدمات همچنان ادامه دارد.



هيات



@eheyat



@heyatt



@eheyat.ir



www.eheyat.com

الحمد لله



کجه دوریم به یاد تو سخن می گویم
به توار دور سلام